

کیمهان ۴۶۱

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۱ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۲۷

رقابت حکومت با تغییرات اقلیمی

در تخریب ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهارم

کیهان شماره ۱۹۲۷ (۴۶۱)

جمعه ۲۱ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱۰ تا ۱۶ مه ۲۰۲۴



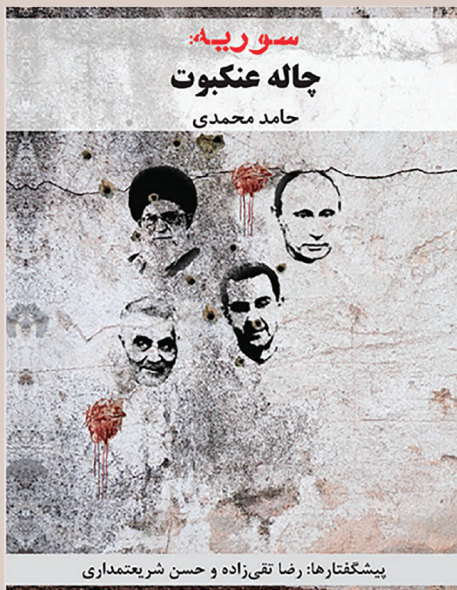
رقابت حکومت با تغییرات اقلیمی
در تخریب ایران

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کتاب «سوریه: چاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda,
MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris,
FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

کیهان

* فهرست مطالب *

سرمقاله - دلیل: جمهوری اسلامی! تا کی، تا کجا؟! تا ایران آینده! / الاهی بقرات ۴

تیر هفته - رقابت حکومت با تغییرات اقلیمی در تخریب ایران... / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه باشبکه «آی ۲۴»: متحدان طبیعی غرب مردم ایران... / ۶

طرح بنیامین نتانیاهو برای تبدیل «غزه بدون حماس» به یک قطب اقتصادی... / ۶-۷

ارتش اسرائیل کنترل «گذرگاه رفح» در سمت شرقی را به دست گرفت... / ۷

تصویب دوباره تروریستی بودن سپاه پاسداران در پارلمان کانادا... / ۸

طرح مشکوک تقسیم استان تهران؛ تشکیل «تهران شرقی» و «تهران غربی» به بهانه... / ۹

روزنامه «پبلد»: دانش آموزان مسلمان قرآن را مهم تر از قوانین می دانند... / ۱۰-۱۱

پولها کجاست؟... / خیراندیش (احمد حران) ۱۱

سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی علیخانی (بخش ۱۴)... / ۱۲-۱۳

برگزاری رزمایش «تسلیمات تاکتیکی اتمی» در روسیه به دستور ولادیمیر پوتین... / ۱۴

دو عضو ارشد کنگره آمریکا: اسناد طبقه بندی شده در ایمیل و موبایل رابرت مالی... / ۱۵

دانشگاه پرینستون با استاد حامی حماس، حزب الله و تروریسم همراهی می کند... / ۱۶-۱۷

درخواست رؤسای جمهوری چین و فرانسه برای «حل و فصل سیاسی» موضوع... / ۱۷

مسلمانان افراطی در انگلستان وار و با به اسم حمایت از فلسطین جولان می دهند... / ۱۸

تور منطقه ای آنتونی بلینکن بعد از حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل... / ۱۹

راهکارها و ابتکارات برای موضوع فلسطین... / محمود دمسالتی ۲۰-۲۱

به نام دموکراسی!... / نادر صدیقی ۲۲-۲۳

پروفسور دیوید مناشری: اسرائیل در پاسخ به «صبر استراتژیک» جمهوری اسلامی از... / ۲۴-۲۵

به بهانه «حجاب»: اتصال اجباری همه دوربین های ادارات و کسب و... / ۲۶-۲۷

«عملیات پیشدستانه» پلیس فتا علیه «لایوهای مستهجن» و مدلیتک در... / ۲۷

گزارش اندیشکده «تبادل سیاست» در باره نفوذ جمهوری اسلامی در... / ۲۸-۲۹

«دهن لقی» حزب اللهی ها و «طنازی امنیتی ها» سری بودن فرار دادشهر داری... / ۲۹

نتایج یک پیمایش حکومتی؛ نارضایتی گسترده زنان، جوانان و تحصیلکرده های... / ۳۰

اعمال محدودیت برای ۲۰۰ استاد دانشگاه و اخراج ۲۵ استاد دانشگاه... / ۳۱

اعتصاب طلافروشان در برود؛ بلمب مغازه های طلافروشان معترض در مشهد... / ۳۲

رجح خوانی حسین سلامی: عصر طلایی مجاهدت های خامنه ای آغاز شده!... / ۳۲-۳۳

با گسترش اعتصاب طلافروشان دولت مجبور به «عقب نشینی» شد... / ۳۳

باز هم جمهوری اسلامی تکران «کرامت زن» و... / افروز نوردستروم ۳۴-۳۵

هشدار مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در باره بودجه «چالش برانگیز»... / ۳۵

یک وزیر دولت اسرائیل حمله تلافی جویانه به پایگاه نیروی هوایی جمهوری اسلامی... / ۳۶

کمال خرازی در مصاحبه باشبکه «الجزیره»: اگر موجودیت ما تهدید شود ناچاریم... / ۳۶-۳۷

آمریکایکبه دنبال تحریم پروازهای ناوگان هواپیمایی «ایران ایر» به اروپاست... / ۳۷

ماراتن شهر داری تهران برای ساختن یک مسجد دیگر در پارک... / ۳۸-۳۹

نظم پهلوی، کشتی نجات ایران و غرب... / سیاوش پندار ۳۹

ارائه آمارهای اقتصادی در جریان درگیری های جناحی حکومت... / ۴۰

یک هفته ریزش بورس؛ خروج حداقل ۵۷۵ میلیارد تومان پول حقیقی... / ۴۱

حکم مهم دادگاه یالتی آلمان در ارتباط با فعالیت های سیاسی... / حنیف حیدر نژاد ۴۲-۴۳

وضعیت کارگران ایران... / احمد بارکی زاده ۴۳

بازگشت بنزین پتروشیمی به چرخه سوخت با وجود آلابندگی شدید و خطر... / ۴۴

ثبت ۸۶ درصدی بیکاری زنان جوان در لرستان و ۴۳ درصد مردان جوان در کرمانشاه... / ۴۵

احتمال تخریب تخت جمشید، نقش رستم و میدان نقش جهان... / ۴۶-۴۷

گروگانگیری سلامت مردم برای تحمیل «حجاب اجباری»... / ۴۷

کارزار شهر و ندان تهران برای برکناری علیرضا زاکانی... / ۴۸

طی سه سال گذشته زمین زیر پای ۱۸۶ مدرسه در اصفهان خالی شد... / ۴۹

مرگ و معلولیت بیماران به دلیل کمبود گرانی دارو... / ۵۰-۵۱

دستمزد آموزگاران در ایران یک هفتم ارزش دستمزد آموزگاران دبستان در ترکیه... / ۵۱

بحران مهاجران افغانستانی در ایران... / ۵۲-۵۳

«مبیس برشیا» برای نخستین بار در رقابت های جهانی دختر شایسته جهان... / ۵۳

افزایش ۳/۱۱ درصدی کشته شدن کارگران در محیط کار... / ۵۴-۵۵

رئیس انجمن جامعه شناسی ایران: «پروژه یکدست سازی» مردم با اعمال زور و فشار از... / ۵۵

وضعیت تکران کننده تغییرات اقلیمی در ایران با پروژه های انتقال آب... / ۵۶-۵۷

تیم پناهندگان المپیک با چهارده ورزشکار ایرانی در بازی های تابستانی پاریس... / ۵۷

خبرهای کوتاه... / ۵۸-۵۹

پشت جلد - عکس هفته / تنهازن تماشاچی مسابقه پرسپولیس - نساجی! ۶۰

بازنشر
بازنشر



رقابت حکومت با تغییرات اقلیمی در تخریب ایران



● **اقدامات جمهوری اسلامی یا بطور مستقیم تخریب‌های گسترده زیست محیطی به دنبال داشته یا بستری برای تشدید آثار تخریبی تغییرات اقلیمی فراهم کرده است.**

در روزهای گذشته همچنین اطلاعاتی از اثرات فرونشست بر آثار تاریخی و میراث فرهنگی کشور منتشر شد. بر این اساس در استان فارس بیشترین نرخ فرونشست زمین در محدوده مرودشت است که به ۱۷ سانتیمتر در سال می‌رسد. تخت جمشید و نقش رستم در این محدوده قرار دارد. در اصفهان نیز میدان نقش جهان و سی و سه پل و پل خواجه متاثر از فرونشست زمین ترک خورده و آسیب دیده‌اند. آمارها نشان می‌دهد ایران از نظر مدیریت منابع طبیعی از میان ۸۹ کشور صاحب منابع، رتبه ۶۹ و شاخص ۳۸ از ۱۰۰ را کسب کرده که بیانگر مدیریت بسیار ضعیف است. علی طالبی رئیس انجمن آب‌خیزداری ایران فروردین امسال اعلام کرد وضعیت فرسایش خاک در ایران سه برابر میانگین کشورهای آسیایی و ۲۰ برابر میانگین جهانی است. همچنین بر اساس آمارهای رسمی در بیش از یک دهه اخیر، ۵۰۰ گونه جانوری در جهان به دلیل تغییرات اقلیمی منقرض شده و نزدیک به ۶۰۰ گونه دیگر در معرض انقراض قرار دارند. بخش قابل توجهی از خسارت‌های محیط زیست در ایران اما به دلیل اقدامات جمهوری اسلامی از جمله مدیریت ناکارآمد منابع آب و یا تخریب‌های گسترده زیست محیطی بطور مستقیم است که پیامدهای تغییرات آب و هوایی را تشدید کرده است.

دامنه گسترده خسارت؛ انسان و اقتصاد

مؤلفه‌های تغییرات اقلیمی در ایران نشان می‌دهند شرایط بحرانی بر محیط زیست ایران حاکم است؛ با افزایش دما میزان بارش‌ها هر ساله روند کاهشی داشته و در نتیجه کاهش آب‌های زیرزمینی و تبخیر آب سرعت یافته است.

تغییرات اقلیمی به تغییر مداوم در دما، بارش، باد و سایر عناصر آب و هوایی گفته می‌شود که پیامدهای

پیامدهای تغییرات اقلیمی در هفته‌های گذشته در منطقه خلیج فارس و دریای عمان رکورد شکست. بارندگی شدید سبب سیل در کشورهایی چون ایران و افغانستان شد و حتی امارات، بحرین، قطر و عربستان نیز بارندگی‌های کم‌سابقه داشتند. در ایران اما طی روزهای گذشته مرتب خبرهای نگران‌کننده درباره آنچه به عنوان آثار تغییرات آب و هوایی شناخته می‌شود منتشر شده است. طی سه ماه گذشته ۲۳ استان ایران گرفتار سیل و آب‌گرفتگی شده‌اند. بارندگی‌های سیل‌آسا مشکلات فراوانی برای ساکنان این مناطق به وجود آورد که در این میان وضعیت استان سیستان و بلوچستان بحرانی‌تر از دیگر استان‌هاست. خبرهای ناگواری نیز درباره فرونشست زمین در ایران منتشر شده بطوری که به گفته علی بیت‌اللهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، نیمی از جمعیت کشور روی پهنه درگیر با فرونشست سکونت دارند. فرونشست زمین در تمام استان‌های ایران دیده می‌شود و بر اساس آمارهای جهانی ایران به عنوان دومین کشور دنیا از نظر میزان و سومین کشور از نظر مساحت فرونشست در جهان شناخته می‌شود.

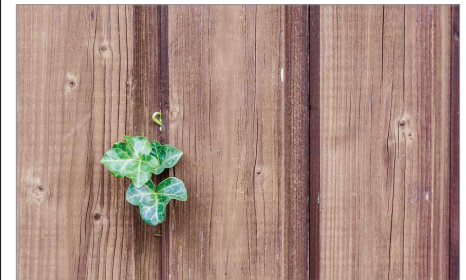
این پدیده که ناشی از کم‌آبی و کاهش آب‌های زیرزمینی است حتی به استان‌های پرآب و مرطوب شمالی کشور نیز رسیده و در یک نوار ساحلی شمالی، جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر را در استان گیلان و مازندران تهدید می‌کند.

در این میان استان اصفهان به عنوان بحرانی‌ترین استان از نظر گسترش فرونشست زمین معرفی شده است. نرخ فرونشست در اصفهان ۴۵ برابر نرخ جهانی است؛ طبق استاندارد جهانی ۴ میلی‌متر فرونشست در یک سال به معنای بحران است. فرونشست زمین در اصفهان تا ۱۸۴ میلی‌متر در سال افزایش داشته است.

سرمقاله

دلیل: جمهوری اسلامی! تا کی، تا کجا؟ تا ایران آینده!

تحقیقات آزاد و مستقل در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی بی‌تردید اعداد و ارقام تکانه‌دهنده و واقعیت‌هولناکی را برملا خواهد کرد که تنها دو نمونه از آنها، یکی در عرصه خودکشی است و دیگری فشار ضدبشری بر زنان که مانند زنجیر بهم پیوسته و در طول چهار دهه همواره در حال سنگین‌تر شدن بوده است. بی‌دلیل نیست که حتی آمار ناقص رسمی نیز درباره خودکشی زنان در ایران بالاست.



از سوی دیگر، جامعه حکومت را به ویژه در زمینه‌ی آزادی‌های اجتماعی، اگرچه نه رسمی و قانونی، ولی در عمل به عقب‌نشینی واداشته است. رژیم اما برای فتح سنگرهای از دست رفته، در تلاشی بیهوده، «علاج» را در تداوم سرکوب با شیوه‌هایی می‌بیند که بدون به دست آوردن نتیجه مطلوب برایش فقط هزینه دارد؛ هم مالی و هم دامن زدن به خشم و انزجاری که بار دیگر فوران خواهد کرد.

با اینهمه حکومت اسلامی تا زمانی که هست، گسترش ناامیدی در جامعه به سود آن عمل می‌کند. دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ پس از انتشار خبرهای متعدد خودکشی پزشکان، تیرت گزارش «تجارت نیوز» در همین ارتباط بسیار تکانه‌دهنده بود: «هر ده روز یک پزشک خودکشی می‌کند». بر اساس آمارهای رسمی تنها در سال ۱۴۰۲ شانزده پزشک دست به خودکشی زدند.

بطور کلی آمار دقیقی درباره «خودکشی» از جمله به دلیل حساسیت و پنهانکاری خانواده‌ها وجود ندارد. اگر زمانی خبر یک «خودکشی» در یک شهر مثل مپ می‌ترکید، حالا سال‌هاست که شیخ آن بر سر همه خانواده‌ها در سراسر ایران سایه انداخته است. همچنین اگر زمانی خودکشی با دلایلی مانند افسردگی و مسائل روان و یا مشکلات خانوادگی و اقتصادی توضیح داده می‌شد، سال‌هاست که نه تنها دلایل آن گسترش یافته بلکه هر سن و سال و با هر تعلق طبقاتی و اجتماعی را تهدید می‌کند. توجه به این دو نکته برای بررسی سیاسی و اجتماعی «خودکشی» در جمهوری اسلامی بسیار مهم است.

در این میان خودکشی پزشکان به دلیل «مشکلات معیشتی و بی‌حرمتی»، آنگونه که بسیاری از پزشکان مطرح می‌کنند، یک طنز تلخ در دنیای بی‌ارونه است؛ شغلی که زمانی مترادف با درآمد عالی و احترام بود، حالا برخی شاغلانش در سنین شوک‌فایی و بهره‌برداری از زحمات خود برای یک زندگی آسوده و مرفه، به خاطر «مشکلات معیشتی» و «بی‌حرمتی» دست به خودکشی می‌زنند! مشکل کجاست؟! در کدام کشورها چنین پدیده‌ای وجود دارد؟

خودکشی به عنوان یک معضل بشری، هر دلیل روانشناسی که در مورد هر فرد داشته باشد، گسترش نگران‌کننده و هشداردهنده‌ی آن در ایران پس از ۵۷ به همه قشرها و به هر سن و سالی، از نظر سیاسی و اجتماعی یک دلیل اصلی دارد: جمهوری اسلامی! اما تا کی و تا کجا؟ تا ایران آینده! تردید نباید داشت اینکه آمار خودکشی مانند بسیاری از مشکلات دیگر در جامعه آزاد و عادی ایران آینده کاهش بیابد نه تنها قابل تصور بلکه کاملاً عملی است و چنین نیز خواهد شد.

جمله کاهش ذخایر آبی پشت سدها، ریزگردها و توفان‌های شدید، سیل، خشکسالی، موج‌های گرمایی، موج‌های سرمای و کاهش منابع ذخایر برف و کاهش کیفیت هوا را تحمل کرده است. این عوارض همچنین اثراتی بر شهروندان و تغییر آرایش جمعیتی، اقتصاد، میراث تاریخی و حتی افزایش نارضایتی‌های سیاسی داشته است.

بی‌عملی دولت در مورد تغییرات اقلیمی در کشور حتی انتقاد داریوش گل‌علیزاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشته است؛ او گفته «تا کنون اقداماتی تأثیرگذار جهت سازگاری و افزایش تاب‌آوری کشور در مقابل اثرات تغییرات اقلیمی اجرایی نشده است و این امر خسارت‌های بسیاری به اقتصاد، منابع طبیعی و محیط‌زیست وارد می‌کند.»

داریوش گل‌علیزاده افزوده که در ۲ سال اخیر، ۸۰۰ هزار نفر از استان‌های مرکزی و جنوبی کشور به دلیل تغییرات اقلیمی به استان‌های شمالی مهاجرت کردند که و این پیامد جدی تغییرات اقلیمی در کشور است و می‌تواند در آینده ابعاد امنیتی نیز داشته باشد.

او همچنین نقش خشک شدن تالاب‌ها را بر مباحث اقتصادی و معیشت مردم محلی را مورد اشاره قرار داده و گفته بود که با نابودی اراضی کشاورزی، جنگل‌ها و مراتع بر اثر آتش‌سوزی، معیشت مردم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و با افزایش مشکلات اقتصادی، تخریب منابع و محیط‌زیست ایجاد خواهد شد.

حسین اینانلو کارشناس اقلیم‌شناسی نیز سال گذشته خبر داد که استان‌های دو سوی رشته کوه البرز خشکسالی و تغییر اقلیم فاجعه‌آمیزتری را تجربه می‌کنند.

حسین اینانلو با تأکید بر اینکه «ایران نه با خشکسالی که با خشکیدگی روبروست» گفته بود «اگر موضوع خشکسالی باشد پس از چند سال رفع می‌شود و این موضوعی است که در طول تاریخ بارها اتفاق افتاده و پس از خشکسالی شاهد ترسالی بوده‌ایم اما پدیده‌ای که امروز با آن روبرو هستیم مسئله خشکیدگی است که قطع نمی‌شود و ادامه دارد.»

بخشی از آنچه حسین اینانلو «خشکیدگی» در کشور خوانده در نتیجه اقدامات غیرکارشناسی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، از جمله سدسازی‌های غیراصولی و غیرعلمی است که از دوران آکر هاشمی رفسنجانی آغاز شد. محمدرضا فرزانه پژوهشگر ارشد مطالعات آب و توسعه پایدار معتقد است «تنها استراتژی متناسب با کشور ما، استراتژی تالاب است که جنبه سازگاری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش خسارت‌های مخاطرات طبیعی را دارد.»

او توضیح داده که «در کشورمان ۲۲۶ تالاب داریم که متأسفانه بسیاری از آنها در حال خشک شدن هستند. بنابراین جا دارد درباره اهمیت تالاب بیشتر گفتگو و مطالعه کنیم و ببینیم ما در حال از دست دادن چه نعمت بزرگی هستیم. اگر تالاب‌ها خشک شوند ما نمی‌توانیم هیچ چیز دیگری را جایگزین آن کنیم. تنها استراتژی متناسب با کشور ما، استراتژی تالاب است که جنبه سازگاری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش خسارت‌های مخاطرات طبیعی دارد.»

تجارب کشورهای دیگر از جمله اسرائیل و عربستان سعودی و همچنین ایالت‌های خشک آمریکا نشان می‌دهد که برای مشکل «خشکیدگی» و تغییرات اقلیمی در ایران به عنوان یک سرزمین خشک و کویری، راهکارهای مدرن و عملی وجود دارد اما نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی‌های اصولی است که نه از جمهوری اسلامی بر می‌آید و نه اساساً دغدغه‌ی آن است.

برای جایگزین کردن انرژی‌های تجدیدپذیر در دستور دولت قرار داشت اما چهار دهه تعلل جمهوری اسلامی سبب شده همچنان ۹۰ درصد انرژی کشور از محل سوخت‌های فسیلی تأمین شود. این در حالیست که ایران با توجه به گستردگی و تنوع جغرافیایی امکان بهره‌برداری از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر از جمله انرژی خورشید و باد را دارد.



سحر تاجبخش مسلمان رئیس سازمان هواشناسی کشور اسفندماه گذشته اعلام کرد که روند تغییرات پارامترهای جوی دنیا در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که غرب آسیا و ایران یکی از مناطق شاخص از نظر افزایش دما، افزایش خشکسالی و کاهش بارش در دنیا بوده است.

تمدن ایران در حالی طی دو هزار و پانصد سال گذشته توانسته بود با طبیعت خشک و نیمه‌خشک کشور سازگار شود و منابع آبی را با اقداماتی مانند احداث قنات حفظ کند و همزمان بیشترین بهره‌برداری را نیز از آنها داشته باشد، اما جمهوری اسلامی طی نیم قرن توانسته مشکلاتی عمیق و حتی غیرقابل جبران در حوزه محیط‌زیست ایران ایجاد کند که اثراتی مخرب‌تر از تغییرات اقلیمی داشته‌اند. یک سال و نیم پیش بود که مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران اعلام کرد که بررسی مدل‌های تغییرات اقلیمی ایران، از احتمال وقوع ناهنجاری‌های دما تا افاق ۲۰۴۰ در نیمه شمالی کشور و تغییرات عمده در بارش‌های یک‌روزه و افزایش روزهای خشک در سایر نقاط، به ویژه در منطقه زاگرس و منطقه جنوب و شرق کشور حکایت دارد.

بر اساس اعلام این مرکز پیامد دیگر این تغییرات تا بیست سال آینده، تغییر پهنه‌های اقلیمی در ایران است. برای مثال در استان «خراسان رضوی»، پهنه اقلیم سرد از دست خواهد رفت و با تابستان‌های خشک و بسیار گرم در ۲۰ سال آینده، بیابان‌های خشک و بسیار گرم در این استان افزایش خواهند یافت. همچنین در مناطقی مانند سرخس، کلات و درگز که در حال حاضر دارای اقلیم بیابانی خشک و سرد هستند، در ۲۰ سال آینده به مناطق بیابانی خشک و بسیار گرم تبدیل خواهند شد.

با وجود آمارهای نگران‌کننده و هشدارهای پی در پی و چند ساله کارشناسان اما هیچ تلاشی برای رویارویی با تغییرات اقلیمی و کاهش عوارض آن صورت نگرفته است. ایران طی سال‌های گذشته عوارض ناشی از تغییر اقلیم از

فراگیر و پیچیده و غالباً پایدار در محیط‌زیست و فعالیت انسان دارد. این پیامدها ابعاد مختلفی دارد بطوری که امسال سازمان جهانی کار هدف «کنترل اثرات تحولات اقلیمی بر سلامت کارگران» را در روز جهانی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در دستور کار قرار داده و از جمله با شعار «در شرایط تغییرات اقلیمی از سلامت کارگران مطمئن شوید» آن را مطرح کرده است.

حسن اصیلیان مهابانی رئیس انجمن متخصصین بهداشت حرفه‌ای ایران نیز گفته بیش از ۷۰ درصد کارگران در معرض خطرات ناشی از این تغییرات هستند و اقدامات ایمنی هنوز تأثیری بر مهار مخاطرات تازه نداشته است.

بر اساس آخرین ارقام سازمان جهانی کار در سال ۲۰۲۰، حدوداً دو میلیارد کارگر در سال در معرض مشکلات گرمای بیش از حد قرار می‌گیرند. طبق همین گزارش یک میلیارد کارگر در معرض اشعه فرابنفش و بیش از یک و نیم میلیارد کارگر نیز در معرض آلودگی هوای محیط کار قرار می‌گیرند. همچنین ۸۷۰ میلیون کارگر در معرض سموم مختلف هستند و سالانه ۳۰۰ هزار کارگر در جهان از همین مسمومیت جان خود را از دست می‌دهند.

از سوی دیگر سال‌هاست که شهروندان، اقتصاد، محیط زیست و حتی میراث تاریخی کشور همراه با تغییرات اقلیمی از جمله خشکسالی و ترسالی دچار هزینه می‌شوند. برای نمونه از بارزترین آثار باستانی در معرض تهدیدات تغییرات اقلیمی تخت‌جمشید است که با شرایط شدید جوی از جمله توفان شن و نوسانات دما روبرو شده و فرسایش و تخریب ویرانه‌های تاریخی و نگاره‌های برجسته‌ی آن سرعت گرفته است. چغازنبیل هم مورد دیگر است؛ این میراث جهانی یونسکو در خوزستان به دلیل تغییرات هیدرولوژیک منطقه، مستعد تبلور نمک است که باعث آسیب ساختاری به سازه‌های آن می‌شود.

دردناک آنکه هنوز راهکارهای اقلیمی در طرح‌های کلان کشور جایی ندارد و در لویح سالانه بودجه یا برنامه‌های پنج ساله توسعه به صورت نمایشی نشانه‌ای از مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی دیده می‌شود.

در خارج از مرزهای ایران اما سال‌هاست بسیاری از کشورها از جمله بریتانیا، ایتالیا، ایالات متحده، فرانسه، چین و هند از فناوری‌های جدید دیجیتال و هوش مصنوعی برای کمک به حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی خود استفاده می‌کنند. همچنین از آنجا که کودکان و زنان در صف اول آسیب‌پذیری از این تغییرات قرار دارند، در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته با آموزش و برنامه‌ریزی تلاش می‌شود از اضطراب محیط زیستی و اثرات آن بر زنان و کودکان بکاهند. همچنین تلاش شده این پدیده وارد ادبیات عمومی و ساختار آموزشی شود تا درباره تغییرات اقلیمی و شیوه سازگاری با آن برای همه اقشار و از سنین پایین روشنگری شود.

تخریب نظام تاریخی سازگار با اقلیم ایران توسط حکومت

در حالی که کارشناسان «مدیریت منابع آب» را یکی از ضروری‌ترین و مهمترین اقدامات برای جلوگیری از افزایش خسارت‌های تغییر اقلیم می‌دانند اما برنامه‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته برای مدیریت منابع آبی ناکارآمد و غیرموثر بوده است.

کارشناسان «راندانم آبیاری و بهره‌وری آب کشاورزی»، «تغییر الگوی بارندگی»، «بیابان منفی آبخوان‌ها» و از همه مهمتر «پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای» را از جمله عوامل تشدیدکننده مشکلات تغییر اقلیم در ایران ارزیابی می‌کنند. با اینکه نیم قرن پیش و در زمان محمدرضا شاه فقید تحقیقات

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه «آی ۲۴»: متحدان طبیعی غرب مردم ایران هستند که روزانه با حکومت مبارزه می‌کنند

طرح بنیامین نتانیاهو برای تبدیل «غزه» بدون حماس» به یک قطب اقتصادی تا سال ۲۰۳۵

● طرح پیشنهادی بنیامین نتانیاهو با عنوان «از بحران تا رفاه» سه مرحله دارد که می‌بایست طی ۱۰ سال اجرا شود و شامل خودگردانی آن پس از نابودی حماس و در نهایت ادغام غزه در اقتصاد منطقه با کمک کشورهای عربی و تبدیل آن به یک منطقه آزاد تجاری و قطب سرمایه‌گذاری است.

● بر اساس این طرح در مرحله اول طی ۱۲ ماه، مناطق امن و عاری از کنترل حماس توسط اسرائیل در غزه ایجاد خواهد شد و ائتلافی از کشورهای عربی کمک‌های بشردوستانه را در مناطق امنی که از شمال شروع شده و به آرامی به سمت جنوب گسترش می‌یابد، با نظارت کامل توزیع می‌شود و فلسطینیان غزه مناطق امن را تحت نظارت کشورهای عربی اداره خواهند کرد.

● در مرحله دوم که ۵ تا ۱۰ سال طول خواهد کشید، یک ائتلاف عربی در نهادی به نام «اداره توانبخشی غزه» بر روند بازسازی و مدیریت امور مالی نوار غزه نظارت کرده و فلسطینیان غزه، منطقه را اداره کرده و مسئولیت مدیریت آن را بر عهده خواهند گرفت.

● در مرحله سوم که «خودگردانی» نام گرفته، قدرت به آرامی به یک دولت محلی غزه یا یک دولت متحد فلسطینی منتقل خواهد شد تا ضمن تضمین امنیت اسرائیل گام نهایی مدیریت غزه توسط فلسطینی‌ها بطور کامل برداشته شود و آنها نیز به «بیمان ابراهیم» بپیوندند.

● یکی از ایده‌های مطرح شده توسط این طرح تبدیل غزه به یک مرکز کلیدی برای تولید اتومبیل‌های برقی است. امید این است که همه این ادغام نه تنها غزه بلکه العریش و سدروت را به رقیبی با تولید ارزان چینی تبدیل کند.

گفتگوها و صحبت‌های زیادی در مورد اینکه دقیقاً برنامه‌های اسرائیل برای غزه پس از جنگ چگونه خواهد بود وجود دارد. اسناد دفتر نخست‌وزیری اسرائیل روز جمعه سوم ماه مه (۱۳ اردیبهشت) به صورت آنلاین منتشر شد که نشان دهنده طرح اسرائیل برای احیای اقتصاد غزه است. به گزارش روزنامه «اورشلیم پست» طرح پیشنهادی بنیامین نتانیاهو با عنوان «از بحران تا رفاه» سه مرحله دارد که طی ۱۰ سال می‌بایست اجرا شود و شامل خودگردانی آن پس از نابودی سازمان تروریستی حماس و در نهایت ادغام غزه در اقتصاد منطقه با کمک کشورهای عربی و تبدیل آن به یک منطقه آزاد تجاری و قطب سرمایه‌گذاری است.

بر اساس این طرح، در مرحله اول طی ۱۲ ماه، مناطق امن و عاری از کنترل حماس توسط اسرائیل در غزه ایجاد خواهد شد و ائتلافی از کشورهای عربی کمک‌های بشردوستانه در مناطق امنی که از شمال شروع شده و به آرامی به سمت جنوب گسترش می‌یابد، و با نظارت کامل توزیع می‌شود و فلسطینیان غزه مناطق امن را تحت نظارت کشورهای



در سیاست خارجی قدرت‌های غربی یک تغییر مسیر کلی در نظر گرفتند راه حل نهایی یعنی تغییر رژیم ایجاد شود. این در واقع خواست مردم ایران است که سال‌هاست به دنبال آن هستند. مردم ایران بدون هیچ حمایتی هر روز با رژیم مبارزه می‌کنند. در نتیجه بجای مذاکره با این رژیم که هیچ توافقی هم از آن حاصل نمی‌شود باید از مردم حمایت کرد.»

شاهزاده رضا پهلوی مذاکره با جمهوری اسلامی به امید تغییر رفتار رژیم را به «مذاکره با گرگ برای تبدیل کردن آن به بره» تشبیه کرد و گفت: «این با دی‌ان‌ای رژیم در تضاد است و اگر چنین تغییری به وجود بیاید دیگر این رژیم جمهوری اسلامی نیست. چنین انتظاری همیشه غلط بوده و زمان زیادی برای آن تلف شده؛ اما هنوز دیر نیست.»

به گفته‌ی وی «مردم ایران متحدان واقعی جهان هستند و اکنون زمان آن رسیده که در جهتی متفاوت عمل کنیم.»

در بخش دیگری از این مصاحبه شاهزاده پهلوی گفت: «چهل سال است که دنیا به دنبال تغییر رفتار رژیمی است که می‌خواهد علیه مردم خودش مبارزه کند... اکنون زمان آن فرا رسیده که جهان با متحدان طبیعی خود که مردم ایران هستند هم‌پیمان شود. ایرانیان مدت‌هاست که برای آزادی می‌جنگند، این یک واقعیت است.»

وی با تأکید بر «تضمین سکولاریسم، دموکراسی و حقوق بشر» و همچنین پایان هرگونه تبعیض علیه اقلیت‌ها، اقوام، ادیان و گرایش‌های جنسی به عنوان ضروریات حکومت آینده ایران، تأکید کرد: «در نهایت ما باید یک کشور مدرن در قرن بیست و یکم باشیم و به نظر من ایرانیان برای پیوستن به جهان آزاد آماده‌اند و تنها مانع بین ما و جهان آزاد همین رژیم است.»

یکی از پرسش‌های مجری برنامه درباره بازگشت به ایران بود و اینکه «رضا پهلوی کی در تهران خواهد بود؟» شاهزاده پاسخ داد: «امیدوارم کشورم را روزی دوباره ببینم و از سال ۱۹۷۹ همیشه همین امید را داشتم. فکر می‌کنم به عنوان یک ایرانی همیشه دوست داشتم که بتوانم دوباره کشورم را ببینم، خانواده نیز همینطور. ما به امید روزی هستیم که بتوانیم آزادانه در کشور خودمان زندگی کنیم.»

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با بخش فرانسوی تلویزیون «آی ۲۴» اسرائیل بار دیگر تأکید کرد که نتیجه مباحثات دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی نه تنها نتیجه مثبتی نداشته بلکه باعث شد که رژیم سرکوب علیه مردم ایران را شدیدتر کند.

● وی مذاکره با جمهوری اسلامی به امید تغییر رفتار رژیم را به «مذاکره با گرگ برای تبدیل کردن آن به بره» تشبیه کرد و گفت: «این با دی‌ان‌ای رژیم در تضاد است و اگر چنین تغییری به وجود بیاید دیگر این رژیم جمهوری اسلامی نیست. چنین انتظاری همیشه غلط بوده و زمان زیادی برای آن تلف شده؛ اما هنوز دیر نیست.»

● به گفته‌ی شاهزاده رضا پهلوی «مردم ایران متحدان واقعی جهان هستند و اکنون زمان آن رسیده که در جهتی متفاوت عمل کنیم.»

● او در بخشی از این مصاحبه با تأکید بر «تضمین سکولاریسم، دموکراسی و حقوق بشر» و همچنین پایان هرگونه تبعیض علیه اقلیت‌ها، اقوام، ادیان و گرایش‌های جنسی به عنوان ضروریات حکومت آینده ایران، تأکید کرد: «در نهایت ما باید یک کشور مدرن در قرن بیست و یکم باشیم و به نظر من ایرانیان برای پیوستن به جهان آزاد آماده‌اند و تنها مانع بین ما و جهان آزاد همین رژیم است.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با بخش فرانسوی تلویزیون «آی ۲۴» اسرائیل بار دیگر تأکید کرد که نتیجه مباحثات دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی نه تنها نتیجه مثبتی نداشته بلکه باعث شده است که رژیم سرکوب علیه مردم ایران را شدیدتر کند. در این مصاحبه که هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) پخش شد شاهزاده رضا پهلوی عنوان کرد، سرمایه سیاسی خود را اعتماد و حمایت مردم ایران می‌داند.

مجری این شبکه با بیان اینکه «بر اساس چندین نظرسنجی شما با فاصله‌ای قابل توجه شخصیت سیاسی محبوب ایرانیان معرفی می‌شوید» به مقاله روزنامه «ساندی تایمز» با عنوان «چرا جوانان ایرانی از بازگشت شاهزاده استقبال خواهند کرد» نیز اشاره کرد و پرسید: «واکنش شما به درخواست ایرانیان برای بازگشت به کشور چیست؟» شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد: «اول اینکه برخورداری از اعتماد مردم و حمایت بسیار آنها علاوه بر اینکه برای من یک مشوق است، یک سرمایه سیاسی نیز هست که امیدوارم برای ایفای نقش در دوران گذار مؤثر باشد تا بتوانیم در نهایت به خواست اکثریت مردم ایران که دستیابی به دموکراسی و در تضاد با رژیم کنونی است،

جامه عمل ببوشانیم. این شرایط در عین حال که به من آزادی عمل زیادی می‌دهد ولی مسئولیت اخلاقی بیشتری نیز ایجاد می‌کند تا هم در میدان عمل و هم در راه تسهیل گذار به دموکراسی تلاش بیشتری کنم.»

بخشی از پرسش‌ها در رابطه با سیاست فعلی غربی‌ها به ویژه دولت جو بایدن در قبال جمهوری اسلامی بود که شاهزاده رضا پهلوی چنین پاسخ داد: «پس از چهل سال ما شواهدی داریم که نشان می‌دهد سیاست مبتنی بر انتظار تغییر رفتار رژیم ایران و سیاست مباحثات هیچ نتیجه مثبتی نداشته و فقط باعث تشویق رژیم شد و در نهایت آنها سرکوب شدیدتری را در داخل ایران به راه انداختند و درگیری‌های بیشتری را نیز در منطقه به وجود آوردند.» وی ادامه داد: «باید

ارتش اسرائیل کنترل «گذرگاه رفح» در سمت شرقی را به دست گرفت



استقرار تانک‌های اسرائیل در گذرگاه رفح

که رهبران حماس از جمله اسماعیل هنیه طرح پیشنهادی مصر و قطر برای آتش‌بس را پذیرفته‌اند اما بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل گفت در این پیشنهاد «درخواست‌های اساسی اسرائیل» در نظر گرفته نشده است. با وجود این بنی گانتز وزیر ارشد کابینه جنگ اسرائیل گفت، مراحل عملیات ارتش در شرق رفح از قبل تصویب شده و ارتباطی با «موافقت حماس» با آتش‌بس نداشته است.

جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در گفتگوی تلفنی با نتانیاهو بار دیگر خواهان خودداری اسرائیل از ادامه عملیات در شرق رفح شده بود.

روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد هیچکدام از نیروهای ارتش اسرائیل در این عملیات زخمی نشدند و بیش از ۵۰ مرکز و پایگاه متعلق به حماس در طول این عملیات هدف قرار گرفتند.

در حال حاضر مرز رفح بسته است و نظامیان مصری در سمت غربی آن مستقر هستند. در جریان عملیات ارتش اسرائیل گروه بزرگی قصد ورود به مصر را داشتند که نظامی‌های مصری مانع آنها شدند.

ارتش اسرائیل از آوارگان فلسطینی خواسته است به مناطقی که در خان یونس تعیین شده است بروند. خان یونس در حدود ۱۰ کیلومتری شمال این منطقه قرار دارد.

اینهمه در حالیست که خانواده شماری از گروگان‌هایی که همچنان در دست حماس اسیرند، در اسرائیل دست به اعتراض زدند. آنها نگران هستند که در این عملیات جان گروگان‌ها به خطر بیفتد.

برخی منابع می‌گویند با تصرف گذرگاه رفح عملاً محاصره زمینی غزه تکمیل شده است. ضمن اینکه حماس همچنان از این گذرگاه کلیدی بهره‌برداری می‌کرده است.

● رادیو ارتش اسرائیل روز سه‌شنبه هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) اعلام کرد که نیروهای زمینی و زرهی این کشور کنترل گذرگاه رفح در جنوب غزه (در سمت شرقی) را به دست گرفتند.

● ارتش اسرائیل اعلام کرد در این عملیات «۲۰ خرابکار» وابسته به حماس کشته شدند. در این عملیات همچنین سه تونل مخفی و یک ماشین که در آن بمب جاسازی شده بود و به سوی نیروهای اسرائیل حرکت می‌کرد، منهدم شد.

● روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد هیچکدام از نیروهای ارتش اسرائیل در این عملیات زخمی نشدند. بیش از ۵۰ مرکز و پایگاه متعلق به حماس در طول این عملیات هدف قرار گرفتند.

رادیو ارتش اسرائیل روز سه‌شنبه هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) اعلام کرد که نیروهای زمینی و زرهی این کشور کنترل گذرگاه رفح در جنوب غزه (در سمت شرقی) را به دست گرفتند.

ارتش اسرائیل از مدت‌ها قبل برای ورود به رفح که تا پیش از این توسط تروریست‌های حماس اداره می‌شد، خود را آماده کرده بود اما فشارهای بین‌المللی برای پیشبرد روند آتش‌بس عملیات نهایی را به تأخیر انداخت.

طی ساعات گذشته منابع مصری از حضور نظامیان اسرائیلی با پشتیبانی تانک‌ها در امتداد این گذرگاه مرزی خبر داده‌اند.

ارتش اسرائیل اعلام کرد در این عملیات «۲۰ خرابکار» وابسته به حماس کشته شدند. در این عملیات همچنین سه تونل مخفی و یک ماشین که در آن بمب جاسازی شده بود و به سوی نیروهای اسرائیل حرکت می‌کرد، منهدم شد.

ساعاتی پیش از این عملیات، رویترز گزارش داده بود

عربی اداره خواهند کرد.

در مرحله دوم که ۵ تا ۱۰ سال طول خواهد کشید، یک ائتلاف عربی در نهادی به نام «اداره توانبخشی غزه» بر روند بازسازی و مدیریت امور مالی نوار غزه نظارت کرده و فلسطینیان غزه منطقه را اداره کرده و مسئولیت مدیریت آن را بر عهده خواهند گرفت.

در مرحله سوم که «خودگردانی» نام گرفته، قدرت به آرامی به یک دولت محلی غزه یا یک دولت متحد فلسطینی منتقل خواهد شد تا ضمن تضمین امنیت اسرائیل گام نهایی مدیریت غزه توسط خود فلسطینی‌ها بطور کامل برداشته شود و آنها نیز به «پییمان ابراهیم» بپیوندند.



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل

«اورشلیم پست» تأکید کرده اجرای این طرح مشروط به «حذف حماس» و غیرنظامی شدن موفقیت‌آمیز نوار غزه و توافق همه طرفین است.

برخی این طرح را شبیه پروژه اقتصادی «NEOM» در عربستان سعودی مقایسه می‌کنند. چنین طرحی غزه را قادر می‌سازد تا تبدیل به یک بندر صنعتی مهم در دریای مدیترانه شود، که پایگاه اصلی صادرات کالاهای غزه و همچنین نفت عربستان و سایر مواد خام از خلیج فارس خواهد بود.

در این طرح همچنین منطقه آزاد «سدروت» - غزه - العریش» اسرائیل، غزه و مصر را تبدیل به یک مرکز تجاری می‌کند. با ترکیب سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی جدید و ادغام منطقه، میدان‌گازی تازه کشف شده در شمال غزه به حمایت از صنعت در حال رشد کمک می‌کند. میدان‌های انرژی خورشیدی نیز در صحرای سینا به همراه تأسیسات نمک‌زدایی (تولید آب‌شیرین) ساخته می‌شود که به جبران تغییرات آب و هوایی کمک می‌کند.

یکی از ایده‌های مطرح شده توسط این طرح تبدیل غزه به یک مرکز کلیدی برای تولید اتومبیل‌های برقی است. امید این است که همه این ادغام نه تنها غزه بلکه العریش و سدروت را به رقیبی با تولید ارزان چینی تبدیل کند.

اسرائیل از آغاز جنگ با حماس در «هفت اکتبر» همواره اصرار داشت که تا نابودی کامل حماس و حذف این نیرو از نوار غزه به نبرد ادامه خواهد داد و غزه پس از جنگ را بدون حماس اداره خواهد کرد.

در حمله تروریستی هفتم اکتبر حماس به خاک کشور اسرائیل بیش از ۱۲۰۰ نفر کشته و حدود ۲۵۳ نفر به گروگان گرفته شدند. این حمله آغازگر جنگ میان اسرائیل و حماس در غزه شد.

تصویب دوباره تروریستی بودن سپاه پاسداران در پارلمان کانادا افزایش فشارها به جاستین ترودو



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از برگزاری راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» حوالی میدان «آزادی» (شهید) ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

«زمانش رسیده که دولت کانادا بالاخره این طرح را اجرا کند و همان نامی که سپاه لیاقتش را دارد، بر این نهاد بگذارد.» جاستین ترودو در جریان مراسم بزرگداشت قربانیان این پرواز مدعی شد که دولت او به دنبال راه‌هایی است تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را مستولانه در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد اما مخالفان دولت از جمله در حزب محافظه‌کار و همچنین ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی ترودو را متهم می‌کنند که او اساساً موافق تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران نیست و حتا وی را مانعی برای اجرا شدن این تصمیم می‌دانند هرچند که در ماه‌های اخیر شماری از عوامل جمهوری اسلامی و افراد مرتبط با سپاه با رأی محاکم قضایی این کشور از کانادا اخراج شدند.

پارلمان کانادا پیشتر در سال ۲۰۱۸ به تروریستی بودن کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رأی داده بود اما دولت این کشور از شناختن این نهاد به عنوان یک سازمان تروریستی خودداری کرده هرچند «سپاه قدس» شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا قرار داده است.

بسیاری بر این باورند که کانادا مأمّن و حیاط خلوت مقامات جمهوری اسلامی و خانواده‌های آنهاست که با پول بادآورده‌ی والدین خود به تجارت و کمک به جمهوری اسلامی مشغول هستند. حامیان رژیم ایران و قاسم سلیمانی در سالگرد کشته شدن وی مراسم عزاداری نیز در خیابان‌های تورنتو برگزار کردند!

سازمان خدمات یهودی-کانادایی «بینای بریت کانادا» (B'nai Brith Canada) پیش از این در بیانیه‌ای گفته بود، «سپاه پاسداران بسیار خطرناکتر از هر گروه تروریستی دیگری است و خطری واقعی و جدی برای مخالفان جمهوری اسلامی، جامعه یهودیان و بطور کلی کانادایی‌ها محسوب می‌شود.»

سوی احزاب آن کشور روبروست. این فشارها پس از حمله موشکی و پهپادی سپاه به اسرائیل بیشتر شده است. علاوه بر احزاب کانادایی از جمله حزب محافظه‌کار، دولت اسرائیل و همچنین مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی نیز از ترودو خواسته‌اند تا سپاه را تروریستی اعلام کند. یکی از گروه‌های ایرانی که خود را مدافع قرار گرفتند سپاه



تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر ضرورت «تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» از سوی کانادا

تر فهرست سازمان‌های تروریستی معرفی می‌کند، انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز «پی‌اس ۷۵۲» هستند که در حمله موشکی سپاه پاسداران پس از برخاستن از فرودگاه تهران در هشت ژانویه ۲۰۲۰ سرنگون شد و همه ۱۷۶ سرنشین و خدمه آن جان باختند.

حامد اسماعیلیون عضو این انجمن با اشاره به اینکه مجلس عوام کانادا برای دومین بار در شش سال گذشته طرح تروریستی شناختن سپاه را تصویب کرده، گفت:

● به گزارش «سی‌بی‌سی» نمایندگان مجلس عوام با ۳۲۷ رأی موافق و بدون هیچ رأی مخالفی این طرح غیرالزام‌آور را تصویب کردند. طرح قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی که پیشنهاد کمیته دادگستری مجلس نمایندگان بود برای اجرا مستلزم تصمیم نهایی جاستین ترودو نخست وزیر کانادا است.

● حامد اسماعیلیون از انجمن خانواده‌های پرواز ۷۵۲ با اشاره به اینکه مجلس عوام کانادا برای دومین بار در شش سال گذشته طرح تروریستی شناختن سپاه را تصویب کرده، گفت: «زمانش رسیده که دولت کانادا بالاخره این طرح را اجرا کند و همان نامی که سپاه لیاقتش را دارد، بر این نهاد بگذارد.»

● بسیاری بر این باورند که کانادا مأمّن و حیاط خلوت مقامات جمهوری اسلامی و خانواده‌های آنهاست که با پول بادآورده‌ی والدین خود به تجارت و کمک به جمهوری اسلامی مشغول هستند. حامیان رژیم ایران و قاسم سلیمانی در سالگرد کشته شدن وی مراسم عزاداری نیز در خیابان‌های تورنتو برگزار کردند!

مجلس عوام کانادا روز چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) با اکثریت مطلق آراء طرح تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تصویب کرد.

به گزارش «سی‌بی‌سی» نمایندگان مجلس عوام با ۳۲۷ رأی موافق و بدون هیچ رأی مخالفی این طرح غیرالزام‌آور را تصویب کردند. طرح قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی که پیشنهاد کمیته دادگستری مجلس نمایندگان بود برای اجرا مستلزم تصمیم نهایی جاستین ترودو نخست وزیر کانادا است.

دولت جاستین ترودو برای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا با فشار زیادی از

طرح مشکوک تقسیم استان تهران؛ تشکیل «تهران شرقی» و «تهران غربی» به بهانه «توسعه و عدالت»!



تهران، پردیس

● موضوع تقسیم استان تهران به سه منطقه «تهران مرکزی»، «تهران غربی» و «تهران شرقی» که ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ در شورای اداری این استان توسط سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی مطرح شد، واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است.

● فخاری استاندار تهران در مورد طرح تقسیم استانی که پایتخت در آن قرار دارد می‌گوید «هنوز هیچ چیز قطعی نیست و دولت کارهای مطالعاتی را تکمیل می‌کند». اما حسین نوش‌آبادی نماینده ورامین، قرچک و پیشوا در مجلس شورای اسلامی ادعا کرده، «استان شدن ورامین از موافقت با طرح تا اجرا در دولت سیزدهم کلید خورد و با توجه به پیشینه تمدنی ورامین نسبت به سایر مناطق، به عنوان مرکز استان تهران شرقی معرفی شده و دولت نیز در حال نهایی کردن آن است».

● علی یزدی‌خواه نماینده تهران، ری، شمیرانات و «اسلامشهر» در مجلس شورای اسلامی می‌گوید، «مخالف هرگونه تغییر در محدوده جغرافیایی ری هستیم».

● شهرام جبارزادگان سرپرست معاونت رسانه مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران که از مخالفان طرح تقسیم تهران است در «ایکس» نوشت: «در دورانی که دیوارها یک به یک فرو می‌ریزند و غرب و شرق برلین به یک کلانشهر واحد تقسیم می‌شود، تقسیم استان کوچک تهران به دو بخش غربی و شرقی به بهانه توسعه‌نیافتگی نیمه‌شرقی آن، نه تنها باعث توسعه این بخش نمی‌شود، بلکه موجب گسست بیشتر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دو بخش آن می‌شود».

موضوع تقسیم استان تهران به سه منطقه «تهران مرکزی»، «تهران غربی» و «تهران شرقی» که ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ در شورای اداری این استان توسط سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی مطرح شد واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است.

وحیدی ادعا می‌کند، هدف از تقسیمات استان تهران «رسیدگی بهتر به شهرهای کمتر توسعه‌یافته و اداره بهتر، توسعه، توازن و عدالت بهتر استان‌های جدید در غرب و شرق تهران است» اما برخی می‌گویند این طرح امنیتی است. برخی نیز معتقدند اقدامی است که در نهایت تبدیل به یک بحران امنیتی می‌شود.

علیرضا فخاری استاندار تهران مدعی شده «این تقسیمات از گذشته جزء مطالبات مردمی بوده و حالا در دستور کار دولت قرار گرفته است.» بر اساس گفته‌های استاندار تهران پیشنهاد شده «تهران غربی» با مرکزیت شهریار و «تهران شرقی» با مرکزیت ورامین یا دماوند ایجاد شود اما تأکید شده «اولویت غرب تهران است که تقسیمات ابتدا در آن جا شکل بگیرد».

طرح در حال نهایی شدن است

به گفته فخاری «هنوز هیچ چیز قطعی نیست و دولت تصمیماتی در اینباره گرفته و کارهای مطالعاتی تکمیلی در حال انجام است». اما حسین نوش‌آبادی نماینده ورامین، قرچک و پیشوا در مجلس شورای اسلامی ادعا کرده، «استان شدن ورامین از موافقت با طرح تا اجرا در دولت سیزدهم

کلید خورد و با توجه به پیشینه تمدنی ورامین نسبت به سایر مناطق، به عنوان مرکز استان تهران شرقی معرفی شده و دولت نیز در حال نهایی کردن آن است.»

وی توضیح داد، «ورامین، قرچک و پیشوا یکی از حوزه‌های پرجمعیت و از لحاظ جغرافیایی وسیع است که از نظر فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و صنعتی نیازمند ساختار جدید و تقسیمات جدید کشوری است.»

در واقع آنطور که فخاری توضیح داده، در غرب، شهریار، ملارد، بهارستان و پرند تبدیل یک استان و در شرق، ورامین، پاکدشت، پیشوا و قرچک یک استان جدید می‌شوند.

طرح تقسیم استانی که پایتخت ایران در آن قرار دارد مشکوک به نظر می‌رسد و مخالفان زیادی نیز دارد چنانکه پیش از این در مورد طرح تقسیم سایر استان‌ها از جمله خوزستان نیز مخالفت‌های زیادی وجود داشت.

به گفته یزدی‌خواه ۱۱ نفر از نمایندگان تهران ادعا کرده‌اند در نامه‌ای به وزیر کشور اعلام شده که مخالف هرگونه جایجایی در محدوده‌های جغرافیایی ری هستند.

وی توضیح داد، «گفته شده می‌خواهند بخش‌هایی از شهرستان ری را جدا کنند که این موضوع از نظر ما بسیار تصمیم ناپسندی است و باعث کاهش و ریزش دارایی‌ها و سرمایه‌های مردم خواهد شد.»

موضوع تقسیم تهران یک سال است که در دولت ابراهیم رئیسی مطرح شده است. علی نوذریور صاحب‌نظر ارشد مدیریت شهری در شهریور ۱۴۰۲ در یک مصاحبه با اشتباه خواندن این تصمیم به هفت پیامد منفی آن اشاره کرد:

۱- حذف بخشی از حومه پایتخت

۲- احتمال شکل‌گیری حومه غیررسمی

۳- تداوم ورود جمعیت روز سرریز به پایتخت

۴- بدتر شدن وضعیت اقتصاد مسکن پایتخت

۵- افزایش قیمت ملک در مناطق استان جدید

۶- تغییر کاربری در مناطق استان جدید

۷- پایداری مشکلات ترافیکی و جمعیتی پایتخت و تسری آن به استان جدید مجاور پایتخت

شهرام جبارزادگان سرپرست معاونت رسانه مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران که از مخالفان طرح تقسیم تهران است در «ایکس» نوشت: «در دورانی که دیوارها یک به یک فرو می‌ریزند و غرب و شرق برلین به یک کلانشهر واحد تقسیم می‌شود، تقسیم استان کوچک تهران به دو بخش غربی و شرقی به بهانه توسعه‌نیافتگی نیمه‌شرقی آن، نه تنها باعث توسعه این بخش نمی‌شود، بلکه موجب گسست بیشتر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دو بخش آن می‌شود».

علی شریعتی فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز عنوان کرد، «تشکیل استان تهران شرقی به مرکزیت ورامین موجب اعتراضات در سطح شهرستان‌های پردیس، دماوند و فیروزکوه خواهد شد. ورامین موقعیت جغرافیایی و اقتصادی لازم برای مرکزیت این استان را ندارد. استانی با مرکزیت ورامین، افغانستان غربی است. این دولت علین، فقط به دنبال ایجاد بحران‌های جدید است.»

اگرچه این فعال سیاسی دولت رئیسی را مقصر می‌داند اما هر کسی می‌داند که هرگونه تصمیم‌گیری برای تقسیم پایتخت مشروط به نظر عالی‌ترین مقامات حکومتی از جمله نهادهای امنیتی است و نه صرفاً دولت‌هایی که به تأکید علی خامنه‌ای نیز فقط مجری تصمیمات هستند.

برخی دیگر نیز این طرح را مربوط به پروژه‌های امنیتی سپاه پاسداران برای کنترل جمعیت در پایتخت می‌دانند.

در هر صورت تقسیم استانی که پایتخت ایران در آن قرار دارد فعلاً در حد حدس و گمان است و مشخص نیست که اگر قرار باشد انجام شود، چه هزینه‌های مالی و اجتماعی و سیاسی دارد و اساساً اهداف واقعی از اجرای چیست؟! و

روزنامه «بیلد»: تحقیقات تکان دهنده‌ی یک مؤسسه جرم‌شناسی: دانش‌آموزان مسلمان قرآن را مهم‌تر از قوانین می‌دانند!



نماز خواندن گروهی از مسلمانان در برابر دروازه براندنبورگ نماد آزادی در برلین / آلمان / اکتبر ۲۰۲۲

احکام قرآن برای من مهم‌تر از قوانین در آلمان هستند
۸/۶۷ درصد: بله
۲/۳۲ درصد: نه

تنها اسلام قادر است مشکلات دوران ما را حل کند
۵/۵۱ درصد: بله
۵/۶۸ درصد: نه

حکومت دینی اسلامی بهترین شکل حکومت است
۸/۴۵ درصد: بله
۲/۵۴ درصد: نه

جامعه آلمان باید بیشتر بر اساس احکام اسلام تنظیم شود
۵/۳۶ درصد: بله
۵/۶۳ درصد: نه

من خشونت علیه کسانی را که به الله و محمد پیامبر
توهین می‌کنند قابل درک می‌دانم
۳/۳۵ درصد: بله
۷/۶۴ درصد: نه

تهدید جهان غرب علیه اسلام خشونت مسلمانان در دفاع
از خودشان را توجیه می‌کند
۲/۲۱ درصد: بله
۸/۷۸ درصد: نه

خشونت برای گسترش اسلام قابل توجیه است
۱/۱۸ درصد: بله
۹/۸۱ درصد: نه

این مطالعه تأکید می‌کند که پرسش‌شوندگان نمونه
کوچکی هستند و قابل تعمیم به همه دانش‌آموزان ایالت
نیدرزاکسن و همچنین کل آلمان نیستند.

کارشناسان و سیاستمداران شوکه شده‌اند!

ارزش‌های آزادی و دموکراسی بتوان اندیشه‌های تاریک و
ضد آزادی و ضد برابری اعم از افراطیون چپ و راست و
مذهبی را منزوی کرد.

روزنامه «بیلد» در توضیح اعداد و ارقامی که سبب نگرانی
کارشناسان و سیاستمداران شده می‌نویسد، یک مطالعه
پژوهشی از مؤسسه جرم‌شناسی در ایالت نیدرزاکسن که
به شدت باعث نگرانی شده نشان می‌دهد که اکثریت
دانش‌آموزان مسلمان (۸/۶۷ درصد) «احکام قرآن را مهم‌تر
از قوانین در آلمان می‌دانند.»

این مؤسسه از ۸۵۳۹ دانش‌آموز کلاس نهم با میانگین سنی
۱۵ سال که ۳۰۰ تن از آنها مسلمان بوده‌اند، در ارتباط با
جرائم مربوط به اموال و همچنین جرائم خشن نظرخواهی
کرده است. در آنچه «مطالعات میدانی تاریک» خوانده
می‌شود و به روشن کردن حیطه‌های تا کنون ناشناخته‌ی
یک مسئله می‌پردازد، به موضوع اسلام‌گرایی نیز
پرداخته می‌شود. اگرچه پاسخ‌های دانش‌آموزان مسلمانی که
از آنها نظرخواهی به عمل آمده بر اساس این نمونه قابل
تعمیم نیستند اما نتایج به شدت سبب نگرانی کارشناسان و
سیاستمداران شده چرا که:

تقریباً نیمی از آنها (۸/۴۵ درصد) معتقدند حکومت دینی
الله بهترین شکل حکومت است.
۳/۳۵ درصد معتقدند که «خشونت علیه کسانی که به الله
یا محمد پیامبر توهین می‌کنند قابل درک است.»
۲/۲۱ درصد گفته‌اند که «تهدید جهان غرب علیه اسلام،
خشونت مسلمانان را در دفاع از خود توجیه می‌کند.»

«احکام قرآن برای من مهم‌تر از قوانین است»
این مطالعه همچنین روزه‌ای به جهان اندیشه‌ی جوانان
مسلمان در ایالت نیدرزاکسن باز می‌کند. ۳۰۸ پرسش‌شونده
به پرسش‌های زیر چنین پاسخ می‌دهند:

● روزنامه «بیلد» در توضیح اعداد و ارقامی که سبب
نگرانی کارشناسان و سیاستمداران شده می‌نویسد،
یک مطالعه پژوهشی از مؤسسه جرم‌شناسی در ایالت
نیدرزاکسن که به شدت باعث نگرانی شده نشان می‌دهد
که اکثریت دانش‌آموزان مسلمان (۸/۶۷ درصد) «احکام
قرآن را مهم‌تر از قوانین در آلمان می‌دانند.»

● این مؤسسه از ۸۵۳۹ دانش‌آموز کلاس نهم با میانگین
سنی ۱۵ سال که ۳۰۰ تن از آنها مسلمان بوده‌اند، در
ارتباط با جرائم مربوط به اموال و همچنین جرائم خشن
نظرخواهی کرده است.

● این مطالعه تأکید می‌کند که پرسش‌شوندگان نمونه
کوچکی هستند و قابل تعمیم به همه دانش‌آموزان ایالت
نیدرزاکسن و همچنین کل آلمان نیستند.

● در جهانی که به دلیل گستر فضای مجازی بسیار
کوچک و بهم پیوسته شده، می‌بایست به دنبال ابتکارات
حقوقی و آموزشی بود تا با ارزش‌های آزادی و دموکراسی
بتوان اندیشه‌های تاریک و ضد آزادی و ضد برابری اعم از
افراطیون چپ و راست و مذهبی را منزوی کرد.

روزنامه آلمانی «بیلد» بر اساس یک نظرسنجی که در سال
۲۰۲۲ در یک ایالت آلمان انجام شده به انتشار آمار آن و
همچنین گفتگو با برخی سیاستمداران این کشور پرداخته
است. البته این ارقام تکان‌دهنده قابل تعمیم به همه
دانش‌آموزان مسلمان در این ایالت و یا کل آلمان نیستند
اما به روشنی دیده می‌شود که هنوز فرصت برای جلوگیری
از گسترش اسلام‌گرایی وجود دارد منتها به برنامه‌ریزی
همه‌جانبه و جدی نیاز است: از سیاست مهاجرپذیری گرفته
تا آموزش و پرورش و اشتغال والدین و... البته در جهانی
که به دلیل فضای مجازی بسیار کوچک و بهم پیوسته شده،
می‌بایست به دنبال ابتکارات حقوقی و آموزشی بود تا با

یک کارشناس مسائل داخلی از حزب دموکرات مسیحی به روزنامه «بیلده» می‌گوید: «این مطالعه نشان می‌دهد که اسلام سیاسی چقدر عمیق در آلمان رد خود را برجای گذاشته است.» از آنجا که هیچ کودکی با چنین نظراتی به دنیا نمی‌آید، به عقیده‌ی این کارشناس، پای «تلقین سیستماتیک» در کار است و بر این فعالیت‌های تلقینی می‌بایست نقطه پایان گذاشت. وی می‌گوید: «مولتی کولتی [چندفرهنگی] زمان طولانیست که شکست خورده. اکنون اگر می‌خواهیم جلوی پیشروی افراد نابردبار گرفته شود، لازم است با شفافیت و قاطعیت عمل کرد.»

وزیر آموزش ایالتی شلزویگ هولشتاین و نایب رئیس حزب دموکرات مسیحی این نتایج را «تکاندهنده» می‌نامد. وی به «بیلده» می‌گوید: «از قرار معلوم تلاش برای فهماندن ارزش‌های دموکراتیک موفق نیست و به این ترتیب ثبات اجتماعی را به لغزش تهدید می‌کند. مسئولیت این موضوع با خانواده‌ها، مدارس، مراکز آموزش سیاسی در ایالت‌ها هستند و البته همچنین جوامع اسلامی و مساجد که بین جوانان فعالیت می‌کنند.» وی با اشاره به نقش رسانه‌های اجتماعی مانند «تیک تاک» می‌گوید باید «با در نظر گرفتن مضامین اسلامی و افراطی از نو مورد ارزیابی قرار بگیرند.» یکی از نمایندگان معلمان نیز نتایج این نظرسنجی را «نگران‌کننده» خوانده و می‌گوید که «حالا به آموزش دموکراسی بیشتر با تکیه بر مبانی ارزش‌های قانون اساسی آلمان نیاز داریم. باید جلوی اسلامگرایی گرفته شود و هیچ ترحمی در برابر آن جایز نیست.»

یک مقام آموزش و پرورش هامبورگ از حزب سوسیال دموکرات نظرسنجی مربوطه را «هشداردهنده» می‌داند و خواستار «تقویت قابل توجه آموزش دموکراسی در مدارس» است. به عقیده‌ی وی، این آموزش می‌بایست از مهد کودک شروع شود. البته چنین آمار و اعداد و ارقامی در ارتباط با مدارس و نظرات دانش‌آموزان مسلمان در هامبورگ [که یکی از مراکز مهم اسلامگرایان از جمله با پشتیبانی جمهوری اسلامی در آلمان است] در دست نیست.

باید درباره دولت حقوقی برای دانش‌آموزان مهاجر روشن‌گری کرد

یکی از سخنگویان وزارت آموزش و پرورش در ایالت تورینگن می‌گوید که آمار مشابهی درباره دانش‌آموزان این ایالت در دست نیست. اما این ایالت در مقوله «یهودستیزی» با توجه «به تشدید وضعیت از اکتبر ۲۰۲۳ به اینسو افزایش کمی داشته است.» بجز این هیچ رویداد خاص دیگری در این ایالت وجود نداشته است. او همچنین می‌گوید: «این جزو وظایف روزانه مدارس است که مبانی دولت حقوقی آزاد و دموکراتیک را به دانش‌آموزان مهاجر آموزش بدهند.»

و اما در ایالت نوردراین وستفالن در غرب آلمان مشکل اسلامگرایی در مدارس به خوبی شناخته شده است و حتا یک برنامه پیشنهادی برای بازآموزی و راهنمایی دانش‌آموزان وجود دارد که عمدتاً توسط مدارس درخواست می‌شود. در ماه ژانویه امسال یک مورد افراطی در یک مدرسه در حومه شهر کلن خرساز شد؛ جایی که سه نوجوان مسلمان همکلاسی‌های خود را مورد تعرض و آزار و اذیت قرار داده و خواستار رعایت احکام شرعی مانند تفکیک جنسیتی در کلاس‌ها شده بودند.

*منبع: روزنامه آلمانی «بیلده»
 *ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

پولها کجاست؟

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۲) شهریور ماه ۱۳۸۴



سلوک ساده شهید رجائی رئیس جمهور مکتبی است. یکی از نزدیکان آن بزرگوار می‌گوید روزهای اول نخست‌وزیری، آقای رجائی مرا خواست و حکمی به من داد که طبق آن باید اموال مازاد دولت را شناسایی و از سطح مراکز دولتی جمع‌آوری می‌کردم.

با حکمی که داشته‌ام به تک تک وزارتخانه‌ها می‌رفتم و اموال مازاد تشریفاتی را جمع می‌کردم و فقط از وزارت خارجه هفت کامیون فرس خارج کردیم.

کلیه این اموال را می‌فروختیم و به حساب ۱۰۰ امام که مخصوص خانه‌سازی برای محرومین بود واریز می‌کردیم. ایشان حتی به من گفت لوستر بزرگ وسط مجلس (عمارت بهارستان) را هم جمع کن و بفروش!

ایشان در همان دوران نخست‌وزیری خود می‌گفت اول از نخست‌وزیری شروع کنید. در زیر زمینهای نخست‌وزیری تمام جامهای نقره سازمان تربیت‌بدنی و اسب شاه - که چهل و سه تکه طلا روی آن بود - را جمع کردیم و فروختیم و به حساب ۱۰۰ امام واریز کردیم.»

خداوند قادر متعال روزی پیامبران اولوالعزم خود را برای حساب‌کشی به حضور خواند. از موسی کلیم‌الله پرسید «بگو ببینم پولها را چه کردی؟»

موسی جواب داد «سپردم به دست صرافان و پولسازان بنی‌اسرائیل. الان قسمت عمده بانکداری و تجارت دنیا در دست آنهاست و اصل و فرع پولها نادینار آخرش در خزانه بانکها و صندوق شرکتها موجود است، خاطر مبارک آسوده باشد!» از عیسی روح‌الله سؤال کرد. عیسی جواب داد «دفاتر و اتیکان هر زمان اراده فرمائید برای بازرسی آماده است. علاوه بر سرمایه‌گذارهای عمده که مستقیماً از طرف و اتیکان اداره می‌شود در هر کدام از کلیساها گنجینه‌ای از نقود و نفائس خوابیده است، خاطر مبارک آسوده باشد!» نوبت محمد رسید. حضرت معروض داشت «ما آنچه داشتیم به امامان سپردیم و بر حسب وراثت دست به دست گشت تا رسید به دست امام دوازدهم مهدی قائم که هرچه هست نزد اوست.»

خداوند سراغ مهدی قائم را گرفت. گفتند مجهول‌المان است و فقط از راه مکاتبه می‌توان با او تماس گرفت. نامه‌ای نوشتند و در چاه جمکران قم انداختند و توضیح خواستند. جواب رسید که برحسب اراده و اشاره ملکوت اعلی هر چه بود و نبود ریختیم به حساب شماره ۱۰۰ امام. بازرس بفرستید تحقیق کند که پولها چه شد!

سید حسین مرعشی رئیس دفتر هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری او و معاون رئیس جمهوری و سرپرست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در دوره سید محمد خاتمی، ضمن یک سخنرانی گفت:

«فردی که می‌خواست مدیر شود سه پاکت نامه به او دادند و گفتند پاکت اول را روز اول بردار، یک سال بعد پاکت دوم را و سال آخر پاکت سوم را بردار و به آنچه در آن نوشته عمل کن. در پاکت اول نوشته شده بود وقتی مدیر شدی عملکرد مدیران قبلی را تخطئه کن و آنها را خراب کن و این کار را تا یک سال ادامه بده، هیچکس از تو کار نمی‌خواهد. یک سال بعد، دومی را باز کن که در آن نوشته شده حالا وعده بده. سه سال بعد پاکت آخر را باز کن که در آن نوشته شده استعفا بده و برو. البته من چون عاقل کامل بود هیچ یک از این پاکتها را باز نکردم!»

حسین شریعتمداری، مدیر کیهان تهران، در مقاله‌ای با عنوان «پایان مدیریت قهوه‌خانه‌ای» جواب داد:

«آنچه عضو دیرپای دولتهای سازندگی و اصلاحات می‌گوید البته به انحاء مختلف در عمل پیش آمد. تخریب دستاوردهای نظام از سوی برخی مدیران دولتی، دادن وعده‌های سر خرمن به مردم، و سرانجام در پیش گرفتن خط استعفا یا تهدید بدان در اواخر عمر دولت و مجلس قبلی.

اما دولت جدید چنین دولتی نخواهد بود و نمی‌تواند هم باشد. نشان به آن نشان که اجرای یکی از همان وعده‌های رئیس جمهور منتخب در مقابله با اقدامات تشریفاتی آغاز شده است. اخیراً به دستور رئیس جمهور، قرارداد خرید ساختمانی غیر ضروری و تشریفاتی به قیمت پنجاه میلیارد تومان برای سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ابطال شد.

در حالی که قریب ده‌هزار پروژه عمرانی و اجرایی ناتمام در سراسر کشور وجود دارد که بعضی از آنها حتی یادگارهای کلنگ خورده دوران سازندگی است چگونه می‌توان پذیرفت سازمان درجه چندمی به نام میراث فرهنگی دچار تورم و پرخوری بوجه‌ها شود تا آنجا که یک قلم، ساختمانی ۵۰ میلیارد تومانی در گرانتقیم‌ترین نقطه تهران خریداری کند. که چه؟ که سازمان می‌خواهد «کلاس» داشته باشد!

این ماجرای تلخ ما را به یاد حکایت تصویب بوجه در مجلس ششم می‌اندازد که به خاطر گل روی زینت کابینه - آقای مهاجرانی - پنج میلیارد تومان به مرکز تفننی و مجهول‌الوهویه گفتگوی تمدنها اختصاص یافت... آخرالامر هم نه کسی از آقای مهاجرانی و نه کسی از آقای مرعشی و نه از خیلی‌های دیگر نپرسید که در ازای این بوجه‌های کلان بادآورده و رفاقتی چه گلی بر سر فرهنگ و سیاست مملکت زدید و چه ثمری از این مدیریت قهوه‌خانه‌ای عاید ملت و کشور شد...»

در اجرای برنامه ساده‌زیستی و صرفه‌جویی، «رئیس جمهور منتخب» دستور داده است فرشهای نهاد ریاست جمهوری را جمع‌آوری و به جای آنها اتاقها را موکت کنند. در حال حاضر فرشهای تزیینی فقط در اتاق دیدارهای خارجی نهاد ریاست جمهوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. خبرگزاری فارس گزارش داد «کارشناسان قیمت این فرشها را صدها میلیون تومان برآورد می‌کنند که هر سال میلیونها تومان هزینه نگهداری آنها می‌شد... اقدام آقای احمدی‌نژاد یادآور

سیاست شاه در اقیانوس هند مورد پسند انگلیس و آمریکا نبود

غربیها می گفتند ما از عهده حفظ امنیت اقیانوس هند بر می آیم و احتیاج به مداخله ایران نداریم
پارسیان هند علاقه زیادی به سرمایه گذاری و اقامت در ایران داشتند و مایل بودند فرزندانشان هم در ایران خدمت کنند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده هایی از هر کدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده اند. غلامرضا افخمی که آرشيو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می آفرید و بر جو سیاسی اثر می گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»
ازین کتاب بخشهایی را برگزیده ایم که به تدریج می خوانید. طبق معمول کوشیده ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۱۴)

خاطرات علینقی عالیخانی

ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

آورده بودند و فوق العاده هم زبان این کار را کشیدند. یعنی واحدهای عظیم صنعتی درست کردند که هیچ وقت نتوانستند از آن بهره برداری درستی بکنند. کارخانه های فولادسازی شان هم با راندمان پائین کار می کرد. در ضمن هم جلوی بخش خصوصی را گرفته بودند و نمی گذاشتند که آنها به اندازه کافی کار خودشان را بگسترانند، چون معتقد بودند آن کارها را دولت باید بکند و دولت هم چون پول نداشت نمی کرد. همه دست رو دست هم گذاشته بودند. امکان صادرات کالا به هندوستان در آن موقع تقریباً نزدیک به صفر بود. فقط مقداری ماده اولیه ممکن بود احتیاج داشته باشند. ولی، از همه مهمتر، نفت صادر می کردیم به هندوستان، که آن هم هنری نبود، برای اینکه به هر حال احتیاج داشتند که مواد سوختی وارد بکنند. اما، در برابر، آنها برایشان بازار ایران خیلی مهم بود. چون بازار ما آزاد بود. اینجا هم امکان بهره برداری تکنولوژی از کارخانه های هند باز محدود می شد، چون این نظام اقتصادی که در هند دنبال کرده بودند و اقتصاد بسته ای که درش رقابت نبود، باعث شده بود که تکنولوژی آنها عقب بماند.

در چنین شرایطی برای ما هیچ جالب نبود که، فرض بکنید، یک موتور دیزلی که با مشخصات مثلاً پس از جنگ دوم ساخته بودند، و در عرض ۲۰ ساله که ما داریم صحبتش را می کنیم تغییراتی ندیده بود، را از هندوستان بخریم، تا اینکه برویم نوع مدرن ترش را از آلمان و انگلیس بخریم، و یا اگر می خواستیم در ایران تولید بکنیم، از ژاپن و آمریکا پروانه اش را تهیه بکنیم.

اما، از طرف دیگر، هندوستان کادر فنی خیلی خوبی داشت و امکان استفاده از این کادر فنی برای ما همیشه موجود بود. بخصوص که پارسی های هند، که در اصل از ایران به هندوستان رفته بودند، و یک طبقه موفق، خوشنام و مردمان با هنری هستند، برای ما منبعی بودند که در آن کمبود کادر فنی خودمان را بتوانیم از ←

اقتصادی برگردیم، در زمانی که من وزیر اقتصاد بودم، هندوستان یکی از کشورهای بزرگ و صاحب نفوذ آسیا بود. هر سال هم من يك یا دو بار در جلسات کمیسیون های اقتصادی آسیا و خاور دور و کمیسیونهای خاصی که وزرای اقتصاد یا بازرگانی این منطقه تشکیل می دادند با همکاران هندی خودم روبرو می شدم و به تدریج بین ما دوستی زیادی پیدا شد. از نقطه نظر رابطه بازرگانی، ما مبادله کالای خیلی محدود داشتیم با هند. چون هندوستان، که در آن زمان از سوسیالیسم هندی، به اصطلاح خودشان، پیروی می کرد، درها را بسته بود. يك اقتصاد عجیب و غریب، و معجوبی از اقتصاد آزاد و اقتصاد دولتی به وجود

● شما صحبت کردید که ما از هندوستان کمکهای تکنیکی می گرفتیم و بعد دولت هند از شما خواست که به جهتی کمک تکنولوژیکی به آنها بکنید، بخصوص در زمینه کالاهایی برای مصارف خانگی و غیره. هند هم يك بازار خیلی گسترده ای است و هم نزدیک به ایران. شبه قاره هند در برداشت اقتصادی شما چه نقشی را ایفا می کرد؟

– هندوستان برای من از نظر شخصی همیشه يك کشور فوق العاده جالبی بوده. تاریخ و فرهنگ هند و معتقدات هند و رابطه شان با کشورهای دیگر، از جمله با خود ایران، از گذشته های بسیار دور همیشه جلب توجه مرا می کرد و هنوز هم می کند. در ضمن، اگر بخواهیم به مسائل روز



تصویری قدیمی از کشتی رافائل در بوشهر

● نظر کشورهای دیگر در این مورد چه بود؟

– ایران می‌دانست نمی‌تواند خودش به تنهایی بگوید من می‌خواهم شاهراه‌های دریایی آن منطقه را نگهداری کنم. ولی اینکه ما هم سهمی داشته باشیم مطلب دیگری بود. در این زمینه بخصوص برخورد ما با غریبه‌ها، بویژه آمریکاییها و انگلیسیها، بود. برای اینکه این کشورها می‌گفتند آقا ما کاملاً از عهده این کار برمی‌آئیم و اصولاً ناتو يك برنامه ویژه‌ای برای اقیانوس هند دارد که از هر کدام از کشورهای عضو ناتو چند کشتی در چه پایگاهی باید باشد و غیره. احتیاجی به ایران نداریم. ولی شاه اصرار داشت، به‌رغم اینکه غریبه‌ها ادعا یا احساس عدم نیاز می‌کنند، ما هم باید سهمی داشته باشیم. اینکه گفتم تا حدودی مایل بود ایران سهم داشته باشد برای این است که اقیانوس هند به قدری بزرگ است که اصولاً اینکه يك کشوری با جثه نسبتاً کوچک ایران بخواهد راه‌های اقیانوس هند را برای کشورهای اروپای غربی، ژاپن و آمریکا باز نگهدارد حالت شوخی پیدا می‌کرد. ولی در آن مرحله اول، چون ما تك افتاده بودیم کاملاً قابل فهم بود که

هند و پاکستان تا استرالیا و ساحل شرقی افریقا را در بر می‌گرفت که چهار چوب برقراری نوعی رابطه اقتصادی بشود که در آن ایران نقشی را ایفا بکند که نقش مهمی باشد. در زمان شما چنین مفهومی مطرح شده بود و اگر شده بود چطور مطرح شده بود؟

– این موضوع مرحله‌های مختلف و ابعاد متفاوتی داشت. در مرحله اول، در دهه ۶۰ به صورت حوزه اقیانوس هند نبود، بلکه بیشتر توجه به این امر بود که ایران سخت در خاورمیانه تك افتاده بود. ترکیه خودش را اروپایی می‌دانست، عضو ناتو بود و به سمت غرب نگاه می‌کرد. شوروی به کلی بسته بود، و به‌رحال همیشه به عنوان يك تهدیدی بالای سر ما بود. با افغانستان کار زیادی نمی‌شد انجام داد. با پاکستان رابطه خوبی داشتیم، ولی کافی نبود. به همین دلیل هم از اول به فکر این افتادیم که افلاً با کشورهایی که اقتصاد باز دارند و فعال و پیشرو هستند همکاری بکنیم. این نتیجه‌اش رابطه نزدیک با استرالیا و نیوزیلند از يك طرف و با آفریقای جنوبی

→ راه هندوستان، ولی بویژه از راه این طبقه، جبران بکنیم. به همین دلیل هم من خودم در چند سفری که به هندوستان کرده بودم، هر بار با جمعیت‌های پارسی مقیم هندوستان در دهلی و بمبئی تماس گرفتم و به تدریج کسانی را استخدام کردیم و به ایران آوردیم و در ذوب آهن، سازمان گسترش صنایع و در بانک‌های صنعتی و غیره به کار گماردیم. بعد هم با تأیید اعلیحضرت و پشتیبانی هویدا تصویب‌نامه‌ای گذرانیدیم که پارسی‌هایی که به ایران می‌آمدند بلافاصله جزء حقوق آنها بود که درخواست اقامت دائم در ایران بکنند و پروانه کار بگیرند و کار برای پارسیها در ایران آزاد بود. از این گذشته، پس از يك سال اقامت در ایران حق داشتند درخواست تابعیت بکنند و بلافاصله به آنها تابعیت ایرانی داده می‌شد، و این اثر خیلی زیادی در جامعه پارسی هندوستان گذاشته بود. خاطرم می‌آید يك بار خانم پارسی مسنی شروع کرد به اقدام کردن برای دریافت تابعیت. گفتم بابت چی شما این کار را می‌کنید. گفت به خاطر اینکه بچه‌های ما بلند می‌شوند می‌روند به کانادا و آمریکا. من دلم می‌سوزد. آنجاها احتیاج به این بچه‌ها ندارند. کشور خودمان احتیاج دارد. و من مایلم که اینها به ایران برگردند. از این گذشته، به علت این کادر فنی که هندوستان و پارسیان داشتند و در اختیار ما می‌گذاشتند، ما رابطه خیلی خوبی با مقامات هندی داشتیم و آن باعث شده بود که در بعضی از موارد حساس بتوانیم روی آنها حساب بکنیم. مثلاً وقتی که ما قرار شد با شوروی وارد مذاکره برای ذوب آهن بشویم، و پیش از اینکه اعلیحضرت به مسکو بروند و در آنجا رسماً موافقت بکنند، يك نکته که برای ما مطرح بود این بود که اگر ما این برنامه کارخانه ذوب‌آهن با شوروی را شروع کردیم و به دلائل سیاسی شوروی‌ها وسط کار ما را رها کردند، چه کار بکنیم. چون عین این کار برای یوگسلاوی پیش آمده بود در مورد يك کارخانه، گمان می‌کنم آلومینیوم، که روسها شروع به ساختنش کرده بودند و چون رابطه‌شان تیره شده بود آن را به امید خدا سپرده بودند. در مورد ذوب‌آهن من با وزیر بازرگانی هند، که پیش از این عرض کردم از دوستان من بود، صحبت کردم و معلوم شد که هندوستان کاملاً در شرایطی است که بتواند هر چیزی را در حین ساختمان کم بیاوریم برای ما بسازد. این راه، البته، به صورت خیلی محرمانه توافق کرده بودیم. وقتی خیال ما از این طرف راحت شد، اعلیحضرت در سفر مسکو با اینکه ذوب‌آهن را ما از شوروی بگیریم موافقت کرده بودند.

● یعنی، هندیها می‌دانستند که علت نگرانی شما چه هست و بر آن اساس با شما موافقت کردند؟

– کاملاً. خوب، خود هندی‌ها يك کاری که درباره ذوب آهن کرده بودند این بود که از يك کشور نخریده بودند. در هند هم ذوب آهن ساخت شوروی داشتند، هم آلمان، هم آمریکا. آنها هم به همین دلیل که نمی‌خواستند هم ریش و هم قیچی را دست يك کشور بدهند، تنوع ایجاد کرده بودند. به‌رحال در آن زمان در شرایطی بودند که تقریباً هر تجهیزاتی را که ما می‌خواستیم می‌توانستند تولید بکنند. ما البته در اصل می‌خواستیم از شوروی بخریم، که همین کار را کردیم. به‌رحال، رابطه خوبی با هندیها داشتیم، اما خواه ناخواه این همکاری محدود بود به خاطر نوع اقتصاد بسته‌ای که آنها برای خودشان ایجاد کرده بودند.

● در ارتباط با آن منطقه به طور کلی، اعلیحضرت در مواردی صحبت از Indian Ocean basin می‌کرد که در واقع به معنای بستر یا حوزه اقیانوس هند است، که احتمالاً



شاه اصرار داشت که نیروی دریایی ایران نه فقط در خلیج فارس، که در اقیانوس هند نیز حضور داشته باشد.

بینیم چه کشورهای دیگری در آن منطقه تك افتاده هستند و ما می‌توانیم با آنها نزدیک بشویم. ما در آفریقای جنوبی بهره‌برداری بسیار خوبی از موقع خودمان کردیم و امتیاز نفتی فوق‌العاده‌ای بدست آوردیم و پالایشگاهی که ساخته بودیم برایشان بسیار پرسود بود. متأسفانه نظام کنونی ایران چند سال پیش، درست آن موقعی که همه می‌دانستند که به زودی در آفریقای جنوبی تبعیضات نژادی هم از بین خواهد رفت و آفریقای جنوبی بر می‌گردد و می‌پیوندد به دنیای امروری آزاد، درست پیش از این، سهام ایران را در آن پالایشگاه فروختند و يك بازار بسیار جالبی را که هنرمندانه به دست آورده بودیم، از دست دادیم. (ادامه دارد)

از طرف دیگر شد. درست کردن پالایشگاه در آفریقای جنوبی و سفرهایی که شاه به استرالیا و خاور دور کردند بر این اساس بود. در مرحله بعدی که در دهه ۷۰ بود، ایران صاحب درآمد هنگفتی از نفت شده بود و از آن حالت اقتصادی تك‌افتادگی بیرون آمده بود. شاه در این مورد دیگر يك نوع جاه‌طلبی اینکه در منطقه اقیانوس هند باید ایران به حساب بیاید داشت، و توجیه برنامه گسترش نظامی و خرید اسلحه‌اش هم این بود که ایران نه فقط باید در خلیج فارس از منافع خودش دفاع بکند، بلکه شاهراه‌های بازرگانی اقیانوس هند را باید بتواند تا حدودی در نگهداریش سهم داشته باشد.

برگزاری رزمایش «تسلیحات تاکتیکی اتمی» در روسیه به دستور ولادیمیر پوتین



ولادیمیر پوتین، عکس: رویترز

هسته‌ای سوق می‌دهند. کرملین اعلام کرد که «رزمایش تسلیحات تاکتیکی اتمی» در پاسخ به اظهارات امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، مقامات بریتانیایی و نماینده مجلس سنای آمریکا بوده است. ماکرون چندی پیش اعزام نیروهای اروپایی برای جنگ با روسیه در اوکراین را نیز مطرح کرده بود. دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا نیز گفت که اوکراین حق دارد از تسلیحات ارائه شده توسط لندن برای حمله به اهدافی در داخل روسیه استفاده کند.

دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین در واکنش به این مواضع گفت: «اظهارات غرب در مورد اعزام سربازان ناتو به اوکراین به منزله دور کاملاً جدید و بی‌سابقه‌ای از تشدید تنش‌هاست و البته نیازمند توجه و اقدامات ویژه است.»

پوتین در ماه مارس ۲۰۲۴ به غرب هشدار داده بود که درگیری مستقیم بین روسیه و پیمان نظامی ناتو به رهبری ایالات متحده به این معنی است که کره زمین یک قدم با جنگ جهانی سوم فاصله دارد. وی اما این را هم گفت که به ندرت کسی خواهان چنین سناریویی است.

بازی‌های جنگی

ناتو که در سال ۱۹۴۹ برای تامین امنیت جمعی علیه اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد، در حال حاضر رزمایش «مدافع استوار» را برگزار می‌کند که بزرگترین رزمایش از زمان پایان جنگ سرد است. ناتو نگفته است که این رزمایش آیا شامل تمرین موارد هسته‌ای نیز می‌شود یا نه.

یادآوری می‌شود که یک رزمایش فرماندهی هسته‌ای توسط ناتو در سال ۱۹۸۳ باعث نگرانی در سطوح بالای کرملین شد بطوری که گویا ایالات متحده برای یک حمله هسته‌ای غافلگیرکننده آماده می‌شده است.

روسیه و آمریکا بزرگترین قدرت‌های هسته‌ای جهان هستند و بیش از ۱۰ هزار و ۶۰۰ کلاهک از ۱۲۱ هزار کلاهک هسته‌ای جهان را در اختیار دارند. چین سومین زرادخانه هسته‌ای بزرگ را در اختیار دارد و پس از آن فرانسه و بریتانیا قرار دارند.

به گفته فدراسیون دانشمندان آمریکایی، روسیه حدود ۱۵۵۸ کلاهک هسته‌ای غیراستراتژیک دارد، اما به دلیل عدم شفافیت، در مورد ارقام دقیق چنین تسلیحاتی تردید وجود دارد.

از زمانی که ایالات متحده اولین بمباران اتمی را علیه ژاپن در هیروشیما و ناگازاکی در سال ۱۹۴۵ انجام داد، هیچ قدرتی در جنگ از سلاح هسته‌ای استفاده نکرده است. قدرت‌های هسته‌ای بزرگ بطور معمول تسلیحات هسته‌ای خود را بررسی می‌کنند، اما به ندرت علناً چنین رزمایش‌هایی را به تهدیدهای مشخصی که روسیه انجام می‌دهد مرتبط می‌سازد.

جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا سال گذشته گفت که احساس می‌کند هیچ چشم‌انداز واقعی برای استفاده روسیه از تسلیحات هسته‌ای وجود ندارد. اما سی‌ان‌ان گزارش داد که مقامات ارشد آمریکایی با برنامه‌ریزی اضطراری، مسیر جدیدی را برای احتمال حمله هسته‌ای احتمالی روسیه به اوکراین بررسی می‌کنند.

برخی از مقامات غربی و اوکراینی گفته‌اند که روسیه برای ترساندن غرب در مورد سلاح‌های هسته‌ای بلوف می‌زند، اگرچه کرملین بارها اعلام کرده است که در صورت تهدید موجودیت روسیه، شکستن تابوی هسته‌ای را مد نظر قرار خواهد داد.

وزارت دفاع که توسط سرگئی شویگو متحد دیرینه پوتین اداره می‌شود، در بیانیه خود اشاره‌ای به مقامات غربی خاص نکرده است که گویا روسیه و اوکراین را به برخورد

● وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که روز دوشنبه ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) با فرمان ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری این کشور و در پاسخ به «تهدیدات فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده»، اقدام به برگزاری رزمایش تسلیحات تاکتیکی اتمی می‌کند.

● روسیه می‌گوید که ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش با حمایت از اوکراین با ده‌ها میلیارد دلار تسلیحات، که برخی از آنها علیه خاک روسیه استفاده می‌شود، جهان را به آستانه رویارویی بین قدرت‌های هسته‌ای سوق می‌دهند.

● روسیه و آمریکا بزرگترین قدرت‌های هسته‌ای جهان هستند و بیش از ۱۰ هزار و ۶۰۰ کلاهک از ۱۲۱ هزار کلاهک هسته‌ای جهان را در اختیار دارند. چین سومین زرادخانه هسته‌ای بزرگ را در اختیار دارد و پس از آن فرانسه و بریتانیا قرار دارند.

● جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا سال گذشته گفت که احساس می‌کند هیچ چشم‌انداز واقعی برای استفاده روسیه از تسلیحات هسته‌ای وجود ندارد. اما سی‌ان‌ان گزارش داد که مقامات ارشد آمریکایی با برنامه‌ریزی اضطراری، مسیر جدیدی را برای حمله هسته‌ای احتمالی روسیه به اوکراین بررسی می‌کند.

● ماکرون چندی پیش اعزام نیروهای اروپایی برای جنگ با روسیه در اوکراین را مطرح کرده بود. دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا نیز گفت که اوکراین حق دارد از تسلیحات ارائه شده توسط لندن برای حمله به اهدافی در داخل روسیه استفاده کند.

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که روز دوشنبه ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) با فرمان ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری این کشور و در پاسخ به «تهدیدات فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده»، اقدام به برگزاری رزمایش تسلیحات تاکتیکی اتمی می‌کند.

خبرگزاری رویترز گزارش داد، وزارت دفاع روسیه اعلام کرد، این رزمایش با هدف تضمین تمامیت ارضی و حاکمیت روسیه «در پاسخ به اظهارات و تهدیدات تحریک‌آمیز برخی مقامات غربی علیه روسیه» انجام می‌شود.

تأکید شده، ستاد کل نیروهای مسلح روسیه خود را برای رزمایش استفاده از سلاح‌های اتمی «غیرراهبردی» آماده می‌کند.

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه چندی پیش احتمال استفاده از سلاح اتمی علیه روسیه را در صورت شکسته شدن خطوط جبهه در اوکراین توسط قوای روس، مطرح کرده بود.

از زمانی که روسیه در فوریه سال ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد، مقامات اوکراین بارها نسبت به افزایش تهدید هسته‌ای هشدار داده‌اند. هشدارهایی که ایالات متحده می‌گوید باید آنها را جدی بگیرد، اگرچه مقامات آمریکایی می‌گویند که هیچ تغییری در موضع هسته‌ای روسیه مشاهده نکرده‌اند.

روسیه می‌گوید که ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش با حمایت از اوکراین با ده‌ها میلیارد دلار تسلیحات، که برخی از آنها علیه خاک روسیه استفاده می‌شود، جهان را به آستانه رویارویی بین قدرت‌های هسته‌ای سوق می‌دهند.

دو عضو ارشد کنگره آمریکا: اسناد طبقه‌بندی شده در ایمیل و موبایل رابرت مالی توسط «یک بازیگر سایبری متخاصم» هک شده است



رابرت مالی

مشخص شد که کلینتون هزاران ایمیل از زمان خود در وزارت خارجه را در چندین سرور خصوصی ناامن مختلف ذخیره کرده است. اف‌بی‌آی تشخیص داد که کلینتون «بسیار بی‌دقت» بوده و ممکن است بازیگران متخاصم به حساب ایمیل شخصی او دسترسی داشته باشند اما او را به ارتکاب جرم متهم نکردند.

نامه دو عضو ارشد کنگره به بلینکن درباره ابعاد تازه پرونده امنیتی مالی واکنش‌های مختلفی در پی داشته است. گابریل نوروها از اعضای میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در دوران ترامپ در توییتی نوشته «رژیم ایران همیشه بیشتر از کنگره درباره تعلیق رابرت مالی می‌دانست.» اشاره وی به اطلاعاتی است که در مورد دلایل برکناری رابرت مالی سر از روزنامه «تهران تایمز» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی درمی‌آورد که از جمله آن دلایل سیاسی ایرانی بودند که رابرت مالی با آنها ارتباط داشت.

رابرت مالی در طول دوران خدمت خود در وزارت خزانه‌داری آمریکا با افراد و نهادهایی در ارتباط بود که در موارد متعدد با سیاست‌های جمهوری اسلامی همسو بودند. به عنوان مثال مؤسسه «سمافور» و شبکه «ایران اینترنشنال» مهرماه سال ۱۴۰۲ در یک گزارش افشا کردند که وزارت خارجه جمهوری اسلامی گروهی از کارشناسان ایرانی از جمله عدنان طباطبایی، آرین طباطبایی، دینا اسفندیاری، روزبه پارسی، علی واعظ را که به رابرت مالی نزدیک بودند به عنوان مهره‌هایی برای نفوذ و اثرگذاری در سیاست خارجه آمریکا هدایت می‌کرده است.

بلینکن گفته‌اند، «معلوم نیست که رابرت مالی قصد داشت این اسناد را در اختیار چه کسی قرار دهد، اما گمان می‌رود که آن بازیگر سایبری متخاصم توانسته به ایمیل و یا تلفن وی دسترسی پیدا کند و اطلاعات دانلود شده را به دست آورد.»

آنها تأکید کردند «به علت خودداری وزارت خارجه آمریکا از پاسخگویی و عدم شفافیت» اطلاعات خود در این زمینه را از سایر منابع به دست آورده‌اند و از این وزارتخانه خواسته‌اند که آنها را تأیید کند.

این در حالیست که گفته می‌شد نهادهای امنیتی آمریکا و همچنین FBI در حال بررسی پرونده امنیتی رابرت مالی هستند و او همچنان «در مرخصی بدون حقوق» بسر می‌برد، اما پس از مدتی ابرام پیلی جایگزین وی شد. قانونگذاران از بلینکن خواستند تا اطلاعات بیشتری در مورد سطح طبقه‌بندی اسنادی که مالی در دستگاه‌های شخصی خود نگه داشته بود ارائه کند.

در واکنش به این نامه، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به روزنامه «نیویورک پست» گفت که مالی همچنان در مرخصی است و این وزارتخانه اطلاعاتی را در مورد تحقیقات پرسنل مرتبط با سیاست ایران در اختیار کنگره قرار داده است.

این سخنگو در مورد اتهامات مشخصی که توسط ریش و مک کال فاش شده است، اظهار نظری نکرد.

در سال ۲۰۱۵ نهادهای امنیتی آمریکا از جمله FBI تحقیقاتی را علیه هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق آمریکا به دلیل موردی مشابه اتهامات رابرت مالی آغاز کرد.

● یک سال پس از تعلیق و برکناری بی‌سر و صدای رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا، ابعاد تازه‌ای از مسائل امنیتی که زمینه‌ساز کنار گذاشتن وی شده بود علنی شده است.

● مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و سناتور جیم ریش عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) در نامه‌ای به آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا نوشتند، «ما می‌دانیم که مجوز امنیتی رابرت مالی به حالت تعلیق درآمده است، زیرا او اسناد طبقه‌بندی‌شده را به ایمیل شخصی خود منتقل و این اسناد را در تلفن همراه شخصی خود دانلود کرده است.»

● این دو عضو ارشد کنگره با انتقاد از وزارت خارجه آمریکا به دلیل «عدم ارائه اطلاعات بیشتر» در مورد پرونده رابرت مالی خطاب به آنتونی بلینکن گفته‌اند، «معلوم نیست که رابرت مالی قصد داشت این اسناد را در اختیار چه کسی قرار دهد، اما گمان می‌رود که آن بازیگر سایبری متخاصم توانسته به ایمیل و یا تلفن وی دسترسی پیدا کند و اطلاعات دانلود شده را به دست آورد.»

- نامه دو عضو ارشد کنگره به بلینکن درباره ابعاد تازه پرونده امنیتی مالی واکنش‌های مختلفی در پی داشته است. گابریل نوروها از اعضای میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در دوران ترامپ در توییتی نوشته «رژیم ایران همیشه بیشتر از کنگره درباره تعلیق رابرت مالی می‌دانست.» اشاره وی به اطلاعاتی است که در مورد دلایل برکناری رابرت مالی سر از روزنامه «تهران تایمز» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی درمی‌آورد.

یک سال پس از تعلیق و برکناری بی‌سر و صدای رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا، ابعاد تازه‌ای از مسائل امنیتی که زمینه‌ساز کنار گذاشتن وی شده بود علنی شده است.

به گزارش روزنامه «نیویورک پست» دو نفر از جمهوریخواهان ارشد کنگره آمریکا ادعا کردند مجوز امنیتی رابرت مالی به این دلیل به حالت تعلیق در آمد که او «اسناد طبقه‌بندی‌شده» را به حساب ایمیل شخصی خود ارسال و بعد آن را در تلفن شخصی‌اش دانلود کرده است.

مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و سناتور جیم ریش عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) در نامه‌ای به آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا نوشتند، «ما می‌دانیم که مجوز امنیتی رابرت مالی به حالت تعلیق درآمده است، زیرا او اسناد طبقه‌بندی‌شده را به ایمیل شخصی خود منتقل و این اسناد را در تلفن همراه شخصی خود دانلود کرده است.»

در این نامه جیم ریش و مایکل مک‌کال با انتقاد از وزارت خارجه آمریکا به دلیل «عدم ارائه اطلاعات بیشتر» در مورد پرونده رابرت مالی با طرح ۱۹ پرسش خطاب به آنتونی

دانشگاه پرینستون با استاد حامی حماس، حزب الله و تروریسم همراهی می کند



تجمع اعتراضی برای اخراج سیدحسین موسویان از دانشگاه پرینستون / ۲۶ آوریل ۲۰۲۴

منافع رژیم ایران آغاز کرد. وزارت امور خارجه آمریکا بارها رژیم ایران را بدترین دولت حامی تروریسم در جهان معرفی کرده است.

در ماه آوریل ۲۰۲۴ مؤسسه تحقیقات رسانه‌ای خاورمیانه (MEMRI) مستقر در ایالات متحده، گزارشی درباره تروریسمی که موسویان نسبت داده می‌شود و حمایت وی از جنبش‌های تروریستی اسلامگرا منتشر کرد. این موسسه برای اولین بار مقالات آلمانی را ترجمه کرد که نشان‌دهنده حمایت موسویان از حماس، حزب الله و فتوای رهبر جمهوری اسلامی علیه سلمان رشدی بوده است.

بر اساس مقاله‌ای چاپ شده در سال ۱۹۹۷ در روزنامه برلینی «تاگس اشپیگل»، ابوالقاسم مصباحی، یک مقام سابق اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، در دادگاه میکونوس به دادگاه برلین گفته بود: «موسویان در اکثر جنایات [رژیم ایران] که در اروپا اتفاق افتاد شرکت داشته است».

دادگاه برلین، کاظم دارابی، عامل اطلاعاتی رژیم ایران را به اتهام قتل‌های میکونوس به حبس ابد محکوم کرد. همچنین به نقش علی فلاحیان، رئیس سرویس مخفی ایران، به عنوان عامل اصلی قتل‌ها در این حکم اشاره شده است. دادگاه همچنین عوامل حزب الله را که در این ترور نقش داشتند به حبس محکوم کرد.

موسویان در گفتگو با روزنامه آلمانی «تاتس» این محکومیت از سوی دادگاه برلین را «بیپرده» خواند و حمایت جمهوری اسلامی ایران از حماس «در مبارزه‌اش» را اعلام کرد و گفت: «ما از نظر اخلاقی از حزب الله حمایت می‌کنیم». هنگامی که اورشلیم پست از او در اینبار سوال کرد، موسویان از اعلام حمایت خود از حماس و حزب الله خودداری نمود.

موسویان در بیانیه‌ای در ماه نوامبر درباره پرونده میکونوس به اورشلیم پست نوشت: «حکم ۳۹۸ صفحه‌ای منتشر شده است و همه می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. حکم دادگاه برلین حاوی هیچ‌گونه اتهام

تروریستی در اروپا است برای تدریس انتخاب کرده است. این دانشگاه با نگر داشت موسویان شهرت خود را به خطر می‌اندازد و تعهد خود را به حقوق بشر و امنیت جهانی تضعیف می‌کند.»

موسویان به عنوان یک مقام عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران در چندین سمت خدمت کرده است، از جمله سخنگوی ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای تهران از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ بوده است.

لادن بازرگان در کمپین «ائتلاف علیه حامیان رژیم اسلامی ایران» (AAIRIA) نیز نقش نظارتی دارد. به گزارش این کمپین، «در هفت سالی که موسویان به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان فعالیت می‌کرده، بیش از ۲۳ ایرانی در حملات تروریستی در خاک اروپا، که توسط جمهوری اسلامی ایران سازماندهی شده بود، کشته شدند... این اقدامات شنیع نشان‌دهنده دخالت مستقیم سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر بُن [پایتخت وقت آلمان غربی] و نقش موسویان در تروریسم دولتی ایران و سازماندهی خشونت علیه غیرنظامیان بی‌گناه است».

پرویز دستمالچی یکی از بازماندگان حمله تروریستی میکونوس که برای سخنرانی در تظاهرات ۲۶ آوریل از آلمان به آمریکا رفته بود، می‌گوید: «موسویان به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران نماینده رسمی این دولت جنایتکار بوده و همچنان از حامیان این رژیم وحشی است. علاوه بر این، طبق اسناد و شهادت یکی از شاهدان در دادگاه برلین، او فعالانه در کشتار مخالفان در اروپای غربی شرکت داشته است.»

دستمالچی سیاستمدار و نویسنده پرکار در زمینه تروریسم رژیم ایران، افزود: «ما عدالت‌خواهان خواستار اخراج موسویان از دانشگاه و همچنین اخراج وی از ایالات متحده آمریکا هستیم.»

در ماه نوامبر ۲۰۲۳ کمیته آموزش و نیروی کار مجلس نمایندگان آمریکا تحقیقی را درباره نقش موسویان در پیشبرد

● سیدحسین موسویان استاد دانشگاه پرینستون به نقش داشتن در ترور بیش از ۲۰ دگراندیش ایرانی متهم شده است.

بنجامین وینتال (اورشلیم پست) - فشارها بر دانشگاه پرینستون در نیوجرسی پس از آن افزایش یافت که ایرانیان آمریکایی و دانشجویان در اواخر آوریل دست به تجمع اعتراضی زده و از رئیس موسسه «لیگ آبیوی» [دانشگاه‌های برتر آمریکا] خواستند تا سیدحسین موسویان استاد این دانشگاه را به دلیل نقشی که ادعا می‌شود وی در ترور بیش از ۲۰ دگراندیش ایرانی داشته برکنار کند.

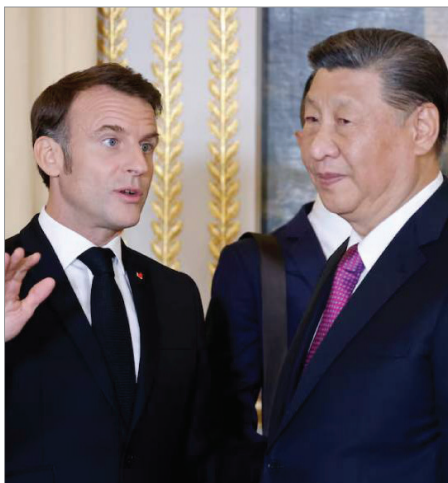
موسویان همچنین به دلیل حمایت مداوم از دو سازمان حماس و حزب الله که از سوی آمریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دارند و نیز تأیید فتوای رژیم ایران مبنی بر اعدام سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی-آمریکایی، با درخواست‌هایی برای اخراج سریع خود مواجه است.

بیش از ۷۰ نفر، از جمله یک بازمانده از عملیات تروریستی سال ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس برلین که بنا بر گزارش‌ها به موسویان مرتبط است، جمعه گذشته در پرینستون علیه این استاد مناقشه‌برانگیز دست به تظاهرات زدند.

زمانی که رئیس جمهور سابق رژیم ایران، اکبر رفسنجانی، در سال ۱۹۹۲ به تیمی از قاتلان دستور داد تا مخالفان گُرد را در رستورانی در برلین به نام میکونوس به قتل برسانند، موسویان سفیر جمهوری اسلامی ایران (۱۹۹۰-۱۹۹۷) در آلمان بود. بر اساس حکم دادگاه برلین، دستور ترور رژیم ایران منجر به قتل چهار مخالف گُرد شد در این شهر شد.

اتهامات علیه موسویان

لادن بازرگان مجری اصلی کمپین اخراج موسویان و زندانی سیاسی سابق در ایران، به اورشلیم پست گفت: «تعجب‌آور است که دانشگاه پرینستون با برنامه‌ای برای علم و امنیت جهانی و مأموریت عالی پیشبرد سیاست‌های ملی و بین‌المللی جهت دستیابی به جهانی امن‌تر و صلح‌آمیزتر، سید حسین موسویان را که متهم به دست داشتن در حملات



امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه و شی جین پینگ رئیس جمهوری چین در مراسم شام رسمی در کاخ الیزه / عکس: رویترز

درخواست رؤسای جمهور چین و فرانسه برای «حل و فصل سیاسی» موضوع هسته‌ای ایران اما بدون ارائه راه حل!

«افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، افزایش تنش میان ایران و اسرائیل و تهدیدات اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران»، سفر گروسی به تهران را «تقلای آخر برای احیای برجام» دانسته است.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در ایران ۱۲۱ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی ذخیره شده است که هیچ توجهی و کاربرد غیرنظامی ندارد. طبق محاسبات آژانس جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای سه مپ اتم را در اختیار دارد.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی بر اساس «فتوای» علی خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن سلاح اتمی ادعا می‌کنند جمهوری اسلامی به دنبال مپ اتم نیست اما از درون حکومت زرمه‌ها در مورد احتمال یا ضرورت رفتن نظام به سمت رونمایی از این سلاح بیشتر از گذشته شنیده می‌شود. محمودرضا آقامیری دکترای مهندسی انرژی هسته‌ای و

استاد دانشکده مهندسی انرژی هسته‌ای که اکنون رئیس دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) است، اواخر فروردین‌ماه روی آنتن تلویزیون گفت، «طبق فتوای رهبر انقلاب ساخت مپ اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند، ما توانایی ساخت مپ اتم هم داریم.» وی تهدید کرد، «ساخت مپ اتم برای ایران راحت‌تر از ساختن آن است.»

اینهمه در حالیست که در مورد حمله پهبادی و موشکی سپاه پاسداران به اسرائیل یک واقعیت آشکار نیز وجود دارد. درست است که این حملات از نظر نظامی یک اقتضاح بود زیرا نه اصل «غافلگیری» در آن رعایت شد و نه موشک‌ها به هدف خوردند، اما گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل، یکشنبه ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین‌ماه) احتمالی را اعلام کرد که حتا فکر کردن به آن نیز می‌بایست برای همه کشورهای جهان وحشت‌انگیز باشد: «فقط تصور کنید پهباد و موشک‌های رژیم ایران کلاهک هسته‌ای حمل کنند.»

در شرایطی که مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی شکست خورده است، رهبران کشورهای قدرتمند دنیا از جمله ماکرون، شولتز یا بایدن هنوز جایگزینی برای «برجام» که توسط خود جمهوری اسلامی نقض شده پیدا نکرده‌اند. آنها دست‌کم در سه سال گذشته بارها و بارها در نشست‌های «گروه هفت»، «گروه ۲۰»، نشست با شورای همکاری خلیج فارس، شورای حکام و شورای امنیت از جمهوری اسلامی خواستند تا فعالیت‌های غیرقانونی اتمی را متوقف کند اما اثری نداشته است.

● همزمان با سفر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران، رؤسای جمهور چین و فرانسه در یک بیانیه مشترک که سه‌شنبه هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) صادر شد، بر ضرورت حل و فصل سیاسی پرونده اتمی جمهوری اسلامی و اجرای عملی راه حل دو کشوری برای حل بحران غزه تأکید کردند.

● به گزارش رویترز، درست در مقطعی که رهبران اروپایی در مورد تنش‌های تجاری و اوکراین تحت فشار قرار گرفته‌اند، شی طی سفری دو روزه در فرانسه به عنوان بخشی از اولین سفر خود در پنج سال اخیر به اروپا بسر می‌برد.

● روزنامه «اعتماد» چاپ تهران در گزارشی با اشاره به «افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، افزایش تنش میان ایران و اسرائیل و تهدیدات اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران» سفر گروسی به تهران را «تقلای آخر برای احیای برجام» دانسته است.

● در شرایطی که مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی شکست خورده است، رهبران کشورهای قدرتمند دنیا از جمله ماکرون، شولتز یا بایدن هنوز جایگزینی برای «برجام» که توسط خود جمهوری اسلامی نقض شده، پیدا نکرده‌اند. آنها دست‌کم در سه سال گذشته بارها و بارها در نشست‌های «گروه هفت»، «گروه ۲۰»، شورای همکاری خلیج فارس، شورای حکام و شورای امنیت از جمهوری اسلامی خواستند تا فعالیت‌های غیرقانونی اتمی را متوقف کند اما اثری نداشته است.

همزمان با سفر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران، رؤسای جمهور چین و فرانسه در یک بیانیه مشترک که سه‌شنبه هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) صادر شد، بر ضرورت حل و فصل سیاسی پرونده اتمی جمهوری اسلامی و اجرای عملی راهکار دو کشوری برای حل بحران غزه تأکید کردند.

به گزارش رویترز، درست در مقطعی که رهبران اروپایی در مورد تنش‌های تجاری و اوکراین تحت فشار قرار گرفته‌اند، شی طی سفری دو روزه در فرانسه به عنوان بخشی از اولین سفر خود در پنج سال اخیر به اروپا بسر می‌برد.

هر دو رئیس جمهور سیاست اسرائیل در شهرک‌سازی در کرانه باختری را «محکوم» کردند.

منابع داخل ایران گزارش دادند که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است در سفری دو روزه دوشنبه و سه‌شنبه ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت‌ماه در تهران باشد. روزنامه «اعتماد» چاپ تهران در گزارشی با اشاره به

➔ مستقیم یا غیرمستقیم علیه من نیست.»
خبرگزاری رویترز در سال ۱۹۹۲ در مقاله‌ای با عنوان «اپوزیسیون آلمان خواهان اخراج نماینده ایران است» گزارش داد که «... حسین موسویان پس از اظهار نظر در مصاحبه رادیویی مبنی بر اینکه بُن با حمایت از درخواست لغو حکم اعدام رشدی، برخلاف منافع تجاری خود با ایران عمل نمی‌کند، به وزارت خارجه آلمان احضار شد.»

بر اساس مقاله رویترز، فریموت دوو، سیاستمدار سوسیال دموکرات، در جریان یک مناظره به نام «مورد رشدی» به پارلمان گفت که موسویان باید خاک آلمان را ترک کند، زیرا به قوانین آن احترام نمی‌گذارد.

رویترز خاطرنشان کرد که «موسویان طی یک مصاحبه رادیویی درباره رشدی، از رویه تاریخی اسلامی در صدور حکم اعدام برای توهین به مقدسات دفاع کرد.»

موسویان در سال ۱۹۹۳ در مورد رشدی به مجله اشپیکل گفت: «از او متنفرم. او به دین و پیامبرم و قوانین من توهین کرده است.»

وقتی اورشلیم پست از موسویان در مورد حمایت وی از این فتوا پرسید، او از اظهار نظر خودداری کرد. در سال ۲۰۲۲، هادی مطر، مرد آمریکایی لبنانی‌تبار که با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در تماس بود، با حمله به سلمان رشدی در یک سخنرانی عمومی نزدیک بود وی را به قتل برساند.

نمایندگانی از جامعه گُرد نیز در اعتراضات علیه موسویان شرکت کردند. بر اساس بیانیه‌ای که توسط ائتلافی از گروه‌های گُرد منتشر شده آمده است که «حزب دموکرات کردستان ایران از دانشگاه پرینستون می‌خواهد که اقدامات مقتضی را انجام داده و به کار موسویان در این موسسه محترم خاتمه دهند. ادامه حضور او علیرغم درخواست‌های مکرر جامعه ایران و مشارکت او در تروریسم، سابقه‌ای منفی برای آینده این موسسه خواهد بود.»

جرد استون دانشجوی یهودی-آمریکایی پرینستون، در این تظاهرات علیه موسویان سخنرانی کرد. وی گفت: «نفوذ منفی رژیم تروریستی که توسط امثال موسویان و [پهروز] قمری تبریزی [استاد مطالعات خاور نزدیک در پرینستون] تبلیغ می‌شود، فضای گفتگو در دانشگاه ما را مسموم کرده است. در کمال تاسف، دانشجویان معترض دیروز پرچم حزب‌الله را به اهتزاز درآوردند و هنگام ذکر نام رژیم تروریستی تهران، فضای دانشگاه پرینستون را در موجی از تشویق غرق کردند.»

استون افزود: «بله، درست شنیدید- بهترین و باهوش‌ترین دانشجویان کشور ما برای دولت پیشرو حامی تروریسم و دستیارانش در جهان هورا می‌کشند. این همان رژیم است که دانشجوی دکترای پرینستون، ژیو وانگ را به مدت ۳ سال زندانی کرد. کتاب حزب‌الله نیز یکی دیگر از دانشجویان دکترای پرینستون، الیزابت تسورکوف، را به اسارت گرفت.»
تسورکوف یک شهروند دو تابعیتی روسی-اسرائیلی است که در سال ۲۰۲۲ توسط کتاب حزب‌الله، یک گروه تحت کنترل رژیم ایران، ربوده شد. قمری تبریزی نیز به پرسش مطبوعاتی اورشلیم پست پاسخ نداد.

روزنامه اورشلیم پست پرسش‌های مفصلی را در مورد فعالیت‌های تروریستی که در مورد موسویان ادعا می‌شود و همچنین حمایت او از حماس، حزب‌الله و فتوای قتل سلمان رشدی به کریستوفر لودویگ ایسگروربر رئیس دانشگاه پرینستون ارسال کرد. اما وی از اظهار نظر خودداری کرد.

*منبع: اورشلیم پست

*نویسنده: بنجامین وینتال

*ترجمه و تنظیم: لادن بازرگان

مسلمانان افراطی در انگلستان و اروپا به اسم حمایت از فلسطین جولان می‌دهند!



تظاهرات حامیان فلسطین در بریتانیا

جولگیری کند!
آنها همچنین خواستار قانونی شده‌اند که طی آن رهبران روحانی و مذهبی را مجاز به «فتوا» می‌کند و همچنین از دولت می‌خواهد هفت درصد از درآمدهای خود را به «صندوق‌های اخلاقی و اسلامی» واریز کند.
روزنامه «تایمز» لندن، ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲۴ مقاله‌ای تحت عنوان «ایران تظاهرات طرفداران فلسطین را بروده» گزارش داد، پلیس ضد تروریستی بریتانیا در گفتگوهای خصوصی به آنها گفته‌اند که «تهران تلاش می‌کند بر تنش‌ها در تجمعات و اعتراضات بیفزاید.»
سایر کشورهای اروپایی نیز با تظاهرات گسترده ضداسرائیلی حامیان فلسطین روبرو هستند. پایگاه خبری «پولیتیکو» سوم ماه مه (۱۴ اردیبهشت) گزارش داد بیش از هزار مسلمان در آخر هفته تکبیرگویان در خیابان‌های هامبورگ تظاهرات کردند و ضمن ابراز تأسف از رفتار جامعه آلمان با مسلمانان خواستار ایجاد خلافت شدند. در بسیاری از پلاکاردهایی که این افراد در دست داشتند آمده بود: «خلافت راه حل است!»
اولاف شولتز صدراعظم آلمان در واکنش به تظاهرات بی‌سابقه اسلامگرایان افراطی در آلمان گفت «این اقدامات بدون پاسخ نخواهد ماند.»
معتزسان اسلامگرا به هر بهانه‌ای با پلیس درگیر می‌شوند یا به شهروندان دیگر هجوم می‌برند و شعارهای توهین آمیز سر می‌دهند و یا علیه یهودیان و مسیحیان نفرت پراکنی می‌کنند. چنین وضعیتی سیاستمداران در کشورهای مختلف غربی را تحت فشار گذاشته تا در سیاست‌های دولتی در مورد پناهجویان تجدید نظر کنند. مشخص نیست آیا با عادی شدن شرایط در غزه، موج افراط‌گرایی مسلمانان و شرکای چپ‌گرای آنها آرام می‌گیرد یا نه اما دست‌کم رهبران این کشورها از نزدیک دیدند با چه تهدید عمیق و گسترده‌ای علیه آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در بطن جوامع خود روبرو هستند.

شهرهای اروپایی شده که به سرعت به یک چالش امنیتی جدی برای دولت‌های غربی تبدیل شده است.
در انتخابات اخیر شوراهای محلی در بریتانیا که هفته اول ماه مه برگزار شد چندین نامزد اسلامگرا با فاصله زیاد از رقبای خود در سایر احزاب بیشترین تعداد آراء را به دست آوردند. اغلب آنها از حامیان سرسخت فلسطین هستند که پیروزی خود را در امتداد آرمان‌ها و اصول بنیادین اسلامی در مورد فلسطینی‌ها می‌دانند.
به عنوان مثال محمدعلی اسلام از حزب «مستقل» با ۷۷ درصد آراء (۴۱۰۰ رأی) در برادفورد پیروز شد. عادل حسین از حزب «کارگر» رقیب محمدعلی اسلام نیز مسلمان است که ۱۷ درصد آراء (۸۹۹ رأی) به نام او ثبت شد.
آنا بتس فدرستون از حزب «سبز» چهار درصد و هری آلکساندر نیکسون برنز از حزب «محافظه‌کار» تنها سه درصد رأی آوردند. هر دو مجموعاً زیر ۴۰۰ رأی به دست آوردند. این نشان می‌دهد اقلیت مسلمان در منطقه برادفورد تا چه اندازه قدرت گرفته‌اند.
در موردی دیگر، متین علی نامزد اسلامگرای «حزب سبز» در شهر لیدز بعد از پیروزی در انتخابات شورای شهر در حالی که هوادارانش پرچم فلسطین را پشت سر او به اهتزاز درآورده بودند، برای غزه فریاد «الله اکبر» سر داد. وی که با ۳۰۷۰ رأی وارد شورای شهر شد گفت، «این پیروزی برای مردم غزه» بود!
در همین ارتباط کایر استارمر رهبر حزب کارگر گفت، که جنگ غزه عامل مهمی در از دست رفتن اکثریت این حزب در شورای شهر اولدهام بود.
اتفاقاً بر اساس گزارش «دیلی میل» مسلمانانی که در انتخابات شورای شهر پیروز شدند با پشتیبانی هواداران خود از رهبر حزب کارگر خواسته‌اند تا قول دهد در صورت نخست وزیر شدن، روابط نظامی با اسرائیل را قطع کند و به پیروان اسلام اجازه دهند در مدرسه نماز بخوانند و برای افرادی که «محمد» نام دارند از دریافت هزینه بیمه بیشتر

● همزمان با ادامه عملیات ارتش اسرائیل در غزه علیه حماس، اعتراضات حامیان فلسطین در آمریکا و کشورهای اروپایی و انگلستان گسترش پیدا کرده است. مسلمانان افراطی با حمایت چپ‌گراها و بخشی از دگرباشان جنسی و جریان‌های موسوم به «ووک» تقویت شده‌اند.
● روزنامه «تلگراف» روز دوشنبه ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) گزارش داد دانشجویان در انگلیس فهرست طولانی از درخواست‌های خود ارائه دادند که شامل «افشای کامل روابط مالی دانشگاه با اسرائیل» و «پایان دادن به تمام داد و ستد و سرمایه‌گذاری در شرکت و نهادهای مرتبط با اسرائیل» می‌شود.
● بر اساس گزارش «دیلی میل» مسلمانانی که در انتخابات شورای شهر پیروز شدند با پشتیبانی هواداران خود از رهبر حزب کارگر خواسته‌اند تا قول دهد در صورت نخست وزیر شدن، روابط نظامی با اسرائیل را قطع کند و به پیروان اسلام اجازه دهند در مدرسه نماز بخوانند و برای افرادی که «محمد» نام دارند از دریافت هزینه بیمه بیشتر جلوگیری کند!

● بیش از هزار مسلمان در اعتراضات شهر هامبورگ شرکت کردند و به انتقاد از رفتار آلمانی‌ها با مسلمانان پرداختند. آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود «خلافت راه حل است!»
همزمان با ادامه عملیات ارتش اسرائیل در غزه علیه حماس، اعتراضات حامیان فلسطین در آمریکا و کشورهای اروپایی و انگلستان گسترش پیدا کرده است. مسلمانان افراطی با حمایت چپ‌گراها و بخشی از دگرباشان جنسی و جریان‌های موسوم به «ووک» تقویت شده‌اند.
بعد از اعتراضات گسترده ضداسرائیلی در بیش از ۲۰ دانشگاه و کالج آمریکایی که از تبلیغات گسترده رسانه‌ای و حمایت‌های مالی مؤسسه‌ای از جمله «بنیاد سوروس» و «براداران راکفلر» برخوردار بود، دانشجویان در بریتانیا در چند دانشگاه از جمله «کمبریج» و «آکسفورد» نیز دست به اعتراض زدند و خواستار قطع روابط مالی دانشگاه‌ها با اسرائیل شدند. شماری از این دانشجویان با الگو گرفتن از دانشجویان معترض آمریکایی در محوطه دانشگاه‌ها چادر زدند و به حمایت از فلسطین پرداختند.
روزنامه «تلگراف» روز دوشنبه ششم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) گزارش داد دانشجویان فهرست طولانی از درخواست‌های خود را ارائه دادند که شامل «افشای کامل روابط مالی دانشگاه با اسرائیل» و درخواست برای «پایان دادن به تمام داد و ستد و سرمایه‌گذاری در شرکت و نهادهای مرتبط با اسرائیل» می‌شد. یکی از این نهادها مؤسسه مالی و اعتباری «بارکلیز» می‌شود که حامیان فلسطین می‌گویند میلیاردها سهام و وام در شرکت‌های فناوری نظامی دارند که توسط اسرائیل در غزه استفاده می‌شود.

مسئولان دانشگاه‌ها و پلیس در انگلستان و سراسر اروپا اعلام کرده‌اند یهودستیزی، اسلام‌هراسی و هرگونه نفرت‌پراکنی نژادی یا مذهبی، یا سایر فعالیت‌های غیرقانونی را تحمل نخواهیم کرد اما واقعیت آن است که جنگ در غزه زمینه‌ساز اعتراضات کم‌سابقه خشونت‌بار هزاران مسلمان پناهجو در شهرهای مختلف انگلیس و سایر

تور منطقه‌ای آنتونی بلینکن بعد از حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل؛ مخالفت با عملیات اسرائیل در رفح!



آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در نشست شورای همکاری خلیج فارس / آوریل ۲۰۲۴

کاهش درگیری‌ها و خشونت‌ها در همه سطوح ضروری است.

این ادعاها در حالیست که جمهوریخواهان در آمریکا و همچنین مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی دولت بایدن را متهم می‌کنند که با نایده گرفتن تحریم‌ها دسترسی به میلیاردها دلار پول را برای جمهوری اسلامی فراهم کرده و رژیم ایران نیز با همین پول‌ها به تأمین مالی گروه‌های تروریستی و افزایش بُرد موشک‌ها و پهپادهای خود می‌پردازد.

حضور بلینکن در ریاض اولین سفر او به منطقه از زمان درگیری بین اسرائیل و رژیم ایران است. قرار است وزیر خارجه آمریکا در هفته‌های آینده در مورد یکپارچه‌سازی دفاع هوایی و موشکی و تقویت امنیت دریایی، با شش کشور عضو این شورا گفتگو کند.

بلینکن در ادامه تور منطقه‌ای خود به اردن رفت و با پادشاه این کشور در مورد «راه‌های افزایش کمک‌رسانی به غزه» دیدار و گفتگو کرد. روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد که بلینکن «بی سر و صدا» از پادشاهی اردن برای کمک‌هایش در حمله اخیر رژیم ایران به اسرائیل تشکر خواهد کرد.

وزیر خارجه آمریکا در سفر به اسرائیل پشت درهای بسته با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور نیز دیدار و گفتگو داشت. وی در این دیدار بار دیگر مخالفت آمریکا را با گسترش عملیات اسرائیل به رفح اعلام کرد اما نتانیاهو در پاسخ به او گفت: «توافق آزادی گروگان‌ها با حماس به معنای اجتناب از تهاجم به رفح نیست» و «عملیات رفح به هیچ چیز بستگی ندارد». نتانیاهو همچنین تأکید کرد اسرائیل توافقی را که شامل پایان جنگ باشد، نخواهد پذیرفت.

برخی منابع گزارش دادند که اسرائیل آماده عملیات در رفح شده اما با فشارهای بین‌المللی آغاز آن را به تأخیر انداخته است.

حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل نیز بود. آنتونی بلینکن در آن نشست با اشاره به حملات موشکی و پهپادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل طی سخنانی خواستار یکپارچگی دفاعی بین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای مقابله با جمهوری اسلامی شد.

از محورهای اصلی مطرح شده در این نشست علاوه بر بحران غزه، افزایش تهدیدات منطقه‌ای جمهوری اسلامی بود. این در حالیست که پس از حمله پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی به خاک اسرائیل اعضای شورای همکاری خلیج فارس ترجیح دادند سکوت کنند.

بلینکن در بخشی از سخنان خود با تأکید بر نقش جمهوری اسلامی در بی‌ثباتی منطقه گفت: «تمرکز ما روی بزرگترین تهدیدکننده ثبات و امنیت منطقه است: [رژیم] ایران. این نخستین نشست شورای همکاری خلیج فارس پس از حمله بی‌سابقه [جمهوری اسلامی] ایران به اسرائیل است؛ این اولین حمله مستقیم [رژیم] ایران به اسرائیل با بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک بالستیک است، این حمله تهدیدات مرم و فزاینده [رژیم] ایران و نیز ضرورت همکاری ما در زمینه دفاع یکپارچه را بیشتر نمایان ساخت. این حمله وقیحانه همچنین بر خطرات دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای اشاره دارد و اینکه چرا ما باید به منظور عدم دستیابی [جمهوری اسلامی] ایران به چنین سلاحی به همکاری با یکدیگر ادامه دهیم تا مطمئن باشیم این اتفاق نمی‌افتد.»

بلینکن در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اهمیت برگزاری این نشست گفت: «با توجه شرایط استثنایی دشوار و بی‌سابقه در منطقه و تشدید تنش نظامی بین ایران و اسرائیل و افزایش تنش‌ها در دریای سرخ که تهدیدی برای امنیت و آزادی دریایی است و همچنین خطر گسترش تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های بالستیک و پهپادها، افزایش تلاش‌ها برای

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در نشست شورای همکاری خلیج فارس که در ریاض برگزار شد با اشاره به حمله موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به اسرائیل گفت: «این حمله بیانگر تهدید فوری و فزاینده [رژیم] ایران است اما همچنین ضرورت همکاری ما در زمینه دفاع یکپارچه را نشان می‌دهد.»

وزیر خارجه آمریکا گفت: «این حمله وقیحانه همچنین بر خطرات دستیابی [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای اشاره دارد و اینکه چرا ما باید به منظور عدم دستیابی ایران به چنین سلاحی به همکاری با یکدیگر ادامه دهیم تا مطمئن باشیم این اتفاق نمی‌افتد.»

اینهمه در حالیست که پس از حمله پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی به خاک اسرائیل اعضای شورای همکاری خلیج فارس ترجیح دادند سکوت کنند.

جمهوریخواهان در آمریکا و همچنین مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی دولت بایدن را متهم می‌کنند که با نایده گرفتن تحریم‌ها دسترسی به میلیاردها دلار پول را برای جمهوری اسلامی فراهم کرده و رژیم ایران نیز با همین پول‌ها به تأمین مالی گروه‌های تروریستی و افزایش بُرد موشک‌ها و پهپادهای خود می‌پردازد.

وزیر خارجه آمریکا در سفر به اسرائیل با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل دیدار و گفتگو کرد. وی در این دیدار بار دیگر مخالفت آمریکا را با گسترش عملیات اسرائیل به رفح اعلام کرد اما نتانیاهو در پاسخ گفت: «توافق آزادی گروگان‌ها با حماس به معنای اجتناب از تهاجم به رفح نیست» و «عملیات رفح به هیچ چیز بستگی ندارد.»

نشست وزیران خارجه شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در حالی روز ۲۹ آوریل (نهم اردیبهشت) با حضور وزیر خارجه آمریکا در شهر ریاض برگزار شد که این رویداد همزمان آغاز مرحله اول تور منطقه‌ای آنتونی بلینکن پس از

راهکارها و ابتکارات برای موضوع فلسطین



انور سادات رئیس جمهور فقید مصر در دیدار با مناحیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل. سادات نخستین رهبر یک کشور عربی بود که از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به این کشور سفر کرد. بگین و سادات در مارس ۱۹۷۹ با میانجیگری جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا یک پیمان صلح امضا کردند. ۹ ماه بعد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هرگونه کوشش صلح بین فلسطین و اسرائیل را تا امروز ناکام گذاشته است

قرار گرفت. ایالات متحده آمریکا ابتکار عمل را در دست گرفت تا بر اساس آن روند برقراری صلحی برای پایان بخشیدن به منازعات طولانی شروع شود. این ابتکار به قراردادهای کمپ دیوید در ۱۹۷۸ میان اسرائیل (منامخ بگین) و مصر (انور سادات) منجر شد که به موجب آن موجودیت اسرائیل مورد توافق قرار گرفت. توافقنامه‌های اسلو گامی بزرگتر و رو به جلو بود. اولین قرارداد در سال ۱۹۹۳، توسط یاسر عرفات از سازمان آزادیبخش فلسطین و اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل امضا شد. قرار بود که در ظرف مدت معینی تا همان سال ۱۹۹۹ موضوع نهایی شود. موضوعات اصلی این قرارداد عبارت بودند از:

۱. خروج یا استقرار مجدد نیروهای امنیتی اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه
 ۲. انتقال فوری اختیارات به فلسطینی‌ها در زمینه آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی، مالیات و گردشگری
 ۳. ایجاد یک نیروی پلیس قوی فلسطینی
 ۴. انتخابات دموکراتیک برای فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه
 ۵. ترتیبات هماهنگی بین سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل در مورد مسائل امنیتی و توسعه اقتصادی
 ۶. آغاز یک دوره انتقالی پنج ساله برای خودمختاری فلسطین، از جمله مذاکرات مربوط به موضوعات باقی مانده شامل موارد زیر:
 - وضعیت اورشلیم
 - پناهندگان فلسطینی
 - شهرک‌های اسرائیلی
 - ترتیبات امنیتی
 - مرزهای تعریف شده
 - روابط خارجی
- این توافقنامه باعث شد تا:

● موانع بر سر راه صلح بین اسرائیل و فلسطین چیست؟ برای دستیابی به راه حلی قابل دستیابی و واقع بینانه چه باید کرد؟ این نوشتار مروری بر مهمترین موضوعات مربوط به مناقشه میان فلسطین و اسرائیل دارد.

● مواضع حماس مهمترین مانع بر سر راه هر نوع برقراری صلح و ثبات در منطقه است. میثاق سال ۱۹۸۸ حماس و سپس سند تعدیل شده‌ای که در سال ۲۰۱۷ انتشار یافت اسناد محکم و غیرقابل تردیدی هستند که نشان می‌دهند حماس بجز نابودی اسرائیل طرح دیگری در نظر ندارد.

محمود مسائلی - نبردهای اخیر میان اسرائیل و حماس راه حل دو کشوری را برای حل مناقشه دوباره در مرکز توجهات قرار داده است. در جهان دیپلماسی و سیاست بین‌الملل، به همراه ابعاد حقوقی بین‌الملل مناقشه، راه حل دو کشوری با موضوع مشکلات امنیتی پیش روی اسرائیل، و بازسازی غزه کانون اصلی توجهات است. اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، مخالفت خود را با حاکمیت فلسطین اعلام کرده و گفته است که در مورد کنترل کامل امنیتی اسرائیل در غرب اردن سازش نخواهد کرد. به درستی موانع بر سر راه چیست؟ برای دستیابی به راه حلی قابل دستیابی و واقع بینانه چه باید کرد؟ این نوشتار مروری بر مهمترین موضوعات مربوط به مناقشه میان فلسطین و اسرائیل دارد.

مروری کوتاه بر مناقشه

در آغاز درگیری‌ها در فلسطین تحت حاکمیت بریتانیا میان یهودیان مهاجر به این منطقه و اعراب ساکن منطقه فلسطین به اشکال مختلفی به وجود آمد. یهودیانی که از آزار و شکنجه در اروپا فرار می‌کردند، به دلیل پیوندهایی که کتاب مقدس آنها با این سرزمین اشاره می‌کرد، به دنبال سرزمینی ملی برای خود بودند، و این سرزمین فلسطین بود. در سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۱۸۱ با طرحی موافقت کرد که فلسطین را به دو کشور عربی و یهودی با حاکمیت بین‌المللی بر «بیت‌المقدس» (اورشلیم) تقسیم می‌کرد. این طرح توسط کمیته موقت حل مشکل فلسطین تهیه شده بود. رهبران یهودی این طرح را پذیرفتند که ۵۶ درصد از زمین را به آنها داد. اما اتحادیه عرب آن را رد کرد.

کشور اسرائیل در ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸ اعلام موجودیت نمود. یک روز بعد، پنج کشور عربی به اسرائیل حمله کردند. این جنگ با کنترل ۷۷ درصد از خاک منطقه توسط اسرائیل به پایان رسید. حدود ۷۰۰۰۰۰ فلسطینی گریختند یا از خانه‌های خود رانده شدند و به اردن، لبنان و سوریه و همچنین در غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی سرازیر شدند. در سال ۱۹۴۹ مرزهای میان کشور اسرائیل و فلسطینی‌ها که سرزمین خود را بخشی از اتحاد عربی می‌دانستند، تعیین شد. در واقع بر اساس قراردادهای آتش بس در سال ۱۹۴۹ بین اسرائیل و مصر، لبنان، اردن و سوریه امضا شد، آنها رسماً به خصومت‌های جنگ اعراب و اسرائیل در سال پایان دادند و همچنین خط سبز را تعیین کردند که سرزمین‌های تحت کنترل اعراب را تا پیروزی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ از اسرائیل جدا کرد.

از زمان جنگ اول اعراب با اسرائیل در سال ۱۹۴۸، درگیری‌هایی بطور متناوب میان اسرائیل و اعراب فلسطینی و نیروهای عرب از کشورهای همسایه درگیر اتفاق افتاده

• اسرائیل شهرک‌های بزرگ را ضمیمه می‌کند و زمین‌های دیگری را در یک مبادله واگذار می‌کند و شهرک‌نشینان یهودی را در قلمرو مستقل فلسطین در خارج از آنجا اسکان می‌دهد. در ازای الحاق زمین‌های فراتر از مرزهای سال ۱۹۴۷ اسرائیل زمین‌های جایگزین را بر اساس نسبت ۱:۱ به فلسطینی‌ها تحویل خواهد داد. اراضی الحاق شده به کشور فلسطین از نظر کمیت و کیفیت برابر خواهد بود.

• این توافقنامه حل دائمی و کامل مشکل پناهندگان فلسطینی را پیش بینی می‌کند که بر اساس آن پناهندگان مستحق دریافت غرامت برای وضعیت پناهندگی خود و از دست دادن دارایی خواهند بود و حق بازگشت به کشور فلسطین را خواهند داشت. پناهندگان همچنین می‌توانند انتخاب کنند که در کشورهای میزبان فعلی خود باقی بمانند، یا به صلاحدید کشورهای ثالث به کشورهای ثالث، از جمله اسرائیل، نقل مکان کنند.

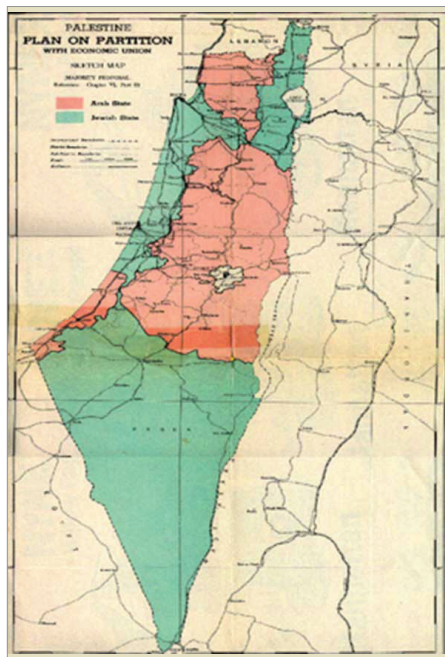
• یک نیروی چندملیتی که در کنار نیروهای امنیتی فلسطین کار می‌کند که گذرگاه‌های مرزی فلسطین به اردن و مصر و همچنین بنادر هوایی و دریایی را زیر نظر خواهد داشت. بخش بزرگی از رهبران سیاسی این ابتکار را مورد حمایت قرار داده‌اند. نتانیاهو، محمود عباس، اهود املرت تختست وزیر سابق اسرائیل، جو بایدن، آنگلا مرکل، بوریس جانسون، امانوئل ماکرون، پادشاه اردن، رئیس جمهور مصر، شاهزاده محمد بن سلمان، وزیر خارجه چین، و دبیرکل ملل متحد از جمله افراد سرشناسی هستند که این ابتکار عمل را با نگرشی مثبت در نظر گرفته‌اند. اما حماس و جهاد اسلامی و دیگر گروه‌های مقاومت هیچ واکنشی نسبت به آن نشان نداده‌اند.

موانع موجود بر سر راه چیست؟

۱. اسکان یهودیان در سرزمین‌های اشغالی از موضوعات پیچیده است. در حالی که اسرائیل در سال ۲۰۰۵ شهرک‌نشینان و سربازان خود را از غزه خارج کرد، شهرک‌های یهودی‌نشین در جاهای دیگر گسترش یافته است.
۲. مواضع سازش‌ناپذیر دو طرف در مورد مسائل اصلی از جمله اورشلیم همچنان وجود دارد.
۳. خشونت همچنان ادامه دارد. بعد از انتفاضه یک و دو، امروزه حماس و نهضت اسلامی و دیگر گروه‌های محور مقاومت هدفی بجز نابودی اسرائیل را در نظر ندارند. اسرائیل قصد دارد حماس را نابود کند و می‌گوید با هیچ معامله‌ای که حماس را در قدرت باقی می‌گذارد موافقت نخواهد کرد. نتانیاهو گفته است که غزه باید غیرنظامی شده و تحت کنترل امنیتی کامل اسرائیل باشد.
۴. بی‌اعتمادی عمیق در میان همه طرفین حاکم است. حماس می‌گوید که زنده خواهد ماند و برای این منظور آمادگی مذاکره با جناح فتح عباس برای تشکیل دولت وحدت را اعلام کرده است. واشنگتن که حماس را یک گروه تروریستی می‌داند، گفته است که می‌خواهد شاهد پیوند مجدد حکومت غزه و کرانه باختری تحت یک تشکیلات خودگردان احیا شده باشد.
۵. مواضع حماس مهمترین مانع بر سر راه هر نوع برقراری صلح و ثبات در منطقه است. میثاق سال ۱۹۸۸ حماس و سپس سند تعدیل شده‌ای که در سال ۲۰۱۷ انتشار یافت اسناد محکم و غیرقابل تردیدی هستند که نشان می‌دهند حماس بجز نابودی اسرائیل طرح دیگری در نظر ندارد.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدلی با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

عمده‌ای برای حل معضل منطقه در نظر گرفته شده است. به موجب این قرارداد، نوار غزه و کرانه باختری از طریق گذرگاهی که از اسرائیل می‌گذرد، بهم متصل می‌شوند. دیگر ابعاد این قرارداد عبارتند از:



• فلسطینی‌ها حق مردم یهود را برای داشتن کشور خود به رسمیت می‌شناسند و اسرائیل را به عنوان خانه ملی یهودیان نیز مورد شناسایی قرار می‌دهد. در مقابل، اسرائیلی‌ها کشور فلسطین را به عنوان خانه ملی مردم فلسطین به رسمیت می‌شناسند. طرفین باید پایتخت‌های متقابل به رسمیت شناخته شده خود را در مناطق اورشلیم تحت حاکمیت مربوطه خود داشته باشند. محله‌های یهودی بیت‌المقدس تحت حاکمیت اسرائیل و محله‌های عرب‌نشین بیت‌المقدس تحت حاکمیت فلسطین خواهد بود. طرفین متعهد خواهند شد که از شخصیت، قداست و آزادی عبادت در شهر محافظت کنند. طرفین شهر قدیمی را به عنوان یک کل می‌بینند که از یک شخصیت منحصر به فرد برخوردار است. تردد در داخل شهر قدیم با رعایت مفاد این قرارداد و قوانین و مقررات مربوط به اماکن مختلف مقدس آزاد و بلامانع است. هیچ حفاری، حفاری، یا ساخت و ساز در الحرام الشریف / کوه معبد انجام می‌شود، مگر اینکه توسط دو طرف تایید شود. یک طرح رنگی قابل مشاهده باید در شهر قدیمی برای نشان دادن مناطق مستقل طرف‌های مربوطه استفاده شود.

• یک گروه اجرایی و راست‌آزمایی برای تسهیل، کمک، تضمین، نظارت و حل و فصل اختلافات مربوط به اجرای موافقت‌نامه ایجاد خواهد شد. به عنوان بخشی از این گروه، یک نیروی چندملیتی برای ارائه تضمین‌های امنیتی به طرفین ایجاد خواهد شد. برای انجام وظایف مشخص شده در این موافقت‌نامه، نیروهای چندملیتی در کشور فلسطین مستقر خواهند شد.

• فلسطین و اسرائیل هر کدام حق یکدیگر را برای زندگی در صلح در مرزهای امن و شناخته شده و عاری از تهدید یا اعمال جنگ، تروریسم و خشونت به رسمیت می‌شناسند و به آنها احترام می‌گذارند. هر دو طرف باید از تشکیل نیروهای نامنظم یا گروه‌های مسلح و مبارزه با تروریسم و تحریک جلوگیری کنند. فلسطین باید یک کشور غیرنظامی و دارای نیروی امنیتی قوی باشد.

۱. حق موجودیت اسرائیل توسط سازمان آزادیبخش فلسطین به رسمیت شناخته شود.
۲. خشونت‌ها توسط سازمان آزادیبخش فلسطین متوقف شود.
۳. تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه به وجود آید.

۴. فلسطینی‌ها امیدوار بودند که این گامی به سوی یک کشور مستقل با پایتختی بیت‌المقدس شرقی باشد. قرارداد دوم اسلو در ۱۹۹۵ میان شیمون پرز و یاسر عرفات منعقد شد. مهمترین موضوعات این توافقنامه عبارت بودند از تقسیم کرانه باختری و نوار غزه به سه نوع قلمرو در دوره موقت:

منطقه الف: مناطق تحت مدیریت و امنیت فلسطین
منطقه ب: مناطق تحت مدیریت فلسطین اما امنیت مشترک اسرائیل و فلسطین

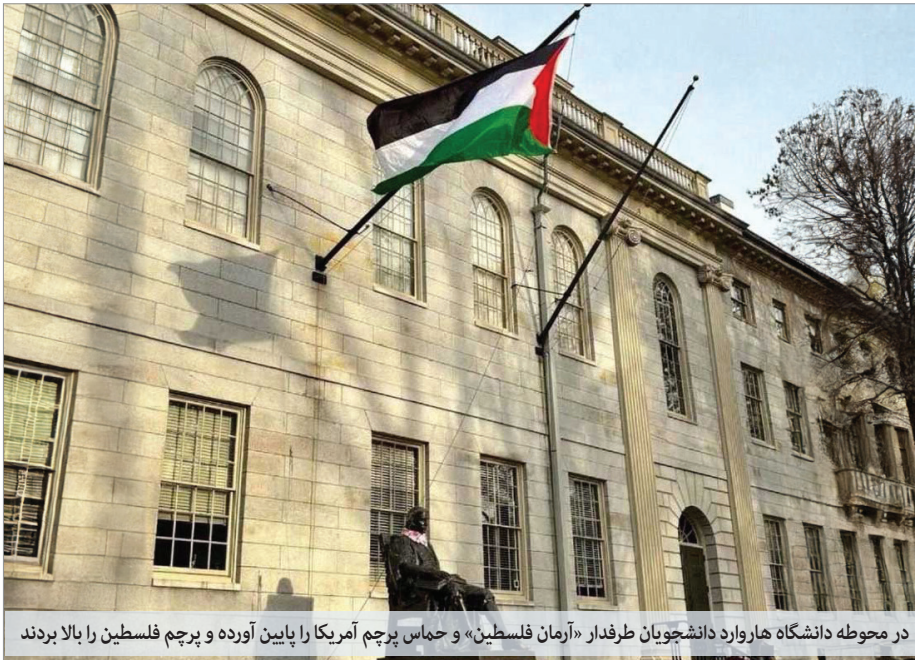
منطقه ج: مناطق تحت مدیریت و امنیت اسرائیل
رابین در سال ۱۹۹۵ توسط یک ملی‌گرای افراطی اسرائیلی که مخالف سیاست‌های صلح او بود، ترور شد. سپس نتانیاهو به قدرت رسید. در سال ۲۰۰۰ بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، عرفات، و اهود برک نخست‌وزیر وقت اسرائیل را به کمپ دیوید دعوت کرد تا به توافقی دست یابند، اما این تلاش با شکست همراه شد. سرنوشت اورشلیم، که اسرائیل آن را پایتخت «ابدی» و غیرقابل تقسیم» خود می‌داند، مانع اصلی بود. این مذاکرات همچنین با مرزهای یک کشور فلسطینی همراه با سرنوشت آوارگان فلسطینی و یهودیانی که در سرزمین‌های تصرف شده در سال ۱۹۴۷ ساکن شده بودند، گره خورده بود. همچنین «مقاومت اسلامی» موسوم به «انتفاضه اول» و «انتفاضه دوم» را نیز برای شکست این توافق‌ها در نظر گرفت.

ابتکار عمل ژنو

گروهی از شخصیت‌های یهودی و فلسطینی برای عبور از موانعی که بر سر راه آرامش در منطقه قرار دارند، و سرسختی طرفین مراعیه برای رسیدن به توافقی پایدار، به ابتکار عمل بی‌نظیری دست زدند که می‌تواند مبنای مناسبی برای راهکار واقع‌بینانه و امکان‌پذیر برای معضل پیچیده منطقه باشد. این ابتکار یک نمونه توافقنامه وضعیت دائمی بین دولت اسرائیل و دولت فلسطین را مطرح ساخته و در پی توافقی است که یک راه حل جامع و صریح برای همه مسائل حیاتی مربوط به پایان درگیری‌ها باشد. تصویب این توافقنامه و اجرای آن راه حلی برای مناقشه تاریخی، فصل جدیدی در روابط اسرائیل و فلسطین و از همه مهمتر تحقق دیدگاه‌های ملی دو طرف را به همراه خواهد داشت. این ابتکار بر اساس مذاکرات رسمی قبلی، قطعنامه‌های بین‌المللی، و چندین ابتکار صلح پیشین استفاده برده و در پی یافتن راهکارهای واقع‌بینانه و قابل دستیابی را در مورد همه موضوعات است. آموزش و کارزاری جهانی، چه در سطح محلی و چه در سطح بین‌المللی، به نفع هر دو ملت از شیوه‌های مورد نظر ابتکار است. به منظور دستیابی به یک راه حل دو کشوری واقع‌بینانه و پایدار که در آن هر دو ملت بتوانند آینده‌ای روشن‌تر بسازند، مذاکره کنند، در این ابتکار تبلور یافته است.

علاوه بر ارائه طرحی دقیق برای صلح اسرائیل و فلسطین، با نشان دادن راه و آماده‌سازی افکار عمومی و رهبری برای پذیرش، حمایت و ترویج سازش‌های واقعی مورد نیاز برای حل مناقشه، هدف آن نزدیک‌تر کردن آن لحظه صلح است. بر اساس توافق انجام شده راه حل دو کشوری با بازیابی

به نام دموکراسی!



در محوطه دانشگاه هاروارد دانشجویان طرفدار «آرمان فلسطین» و حماس پرچم آمریکا را پایین آورده و پرچم فلسطین را بالا بردند

استادان مسلم حقوق و کارشناس امور امنیت ملی چندی پیش در یک سخنرانی در مرکز پژوهش‌های قانون اساسی و شهروندی آمریکا نسبت به خطرهایی که دموکراسی این کشور پهناور و مهم را تهدید می‌کند، هشدار داد.

آقای اسمیتسون گفت: «قانون اساسی ایالات متحده، در مهم‌ترین اصل خود بر جدائی و استقلال قوای سه‌گانه و جایگاه هر یک از آنها تأکید کرده و خطوط بسیار روشنی از وظایف و مسئولیت‌های دولت فدرال و ایالت‌ها را ترسیم کرده است. حال اگر دادستان‌های محلی وابسته به دولت‌های ایالتی از اجرای قوانین کشوری خودداری ورزند، چه پیش خواهد آمد و سرانجام نظم حقوقی و قضائی کشور چه خواهد بود؟» او افزود «نتیجه آن خواهد شد که امروزه نمونه‌های آن را در ایالت‌های تحت تسلط دموکرات‌ها می‌بینیم.» حدود ۹۰ درصد پرونده‌های جنائی در آمریکا، توسط ۲۳۰۰ تن دادستان‌های ایالت‌ها رسیدگی می‌شوند. ۱۰ درصد باقیمانده در حوزه مسئولیت‌های وزارت دادگستری آمریکاست. تا چندی پیش، دادستان‌های ایالتی که با رای مستقیم شهروندان برگزیده می‌شوند، با اجرای قاطعانه و منصفانه قوانین جنائی ایالتی و حمایت از حقوق شهروندی، بدون توجه به وابستگی حزبی انجام وظیفه می‌کردند. آنها در مبارزه با تبهکاری‌ها و کاهش میزان جنحه و جنایت کارنامه موفق‌تری طی سه دهه گذشته داشتند تا اینکه در سال ۲۰۱۵ با ظهور پدیده تازه‌ای با عنوان «دادستان‌های پروگرسو» پیشرو! که به ابتکار و پشتیبانی جرج سوروس میلیاردر سوسیالیست یهودی‌تبار پایه‌گذاری شده است، یکباره شیرازه اعمال قانون در بخش‌های گوناگون، به ویژه در ایالت‌های تحت تسلط حزب دموکرات آمریکا، در هم ریخت و میزان قانون‌شکنی به گونه چشمگیری افزایش یافت. به گفته «چارلز استیمسون» این حرکت در دو باور اصلی متکی است: نخست آنکه کلیت سیستم عدالت کیفری در آمریکا، بطور سیستماتیک بر نژادپرستی استوار است. دوم اینکه برای تغییر تمامی این سیستم، باید دادستان‌هایی برگزیده شوند که جایگزین دادستان‌های نظم و

هم داشته‌اند. از جمله نتایج این دستاورد اینکه امروزه مهم‌ترین و خطرناک‌ترین دروغ در تعریف سیاست عمومی آمریکا این ایده باطل است که هرگونه اختلاف نژادی در هر نهادی، نتیجه تبعیض نژادی است و راستگراها و در صدر آنها حزب جمهوریخواه معرف و نماینده چنین تبعیضی هستند! به عنوان نمونه، «هدر مک دونالد» از حقوقدانان معتبر آمریکا و از اعضای ارشد «انستیتوی منهایان»، فوریه گذشته طی سخنرانی مسووطی در «سمینار رهبری» در شهر ناپل ایالت فلوریدا مثالی ذکر کرد که تعریف هسته مرکزی سیاست‌های چپ‌های آمریکا و نمونه‌ای از تبلیغات مسموم آنهاست که نوع تازه‌ای از نژادپرستی را ارائه می‌کند.

هدر مک دونالد گفت: اگر یک لابراتوار پژوهش‌های مربوط به مقابله با بیماری‌های سرطان، شامل ۱۳ درصد از آنکولوژیست‌های (متخصصان تومورها) سایه‌پوست نباشد، امروزه در چارچوب تعریف لغوی، لابراتوار نژادپرست شناخته می‌شود! رقم ۱۳ درصد هم اشاره به میزان درصد جمعیت سایه‌پوست آمریکاست.

این بانوی حقوقدان در ادامه، نمونه‌های دیگری از دگرگونی‌های تحمیلی را برشمرد: «بسیاری پیشتر بر این باور بودند که عرصه دانش و دنیای ریاضیات از تأثیرپذیری‌های ایدئولوژیک در امان خواهند بود ولی در نهایت شگفتی، آنها اشتباه می‌کردند! اکنون انجمن پزشکی آمریکا مدعی است که پزشکی اصولاً با برتری‌جویی سفیدپوستان مشخص شده است و نشریه معروف «نیچر» [طبیعت] اعلام کرده که علوم یکی از بدترین افراط و تفریط‌های بشری را آشکار می‌کنند. یک نهاد فرهنگی دیگر «انستیتوی اسمیتسونین» در مطلب هشدارآمیزی تصریح کرده که تأکید بر روش‌های علمی، بخشی از نشانه‌های توتالیتراریسم و تمامیت‌خواهی است. هشدارها تنها به «یوری برلیز روزنامه‌نگار» و بانو «هدر مک دونالد حقوقدان» محدود نمی‌شود؛ فرهیختگان دیگری که در جبهه مخالف چپ‌های «گلوبالیست» قرار دارند، در زمره هشداردهندگان هستند.

چارلز «کالی» استیمسون از شخصیت‌های معتبر و از

- تظاهرات به سود حماس و اسلام تندرو، تازه ترین تولید گلوبالیسم
- گلوبالیست‌ها شیوه حکومتی چین را می ستایند و با جمهوری اسلامی مشکلی ندارند.
- اتحاد سرخ و سیاه مکرر ولی تاکتیکی گذراست.
- از این دو قشر باید پرهیز کرد که هرچه را لمس کنند، به تباهی می کشند.

نادر صدیقی - چندی پیش، به دلیلی پیاده‌روی نه چندان روزانه من در نزدیکی یکی از دانشگاه‌های معتبر واشنگتن انجام شد. آرامش پیاده‌روی آن روز با اندک هیاهوی عده قلیلی از دانشجویان در جانبداری از سازمان (تروریستی اعلام شده) «حماس» برهم خورد. اگرچه در مقایسه با بلشوی آزاددهنده در دانشگاه کلمبیا در نیویورک و دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس (یوسی‌ال‌ای) بسیار کوچک بود و به نمایش چند پلاکارد بدخط محدود می‌شد، ولی مرا به این اندیشه واداشت که آیا این جوان‌ها به درستی می‌دانند که چه می‌خواهند و تا چه اندازه از پیشینه بحران جاری در خاورمیانه آگاهند؟

پیامد چنین تفکر گذرائی، زنده شدن خاطرات تلخ مربوط به نتایج رویدادهای دیگری بود که از ماجرای رقت‌بار پاندمی جهانی کووید ۱۹ آغاز شد و امروزه به یورش همه‌جانبه چپ‌ها در آمریکا و اروپا و به عبارتی در جوامعی انجامیده که روزگاری مشعل‌دار آزادی و قانون بودند.

تردید ندارم که تظاهرکنندگان جوانی که این روزها اکثر نهادهای آموزش عالی آمریکا را به صحنه احیای نژادپرستی و یهودستیزی تبدیل کرده‌اند، از خود نپرسیده‌اند که چگونه انبوهی تروریست مسلح در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به خانه‌های مردمان کشور همسایه هجوم بردند و فاجعه ننگ‌آوری را مرتکب شدند که در تاریخ ثبت شد. مهاجمان، حتا تجاوز به زنان و دختران را هم بخشی از مبارزه خود علیه شهروندان اسرائیل قرار داده و قلمداد می‌کنند!

پاسخ بسیار روشن است و جای بحث هم ندارد. این جوان‌ها و دیگران مانند مسلمانان تندرو در آمریکا و اروپا، بخشی از کلاس «چپ‌های حمایت شده» هستند که شعار معروف آیت‌الله خمینی «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» را درون آمریکا با صدای بلند تکرار می‌کنند، پرچم‌های این دو کشور را به آتش می‌کشند و پرچم فلسطینی‌ها و نیز پلاکادهای زنده باد حماس را به اهتزاز در می‌آورند و از هیچ پیامد احتمالی قانونی هم ابا ندارند. البته طرفداران حماس تنها گروه‌هایی نیستند که مورد حمایت چپ‌های جهان‌وطنی قرار دارند. اقدامات چپ‌ها در سایر عرصه‌ها عمیق‌تر و خطرناک‌ترند.

چپ‌ها در بسیاری از نهادهای دولتی، مدنی و رسانه‌ها نفوذ کرده‌اند. ماجرای افشاری جنجال برانگیز «یوری برلیز» دبیر ارشد بخش اقتصادی شبکه رادیویی «ان پی آر» از معروف‌ترین رسانه‌های آمریکا، تازه‌ترین مورد از نفوذ صد درصدی چپ‌ها و طرفداران لیبرال حزب دموکرات در حیات تحریریه این سازمان خبری است. یوری برلیز در مقاله‌ای روشنگرانه، کارفرمای خود را به انحراف از مسیر درست و اصلی متهم کرده که به یک مدافع مغرض چپ افراطی در آمریکا تبدیل شده و از ۸۲ تن اعضای هیات تحریریه آن، ۸۲ تن عضو سرسخت و افراطی حزب دموکرات هستند که سیاست‌های دیکته‌شده‌ی رهبران حزب را پوشش می‌دهند. از سال ۲۰۰۸ میلادی، چپ‌ها در آمریکا دستاورد دیگری

خود در برابر افکار عمومی غرب، گاه و بیگاه، تحریم‌هایی را علیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعلام می‌کنند ولی در عمل از اجرای درست و دقیق آنها طفره می‌روند.

در نزدیک به چهار سال دولت آقای بایدن در آمریکا، به رغم تحریم‌های قدیم و جدید علیه جمهوری اسلامی و به خصوص صادرات نفت و گاز ایران، میزان فروش آنها توسط حکومت در ایران نه تنها کاهش نیافته که نسبت به میزان فروش‌های پیشین افزایش داشته و میلیاردها دلار از این طریق برای حکومت شعبه، کسب درآمد شده است. نمونه‌ها:

- خبرگزاری ایسنا در گزارشی به تاریخ سه‌شنبه، ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ خورشیدی، از قول محسن خجسته مهر مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران گفته است که میزان صادرات نفت خام و میعانات گازی در دولت سیزدهم (رئیس)، دو برابر شده و میزان درآمد نیز ۴۰ درصد افزایش یافته است. - ایرنا خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی به نقل از گزارش مشروحي در رونامه «نيکی» ژاپن (Nikke) نوشت که صادرات نفت ایران در سال گذشته (۲۰۲۳) میلادی، ۵۰ درصد افزایش داشت.

- شرکت پژوهشی کپلر اعلام کرده که ۹۰ درصد صادرات نفت ایران، راهی چین می‌شود.

- خبرگزاری رویترز در خبری فاش ساخته که بیش از ۴۰ درصد پالایشگاه‌های کوچک و متوسط چین، نفت ایران را تصفیه می‌کنند و اغلب پول نفت خریداری شده را با ارز «یوان» چین پرداخت می‌کنند.

- خبرگزاری ایرنا بی هیچ پرده‌پوشی در گزارشی تصریح کرده که نفتکش‌های حامل نفت ایران، برای دور زدن تحریم‌ها، در دریا، محموله‌های خود را از کشتی به کشتی دیگر منتقل می‌کنند. این خبرگزاری اضافه کرده که دولت جو بایدن، بطور ضمنی، صادرات جمهوری اسلامی را پذیرفته است.

روش اعمال تحریم‌های ظاهری در اروپا نیز مشابه شیوه‌های آمریکائی است. در بسیاری موارد کشورهای عضو اتحادیه و بریتانیا، بیشتر مواظب داد و ستد خود با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند تا اعمال درست تحریم‌ها.

به این ترتیب، پیامدهای تحریم‌ها، فشار بیشتر بر مردم از طریق افزایش قیمت‌ها و ایجاد کمبودهای مصنوعی حتا در مورد داروهایست که جزو هیچ تحریمی نبوده و نیستند. در بررسی رفتار سیاسی دولت‌های اروپائی و آمریکا یک نکته خودنمائی می‌کند: حمایت پنهان از جمهوری اسلامی در ایران و پشتیبانی آشکار از بازیگران دست‌آموز در بخش‌های پر سر و صدای جهان.

- کمونیسم (گلوبالیست‌ها) و اسلام‌یسم (جمهوری اسلامی و اخوان المسلمین) هیچیک هدف‌های پیشرو نداشته و ندارند. این دو ایدئولوژی، تمامیت‌خواه و از آزادی بیزارند. آنها نه پیشرو که پسر هستند.

- اتحاد سرخ و سپاه همواره مکرر ولی تاکتیکی گذراست که بر اساس ضد ارزش‌های آزادی و تحدید حقوق انسان‌ها استوار است. چنانکه تاریخ گواهی داده و ما خود به تجربه دریافته‌ایم، در حکومت اسلام‌یون، ملت که در واژگان اسلامی «امت» نامیده و تلقی می‌شوند، حقوق بسیار محدودی دارد و همواره در معرض خشونت و مرگ و ستم علیه زنان و محدودیت حقوقی آنان مضاعف است. در کمونیسم نیز آزادی‌ها از هر نوع، از جمله آزادی بیان، تجمع و حتا اندیشه، تحت کنترل و حذف قرار می‌گیرند.

از این دو قشر باید پرهیز کرد که هرچه را لمس کنند، به تباهی می‌کشند.

*نادر صدیقی روزنامه‌نگار

برگزار می‌کند، در نیت و هدف این سازمان جهانی برای تغییر ساختارهای اقتصادی و از این طریق دگرگونی در رفتارهای اجتماعی جوامع گوناگون هیچگونه پرده‌پوشی نمی‌کند.

کلاوس شواب می‌گوید: هدف نهائی، کنترل جوامع جهانی از طریق ایجاد اقتصاد جهانی براساس سرمایه‌داری نوین تعریف می‌شود. او سرمایه‌داری با ویژگی‌های چینی را بهترین نوع می‌داند. یک اقتصاد دو لایه، با انحصارات سودآور و دولت در راس آن و سوسیالیسم برای اکثریت پایین‌تر. این ایدئولوژی‌های «امام زمانی»، با ایمان نادرست به حکومت به اصطلاح متخصصان و نادیده گرفتن حق مردم برای حکومت بر خود، تنها به استبداد می‌انجامد.

گلوبالیست‌ها و جمهوری اسلامی در ایران

انبوهی از گروه‌های الیت در کشورهای مختلف، به ویژه در دنیای غرب، به گرمی از دکترین مسموم گلوبالیست‌ها استقبال می‌کنند و آن را ابتکاری برای اصلاحات همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در عرصه جهانی می‌نامند. به عبارتی، تعریف تلاشی برای تحمیل یک حکومت جهانی در زمانی مناسب. آنها:

- شیوه‌های حکومتی در چین کمونیست را می‌ستایند. - با سیاست‌های جمهوری اسلامی و نقض حقوق شهروندی ایرانیان، نادیده گرفتن قوانین حاکم بر روابط بین‌الملل، ایجاد آشوب در منطقه و تهدید رفت و آمد کشتی‌های بازرگانی در آب‌های آزاد جهان مشکلی ندارند. - از مقامات جمهوری اسلامی در کنفرانس‌های سالانه «داووس» استقبال و پذیرائی می‌کنند.

- از «حماس» که توسط کشورهای غربی یک سازمان تروریستی نامیده شده ولی از جانب حکومت ملایان در تهران، امیر و امیرزادگان قطر و اخوان المسلمین ترکیه، تغذیه مالی، سیاسی و تسلیحاتی می‌شوند، پشتیبانی می‌کنند.

- به تظاهرات در کشورهای گوناگون و بست‌نشینی دانشجویان جوان سرشار از احساسات در حمایت از تروریسم حماس دامن می‌زنند و منابع مالی سخاوتمندانه‌ای در اختیار گروه‌های برگزارکننده تظاهرات در طرفداری از اسلام و حماس قرار می‌دهند تا ضدیت با غرب و به ویژه یهودستیزی را در میان نسل جوان بزرگنمائی کنند.

اخیرا روزنامه معروف «نیویورک پست» در گزارش مسوولی نوشت که: «جرج سوروس، میلیون‌ها دلار خرج تظاهرات ضد اسرائیلی چپ‌ها کرده است.»

در بست‌نشینی تظاهرکنندگان طرفدار «حماس» در محوطه دانشگاه کلمبیا، چادرهای کوچک یک رنگ و یک شکل برپا شده بود که همه محصول یک کارخانه تولیدی بودند. نشانی از اینکه منبعی، هزینه‌های خرید انبوه این چادرها را انجام داده و پول آنها را یکجا پرداخت کرده است. در این نمونه‌های مختصر، واقعیت تلخ دیگری نهفته است مبنی بر اینکه ملت ایران برای احیای هویت تحت ستم خود و برای تجدید زندگی پیشرو، باید به پیکاری بزرگتر بپردازد چرا که دشمن تنها به جغرافیای اشغال‌شده ایران و معلول دست‌نشانده‌ای به نام جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود.

ابعاد مقابله با ایران و توانائی‌های عظیم و بالقوه مردمان آن برای تبدیل به یک کشور- ملت توانمند، گلوبالیست‌های قدرت‌طلب را عمیقاً نگران می‌کند. از همین روست که ما در سیاست‌های جهانی در قبال جمهوری اسلامی، هیچگونه توازنی در گفتار و عمل قدرتمداران نمی‌بینیم. دولت‌های لیبرال و چپ‌گرا در چهارگوشه گیتی و به ویژه در اروپا و آمریکا، در گفتار، ژست دفاع از حقوق شهروندان ایران را موعظه می‌کنند ولی در عمل به سیاست مماشات و در بسیاری موارد تقویت مالی جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند. دولت‌های اروپائی و آمریکائی برای توجیه سیاست‌های

قانون شوند. دادستان‌هایی که همسو با تبهکاران و مخالف پلیس و نهادهای انتظامی هستند و با عنوان «سرکش» شناخته می‌شوند. طنز تلخ ماجرا در این است که جایگزینی دادستان‌های «پروگرسو» در مناطقی بوده که بیشترین آسیب‌ها را به اقلیت‌ها وارد کرده، اقلیت‌هایی که آقای سوروس ادعای دفاع از منافع آنها را دارد.

براساس آماری که آقای «استیمسون» ارائه داده، امروزه بیش از ۷۰ دادستان «سرکش» در ایالات مختلف روند متفاوتی از غیرقانونی بودن برخی تخلف‌ها را جاری می‌کنند و در واقع قوانین شناخته شده را زیرپا می‌گذارند. به عنوان نمونه، «راشل رویلینز» در دوره تسلط خود بر دادستانی بخش «سافوک» در بوستون ایالت ماساچوست، ۱۵ مورد از خلافکاری‌ها را از حوزه تعقیب قضائی حذف کرد که مواردی مانند دزدی از فروشگاه‌ها و تجاوز از آن جمله‌اند. دزدی تا ۲۵۰ دلار تعقیب نمی‌شود!

نمونه دیگر «جورج گسکون» دادستان منطقه لس آنجلس کالیفرنیا، به ۱۰۰۰ دادستان زبردست خود دستور داد که از تعقیب ۱۳ مورد خلافکاری‌ها پرهیز کنند. او در دستورالعمل خود از اینهم فراتر رفت و تاکید کرد که صدها مورد خلافکاری دیگر نیز در چارچوب این رهنمود رسمی، می‌تواند به تشخیص دادستان‌ها، شامل عدم تعقیب قرار بگیرند. در شهر شیکاگو، «کیم فاکس» دادستانی که با پشتیبانی مالی جرج سوروس و با تبلیغات شدید در انتخابات برنده شد، در دومین هفته شغل جدید خود، میزان معافیت تعقیب برای دزدی از فروشگاه‌ها یا مکان‌های دیگر را از ۳۰۰ دلار به ۱۰۰۰ دلار افزایش داد!

«لاری کرسز» در فیلادلفیا، «چسا بودین» دادستان پیشین سانفرانسیسکو، «الوین برگ» دادستان نیویورک و دیگران نیز به همین شیوه، به سونامی دزدی از فروشگاه‌ها و مغازه‌های جزیی فروش و یا داروخانه‌ها دامن زده‌اند.

دادستان‌های سرکش، بسیاری از دادستان‌های زبردست خود را که از بهترین مجریان قانون در ایالت‌ها بودند، برکنار کردند و به دنبال این تغییرات، تبهکاری‌ها نیز به میزان سرسام‌آوری افزایش یافت. در فیلادلفیا، در زمان به دست گرفتن قدرت قضائی توسط «لاری کرسز» آمار قتل‌ها در این شهر، با میانگین ۲۸۱ مورد در سال خلاصه می‌شد. از سال ۲۰۱۸ که این دادستان سرکش انتخاب شد، میانگین تعداد قتل‌ها به ۴۵۷ مورد افزایش یافته است. ۸۳ درصد قربانیان این قتل‌ها، سپاهان بوده‌اند. آمارها وحشتناکند و ذکر آنها خود به مقاله دیگری نیاز دارد:

ولی آنچه شایسته توجه دقیق است، نقش «جرج سوروس» و ثروتمندان هم مسلک اوست که برای دگرگون کردن زیرساخت‌های اجتماعی در جوامع غربی و به ویژه در ایالات متحده، طرح‌ها و برنامه‌های گسترده‌ای دارند. به قول آقای «چارلز اسمیتسون» حقوقدان و کارشناس امور امنیت ملی در آمریکا، هدف این طرفداری از حقوق اقلیت‌ها، در واقع کسب قدرت به نام اقلیت‌هاست. این طرح با هدف به دست گرفتن قدرت تنها شامل واحدهای کوچک اجتماعی و شهری نیست بلکه در سطح جهانی به شیوه دیگری ولی با همان هدف اعمال می‌شود. هسته داغ و مذاب این شیوه هم چیزی جز «گلوبالیسم» و حرکت‌های گلوبالیستی نبوده و نیست. حرکت‌های ساختار شکن در شکل و محتوا ولی با عناوین متفاوت، درست به شیوه‌های حکومتگران تمامیت‌خواه عمل می‌کنند؛ چه از نوع حکومت‌های فاشیستی و یا کمونیستی و چه حکومت‌های مذهبی که نمونه قرن بیستمی آن برای آخرین بار در ایران ظهور کرد. کلاوس شواب بنیانگذار و مدیر اجرایی «مجمع جهانی اقتصاد» که همه ساله کنفرانسی با شرکت صاحبان و مدیران شرکت‌های چندملیتی و سیاست‌پیشگان و مقام‌های عالی‌رتبه دولتی در شهر «داووس» کشور سوئیس

پروفسور دیوید مناشری:

اسرائیل در پاسخ به «صبر استراتژیک» جمهوری اسلامی از «فرصت استراتژیک»
برای تقویت محوری که علیه رژیم ایران شکل گرفته استفاده کند

پروفسور دیوید مناشری

● پروفسور دیوید مناشری استاد بازنشسته دانشگاه تل‌آویو و محقق سرشناس اسرائیلی در مصاحبه با وبسایت «ISRAEL21c» می‌گوید بعد از انقلاب اسلامی روابط ایران و اسرائیل تیره شد اما در زمان جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی حتا با اسرائیل مذاکره کرد و از طریق اسرائیل تسلیحات آمریکایی خرید. به گفته وی، آیت‌الله روح‌الله خمینی باور داشت وقتی در حال غرق شدن هستید، می‌توانید حتا به دم مار بچسبید تا زنده بمانید!

● مناشری می‌گوید، ستیز جمهوری اسلامی با اسرائیل علاوه بر ریشه‌های ایدئولوژیک با سیاست مخلوط شده است. او توضیح می‌دهد، «اگر می‌خواهید رهبر جهان اسلام شوید، باید پرچم فلسطین را به اهتزاز درآورید، حتا اگر به صورت تاکتیکی باشد. برای [رژیم] ایران که شیعه است و سنی نیست، برافراشتن پرچم فلسطین و تبدیل شدن به نماد مبارزه با اسرائیل، مشروعیت آن را در جهان اسلام که می‌خواهد بر آن مسلط باشد، فراهم می‌کند.»

● این استاد دانشگاه تأکید می‌کند که «این دیدگاه‌ها لزوماً با دیدگاه عموم مردم که اغلب از دخالت رژیم ایران و پیامدهای منفی آن در خارج از مرزهای کشور ناراضی‌اند و همچنین رژیم را به دلیل اقداماتش در داخل مورد انتقاد قرار می‌دهند، مشترک نیست. نمونه آن اعتراضات ۲۰۲۲ علیه رفتار حکومت با زنان است.»

● وی معتقد است «حمله [رژیم] ایران [به اسرائیل] فرصتی استراتژیک ایجاد کرده است که هرگز در خاورمیانه دیده نشده: یک محور بالقوه تحت رهبری آمریکا از اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای مسلمان میانه‌رو مانند اردن، مصر و امارات شکل گرفته است. خطر [رژیم] ایران به همان اندازه که ما را تهدید می‌کند، برای آنها نیز تهدیدکننده است و به همین دلیل است که در فرصت‌های بهت باید از این موقعیت برای پیوستن به این محور استفاده می‌کردیم تا بتواند منطقه را آرام کند و به عادی ساختن روابط اسرائیل و عربستان منجر شود.»

برای میلیون‌ها اسرائیلی که در برابر حمله گسترده رژیم ایران در ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین) پناه گرفته‌اند، احتمالاً غیرقابل درک است که روزی روزگاری، شرکت هواپیمایی اسرائیل «ال‌آل» یک پرواز روزانه از تل‌آویو به تهران داشت. ولی این مربوط به زمانی پیش از روی کار آمدن جمهوری اسلامی است که روابط رژیم ایران و اسرائیل رو به تیرگی گذاشت.

برای درک این روابط پر فراز و نشیب وبسایت «ISRAEL21c» با پروفسور دیوید مناشری استاد بازنشسته دانشگاه تل‌آویو و محقق سرشناس اسرائیلی در مورد مسائل ایران گفتگو کرده است.

مناشری متولد تهران است و پنج ساله بود که خانواده‌اش به اسرائیل مهاجرت کرد. در دهه ۱۹۷۰ او دو سال در دانشگاه تهران به انجام تحقیقات گذراند و از آن زمان تا کنون مقالات زیادی در زمینه آموزش، سیاست و سیاست خارجی ایران منتشر کرده است.

حتا با اسرائیل مذاکره کرد و از طریق اسرائیل تسلیحات آمریکایی خرید. آیت‌الله روح‌الله خمینی معتقد بود وقتی در حال غرق شدن هستید، می‌توانید حتا به دم مار بچسبید تا زنده بمانید.»

مناشری در بخش دیگری از صحبت‌هایش توضیح داد، «اولین جنگ خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ شاهد بود که ایالات متحده قدرت عراق، دشمن اصلی ایران در منطقه را از بین برد و تهران را قادر ساخت تا به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود. در سال ۲۰۰۲ ایالات متحده به افغانستان حمله کرد و یک سال بعد رژیم صدام حسین در عراق سرنگون شد. ایران دوباره به نیرویی قدرتمند در منطقه تبدیل شد.»

وی تأکید کرد، «بعد از انقلاب ۵۷، هرآنچه در زمان شاه بود، بد تلقی می‌شد و به چیزی که در ایران خوب پنداشته می‌شد، با دید منفی نگاه می‌شد. اسرائیل و آمریکا از قبل با هم دوست بودند و بنابراین دیگر خوب نبودند... بعد از انقلاب اسلامی در ایران، دیدگاه این بود که اسرائیل در خاورمیانه یک بیگانه است و اصلاً حق موجودیت ندارد چه برسد به آنکه حق موجودیت در سرزمین‌های فلسطینی آنها با مرکزیت اورشلیم به عنوان پایتخت داشته باشد.»

حمایت تاکتیکی از فلسطین

مناشری می‌افزاید، ستیز جمهوری اسلامی با اسرائیل علاوه بر ریشه‌های ایدئولوژیک با سیاست مخلوط شده است. او توضیح می‌دهد، «اگر می‌خواهید رهبر جهان اسلام شوید، باید پرچم فلسطین را به اهتزاز درآورید، حتا اگر به صورت تاکتیکی باشد. برای [رژیم] ایران که شیعه است و سنی نیست، برافراشتن پرچم فلسطین و تبدیل شدن به نماد مبارزه با اسرائیل، مشروعیت آن را در جهان اسلام که می‌خواهد بر آن مسلط باشد، فراهم می‌کند.»

او توضیح می‌دهد: «پس از تأسیس اسرائیل [در سال ۱۹۴۸]، ما با کشورهای اطراف از جمله ترکیه، ایران و اتیوپی که همسایه همسایگان ما یا دشمن دشمنان ما هستند، ارتباط برقرار کردیم.»

شرایط ایران نیز در حالی که یک کشور مسلمان شیعه است و عربی هم نیست برای چنین ارتباطی مساعد بوده است.

مناشری می‌افزاید، «در دهه ۱۹۵۰ که اسرائیل تازه متولد شد، این کشور به همه آنچه می‌توانستیم از ایران به دست آوریم، مانند نفت نیاز داشت. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ایران روند مدرنیته و سکولاریزاسیون را طی می‌کرد و به غرب تمایل داشت. اسرائیل از جمله به دلیل نفوذی که شاه ایران معتقد بود یهودیان در واشنگتن دارند، برای ایران جذاب بود.»

مناشری توضیح می‌دهد: «ایران، اسرائیل را متحدی برای بهبود روابط خود با آمریکا می‌دید، اما به ویژه در مقابل اعراب که دشمنان ایران نیز بودند، با اسرائیل متحد بود... وجود اسرائیل و ادامه جنگ آن با جهان عرب نیز باری را از دوش ایران برداشت، به عنوان مثال، عراق بجای ایران، با اسرائیل مشغول بود.»

در آن دو دهه، روابط ایران و اسرائیل گرم و در عین حال غیررسمی بود. پروازهای «ال‌آل» هر روز از تل‌آویو به تهران انجام می‌شد. یک مدرسه اسرائیلی در تهران برای فرزندان خانواده‌های اسرائیلی و تجار که در تهران سکونت داشتند، وجود داشت اما روابط ایران و اسرائیل بعد از انقلاب اسلامی در ایران سرد شد و به تیرگی گرایید.

به گفته این استاد دانشگاه، «در دهه اول بعد از انقلاب بین ایران و عراق از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ جنگ بود و [رژیم] ایران به آن مشغول بود. آن زمان [جمهوری اسلامی] ایران



است. به همین دلیل است که فکر می‌کنم اسرائیل نیز باید کمی خویشتنداری نشان دهد.»
وی در توجیه مواضع خودش می‌پرسد، «آیا می‌توانیم گروگان‌ها را آزاد کنیم، به رفع برویم، شهروندان خود را به خانه‌هایشان در مرز غزه و مرز شمالی بازگردانیم، جبهه‌ای را علیه لبنان باز کنیم و به مبارزه با نیابتی‌های [رژیم] ایران ادامه دهیم و به آن رویارویی مستقیم با جمهوری اسلامی را هم اضافه کنیم؟ هر فرد منطقی به شما خواهد گفت که هیچ راهی برای انجام چنین اقدامی وجود ندارد.»

فرصت استراتژیک

مناشری در بخش پایانی سخنان خود می‌گوید، «حمله [رژیم] ایران [به اسرائیل] فرصتی استراتژیک ایجاد کرده است که هرگز در خاورمیانه دیده نشده: یک محور بالقوه تحت رهبری آمریکا از اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای مسلمان میانه‌رو مانند اردن، مصر و امارات شکل گرفته است. خطر [رژیم] ایران به همان اندازه که ما را تهدید می‌کند، برای آنها نیز تهدیدکننده است و به همین دلیل است که در فرصت‌های بهتر باید از این موقعیت برای پیوستن به این محور استفاده می‌کردیم تا بتواند منطقه را آرام کند و به عادی ساختن روابط اسرائیل و عربستان منجر شود. مشکل اینجاست که برای این کار، باید بر سر فلسطین مذاکره شود یا چنین موضعی در مورد فلسطینی‌ها گرفته شود.»

توانستند اسرائیلی‌ها را راهی پناهگاه‌ها کنند... بعد اعلام کردند که جنگ برای آنها تمام شده و اگر اسرائیل حمله کند، با قدرت بیشتری تلافی خواهند کرد. آنها منتظر نشدند ببینند چه اتفاقی می‌افتد و فکر می‌کردند که حمله‌شان در این حد مجاز است. اسرائیل پس از آن در مورد چگونگی پاسخ به نحوی که هم نیازی به پاسخ رژیم ایران نداشته باشد و هم یک جبهه مستقیم علیه جمهوری اسلامی گشوده نشود، دچار دوگانگی شد. در شرایطی که اسرائیل درگیر جنگ غزه است و در لبنان با حزب‌الله درگیر است و با شبه‌نظامیان از عراق، یمن و سوریه سر و کار دارد، منفعت آشکاری برای رویارویی مستقیم با [رژیم] ایران ندارد.»

جنگ به معنای دخالت آمریکا، روسیه و چین است

این استاد دانشگاه می‌گوید: «گشودن جبهه [جنگ] علیه [جمهوری اسلامی] ایران به معنای ورود ایالات متحده به این وضعیت و شاید به دنبال آن دخالت فعال روسیه و برخی دخالت‌های چین است. در مورد پاسخ اسرائیل، ما فقط می‌دانیم که واکنش نشان داده شد. مشخص نیست که ابعاد این واکنش چه بوده و اسرائیل مسئولیت آن را بر عهده نگرفت. جمهوری اسلامی نیز اسرائیل را مقصر دانست اما نگفت که پاسخی به اقدام اسرائیل خواهد داد. این در حالیست که انتقاجویی اسرائیل به آنها صدمه و به تأسیسات پدافندی آنها ضربه زد، جایی که شاید رژیم ایران احتمال آن را نمی‌داد.»

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند، که «این دیدگاه‌ها لزوماً با دیدگاه عموم مردم که اغلب از دخالت رژیم ایران و پیامدهای منفی آن در خارج از مرزهای کشور ناراضی‌اند و همچنین رژیم را به دلیل اقداماتش در داخل مورد انتقاد قرار می‌دهند، مشترک نیست. نمونه آن اعتراضات ۲۰۲۲ علیه رفتار حکومت با زنان است.»

مناشری توضیح می‌دهد که «رژیم برای حفظ خود، سپاه پاسداران را تشکیل داد و از دل آن سپاه قدس تشکیل شد. قاسم سلیمانی شبکه‌ای از گروه‌های نیابتی ساخت که اکنون با حمایت رژیم ایران برای اقدام علیه اسرائیل خدمت می‌کنند، از حوثی‌ها در یمن و شبه‌نظامیان شیعه در عراق گرفته تا حزب‌الله در لبنان و حماس در غزه... این نیابتی‌ها هستند که به کمک رژیم ایران می‌آیند و نه اینکه رژیم به کمک آنها بیاید. به همین دلیل است که یک روز پس از هفت اکتبر، [مقامات رژیم ایران] گفتند که از حمله حماس مطلع نشده‌اند و هیچ دخالتی در آن نداشته‌اند. اما سایر شرکای جمهوری اسلامی برای مقابله با اسرائیل وارد عمل شدند، از جمله حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراقی و سوری که به سمت اسرائیل موشک شلیک کردند و همچنین حزب‌الله لبنان، اما هیچکدام از آنها واقعاً در جنگ شرکت نمی‌کنند... برای حکومت ایران، این راحت است که نیروهای نیابتی‌اش همان کاری را که انجام می‌دهند ادامه دهند، با این وضعیت بار مسئولیت از روی دوش [حکومت] ایران برداشته می‌شود، از تلفات جنگ در امان می‌ماند و به



عملیات تروریستی «هفت اکتبر»
و «وعده صادق» نتیجه نادیده گرفتن
تحریم‌های جمهوری اسلامی است



دیدار شاهزاده رضا پهلوی با بنیامین نتانیاهو؛
ابراهیم رئیسی: با کوچکترین اقدام حیف و
تل آویو نابود می‌شوند!

مناشری بر این باور است که این امر دشوار خواهد بود، اما اسرائیل نباید خود را خارج از نظم جدیدی که در خاورمیانه در حال ایجاد است دور کند. او خاطرنشان می‌کند که «ایالات متحده و عربستان سعودی، چه اسرائیل به این اقدام بپیوند یا نه، روابط خود را گرم می‌کنند. آمریکا به عربستان سعودی اجازه می‌دهد تا توانایی‌های هسته‌ای و دیگر توانایی‌های نظامی خود را توسعه دهد. برای ما بهتر است که بخشی از این معادله باشیم تا خارج از آن.»

مناشری معتقد است، «این به این دلیل است که [رژیم] ایران خواهان یک جنگ تمام‌عیار با اسرائیل نیست که چالش‌برانگیز باشد و شرکای خود را بیشتر در معرض تهدید اسرائیل قرار دهد. علاوه بر این، [جمهوری اسلامی] ایران باید به حمایت روسیه و چین در مواجهه با رویارویی با آمریکا تکیه کند و در عین حال تلاش می‌کند برنامه هسته‌ای خود را پیش ببرد... جمهوری اسلامی مدعی خویشتنداری است که علی‌خامنه‌ای اسم آن را صبر استراتژیک گذاشته

آنها اجازه انکار می‌دهد.»
با اینهمه وضعیت پس از حمله موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به اسرائیل که مستقیم از خاک ایران انجام شد تغییر کرد.

«در آن شب‌شب [زمان حمله] [جمهوری اسلامی] ایران پهپاد و موشک به سمت اسرائیل پرتاب کرد. حتا قبل از رسیدن موشک‌ها به مرزهای اسرائیل، در ایران [حامیان حکومت] جشن پیروزی گرفتند، این واقعیتی است که آنها

به بهانه «حجاب»:

اتصال اجباری همه دوربین‌های ادارات و کسب و کارها به شبکه فراجا!



نه امری قضایی بنابراین هر اندازه این لایحه جدید گسترده باشد و مجازاتی سنگین‌تر علیه زنان ایرانی تعیین کند، با مشکلاتی دوچندان مواجه خواهیم بود و در عمل نیز به نتیجه نخواهیم رسید.»

این وکیل دادگستری آنچه را در لایحه «حجاب و عفاف» تدوین شده «تصمیمات نابخردانه» دانسته و گفته «فارغ از پیامدهای بسیار ناگوار ناشی از ایجاد و گسترش اختلاف میان اقشار گوناگون جامعه، یک مسئله دیگر این است که این تصمیم، این تلقی را نزد افکار عمومی و جامعه ایجاد می‌کند که ارگان‌های دولتی و انتظامی قادر به انجام وظایفشان در این راستا نبوده‌اند و در نتیجه دولت ناگزیر، سایر کارکنانش را برای انجام وظایف نیروهای انتظامی، مامور کرده است!»

صالح نیکبخت با ابراز نگرانی شدید نسبت به اختلافات و درگیری‌هایی که در حاشیه اصرار حاکمیت بر اجرای طرح‌هایی همچون «طرح نور» و قوانینی همچون این لایحه در دست تصویب، در سطح جامعه درگرفته، گفته «واقعیت مهم دیگر در این بحث آن است که نیروی انتظامی در عمل قادر نیست به این شیوه حجاب را در جامعه گسترش دهد. ضمن آنکه استمداد از فروشگاه‌های خصوصی و دیگر نهادهای زیرمجموعه بخش خصوصی در این راستا، فارغ از اینکه این فروشگاه‌ها و بخش خصوصی اساساً وظیفه‌ای در این حوزه بر دوش ندارد، چاره‌ساز نیز نخواهد بود و نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت، مگر تشدید نزاع و تنش و درگیری در جامعه!»

در این میان تقی آزاد ارمنکی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در گفتگو با وبسایت «جماران» گفته جمهوری اسلامی «حجاب» را بهانه‌ای برای ایجاد شرایط نظامی و امنیتی در جامعه کرده است.

تقی آزاد ارمنکی گفته «به نظر من امروز بطور

کامل شناسایی شود تمام دوربین‌های فروشگاه‌ها و ادارات لینک به فراجا می‌شود.» او تأکید کرده که «در قانون حجاب و عفاف گفتیم تمام دستگاه‌های دولتی و خصوصی باید دوربین‌های مداربسته خود را در اختیار فراجا قرار دهند.»

نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش مدعی شده «الان در ترکیه آنچه رسماً اعلام می‌شود، به‌طور متوسط هر مرد با ۱۵ زن، شریک جنسی است و بعضی تا ۵۰ زن» و گفته این موضوع نتیجه کشف حجاب آتاتورک در ترکیه است!

وصل شدن دوربین‌های ادارات و رستوران‌ها و دیگر کسب و کارهای بخش خصوصی به فراجا در حالی در لایحه «حجاب و عفاف» گنجانده شده که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی دسترسی به تصاویر یک فروشگاه یا شرکت یا هر کسب و کار خصوصی دیگری حتی برای فراجا به عنوان «ضابط» تنها با دستور مقام قضایی به صورت موردی و مشخص ممکن است.

تناقض قانونی در موضوع دسترسی به تصاویر دوربین‌ها در لایحه «حجاب و عفاف» ممکن است به تغییراتی در زمینه قوانین دوربین‌های مداربسته کسب و کارها منجر شود؛ موضوعی که به معنای گام دیگری توسط جمهوری اسلامی در نقض حریم خصوصی شهروندان و فعالان اقتصادی نیز ارزیابی می‌شود.

در همین رابطه روزنامه «جهان صنعت» در شماره امروز، دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳، به نقل از صالح نیکبخت وکیل پایه یک دادگستری حجاب را موضوعی «فرهنگی» خوانده و نوشته «تنها راهکار موثر در بحث حجاب رجوع به ضوابط سنتی و فرهنگ‌سازی در این راستاست.»

صالح نیکبخت به «جهان صنعت» گفته «پیش از این بارها گفته‌ام که مسئله حجاب یک امر فرهنگی است و

● امیرحسین بانکی‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی: در قانون حجاب و عفاف گفتیم تمام دستگاه‌های دولتی و خصوصی باید دوربین‌های مداربسته خود را در اختیار فراجا قرار دهند.

● صالح نیکبخت وکیل دادگستری: نیروی انتظامی در عمل قادر نیست به این شیوه حجاب را در جامعه گسترش دهد.

● تقی آزادارمنکی جامعه‌شناس: شرایط امنیتی است و همه نیروهای نظامی و امنیتی آماده‌باش صد درصد هستند و پلیس و نیروهای امنیتی در شهر آشکارا حضور گسترده دارند. شما برای این سطح از حضور نیروها در شهر مستمسک نیاز دارید؛ و پدیده‌ای به نام «حجاب» اینجا موضوعیت پیدا می‌کند.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی گفته بر اساس طرح «حجاب و عفاف» کلیه دوربین‌های مداربسته بخش خصوصی از جمله رستوران‌ها و ادارات به سیستم «فراجا» منتقل تا حجاب شهروندان در این مکان‌ها رصد شود.

امیرحسین بانکی‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی جزئیاتی از مجازات زانی را که پوشش اختیاری دارند و همچنین رصد حجاب شهروندان ارائه داده که بر اساس آن تمام دوربین‌های ادارات دولتی و خصوصی باید وصل به فراجا می‌شوند.

نماینده مجلس شورای اسلامی گفته مجازات زنان در لایحه «حجاب و عفاف» طبقه‌بندی شده و «برای کسی که کشف حجاب کرده بار اول یک میلیون و نیم جریمه معلق نوشته می‌شود. اگر مجدداً تصویر وی در دوربین‌ها دیده شد جریمه دوم ۳ میلیون تومان می‌شود بعلاوه یک و نیم میلیون میشود بنابراین ۴ میلیون و نیم برایش نوشته می‌شود که بعد از سه هفته باید پرداخت شود.»

امیرحسین بانکی‌پور افزوده «برای اینکه هویت فرد بطور

«عملیات پیشدستانه» پلیس فتا علیه «لایوهای مستهجن» و مدلینگ در شبکه‌های اجتماعی!

مدلینگ، گردانندگان، مدیران و اعضاء ۱۰ نشانگاه سایبری فعال شناسایی شده و مورد اقدام عملیاتی و قضائی قرار گرفتند.

وی توضیح داد، «از ابتدای سال جاری [۱۴۰۳] تا کنون تعداد ۹۸۳۵ تارنما نیز مورد رصد عام قرار گرفتند که با بررسی اطلاعاتی سایبری بر روی ۳۸۴۲ فقره تارنمای مشکوک تعداد ۱۷۶۵ مورد مجرمانه مشاهده شد که از این تعداد ۷۶۵ مورد با تذکر تلفنی و با همکاری هموطنان تمامی محتوای نامناسب مسدود شد و مابقی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند.»

رئیس پلیس فتا افزود، «با بررسی‌های صورت گرفته شبکه اجتماعی اینستاگرام با بیش از ۹۱ درصد کماکان بیشترین حجم آلودگی جرائم غیراخلاقی را به خود اختصاص داده است.»

این مقام ارشد نیروی انتظامی ادعا کرد، «پاکسازی و امن‌سازی فضای سایبر» از محتواهای نامناسب و مغایر با

● **سردار پاسدار وحید مجید رئیس پلیس فتای فراجا روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه درباره جزئیات اجرای این طرح گفت:** «با اجرای طرح عملیاتی پیشدستانه علیه جرائم اخلاقی و مغایر با شئون اسلامی، اجتماعی و فرهنگی شامل لایوهای مستهجن، تولید محتوای مبتذل و مدلینگ، گردانندگان، مدیران و اعضاء ۱۰ نشانگاه سایبری فعال شناسایی شده و مورد اقدام عملیاتی و قضائی قرار گرفتند.»

● **رئیس پلیس فتا مدعی شد، «پاکسازی و امن‌سازی فضای سایبر» از محتواهای نامناسب و مغایر با شعائر دینی پاسخ به «مطالبات گسترده و عمومی هموطنان از پلیس فتا» است.**

● **وی همچنین گفته «اجرای طرح‌های عملیاتی و پیشدستانه در خصوص اینگونه جرائم که باعث نگرانی خانواده‌های ولایت‌مدار ایرانی شده قطعاً در اولویت پلیس فتا است.»**



در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام شمار زیادی از کاربران با تولید محتوا و مدلینگ امرار معاش می‌کنند

شعائر دینی پاسخ به «مطالبات گسترده و عمومی هموطنان از پلیس فتا» است.

وی مدعی شد، «اجرای طرح‌های عملیاتی و پیشدستانه در خصوص اینگونه جرائم که باعث نگرانی خانواده‌های ولایت‌مدار ایرانی شده قطعاً در اولویت پلیس فتا است.»

پاسدار وحید مجید از مردم خواست در صورت مشاهده موارد مشکوک و مجرمانه موضوع را پلیس اطلاع دهند.

در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام شمار زیادی از کاربران با تولید محتوا و مدلینگ امرار معاش می‌کنند.

در ادامه طرح‌های حکومت برای محدودتر کردن فضای اجتماعی یک مقام ارشد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از اجرای طرح برخورد با جرائم اخلاقی و مغایر با شئون اسلامی در فضای مجازی خبر داد.

سردار پاسدار وحید مجید رئیس پلیس فتای فراجا روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه درباره جزئیات اجرای این طرح گفت: «با اجرای طرح عملیاتی پیشدستانه علیه جرائم اخلاقی و مغایر با شئون اسلامی، اجتماعی و فرهنگی شامل لایوهای مستهجن، تولید محتوای مبتذل و

ناروشته و پنهان حکومت نظامی برقرار شده است. مثلاً اگر کسی بخواهد در دانشکده من را ببیند، درها بسته است و هیچکس بجز دانشجو حق ورود به دانشکده ندارد؛ این وضعیت پنهان به معنای این نیست که شما سراپا در مقابل غرب قرار گرفته‌اید و اراده جنگ دارید؛ شرایط جامعه ایرانی کاملاً امنیتی شده، بدون اینکه ما قصد ورود به جنگ داشته باشیم. وقتی قصد ورود به جنگ نداریم، باید مسائل داخلی خودمان را حل کنیم.»

این جامعه‌شناس افزود «عرضم این است که حکومت ما مثل اسرائیل به جامعه اعلام نمی‌کند که من وارد جنگ شده‌ام. وقتی گفته شد احتمالاً تعدادی اشیاء خارجی در آسمان اصفهان بودند، تحت هیچ شرایطی آژیر کشیده نمی‌شود؛ ولی شرایط امنیتی است و همه نیروهای نظامی و امنیتی آماده‌باش صد درصد هستند و پلیس و نیروهای امنیتی در شهر آشکارا حضور گسترده دارند. شما برای این سطح از حضور نیروها در شهر مستمسک نیاز دارید؛ و پدیده‌ای به نام «حجاب» اینجا موضوعیت پیدا می‌کند. کنترل انضباط اجتماعی و اخلاق اجتماعی موضوع می‌شود به خاطر اینکه ساده‌ترین و قابل دسترس‌ترین موضوعی که می‌تواند جامعه را تحت تأثیر قرار بدهد و کل نیروها را سازماندهی کند تا وارد قوه شوند، همین است.»

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران افزود «تا وقتی شرایط امنیتی از دستور کار جمهوری اسلامی خارج نشود، ماجرای زد و خورد، درگیری و حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در سراسر شهرها به نام حجاب باقی خواهد ماند؛ الا اینکه ما از این شرایط عبور کنیم. یعنی احساس کنیم که نه غرب می‌خواهد ما را سرنگون کند، نه اسرائیل اراده‌ای دارد و نه ما اراده ورود به جنگ داریم. یعنی جامعه یواش یواش دارد می‌فهمد که اسرائیل که نمی‌خواهد ما را بزند و غرب هم که اراده اشغال سرزمین ندارد که بخواهد جایی را بزند.» سعید معیدفر رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز با اشاره به اینکه فاصله میان جامعه و حکومت هر روز بیشتر می‌شود گفته جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت ایدئولوژیک به دنبال «یکدست‌سازی» جامعه است.

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران توضیح داده که شهروندان با پوشش یکدیگر مشکلی ندارند و به هم احترام می‌گذارند و «وقتی که در جامعه زمینه اعتراض به سبک زندگی گروه دیگر وجود ندارد، حاکمیت مجبور است به زور آن را دنبال کند. طبیعتاً چون وجدان عمومی پشت سرش نیست، حتما شکست خواهد خورد. البته خسارت‌های خیلی سنگینی هم به جامعه وارد خواهد کرد.»

شیوه برخورد خشونت‌آمیز و قهری جمهوری اسلامی با موضوع «پوشش اختیاری» که از ۲۵ فروردین با اجرای «طرح سراسری نور» خیابان‌ها و اماکن عمومی را در شرایط شبه‌جنگی قرار داده، با انتقادهای و هشدارهایی از سوی برخی «خودی‌ها» نیز روبرو است.

برای نمونه روزنامه اصولگرایی «جوان» نوشته «در نظام تربیتی شایسته تراز انقلاب اسلامی، فرزندان این سرزمین باید به گونه‌ای تربیت شوند که وقتی نوجوانان ما به سن انتخاب می‌رسند، بین سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غیراسلامی، سبک زندگی اسلامی را با اختیار و انتخاب خود برگزینند. اگر چنین نشد، فرزند ما یا به اجبار و از ترس خانواده مجبور به انتخاب پوشش اسلامی خواهد شد یا به اجبار قانون و پلیس و دستگاه قهریه مجبور به رعایت خواهد گردید که این دو اعتبار چندانی ندارد، چرا که در اولین فرصت که از جبر خانوادگی رهایی یابد، از حجاب اسلامی فاصله خواهد گرفت یا آنجا که پلیس و اجبار نباشد، قانون را زیر پا خواهد گذاشت و کشف حجاب خواهد کرد.»

گزارش اندیشکده «تبادل سیاست» درباره نفوذ جمهوری اسلامی در داخل بریتانیا

● اندیشکده بانفوذ «تبادل سیاست» (پالیسی اکسچنج) در لندن اخیراً گزارشی مفصل در ۸۷ صفحه با عنوان «تهران روی خط - تهدید ایران علیه بریتانیا» منتشر کرده است. این گزارش با شناسایی مجموعه‌ای از نهادهای پوششی جمهوری اسلامی در بریتانیا نشان می‌دهد که فعالیت‌های رژیم تحت پوشش آزادی و تساهل مذهب در دو دهه اخیر، چه چالش‌ها و تهدیدهای منحصر به فردی را برای امنیت بریتانیا به وجود آورده است.

● در انتقاد از سهل‌انگاری و کم‌کاری نیروهای امنیتی و وزارت کشور بریتانیا، گزارش اندیشکده «تبادل سیاست» یک پرسش اساسی مطرح می‌کند که بدون جواب مانده است: «روشن است که محافظت از بریتانیا در برابر تروریسم دولتی [رژیم] ایران، وظیفه چه کسی است: پلیس و سرویس‌های امنیتی! اما وظیفه چه کسی است که با گسترش نفوذ نرم جمهوری اسلامی در بریتانیا مقابله کند؟ فرآیندی که طی آن جمهوری اسلامی تلاش می‌کند بر سازمان‌های سیاسی، مذهبی، آموزشی و فرهنگی در این کشور تأثیر بگذارد.»

● این گزارش تا زمان تنظیم و انتشار این گزارش نه در میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور و نه در رسانه‌های فارسی‌زبان بازتابی نداشته است.

پتکین آذر مهر - اندیشکده بانفوذ «تبادل سیاست» (پالیسی اکسچنج) در لندن اخیراً گزارشی مفصل در ۸۷ صفحه با عنوان «تهران روی خط - تهدید ایران علیه بریتانیا» منتشر کرده است. این گزارش با شناسایی مجموعه‌ای از نهادهای پوششی جمهوری اسلامی در بریتانیا نشان می‌دهد که فعالیت‌های رژیم تحت پوشش آزادی و تساهل مذهب در دو دهه اخیر، چه چالش‌ها و تهدیدهای منحصر به فردی را برای امنیت بریتانیا به وجود آورده است. با اینکه این گزارش ۸۷ صفحه‌ای همه نهادهای پوششی و علنی جمهوری اسلامی و فعالیت‌هایش در بریتانیا را در بر نمی‌گیرد، اما در عین حال گردآوری جامعی از شیوه نفوذ و عملیات جمهوری اسلامی در داخل خاک بریتانیا به حساب می‌آید. پیشنهاد ۱۴ ماده‌ای گزارش یادشده برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی نیز در صورتی که اتخاذ و اجرا شود می‌تواند موثر باشد.

برای بریتانیا، حکومت جمهوری اسلامی ایران، یک نظام متخاصم و تهدیدی برای امنیت این کشور به شمار می‌آید. جمهوری اسلامی بارها شهروندان بریتانیایی را به گروگان گرفته و در گردهمایی‌های هوادارانش شعار «مرگ بر انگلیس» سر داده است.

در عین حال جمهوری اسلامی با ایجاد نهادهای مختلف به دنبال اعمال نفوذ اجتماعی، فرهنگی و افزایش قدرت دخالت سیاسی خود در داخل انگلستان است. نفوذی که با سهل‌انگاری نیروهای امنیتی بریتانیا اینک به طرز خطرناکی گسترش پیدا کرده است.

در انتقاد از سهل‌انگاری و کم‌کاری نیروهای امنیتی و وزارت کشور بریتانیا، گزارش اندیشکده «تبادل سیاست» یک پرسش اساسی مطرح می‌کند که بدون جواب مانده است: «روشن است که محافظت از بریتانیا در برابر تروریسم دولتی [رژیم] ایران، وظیفه چه کسی است: پلیس و سرویس‌های امنیتی! اما وظیفه چه کسی است که با گسترش نفوذ نرم جمهوری اسلامی در بریتانیا مقابله کند؟ فرآیندی



که طی آن جمهوری اسلامی تلاش می‌کند بر سازمان‌های سیاسی، مذهبی، آموزشی و فرهنگی در این کشور تأثیر بگذارد.»

این ایده که جمهوری اسلامی ممکن است به دنبال تأثیرگذاری بر مسلمانان بریتانیا و گسترش نفوذش از طریق آنان باشد، و اینکه جلوگیری از آن وظیفه کیست، به وضوح در شرح وظایف سرویس‌های امنیتی داخلی بریتانیا دیده نمی‌شود.

نویسنده اصلی این گزارش، دکتر پل استوت رئیس بخش امنیت و افراط‌گرایی در اندیشکده «پالیسی اکسچنج» است.

۱۶ صفحه از این گزارش در بخش اول مربوط به مرکز اسلامی انگلستان در محله میداول لندن است که از آن به عنوان شریان اصلی جمهوری اسلامی در بریتانیا نام می‌برد. مدیران مرکز اسلامی انگلستان از ابتدای تأسیس تا امروز، آیت‌الله محسن اراکی، حجت‌الاسلام عبدالجسین معزی، شیخ محمدعلی شمالی، و سیدهاشم موسوی بوده‌اند که همگی مستقیماً توسط علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای اداره این نهاد منصوب شده‌اند.

فعالیت‌های علنی مرکز اسلامی اخیراً با محدودیت‌هایی مواجه شده است. کمیسیون نظارت بر نهادهای خیریه از سال ۲۰۲۲ تحقیقات قانونی درباره مرکز اسلامی را شروع کرده و با انتصاب خانم مودی یک وکیل انگلیسی به عنوان مدیر موقت مرکز و برکناری سیدهاشم موسوی، فعالیت‌های سیاسی مرکز را با موانعی مواجه کرده است. اما با وجود این، پس از گذشت ۲ سال تحقیق و تفحص، هنوز گزارش نهایی درباره مرکز اسلامی منتشر نشده است.

این در حالیست که بدون شک شبکه نفوذ جمهوری اسلامی در بریتانیا به این مرکز اسلامی محدود نمی‌شود. فصل دوم گزارش، فهرستی از نهادهای دیگر مربوط به

- مجموعه شبکه نفوذ جمهوری اسلامی در بریتانیاست که شامل این سازمان‌ها و انجمن‌هاست:
- ۱- کمیسیون حقوق بشر اسلامی
 - ۲- رسالت اسلامی جامعه «اهل ال بیت»
 - ۳- خیریه «دارالاسلام»
 - ۴- «بیت طه»
 - ۵- حوزه علمیه ویلسدن
 - ۶- کالج اسلامی
 - ۷- بنیاد المهدی
 - ۸- انجمن دانشجویان مسلمان بریتانیا
 - ۹- بنیاد جوانان لبنان
 - ۱۰- مدرسه جمهوری اسلامی

سرلشکر باب بروس بالاترین مقام ارتش بریتانیا در اسکاتلند در کنار شیخ محمدعلی شمالی در کنفرانس «صلح و وحدت» در اسکاتلند / ۲۰۱۷

به نظر می‌رسد نفوذ جمهوری اسلامی در اسکاتلند بسیار عمیق‌تر از آنچه در ابتدا پنداشته می‌شد باشد. جامعه «اهل بیت» در سال‌های گذشته کنفرانس‌های سالیانه‌ای زیر عنوان کنفرانس «صلح و وحدت» برگزار کرده که در آن چهره‌های سرشناس سیاسی اسکاتلند، و حتی رده‌های بالای پلیس و ارتش بریتانیا هم در آن شرکت کرده و در کنار نمایندگان ولی فقیه پس از صرف ناهار سخنرانی کرده‌اند.

در سال ۲۰۱۷ سرلشکر باب بروس که بالاترین مقام ارتش بریتانیا در اسکاتلند به شمار می‌رفت، یکی از مدعوین و سخنرانان اصلی این کنفرانس بود. در این سخنرانی، سرلشکر باب بروس پس از ادای «سلام علیکم» در برابر نمایندگان جمهوری اسلامی، افتخار کرد که در کنار آنهاست و با اشاره به اینکه «همه خواهان صلح هستند»، ابراز امیدواری کرد که «چنین تعاملاتی به کسب اعتماد متقابل کمک کند.»

نیکلا استرژن و الکس سموند که هر دو پیشتر «وزیر اول» اسکاتلند و رهبر «حزب ملی اسکاتلند» بوده‌اند نیز در

«دهن لقی» حزب الهی ها و «طنازی امنیتی ها» سرّی بودن قرارداد شهرداری تهران با چینی ها را افشا کرد



پاسدار علیرضا زاکانی شهردار تهران سال ۱۴۰۲ دو بار به چین سفر کرد تا با قراردادی نجومی تجهیزات حمل و نقل و دوربین های کنترل ترافیک وارد کند

تلگرامی خود نوشته بود: «اگر گفتید محصول نهایی شرکت ساختمان سازی چیست؟ آفرین، اتوبوس برقی!»
در واکنش به این پست، مالک شریعتی نماینده مجلس شورای اسلامی و سخنگوی ستاد انتخاباتی زاکانی در سال ۱۴۰۰، به آذری جهرمی حمله کرد و در «ایکس» نوشت: «در شرایط تحریم نفت، شرکت تراستی [کسب و کار] با تأیید کمیته ضدتحریم دبیرخانه شعام [شورای عالی امنیت ملی]، تأمین کننده منابع ارزی در قرارداد واردات کالاهای اساسی، دارو و سایر نیازها از جمله واگن اتوبوس و... می شود. مصوبه کمیته مذکور سرّی، افشایش خیانت و مطالبه شفاف شدنش حماقت است. موضع این طنز امنیتی کدام است؟»

آذری جهرمی هم در واکنش به این پست در «ایکس» نوشت: «بابک زنجانی هم یک تراستی بود... کینه ای امثال آقای شریعتی از امنیتی ها قابل درک است، اما یک جمله در بسته [سر بسته] عرض می کنم و می گذرم تا نگران آبروی شان نباشند، امنیتی ها مثل شما دهن لقی نیستند که برای توجیه عملکرد اربابشان در شهرداری، دست به افشای وجود مصوبه های سرّی در شورای عالی امنیت ملی بزنند.»
منابع غیررسمی می گویند عوامل و دلال های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشت این قرارداد هستند. اعضای شورای اسلامی شهر نیز علنی عنوان می کنند این قرارداد شفاف نیست و شهرداری از ارائه اطلاعات دقیق درباره آن خودداری می کند.

جعفر شریبانی عضو هیات رئیسه شورای اسلامی شهر تهران درباره این قرارداد به وبسایت «دیدهبان ایران» گفته است که مبلغ قرارداد با چینی ها دقیقاً معادل دو سال تمام درآمد شهرداری تهران است... شهرداری تهران اراده ای برای ارائه اطلاعات دقیق درباره این قرارداد با چین ندارد.

همچنین نرجس سلیمانی (دختر قاسم سلیمانی) رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای اسلامی شهر تهران گفته نحوه انتخاب شرکت تأمین کننده مالی این قرارداد دارای ابهام است و کارمزد تأمین کننده مالی و مکان امضای قرارداد به شکل مکتوب مشخص نشده است.

● شماری از جریان های با نفوذ داخل نظام، شهردار تهران را زیر فشار قرار داده اند تا جزئیات قرارداد ۲/۷ میلیارد دلاری شهرداری تهران با چینی ها را برای اردات اتوبوس برقی و تجهیزات شهری شفاف کند اما زاکانی خودداری می کند.

● آذری جهرمی از چهره های اطلاعاتی نظام و وزیر سابق ارتباطات در دولت روحانی پرسیده چرا یک شرکت ساختمان سازی، اتوبوس برقی تولید می کند؟!

● مالک شریعتی نماینده مجلس شورای اسلامی و سخنگوی ستاد انتخاباتی زاکانی در سال ۱۴۰۰ به آذری جهرمی حمله کرده و در «ایکس» نوشته است: «در شرایط تحریم نفت، شرکت تراستی با تأیید کمیته ضدتحریم دبیرخانه شعام [شورای عالی امنیت ملی] تأمین کننده منابع ارزی در قرارداد واردات کالاهای اساسی، دارو و سایر نیازها از جمله واگن اتوبوس و... می شود. مصوبه کمیته مذکور سرّی، افشایش خیانت و مطالبه شفاف شدنش حماقت است. موضع این طنز امنیتی کدام است؟»

قرارداد ۲/۷ میلیارد یورویی شهرداری تهران با یک «شرکت ساختمانی» چینی برای واردات اتوبوس برقی و تجهیزات شهری از جمله دوربین های مدار بسته، شماری از عوامل نظام از جمله چهره های امنیتی را در مقابل هم قرار داده است. این قرارداد اواخر اسفندماه سال ۱۴۰۲ امضاء شده اما علیرضا زاکانی شهردار تهران با چراغ سبز نهادهای امنیتی از ارائه جزئیات آن خودداری می کند. همین موضوع چند جریان پرنفوذ درون حکومت را مقابل یکدیگر قرار داده است. مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی که از حامیان شهردار تهران و از ارادتمندان علی خامنه ای و قاسم سلیمانی است، در واکنش به اعتراض ها علیه زاکانی در توییتری نوشت که «این قرارداد با مصوبه شورای عالی امنیت ملی انجام شده» است. وی به صورت تلویحی، دلیل آن را دور زدن تحریم ها عنوان کرد.

شریعتی این موضوع را در واکنش به کنایه های محمدجواد آذری جهرمی وزیر سابق ارتباطات جمهوری اسلامی و از کارمندان وزارت اطلاعات بیان کرد. آذری جهرمی در کانال

کنفرانس های «صلح و وحدت» شرکت کرده اند. در فیلمی که از این کنفرانس در سال ۲۰۱۳ منتشر شد، الکس سلموند پس از اتمام سخنرانی به سوی آیت الله اراکی رفته و با او روبوسی می کند.

یکی دیگر از موارد انتقادی گزارش یاد شده، عملکرد دولت های مختلف بریتانیا در سهل گرفتن صدور ویزا برای روحانیون حکومتی است. از سال ۲۰۰۵ میلادی تا کنون، ۱۰۰ مورد ویزای ورود به انگلستان برای مقامات مذهبی جمهوری اسلامی صادر شده است، از این صد مورد، ۲۱ ویزا برای روحانیون و ۷۹ ویزا برای کسانی بوده است که در اجرای تشریفات مذهبی کمک می کنند. ۸ نفر از روحانیون ایرانی نیز مجوز اقامت دائم انگلستان را دریافت کرده اند. اسامی این ۸ نفر مشخص نیست اما می توان حدس زد که آیت الله اراکی و شیخ محمدعلی شمالی در شمار این ۸ نفر باشند.

گزارش اندیشکده «تبادل سیاست» بر این باور است که جمهوری اسلامی نقش اساسی در سازماندهی تظاهرات طرفداران فلسطین در انگلستان داشته و شبکه «جنگ نرم» رژیم در داخل بریتانیا توانسته برنامه ها و دستورکارهای حکومت جمهوری اسلامی را تا حد زیادی پیش برد. جنگ اسرائیل علیه حماس پس از حمله تروریستی ۷ اکتبر، فرصت خوبی برای جمهوری اسلامی فراهم کرد تا با استفاده تمام عیار از شبکه نفوذی که بیش از ۲۰ سال برایش تلاش کرده برنامه های خود را در بریتانیا پیش برد.

برای مقابله با نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی در بریتانیا، گزارش اندیشکده «پالیسی اکسچنج» ۱۴ مورد زیر را پیشنهاد کرده است:

- ۱- عدم صدور ویزاهای مذهبی برای اشتغال در نهادهای جمهوری اسلامی در بریتانیا
 - ۲- بازنگری در صدور ویزا برای کل مقامات جمهوری اسلامی ایران
 - ۳- سختگیری بیشتر روی کمیسیون نظارت بر نهادهای خیریه برای انجام درست وظایف شان
 - ۴- قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی
 - ۵- تحقیق درباره نقش جمهوری اسلامی برای پیشبرد قوانین علیه توهین به مقدسات
 - ۶- تحقیق از سوی وزارت کشور بریتانیا در مورد فعالیت های سازمان های حشد الشعبی در این کشور
 - ۷- تمرکز بیشتر از سوی وزارت کشور و سرویس های امنیتی بریتانیا روی فعالیت های جمهوری اسلامی
 - ۸- در نظر گرفتن امنیت و ارزش های بریتانیا هنگام بررسی پرونده های پناهندگی
 - ۹- درخواست وزارت کشور از سرویس های امنیتی برای تهیه گزارش سالانه از تهدیدهای افراط گرایانه
 - ۱۰- مقابله پیشگیرانه با حملات سایبری جمهوری اسلامی
 - ۱۱- به کار گرفتن بیشتر فارسی زبانان در سرویس های امنیتی
 - ۱۲- اجرای قانون جدید امنیت ملی که در ژوئیه سال پیش (۲۰۲۳) به توشیح پادشاه رسید
 - ۱۳- درک درست از اینکه کنفرانس های «صلح و وحدت» در اسکاتلند چگونه شکل گرفتند و علت شرکت مقامات بریتانیایی در آن
 - ۱۴- گردآوری بیشتر آمار از پیروان فرقه های مختلف اسلام در بریتانیا برای تجزیه و تحلیل بهتر
- جای تاسف است که این گزارش تا زمان تنظیم و انتشار این گزارش نه در میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور و نه در رسانه های فارسی زبان بازتابی نداشته است.

نتایج یک پیمایش حکومتی؛ نارضایتی گسترده زنان، جوانان و تحصیلکرده‌های دانشگاهی از وضعیت سیاسی ایران



معادل ۴۱/۹ درصد بوده است و در سال ۱۳۹۴ نیز با یک کاهش محسوس به ۲۲/۲ درصد رسیده بود، اما این عدد در سال ۱۴۰۲ به ۶۰/۲ درصد رسیده است.

از سوی دیگر اکثر شرکت‌کنندگان وضعیت سیاسی در پنج سال آینده را بدتر از اکنون پیش‌بینی کرده‌اند. همچنین زنان با ۵۶ درصد بیش از مردان با ۵۵/۱ درصد معتقد به بدتر شدن وضعیت سیاسی کشور در پنج سال آینده هستند.

۶۶/۵ درصد از افراد با درآمد بالای ۱۸ میلیون تومان پیش‌بینی کرده‌اند که وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال آینده بدتر خواهد شد، این درصد در بین افراد با درآمد ۹ تا ۱۸ میلیون تومان ۵۷/۸ درصد و در بین افراد با درآمد ۳ تا ۸ میلیون تومان ۴۹ درصد است. در حالی که بیشترین نارضایتی در گذشته مربوط به نوجوانان و جوانان تا ۳۰ ساله بوده، اما پیش‌بینی نارضایتی در آینده در بین افراد ۳۰ تا ۵۰ ساله با ۵۸/۷ درصد بیشتر شده و هم‌چنان گروه سنی ۵۰ به بالا کمترین نارضایتی را از آینده سیاسی کشور دارند.

در پیش‌بینی وضعیت سیاسی در پنج سال آینده، ساکنین البرز با ۷۱/۳ درصد ناراضی‌ترین استان درباره وضعیت سیاسی کشور هستند. پس از آن آذربایجان غربی (۶۸/۸ درصد)، کردستان (۶۳/۱ درصد)، فارس (۶۲/۶ درصد)، همدان (۶۱/۴ درصد) و اردبیل (۶۰/۱ درصد) در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های قم (۴۰/۹ درصد)، خراسان جنوبی (۴۲/۹ درصد) و کرمانشاه (۴۳/۵ درصد) کمترین نارضایتی نسبت به وضعیت سیاسی کشور را خواهند داشت.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی «هم‌میهن» این پیمایش با مصاحبه حضوری با مشارکت ۱۵ هزار و ۸۷۸ نفر و از افراد ۱۵ سال به بالا در ۳۱ استان کشور انجام شد و افراد شرکت‌کننده در این پیمایش به صورت تصادفی انتخاب شدند. نگرش‌های اقتصادی، مشارکت سیاسی، مسائل و مشکلات کشور، آزادی سیاسی، آزادی‌های اجتماعی، فرهنگی و امنیتی از جمله مواردی است که در این پیمایش مورد بررسی قرار گرفته است.

در بین گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال ۱۷/۴ درصد و در گروه سنی ۵۰ سال به بالا ۱۷/۶ درصد است. گروهی که بیشترین اعتقاد به بهبود وضعیت سیاسی کشور را دارند، افراد ۵۰ ساله به بالا هستند؛ ۲۸/۹ درصد از افراد در این گروه سنی معتقد به بهبود وضعیت سیاسی در ۵ سال گذشته هستند، حال آنکه این درصد در بین ۳۰ تا ۴۹ ساله‌ها ۲۱/۲ درصد و در بین ۱۵ تا ۲۹ ساله‌ها ۱۸/۲ درصد بوده است.

نارضایتی سیاسی همچنین با سطح تحصیلات افراد مرتبط است و افراد با تحصیلات دانشگاهی نارضایتی بیشتری درباره وضعیت سیاسی دارند. ۶۴/۲ درصد شرکت‌کنندگان با تحصیلات دانشگاهی معتقدند وضعیت سیاسی کشور در پنج سال گذشته بدتر شده است. بیشترین رضایت از بهبود وضعیت سیاسی نیز بیشترین درصد در میان بی‌سوادها بوده با ۳۰/۵ درصد. در آنسو فقط ۲۰ درصد از افراد موافق رضایت شرایط سیاسی تحصیلات دانشگاهی دارند.

پراکندگی جغرافیایی شرکت‌کنندگان نیز نشان می‌دهد نارضایتی از شرایط به شهرهای کوچک گسترده شده است. ۶۲/۱ درصد از افرادی که در شهرهای غیرمرکز استان‌ها سکونت داشته‌اند معتقد بودند شرایط سیاسی بدتر شده است. پس از آن افراد در مرکز استان با ۶۱/۶ درصد معتقد به بدتر شدن وضعیت سیاسی بوده‌اند. بر اساس این گزارش البرز (۷۴/۵ درصد)، آذربایجان غربی (۷۲/۳ درصد)، همدان (۶۶/۸ درصد)، کردستان (۶۵/۶ درصد) و تهران (۶۳/۸ درصد) ۵ استان با بیشترین درصد نارضایتی از وضعیت سیاسی کشور هستند.

میزان نارضایتی تنها در دو استان خراسان جنوبی (۴۵/۲ درصد) و قم (۴۶/۴ درصد) از میانگین ۵۰ درصد پایین‌تر است و در ۲۹ استان میزان نارضایتی بیش از ۵۰ درصد به دست آمده است. «هم‌میهن» تأکید کرده که یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده افزایش قابل ملاحظه نارضایتی عمومی از وضعیت سیاسی کشور طی ۲۰ سال گذشته است و در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد جامعه از وضعیت سیاسی کشور ناراضی هستند. در حالیکه میزان نارضایتی در سال ۱۳۸۲

● ۶۲/۳ درصد از زنان شرکت‌کننده در این پژوهش معتقد هستند که وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته بدتر شده است.

● بیشترین نارضایتی از وضعیت سیاسی ایران در بین افراد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال است و ۶۴/۲ درصد شرکت‌کنندگان با تحصیلات دانشگاهی معتقدند وضعیت سیاسی کشور در پنج سال گذشته بدتر شده است.

نتایج یک پیمایش حکومتی نشان می‌دهد نارضایتی سیاسی در میان زنان، جوانان و دانشجویان افزایش یافته است. قشرهای تحصیلکرده بیش از دیگران معتقدند وضعیت سیاسی در پنج سال گذشته بدتر شده و در پنج سال آینده نیز بدتر از امروز خواهد شد.

ارزیابی حکومتی «موج چهارم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که سال گذشته توسط «دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ایران» انجام شد از افزایش نارضایتی‌ها در کشور حکایت دارد.

روزنامه «هم‌میهن» در شماره دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ در گزارشی بخشی از نتایج این پیمایش حکومتی را منتشر کرده است. بر این اساس، ۶۲/۳ درصد از زنان شرکت‌کننده در این پژوهش معتقد هستند که وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته بدتر شده است. ۱۸/۹ درصد زنان معتقدند که وضعیت فرقی نکرده و ۱۸/۸ درصد معتقد هستند که وضعیت سیاسی کشور نسبت به ۵ سال گذشته بهتر شده است.

همچنین ۵۸/۲ درصد مردان شرکت‌کننده در این پژوهش معتقدند که وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته بدتر شده است، حال آنکه ۲۴/۳ درصد معتقدند که وضعیت بهتر شده و ۱۷/۵ درصد نیز معتقدند که در وضعیت سیاسی کشور نسبت به ۵ سال گذشته فرقی ایجاد نشده است.

۷۱/۲ درصد از افراد با درآمد بالای ۱۸ میلیون تومان معتقد بودند وضعیت سیاسی کشور در پنج سال گذشته بدتر شده است، این درصد برای افراد با درآمد بین ۹ تا ۱۸ میلیون تومان ۶۱/۹ درصد و برای افراد بین ۳ تا کمتر از ۹ میلیون تومان ۵۴/۸ درصد بوده است.

درواقع با افزایش درآمد از سقف ۹ میلیون تومان به بالا، نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به وضعیت سیاسی کشور به صورت معناداری متفاوت است. بر همین اساس، ۱۴/۳ درصد از کسانی که درآمد بیش از ۱۸ میلیون تومان دارند، معتقدند که وضعیت سیاسی فرقی نکرده است، این عدد در بین افراد با درآمد بین ۳ تا ۱۸ میلیون تومان ۱۶/۹ درصد و برای افرادی که درآمد بین ۳ تا ۹ میلیون تومان دارند ۲۰/۵ درصد بوده است. در همین رابطه ۲۴/۷ درصد افراد با درآمد ۳ تا ۹ میلیون تومان، ۲۱/۲ درصد افراد با درآمد ۹ تا ۱۸ میلیون تومان و ۱۴/۵ درصد افراد با درآمد بیشتر از ۱۸ میلیون تومان معتقدند که این وضعیت بهتر شده است. درباره وضعیت سیاسی کشور، بیشترین نارضایتی در بین افراد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال است. بر اساس این گزارش ۶۲/۴ درصد شرکت‌کنندگان در این بازه سنی معتقدند وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته بدتر شده است، این درصد برای افراد بین ۳۰ تا ۴۹ سال با کاهش اندکی ۶۱/۴ درصد و در بین افراد بالای ۵۰ سال با اختلاف معناداری ۵۳/۵ درصد عنوان شده است.

در بین افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله، ۱۹/۴ درصد معتقدند که فرقی در وضعیت سیاسی ایجاد نشده است، حال آنکه این عدد

اعمال محدودیت برای ۲۰۰ استاد دانشگاه و اخراج ۲۵ استاد دانشگاه نه وزارت علوم بلکه وزارت کشور به دانشگاه‌ها دستور می‌دهد!



عدالت اداری نیز رای به بازگشت این اساتید به دانشگاه داده است، مدعی شده بود: «بله، بر روی این امر که سن بازنشستگی ۳۰ یا ۳۵ سال خدمت باشد یک سوء تفاهمی صورت گرفته بود. برای مثال چند تن از اساتید دندانپزشکی بازنشسته شده بین سن ۳۰ تا ۳۵ سال خدمت به دیوان عدالت اداری در این رابطه شکایت کردند و با رای دیوان عدالت اداری حدود ۳ یا ۴ نفر از آنها به دانشگاه برگشتند. بازنشستگی آنها با نظر شورای گروه دانشکده آنها بوده است.»

اواخر تیرماه ۱۴۰۲ نیز ۲۹ عضو هیئت مدیره مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران در بیانیه‌ای با عنوان «تحدید گسترده اعضای هیات علمی» و با امضای چهره‌های سرشناس جامعه پزشکی، اخراج اساتید را تأیید کردند.

مرکز مشاوره حقوقی «دادبان» نیز بهمن‌ماه گذشته در شبکه «ایکس» اعلام کرد دست‌کم ۶۶ استاد دانشگاه در ایران طی دو سال گذشته به دلیل فشار نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی اخراج، تعلیق یا مجبور به استعفا شده‌اند. هرچند آمار مشخص و رسمی از اساتیدی که از نظام آموزش عالی کنار گذاشته شدند در دست نیست اما گزارش‌های برخی رسانه‌های داخلی حاکی از اخراج، تعلیق یا بازنشستگی زودهنگام صدها استاد دانشگاه طی دو سال گذشته و از دانشگاه‌های مختلف کشور است.

روزنامه «اعتماد» نیز در گزارشی اعلام کرده بود که از ابتدای مهر سال گذشته ۳۲ هزار استاد حق‌التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف این دانشگاه حذف شده و بجای آنها ۲۰ هزار دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری دانشگاه آزاد برای تدریس به دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی این دانشگاه جذب شده‌اند.

همچنین شمار زیادی از اساتید دانشگاه نیز به دلیل فشارهای امنیتی و اقتصادی و دخالت‌های نهادهای مختلف در روند تدریس، از کشور مهاجرت کرده‌اند.

حسین آخانی یک استاد دانشگاه تهران شهریورماه سال گذشته از مهاجرت ۵۰ عضو هیات علمی در دانشگاه تهران خبر داده و گفته بود که «شرایط چندان مساعد نیست» و یک نمونه آن بودجه پژوهشی است که در حال حاضر این بودجه به اندازه «چند شب کار کردن در اسنپ» هم نیست.

آخرین موردش من بودم که خیلی‌ها به آن اعتراض کردند.» به گفته رضا ملک‌زاده، تیم مدیریتی جدید جوی در دانشگاه ایجاد کرده که علاقه، کار کردن و دلسوزی را کاهش داده و یک جو ناامیدی در دانشگاه به وجود آورده است.

دو روز پس از انتشار این مصاحبه حسین قناعتی رییس دانشگاه علوم پزشکی تهران خبر اخراج ۴۰ استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران را تکذیب و ادعا کرد: «در دو سال و نیم گذشته استاد اخراجی در دانشگاه علوم پزشکی تهران نداشته‌ایم» و این «خبر کذب» است!

وی با بیان اینکه دانشگاه علوم پزشکی تهران، روند بازنشستگی‌ها را طبق قانون و روال همیشگی انجام داده، درباره مولفه‌هایی که در مورد بازنشستگی اساتید مد نظر قرار می‌گیرد، به خبرنگاری ایسنا گفت: «در مسئله بازنشستگی برخی مسائل لحاظ شده است، برای مثال در امر بازنشستگی استادی که قبلاً خیلی فعال بوده اما چند سالی است که دیگر کار نمی‌کند و به بخش خصوصی رفته است و یا اقداماتی مغایر با اصول دانشگاه و یا تضعیف روند اجرایی انجام می‌دهد، ملاحظاتی مد نظر قرار می‌گیرد. برخی اساتید ممکن است عدم حضور فعالانه در آموزش و پژوهش داشته باشند و تصمیم بازنشستگی برایشان گرفته شود. این تصمیم را یک هیاتی می‌گیرد. معمولاً برای بازنشستگی‌ها خود رؤسای دانشکده‌ها اعلام می‌کنند و دانشگاه‌ها در این رابطه تصمیم‌گیری می‌کنند.»

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی تهران در ادامه این ادعا گفته بود: «مجموع بازنشستگی‌ها در دانشگاه علوم پزشکی تهران طی دو سال و نیم گذشته طبق روال بوده است. به صورت طبیعی وقتی ۲۰۰۰ استاد داشته باشیم این امر طبیعی است که سالی ۶۰ الی ۷۰ نفر به سن بازنشستگی برسند. در سال‌های گذشته و خارج از دوره مدیریتی ما نیز معمولاً ۳ تا ۴۰ استاد در سال بازنشسته می‌شدند و مجموعه بازنشستگی اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران طی دو سال و نیم گذشته به نسبت دوره‌های قبلی زیاد تر نبوده است.»

رییس دانشگاه علوم پزشکی تهران در پاسخ به اینکه برخی اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران در خصوص سن بازنشستگی به دیوان عدالت اداری شکایت کرده و دیوان

دبیر کانون صنفی اساتیدان دانشگاه روز شنبه ۱۵ اردیبهشت با اعلام این مطلب به وبسایت خبرآنلاین گفت: «سال ۱۴۰۲ برای دانشگاه سال خوبی نبود و برخی محدودیت‌ها شامل استادانی شد که در واکنش به حوادث سال ۱۴۰۱ بیانیه امضا کردند یا اعلام موضع کردند.»

دبیر کانون صنفی اساتیدان دانشگاه از افزایش دخالت‌ها در دانشگاه و اعمال محدودیت برای ۲۰۰ استاد دانشگاه خبر داد و گفت: «انواع محدودیت‌ها شامل حدود ۲۰۰ استاد دانشگاه شده است و نزدیک به ۲۵ استاد از دانشگاه اخراج شدند.»

کارن ابری‌نیا دبیر کانون صنفی اساتیدان دانشگاه روز شنبه ۱۵ اردیبهشت با اعلام این مطلب به وبسایت خبرآنلاین گفت: «سال ۱۴۰۲ برای دانشگاه سال خوبی نبود و برخی محدودیت‌ها شامل استادانی شد که در واکنش به حوادث سال ۱۴۰۱ بیانیه امضا کردند یا اعلام موضع کردند.»

وی در ادامه توضیح داد: «مثلاً با تبدیل وضعیت آنها از حالت پیمانی به رسمی آزمایشی و بعد وضعیت رسمی موافقت نکردند یا مراحل تغییر وضعیت آنها را متوقف کردند. یا در موردی دیگر برای ترفیح سالانه اساتید مشکل ایجاد کردند، یا ارتقا برخی اساتیدان از دانشیاری به استادی را متوقف کردند. در این میان برخی اساتیدان اخراج شدند و برخی دیگر هم علیرغم اینکه اخراج نشدند اما حقوق آنها قطع شد.»

به گفته دبیر کانون صنفی اساتیدان دانشگاه، دخالت‌های دولت در دانشگاه زیاد شده است، حتی اختیارات وزارت علوم کاهش پیدا کرده بطوری که به‌نظر می‌رسد این وزارت کشور است که به دانشگاه دستور می‌دهد.

ابری‌نیا توضیح داد: «مثلاً همین محدودیت‌های ایجاد شده و مسائل امنیتی که بر دانشگاه‌ها حاکم شده از طرف وزارت کشور و شورای امنیت کشور است، در این وضعیت می‌شود گفت وزارت علوم هیچ نقشی ندارد. فراتر از وزارت کشور نهادهای متعددی داریم که درباره دانشگاه تصمیم‌گیری می‌کنند و نقش وزارت علوم بسیار کم‌رنگ شده است.»

این مقام مسئول در کانون صنفی اساتیدان دانشگاه تأکید کرد: «برخی دانشگاه‌ها به اساتیدان گفتند کسانی که درباره حوادث سال ۱۴۰۱ بیانیه‌ای امضا کردند اگر می‌خواهند به کارشان ادامه دهند باید اظهار پشیمانی کنند.»

تأیید اخراج و بازنشستگی اجباری اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی

اخراج، تعلیق و بازنشستگی زودهنگام اساتید دانشگاه از شیوه‌های سرکوب جمهوری اسلامی است که به ویژه پس از اعتراضات ۱۴۰۱ بطور گسترده علیه اساتید دانشگاه در ایران به اجرا درآمده است.

از بین ۵ دانشگاه دولتی علوم پزشکی تهران، ایران، بابل، کرمانشاه و تبریز، بیشترین احکام حذف و بازنشستگی اجباری مربوط به دانشگاه علوم پزشکی تهران با ۱۱ مورد بوده است. در همین ارتباط عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در ۶ فروردین اخراج یا بازنشسته شدن حدود ۴۰ نفر از بهترین اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران را تأیید کرد و به وبسایت جماران گفت: «قبل از من شاید حدود ۴۰ نفر از بهترین اعضای هیات علمی را اخراج یا بازنشسته کرده؛ اتفاقاً آنها به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند و همه آنها رای گرفته‌اند که باید به دانشگاه برگردند.

اعتصاب طلافروشان در بروجرد؛ پلمب مغازه‌های طلافروشان معترض در مشهد



پلمب طلافروشی‌ها در مشهد / اردیبهشت ۱۴۰۳

رجزخوانی حسین سلامی در «مراسم چهل‌م» سپاهی‌ها: عصر طلایی مجاهدتهای خامنه‌ای آغاز شده!



حضور فرماندهان سپاه پاسداران در مراسم «چهل‌م»
سپاهی‌های کشته شده در دمشق

● مراسم چهل‌مین روز کشته شدن سردار محمدرضا زاهدی و سردار محمدهادی حاجی رحیمی و پنج سپاهی در حمله هوایی اسرائیل به ساختمان مجاور سفارت جمهوری اسلامی در دمشق، صبح سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه در تهران برگزار شد.

● حسین سلامی در سخنانی خطاب به مقامات اسرائیل و آمریکا گفت، «منطق ماست که در شرق مدیترانه راه را بر دشمن می‌بندیم و سطح نبرد را گسترده می‌کنیم تا با دشمن مقابله کنیم و تجزیه شود». وی مدعی شد، «عصر طلایی تمدن اسلام تحت تأثیر انقلاب اسلامی و مجاهدتهای رهبر معظم انقلاب در حال آغاز است».

● زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی که از سخنرانان این مراسم بود تهدید کرد، «فقط با نابودی رژیم صهیونیستی است که می‌توان انتقام خون شهیدان زاهدی، موسوی و سید رضی و هم‌زمان آنها را گرفت و به فضل خداوند متعال این روز دیر نخواهد بود».

مراسم چهل‌مین روز کشته شدن سردار محمدرضا زاهدی و سردار محمدهادی حاجی رحیمی و پنج سپاهی در حمله هوایی اسرائیل به ساختمان مجاور سفارت جمهوری اسلامی در دمشق، صبح سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه در تهران برگزار شد. در این مراسم حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران، اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه، ایرج مسجدی مشاور فرمانده سپاه (سفير سابق جمهوری اسلامی در عراق)، جمعی از فرماندهان و خانواده‌های کشته‌شدگان و همچنین زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی حضور داشتند. سلامی در سخنانی گفت، «استکبار خواهان تسلط بر ایران، عراق، سوریه لبنان یمن و سایر بلاد اسلامی است و می‌خواهد اسلام را از آنها بگیرد و ثروت آنها را به

بنده است و نقد است و ما انبارگردانی نداریم اصلاً. به چه کسی چه ربطی دارد چه میزان سرمایه شخصی دارم! به کسی ربط ندارد چه میزان طلا گرفته‌ام و در مغازه‌ام دارم. بنده نمی‌خواهم کسی بداند چه کسی سرمایه‌اش را در اختیار بنده قرار داده است، این یک قرارداد محرمانه بین بنده و طرف مقابل است... البته اصل حرف ما این است که چرا مغازه‌های طلافروشی که اعتراض داشتند با دستور فرماندار پلمب شده‌اند!»

فرماندار مشهد در واکنش به این سخنان رئیس اتحادیه طلافروشان مشهد گفته «ادعای آقای تقی‌زادگان نه تنها درست نیست بلکه دروغ محض است و دارند تشویش اذهان عمومی می‌کنند. اگر جایی هم طلافروشی‌ها را پلمب کرده به صورت قانونی این کار را انجام داده است. باید از طلافروشی‌ها پرسیده شود مگر قانون مربوطه اجرا شده است که شما تحصن کرده‌اید؟»

برخی ناظران می‌گویند بعید است طلافروشان و دولت بتوانند در کوتاه‌مدت به توافق برسند. پیش از این نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا، سکه و جواهر تهران با تأیید «نیمه‌تعطیل شدن» بازار طلا در تهران به تجارت‌نیوز گفته بود، «فعلان صنفی به اجرایی شدن مجدد سامانه جامع تجارت و بی‌تفاوتی به درخواست‌هایی که صنف طلا درباره ایجاد اصلاحات در مسئله مذکور داشته‌اند اعتراض دارند زیرا بعد از گذشت سه ماه هیچ تغییری حاصل نشده است.»

پلمب طلافروشی‌های اعتصابی تقریباً بی‌سابقه است. اعمال زور با پشتیبانی نیروی انتظامی و نهادهای امنیتی علیه اصناف در شرایطی صورت می‌گیرد که در بسیاری از کشورهای دنیا اعتصاب در مشاغل مختلف حق قانونی سندی‌کها و اتحادیه‌ها هم‌زمان با مذاکرات نمایندگان آنها با دولت‌هاست.

● در پی بی‌نتیجه ماندن مذاکرات نمایندگان طلافروشان مشهد با مسئولان، مغازه‌آنهايي که به اعتصاب خود پایان ندادند، روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه به دستور تعزیرات و فرمانداری پلمب شد. مأموران همچنین در مقابل بعضی مغازه‌ها بلوک بتنی قرار دادند.

اعتصاب طلافروشان در تهران، اصفهان، تبریز و قم که از اواسط هفته اول اردیبهشت‌ماه در اعتراض به مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین مالیاتی آغاز شد به شهرهای کوچک‌تر از جمله قم و بروجرد رسیده است.

در پی بی‌نتیجه ماندن مذاکرات نمایندگان طلافروشان مشهد با مسئولان، مغازه‌آنهايي که به اعتصاب خود پایان ندادند، روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه به دستور تعزیرات و فرمانداری پلمب شد. مأموران در مقابل بعضی مغازه‌ها بلوک بتنی قرار دادند و در برخی مغازه‌ها را هم با دستگاه جوش بستند! یوسف تقی‌زادگان رئیس اتحادیه صنف فروشندگان طلا و جواهر مشهد می‌گوید، «برخی طلافروشی‌ها را با دستگاه جوش پلمب کرده‌اند و به نظر بنده رعب و وحشت ایجاد کردند... دوشنبه، نیز تعداد زیادی از طلافروشی‌ها در بلوار امامت مشهد پلمب شدند که آنطوری که به بنده اطلاع دادند منجر به درگیری هم شده است. بنده الان در تهران پیگیر موضوع هستم اما در مشهد طلافروشی‌ها را پلمب می‌کنند؛ معنی‌اش چیست؟»

اصلی‌ترین اعتراض طلا فروشان به دستورالعمل جدید برای ثبت موجودی طلای خود در «سامانه ملی تجارت» است.

به چه کسی چه ربطی دارد چه میزان طلا دارم؟ تقی‌زادگان در ادامه توضیح داده است «بند تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون جامع تجارت مورد اعتراض صنف طلافروشان است و می‌گویند که این بند مربوط به کالاهای مصرفی است و به کالاهای سرمایه‌ای ربطی ندارد. طلای بنده سرمایه ریالی

یغما برد.

وی افزود، «ما همه مسلمانان سوار یک کشتی هستیم. اگر دشمن به یک سرزمین اسلامی رخنه کند، سعی می‌کند به سایر نقاط هم رخنه کند. همه راه‌های نفوذ دشمنان باید بسته شود. این منطق ماست که در شرق مدیترانه راه را بر دشمن می‌بندیم و سطح نبرد را گسترده می‌کنیم تا با دشمن مقابله کنیم و تجزیه شود.»

آغاز عصر مجاهدت‌های خامنه‌ای

حسین سلامی با بیان اینکه «رسالت نیروی قدس سپاه بستن راه نفوذ دشمن در سرزمین‌های اسلامی است» عنوان کرد، «عملیات توفان الاقصی» (حمله حماس به اسرائیل) و «صبح صادق» (حمله موشکی و پهپادی سپاه به اسرائیل) نشان داد که به پایان عمر رژیم صهیونیستی نزدیک می‌شویم... جغرافیای سیاسی آمریکا در جهان کوچک شده و به لحاظ اخلاقی ورشکسته شده است. قدرت آمریکا هم فرسوده و پوسیده شده است. آمریکا نمادی است از اینکه تمدن غرب در حال غروب است، ولی عصر طلایی تمدن اسلام تحت تاثیر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌های رهبر معظم انقلاب در حال آغاز است.»

فقط با نابودی اسرائیل انتقام گرفته می‌شود

یکی از سخنرانان این مراسم زینب سلیمانی بود که اسرائیل را «فرزند نامشروع آمریکا» خواند و گفت، همچنانکه آمریکا قاسم سلیمانی را در لباس دیپلمات کشت، اسرائیل نیز فرماندهان سپاه را در یک ساختمان دیپلماتیک هدف قرار داد. وی در بخشی از سخنان خود مدعی شد، «ابعاد این حادثه تلخ و دردناک برای مردم عبور ایران از جنس دیگری بود. عموم ملت ایران با هر نگاه و سلیقه‌ای این حادثه دردناک را محکوم کردند و متاثر از آن شدند. این به جوش آمدن خون مردم نیز دو دلیل عمده داشت که اولین آن قاتل و عامل این حادثه دلخراش بود. مردم ایران رژیم سفاک و جنایتکار صهیونیستی را جز با جنایت و شرارت نمی‌شناسند.»

به نظر می‌رسد منظور زینب سلیمانی از «مردم» و «عموم ملت ایران» اقلیت «هواداران نظام» باشد زیرا مردم ایران طی ماه‌های اخیر نیز با شعارهای خود نشان دادند که کدام طرف ایستاده‌اند. زینب سلیمانی در پایان تهدید کرد، «فقط با نابودی رژیم صهیونیستی است که می‌توان انتقام خون شهیدان زاهدی، موسوی و سید رضی و هم‌زمان آنها را گرفت و به فضل خداوند متعال این روز دیر نخواهد بود.» جنگنده‌های ارتش اسرائیل روز دوشنبه ۱۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۳ ساختمان مجاور سفارت جمهوری اسلامی در دمشق را هدف قرار دادند که طی آن ۱۳ نفر کشته شدند. هفت نفر از آنها اعضای «سپاه قدس» بودند که سردار محمدرضا زاهدی معروف به «حاج حسن مهدوی» و سردار محمدهادی حاجی رحیمی در بین آنها بودند.

منابع اسرائیلی گزارش دادند آن ساختمان در واقع ستاد عملیات سپاه قدس در پوشش یک محل دیپلماتیک بود. سپاه پاسداران به تلافی این اقدام یکشنبه ۲۶ فروردین‌ماه بیش از ۳۵۰ پهپاد و موشک به اسرائیل پرتاب کرد اما بیشتر آنها در آسمان رهگیری و منهدم شد. فرانسه، آمریکا، بریتانیا و اردن در انهدام پرتابه‌ها با اسرائیل همکاری کردند. به تلافی این حمله ۳۱ فروردین‌ماه اسرائیل رادار پدافندی نیروگاه اتمی نطنز مستقر در پایگاه هشتم شکاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی را هدف قرار داد.

برخی تحلیلگران گفتند حمله تلافی‌جویانه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی «خفیف» بود اما برخی دیگر معتقدند اسرائیل با یک تاکتیک حساب شده برای خود «فرصت استراتژیک» فراهم کرد تا در یک ائتلاف قوی بین‌المللی، تکلیف جنگ غزه را مشخص کند.

با گسترش اعتصاب طلافروشان دولت مجبور به «عقب‌نشینی» شد



بازار طلای تهران

اعلام کرد که «نیازی نیست طلافروشان سرمایه‌گیر در گردش خود» را در سامانه جامع تجارت ثبت کنند و مقرر شده که «اطلاعات معاملات» را برای آنچه «شفافیت در حوزه معاملات طلا» عنوان شده، ثبت کنند.

اصلی‌ترین اعتراض طلافروشان و بانکداران طلا به دستور «ثبت میزان سرمایه و ارائه گزارش معاملات» در سامانه جامع تجارت بود.

طلافروشان می‌گویند زیر بار ثبت سرمایه در سامانه نمی‌روند و سرمایه آنها یک راز است اما محمد مهدی برادران معاون وزیر «صمت» گفته بود، «از ابتدای سال ۱۴۰۲ نزدیک دو میلیارد دلار طلا وارد شده و این حق دولت است که بدانند این دو میلیارد دلار کجا دارد می‌چرخد؟ اگر کسی می‌خواهد بگوید که من نمی‌خواهم فاکتوری دست مشتری بدهم که میزان ننگین طلا را از اصل طلا جدا کند، اجرت طلا را از اصل طلا جدا کند، اولین کسی که باید با این فرد برخورد کند خود اتحادیه است. طبق قانون بازرسی اتحادیه باید باشد، اینها باید بروند این را شفاف کنند.»

در این میان گزارش شده که در مشهد با همکاری فرمانداری، سازمان تعزیرات و نیروی انتظامی برخی طلافروشی‌ها که اعتصاب کرده بودند پلمپ شدند!

طلافروشان می‌گویند میزان سرمایه آنها مثل سرمایه‌های هر شخص دیگری یک «راز» است و چرا بایستی سرمایه یا موجودی واحد خود را در سامانه جامع تجارت اعلام کنند؟ آنها معتقدند که این سرمایه نه تنها پس از چندین نسل به آنها رسیده و سرمایه‌ای شخصی است، بلکه اعلام میزان آن برای صاحبان این سرمایه خطرآفرین است.

برخی کارشناسان به دولت هشدار داده‌اند که فشار به طلافروشی‌ها سبب خواهد شد آنها سرمایه خود را از ایران خارج کنند.

● اعتصاب طلافروشان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، ارومیه، مشهد، قم، بروجرد که در اعتراض به مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین مالیاتی که از اواسط هفته اول اردیبهشت‌ماه آغاز شده بود دولت را وادار به عقب‌نشینی کرد.

● وزارت «صمت» با ادعای در نظر گرفتن «تسهیلاتی تازه» در بخشنامه‌ای اعلام کرد که «نیازی نیست طلافروشان سرمایه‌گیر در گردش خود» را در سامانه جامع تجارت ثبت کنند و مقرر شده که «اطلاعات معاملات» را برای آنچه «شفافیت در حوزه معاملات طلا» عنوان شده، ثبت کنند.

● صنف طلافروشان می‌گویند میزان سرمایه آنها مثل سرمایه‌های هر شخص دیگری یک «راز» است و چرا بایستی سرمایه یا موجودی واحد خود را در سامانه جامع تجارت اعلام کنند؟ آنها معتقدند که این سرمایه نه تنها پس از چندین نسل به آنها رسیده و سرمایه‌ای شخصی است، بلکه اعلام میزان آن برای صاحبان این سرمایه خطرآفرین است.

● برخی کارشناسان به دولت هشدار داده‌اند که فشار به طلافروشی‌ها سبب خواهد شد آنها سرمایه خود را از ایران خارج کنند.

اعتصاب طلافروشان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، ارومیه، مشهد، قم، بروجرد که در اعتراض به مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین مالیاتی که از اواسط هفته اول اردیبهشت‌ماه آغاز شده بود دولت را وادار به عقب‌نشینی کرد.

به گزارش خبرگزاری ایسنا روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت بر اساس بخشنامه جدیدی که وزارت صنعت، معدن و تجارت «صمت» صادر کرد با ادعای در نظر گرفتن «تسهیلاتی تازه»،

باز هم جمهوری اسلامی نگران «کرامت زن» و به دنبال ممنوعیت حضور گزینشی و محدود زنان در ورزشگاه‌هاست!



کارناشناس و برنامه‌ریز به دور از واقعیت‌های جامعه شود. این ادعاهای دروغ در حالیست که زنان ایران نه تنها هر روز در کوچه و خیابان مورد اهانت و فشار و بی‌حرمتی از سوی مأموران و عوامل رژیم قرار می‌گیرند بلکه حتا قوانین مدنی و کیفری جمهوری اسلامی نیز علیه آنها و توهین به ساخت زنان است.

با اینهمه روزنامه جوان نیز از قافله‌ی کیهان تهران عقب مانده و درباره «کرامت بانوان» نوشته: «فحاشی در ورزشگاه‌ها هیچ توجیهی ندارد و تحت هر شرایط و به هر دلیلی محکوم است، چراکه ورزشگاه جای تماشای فوتبال و لذت بردن از آن است، نه جای عقده‌گشایی و عربده‌کشی، اما به نظر می‌رسد مورد دوم برای عده‌ای سود بیشتری دارد که طی همه این سال‌ها جای فرهنگ‌سازی، تنها حرف آن را زده‌اند تا اوضاع چنان وخیم شود که وزیر ورزش هم بابت خدشه‌دار شدن کرامت بانوان به زبان آید.»

در ادامه این یادداشت آمده است: «همان زمان که عده‌ای سکوها و ورزشگاه را برای گروه‌کشی‌های شخصی و نیل به اهداف کثیفی که احساسات پاک هواداران را وسیله قرار داده بود، به میدان نبرد تبدیل کردند، البته که حق با وزیر ورزش است و کرامت بانوان خدشه‌دار شده، اما خیلی پیشتر از این کرامت هواداران و کرامت فوتبال خدشه‌دار شده بود و شاید اگر همان زمان آقایان بطور جدی پیگیر ماجرا بودند، امروز اینچنین دست و پای‌شان را گم نمی‌کردند، هرچند اینهم نمایشی بیش نیست و دو روز دیگر که آب‌ها از آسیاب بیفتد، همه ماجرا را فراموش می‌کنند، حتی وزیری که فدراسیون را موظف به بررسی و پاسخگویی کرده است!»

در همین ارتباط روزنامه اعتماد روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت با انتشار مطلبی از حذف هوشمندانه زنان از استادیوم‌ها خبر داد و نوشت: «پروژه‌ای عجیب برای ممنوع کردن دوباره ورود زنان به استادیوم در حال شکل‌گیری است. بحث تئوری توطئه مطرح نیست؛ قرار هم نیست بگوییم اظهارات آن پیرمرد مشکوک است و شاید حتی هماهنگ شده.»

این رسانه وابسته به سپاه پاسداران با اعلام اینکه «این امر ناخواسته محرومیت جدیدی را برای بانوان علاقمند به فوتبال برای حضور در استادیوم‌ها ایجاد می‌کند ادعا کرد: «به دلیل فضای غیرفرهنگی، بسیاری از خانم‌های علاقمند حاضر به حضور در استادیوم‌ها نمی‌شوند و محیط ورزشگاه رفته رفته به جولانگاه افرادی با شرایط خاص محدود می‌شود.»

خبرگزاری فارس با اشاره به ورود دختر هوادار تیم «استقلال» به زمین مسابقه و در آغوش کشیدن بازیکن محبوب خود ادعا کرد: «نکته مهمتر در جریان بازی دیروز تضعیف پلیس در جریان ممانعت از جیمی‌جامپ زن بی‌حجاب بود. بطوری که دروازه‌بان استقلال با بغل کردن این فرد، به همراه برخی دیگر از همراهانش در حمایت از او شروع به حمله به پلیس کردند. اقدامی جوگیرانه که در فضای مجازی به تک چرخ زدن جوانک‌ها در جلوی مدارس دخترانه تشبیه شد.»

با اینکه در همه جای دنیا ورود به زمین مسابقه به عنوان جیمی‌جامپ مخصوصاً در جریان بازی ممنوع است و قوانین مشخصی در مورد نحوه برخورد با آن شخص وجود دارد اما در هیچ جای دنیا اشاره‌ای به نحوه پوشش این افراد یا جنسیت آنها نشده است. مثلاً نگفته‌اند اگر جیمی‌جامپ دختر بود یا پسر یا فلان لباس را پوشیده بود نوع برخورد تغییر کند. پس از حذف تدریجی حضور زنان علاقمند به ورزش به ویژه مسابقه فوتبال مردان به استادیوم‌ها، روزنامه کیهان چاپ تهران با ابراز نگرانی از اینکه چرا زن‌ها فحش داده‌اند و فحش شنیده‌اند روز ۱۶ اردیبهشت با انتشار یادداشتی به این بهانه ادعا کرد: «اتفاقات شامگاه چهارشنبه نشان داد که متأسفانه نه تنها حضور بانوان در ورزشگاه از شدت فضای مسموم و ناسالم نکاست بلکه در اتفاقی تأسف‌انگیز شاهد زشت‌ترین و شرم‌آورترین صحنه‌ها و توهین‌ها و زیر پا گذاشتن کرامت بانوان نیز بودیم. این در حالی است که حفظ کرامت زنان یک اصل مهم و قطعی در فرهنگ ایرانی و اسلامی ماست و نباید بازیچه بی‌تدبیری عده‌ای

● ورود ناگهانی یک دختر جیمی‌جامپ بدون حجاب اجباری و درآغوش کشیدن کاپیتان تیم «استقلال» (تاج) در پایان بازی این تیم با آلومینیوم اراک و سپس مدتی بعد، فحاشی و شعار متقابل زنان پرسپولیسی و مردان سپاهانی در استادیوم «آزادی» (آریامهر) بهانه‌ای به دست عوامل جمهوری اسلامی داده تا بار دیگر، موضوع ورود زنان به استادیوم‌ها را پیش کشیده و آن را ممنوع اعلام کنند آنهم در حالی که حضور زنان در استادیوم‌ها، آنهم با فشار فیفا، همچنان محدود و ناچیز و گزینشی است!

فیروزه نوردستروم - ورود ناگهانی یک دختر جیمی‌جامپ بدون حجاب اجباری و درآغوش کشیدن کاپیتان تیم «استقلال» (تاج) در پایان بازی این تیم با آلومینیوم اراک و سپس مدتی بعد، فحاشی و شعار متقابل زنان پرسپولیسی و مردان سپاهانی در استادیوم «آزادی» (آریامهر) بهانه‌ای به دست عوامل جمهوری اسلامی داده تا بار دیگر، موضوع ورود زنان به استادیوم‌ها را پیش کشیده و آن را ممنوع اعلام کنند آنهم در حالی که حضور زنان در استادیوم‌ها محدود و ناچیز و گزینشی است!

چندی پیش یک دختر هوادار تیم فوتبال تاج (استقلال) در هیجان‌ناشی از بازی فوتبال در پای بازی دو تیم «استقلال» و آلومینیوم اراک، خود را به زمین بازی و کاپیتان تیم محبوب‌اش رساند و در میان حضور پرتعداد نیروهای انتظامی و لباس شخصی، کاپیتان تیم تاج را در آغوش گرفت و او هم این هوادار را مورد حمایت قرار داد.

چند روز بعد، کمیته انضباطی، سیدحسین حسینی کاپیتان «استقلال» را ۳۰۰ میلیون تومان جریمه کرد ولی او در واکنش به این موضوع گفت: «فدای سر آن هوادار خانم. جریمه را می‌دهم.»

روزنامه جوان که انتظار داشت کاپیتان تیم «استقلال» آن دختر هوادار را مانند عوامل رژیم با مشت و لگد به ماموران امنیتی اطراف خود تحویل دهد، ۷ در واکنش به این رفتار حرفه‌ای نوشت: «جای تأسف دارد که هم‌زمان با گرامیداشت روز شهدای ورزشکار بخواهیم از مریبان و بازیکنانی بنویسیم که به خود اجازه می‌دهند هر حرکت زشت و غیراخلاقی را انجام دهند و کسی هم نباشد که بتواند جلودارشان باشد!»

این روزنامه وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه مدعی شد: «این عده همانهایی هستند که اینقدر از بیت‌المال و پول مردم خورده‌اند که امروز حتی جریمه‌های چندصد میلیونی هم برایشان پول خرد محسوب می‌شود. بنابراین به خود اجازه می‌دهند هرطور که دل‌شان خواست با بقیه برخورد کنند و هر رفتاری که دل‌شان خواست را نشان دهند.»

خبرگزاری فارس نیز ضمن انتقاد از جیمی‌جامپ دختر بدون حجاب اجباری و در آغوش کشیدن دروازه‌بان تیم «استقلال» از ممنوعیت دوباره حضور زنان در ورزشگاه‌ها خبر داد و مدعی شد: «از مدت‌ها قبل عده‌ای در دفاع از حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی استدلال می‌کردند که حضور بانوان می‌تواند فضای بعضاً غیرفرهنگی استادیوم‌ها را اصلاح کند و مانع فحاشی‌ها و اقدامات غیرفرهنگی دیگر شود. اگرچه در روزهای ابتدایی حضور بانوان تأثیرات این چنینی داشته اما با گذشت زمان نه تنها وضعیت استادیوم‌ها اصلاح نشد بلکه برخی از افراد خاص به مصداق هرمزگ جماعت شدن گوی سبقت را در مسائل غیرفرهنگی از مردان ربودند.»



هشدار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره بودجه «چالش برانگیز» وزارت آموزش و پرورش؛ کمبود اعتبار برای پرداخت حقوق معلمان!

نیز صورت گرفته است. عارضه‌ای که از آن در بودجه با عنوان کم‌برآوردی یاد می‌شود و اگر رخ نمی‌داد، اجبار به پرداخت‌های مازاد در طول سال وجود نداشت. این در حالیست که بودجه آموزش و پرورش در بودجه امسال نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۲، افزایش ۱۷ درصدی داشته است. با این حال این «افزایش سقف اعتبارات» با نیازهای این وزارتخانه همسان نیست و نمی‌تواند هزینه‌های جاری آن را تأمین کند. وبسایت «اکو ایران» در گزارشی درباره وضعیت بودجه وزارت آموزش و پرورش و با استناد به گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دی‌ماه گذشته منتشر کرده نوشته بودجه اختصاص یافته به وزارت آموزش و پرورش در سال گذشته نیز فقط برای پرداخت حقوق و دستمزد هزینه شده و نتوانسته برای توسعه امکانات و زیرساخت‌ها هزینه شود. در گزارش «اکو ایران» آمده که تا پایان آبان ۱۴۰۲ از کل اعتبارات هزینه‌ای عمومی وزارت آموزش و پرورش که ۱۹۶ هزار میلیارد تومان بود، ۶۷/۵ درصد یعنی معادل ۱۳۱ هزار میلیارد تومان تخصیص یافته که این عدد بیش از انتظار تحقق در هشت ماه است. قابل توجه آنجاست که از این مبلغ ۱۱۸ هزار میلیارد تومان (۹۰/۱۱ درصد) صرف پرداخت حقوق کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی و بازنشستگان شده است. این گزارش افزوده از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور ۷/۸ هزار میلیارد تومان نیز که عمده و مهمترین بخش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای وزارت آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد، تا پایان آبان ۱۴۰۲ تنها ۲۵ درصد معادل ۱/۹ هزار میلیارد تومان تخصیص داده شده است. این وضعیت گویای آن است که تقریباً کل بودجه تخصیص یافته به وزارت آموزش و پرورش، صرف پرداخت حقوق و دستمزد شده و به پروژه‌های تحولی یا ساخت‌وساز مدارس بودجه‌ای که حلال مشکلات باشد، اختصاص نیافته است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره بودجه سال گذشته وزارت آموزش و پرورش گزارش داده بود که بودجه هزینه‌ای تخصیصی به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها تا پایان آبان ۱۴۰۲ رقمی معادل ۱۲۳ هزار میلیارد تومان بوده است. از این میزان ۱۱۶ هزار میلیارد تومان برابر با ۹۴/۴ درصد صرف پرداخت حقوق کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی و بازنشستگان می‌شود. بودجه امسال وزارت آموزش و پرورش اما نشان می‌دهد نه تنها از بودجه ناچیز وزارت آموزش و پرورش در سال جاری سهمی برای توسعه زیرساخت‌ها و افزایش امکانات آموزشی و اقدامات زیربنایی اختصاص نمی‌یابد بلکه حتی این رقم برای پرداخت حقوق و مزایای شغلی آموزگاران شاغل نیز کافی نیست. این در حالیست که رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش وعده استخدام ۱۰۰ هزار آموزگار جدید در سال جاری را داده است!

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت بودجه آموزش و پرورش هشدار داده و اعلام کرده که هزینه‌های جاری آموزش و پرورش به چالشی جدی برای این وزارتخانه تبدیل خواهد شد.

● وزارت آموزش و پرورش ۳۳۷ هزار میلیارد تومان بودجه برآورد کرده بود اما در لایحه بودجه این رقم به ۲۱۷ هزار میلیارد تومان رسید و معادل ۳۵/۵ درصد کاهش یافت. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هشدار داده که سهم آموزش و پرورش از بودجه ۱۴۰۳ «چالش‌هایی را برای نظام آموزش و پرورش در سال پیش رو ایجاد خواهد کرد» که «توان مدیریت تحولی و حل چالش‌های اساسی تعلیم و تربیت کشور» را از این وزارتخانه خواهد گرفت.

در روزهای گذشته بررسی جزئیات لایحه بودجه از سوی مجلس شورای اسلامی آغاز شده و ناترازی بودجه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در همین رابطه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت بودجه آموزش و پرورش هشدار داده و اعلام کرده که هزینه‌های جاری آموزش و پرورش به چالشی جدی برای این وزارتخانه تبدیل خواهد شد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که درباره «حقوق و دستمزد و مطالبات فرهنگیان» برآوردهای دقیق و صحیح صورت نگرفته است. این نهاد پژوهشی تأکید کرده «همچنان حقوق و دستمزد و مطالبات فرهنگیان از جمله مشکلات پیش روی آموزش و پرورش در سال جاری خواهد بود». بر اساس بودجه ۱۴۰۳، وزارت آموزش و پرورش با احتساب ردیف‌های متفرقه‌ای اعمال نشده در مجموع ۲۷۸ هزار میلیارد تومان بودجه دریافت خواهد کرد. این رقم نشان می‌دهد وزارت آموزش و پرورش سهمی معادل ۹/۸۳ درصد از منابع بودجه عمومی کشور دارد. به نظر می‌رسد «عدم برآورد دقیق» که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس درباره بودجه وزارت آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته به این باز می‌گردد که این وزارتخانه برای ردیف «ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها» در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۳۷ هزار میلیارد تومان بودجه مورد نیاز برآورد کرده بود اما در لایحه بودجه این رقم به ۲۱۷ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. به بیان دیگر رقم مورد نیاز برای پرداخت حقوق کارکنان این وزارتخانه در لایحه بودجه با کاهش ۳۵/۵ درصدی روبرو شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی توضیح داده که کاهش ۳۵/۵ درصدی بودجه‌ای که از سوی آموزش و پرورش پیش‌بینی شده بود، به معنای «کمبود قطعی اعتبارات برای پرداخت حقوق و دستمزد معلمان در سال پیش رو» خواهد بود. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ۱۰ سال گذشته تخصیص «ادارات کل آموزش و پرورش استانها» تا ۱۲۴ درصد نیز رسیده است و در برخی از سال‌ها همچون سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۷۵ تخصیص بالاتر از ۱۵۰ درصد

اینکه بگوییم به نظر پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده جریان دارد که می‌خواهد در استادیوم‌ها یک به یک به روی زنان بسته شود نه توهم است نه بدبینی!»

در ادامه این مطلب آمده است: «اتفاقاً بر اساس شواهد می‌توان گفت این یک پروژه می‌تواند وجود داشته باشد. پروژه‌ای که قصدش بازگرداندن همه چیز به قبل از فشار نهایی فیفا به ایران برای ورود زنان به استادیوم است. «هوشمندانه» قرار است زنان از استادیوم‌ها محروم شوند.»

همزمان روزنامه کیهان چاپ تهران در بخشی از یادداشتی که روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت منتشر کرد نوشت: «در یکی دو سال اخیر در ادامه برخی تلاش‌های جسته و گریخته قبلی، مسئله حضور زنان در استادیوم‌های فوتبال مطرح شد و شاهد بودیم از سوی برخی رسانه‌های داخلی و خارجی، چهره‌های سیاسی و فعالان حوزه زنان، سلب‌بیتی‌ها و... به آن دامن زده می‌شد. عجیب آنکه مسئله حضور زنان در استادیوم که شاید جزو ۲۰ مطالبه اصلی زنان و دختران کشورمان نیز نبود تبدیل شد به یک مطالبه مثلاً سراسری و الزام‌آور! برخی فشارهای فدراسیون جهانی را بهانه کردند و برخی برای تحقق این مطالبه بر شیپور برابری زنان و مردان دمیدند.»

در ادامه این یادداشت آمده است: «به نوعی شاهد یک مسئله‌سازی هدفمند بودیم که مثل همیشه برخی از مسئولان کشور نیز با شیرجه در این جریان متلاطم و مسئله‌سازی کاذب، وارد بازی شدند! در این بین از همان ابتدا بارها هشدار داده شد که این مطالبه کاذب نسبتی با واقعیت مطالبات زنان جامعه ندارد و حتی اگر فرضاً این یک مطالبه جدی هم باشد جو ورزشگاه‌های فوتبال کشورمان که متأسفانه به علت شرایط غیر فرهنگی آن بسیاری از مردان نیز از آن گریزان هستند، شرایط مناسب برای حضور همراه با حفظ کرامت و شأن زنان را ندارد.»

پرسپولیس و نساجی بدون حضور بانوان!

در تلاش برای جلوگیری تدریجی ورود گزینشی و محدود زنان به مسابقات فوتبال، روز ۱۶ اردیبهشت خبرگزاری ایسنا نوشت که تیم فوتبال نساجی مازندران در هفته بیست و ششم لیگ برتر در ورزشگاه «شهید وطنی» «فاش‌شهر» (شاهی) به مصاف پرسپولیس خواهد رفت. اما با تصمیم شورای تأمین استان مازندران زنان و دختران تماشاگر نمی‌توانند در این بازی در ورزشگاه حضور داشته باشند و این بازی را از نزدیک تماشا کنند. این تصمیم برای دیدار نساجی [در] برابر استقلال هم اتخاذ شده است.»

در هر صورت در این مسابقه نیز جمهوری اسلامی، بدون حضور زنان، پاسخ همیشگی را از تماشاگران خطاب به بسیجی‌هایی گرفت که پرچم فلسطین را به استادیوم برده بودند. در اوایل اردیبهشت ماه نیز حضور زنان و دختران تبریزی در استادیوم «یادگار» برای تماشای بازی‌های تراکتور به بهانه رعایت نکردن حجاب اجباری زنان هوادار تیم تراکتور ممنوع اعلام شده بود!

پس از ورزشگاه «یادگار» تبری، ورود بانوان به ورزشگاه «خمینی» اراک هم ممنوع اعلام شد.

موضوع حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات مردان به ویژه فوتبال سال‌هاست از سوی بخشی از جامعه مطرح و با مخالفت شدید حکومت و طرفدارانش روبرو شده است. اصرار مقامات حکومت برای ادامه ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌ها برای تماشای مسابقات فوتبال مردان سبب واکنش فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) در اینباره شد که سرانجام به حضور گزینشی و محدود آنها در برخی مسابقات انجامید. حالا جمهوری اسلامی دوباره بهانه تازه‌ای به دست آورده که البته به نظر نمی‌رسد اگر بطور جدی اجرا شود، فیفا به آن واکنش نشان ندهد.

یک وزیر دولت اسرائیل حمله تلافی جویانه به پایگاه نیروی هوایی جمهوری اسلامی در اصفهان را تأیید کرد



میری رگو وزیر راه و ترابری عضو کابینه امنیتی اسرائیل

● به گزارش «اورشلیم پست» میری رگو وزیر راه و ترابری عضو کابینه امنیتی و از اعضای ارشد حزب «لیکود» (حزب بنیامین نتانیاهاو)، شنبه شب چهارم ماه مه (۱۵ اردیبهشت)، در مصاحبه با «شبکه ۱۴» تلویزیون اسرائیل که مواضع نزدیک به دولت دارد، تأیید کرد که اسرائیل در پاسخ به حمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، در ایران دست به اقدام زد.

● سرهنگ بازنشسته رگو سخنگوی پیشین ارتش در این برنامه توضیح داد، «ابعاد اقدام که در آن شب حمله نظامی ایران علیه اسرائیل رخ داد، همچنان در آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت و اگر یک موشک اصابت کرده بود، خدا می داند چه می شد اما با یاری خدا و به لطف فناوری پیشرفته و تصمیمات ما موشکها و پهپادها را رهگیری کردیم». سه هفته بعد از حمله منتسب به اسرائیل به تأسیسات راداری پایگاه هشتم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در اصفهان به تلافی حمله موشکی و پهپادی رژیم ایران به خاک اسرائیل، یک وزیر دولت این کشور انجام عملیات تلافی جویانه در خاک ایران را تأیید کرد.

به گزارش «اورشلیم پست» میری رگو وزیر راه و ترابری عضو کابینه امنیتی و از اعضای ارشد حزب «لیکود» (حزب بنیامین نتانیاهاو)، شنبه شب چهارم ماه مه (۱۵ اردیبهشت)، در مصاحبه با «شبکه ۱۴» تلویزیون اسرائیل که مواضع نزدیک به دولت دارد، تأیید کرد که اسرائیل در پاسخ به حمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، در ایران دست به اقدام زد.

سرهنگ بازنشسته رگو سخنگوی پیشین ارتش در این برنامه توضیح داد، «ابعاد اقدام که در آن شب حمله نظامی ایران علیه اسرائیل رخ داد، همچنان در آینده مورد بحث

قرار خواهد گرفت و اگر یک موشک اصابت کرده بود، خدا می داند چه می شد اما با یاری خدا و به لطف فناوری پیشرفته و تصمیمات ما موشکها و پهپادها را رهگیری کردیم». وی ادامه داد، «پس از آن ما واکنش نشان دادیم، و پیام [از سوی تهران] دریافت شد، آنها فهمیدند که اسرائیل کشوری نیست که با وارد شدن ضربه به خود مدارا کند... بعد از آن اقدام، حال باید مسئولانه عمل کرده و عرصه‌هایی را که در آن درگیر نبرد هستیم، مدیریت کنیم؛ ابتدا شهروندان روده شده خود را از غزه آزاد کرده و حماس را از بین ببریم.»

مقامات جمهوری اسلامی از جمله عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش ادعا کردند که در این حمله چند پهپاد کوچک استفاده شده بود و هیچ خسارتی در پی نداشت اما خبرگزاری آسوشیتدپرس سوم اردیبهشت ماه با انتشار تصاویر ماهواره‌ای از آثار حمله به سیستم دفاع موشکی روسی اس ۳۰۰- در اصفهان نوشت که این خسارت‌ها با تکذیب مقامات جمهوری اسلامی در تضاد است.

بامداد جمعه ۱۹ آوریل (۳۱ فروردین ماه) صدای دست‌کم سه انفجار در اطراف شهر اصفهان شنیده شد. همزمان با این انفجارها مردم علاوه بر صدای پرواز هواپیمای جنگنده، صدای شلیک پدافند را هم شنیدند. یک مقام ارشد آمریکایی به «ای بی سی نیوز» گفت که اسرائیل در اوایل بامداد روز جمعه به وقت محلی، موشک‌هایی را در یک حمله تلافی جویانه علیه جمهوری اسلامی به سوی ایران پرتاب کرد.

بن سبسطی سخنگوی فارسی‌زبان دولت اسرائیل ساعاتی پس از این حملات با انتشار ویدیویی تأیید کرد که این حمله از سوی اسرائیل بوده است. این حمله به تلافی پرتاب بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد از ایران به اسرائیل انجام گرفت.

کمال خرازی در مصاحبه با شبکه «الجزیره»: اگر موجودیت ما تهدید شود ناچاریم دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهیم!

● در ایران بیش از گذشته از سوی مقامات ارشد نظام زمزمه‌هایی مبنی بر احتمال ساخت مپ اتم در صورت افزایش فشارهای بین‌المللی مطرح می‌شود. کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم».

● وی در ادامه افزود، «اگر آنها بخواهند جسارت کنند و به تأسیسات هسته‌ای ایران لطمه بزنند، سطح بازدارندگی ما متفاوت خواهد شد. ما تا به حال بازدارندگی را در سطح متعارف تجربه کردیم. اگر آنها بخواهند به توانایی‌های هسته‌ای ایران ضربه بزنند، طبیعتاً می‌تواند موجب تغییر دکترین هسته‌ای ایران شود».

در ایران بیش از گذشته از سوی مقام‌های ارشد نظام زمزمه‌هایی مبنی بر احتمال ساخت مپ اتم در صورت افزایش فشارهای بین‌المللی مطرح می‌شود. کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم».

ناظران می‌گویند این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که همزمان با شدت گرفتن نارضایتی‌های داخلی، مقامات حکومت بیم سرنگونی نظام را دارند.

بعد از عملیات «وعده صادق» که طی آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از ۳۵۰ پهپاد انتحاری و موشک به اسرائیل پرتاب کرد، گفته شد که احتمال دارد در عملیات تلافی جویانه‌ی اسرائیل تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی مورد هدف قرار گیرد.

خرازی در پاسخ به مجری شبکه الجزیره درباره درگیری میان رژیم ایران و اسرائیل و احتمال هدف‌گیری تأسیسات اتمی اصفهان، می‌گوید، «آنچه اتفاق افتاد، استفاده از یک پرنده کوچک بود که از قبل به شیوه‌های جاسوسی به ایران فرستاده بودند؛ نه اینکه از اسرائیل حمله‌ای انجام دهند. در گذشته هم پرنده‌های کوچک را به طرقی به ایران فرستاده بودند تا در شرایط خاصی عملیات انجام دهند. اینها در واقع آزار دادن است، وگرنه عملیات نظامی تلقی نمی‌شود، چنانکه کوادکوپتر آنها نتوانست آسیبی وارد کند. این اقدام علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نیز نبود،

آمریکا به دنبال تحریم پروازهای ناوگان هواپیمایی «ایران ایر» به اروپاست



بوئینگ «ایران ایر» در فرودگاه تهران

سال‌ها پیش تحریم شده بود. این شرکت هواپیمایی بعدها نام خود را به «پارس ایر» و «یاس ایر» تغییر داد. اکنون دفتر مرکزی آن در تهران و آشیانه اصلی آن در فرودگاه مهرآباد فعال است. ناوگان «پویا ایر» علاوه بر «ایل-۷۶» و پنج فروند Embraer ERJ 145 تشکیل شده است.

آبرام پیلی معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، شهریور ۱۴۰۲ تأیید کرد که هواپیمای ایلوشین سپاه پاسداران به شبه جزیره کریمه اوکراین که در اشغال روسیه قرار دارد پرواز کرده است. وی تأکید کرد، این هواپیمای برای حمل سلاح‌های سنگین طراحی شده است.

احتمال ممنوعیت پرواز «ایران ایر» به اروپا

کشورهای عضو «گروه هفت» اوخراستندماه ۱۴۰۲ به جمهوری اسلامی هشدار دادند، «اگر به ارسال موشک‌های بالستیک یا فناوری‌های مرتبط به روسیه ادامه دهد، آماده واکنش‌های سریع و هماهنگ از جمله اقدامات جدید و مهم هستیم.» یک مقام ارشد دولت بایدن همانوقت گفت که ایالات متحده و متحدانش «در این مورد یکصدا هستند» و روشن خواهند کرد که هزینه این اقدامات برای رژیم ایران بیشتر از منافع آن خواهد بود. این مقام دولتی گفت که یکی از گزینه‌ها که درباره آن صحبت شده، ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست.

بعد از اینکه «ماهان ایر» چند سال پیش به دلیل همکاری با سپاه پاسداران تحریم و پروازهای آن به آلمان متوقف شد، حالا نوبت به «ایران ایر» می‌رسد. علاوه بر لندن، میلان، پاریس، رم و لندن، این شرکت بطور منظم به فرانکفورت، هامبورگ، کلن/ بن و وین در اروپای غربی پرواز می‌کند.

در اوایل پاییز ۲۰۲۲ ایالات متحده سه هواپیمای بوئینگ ۷۴۷-۳۰۰ ایرانی را شناسایی کرد که برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌شدند. هواپیماهای ایران ایر، ماهان ایر و فارس ایر قشم با شماره‌های ثبت EP-ICD، EP-MEE و EP-FAA تسلیحات ممنوعه از جمله وسایل الکترونیک به روسیه منتقل می‌کردند. واشنگتن در آن زمان اعلام کرد: «این آشکارا نشان‌دهنده نقض تحریم‌های صادرات است.»

● ایلوشین شرکت «پویا ایر» با ثبت (EP-PUS) از ۲۵ آوریل (ششم اردیبهشت) به اتهام «گسترش تسلیحات و حمایت از تروریسم بین‌المللی» و همچنین دور زدن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در فهرست سیاه قرار آمریکا قرار گرفت.

● هرچند پروازهای ایلوشین سپاه پاسداران در ماه‌های اخیر چندان زیاد نبود اما این پروازها همچنان در مسیر تهران (فرودگاه مهرآباد) به مسکو (فرودگاه ونوکوا) ادامه دارد.

● بعد از اینکه «ماهان ایر» چند سال پیش به دلیل همکاری با سپاه پاسداران تحریم و پروازهای آن به آلمان متوقف شد، حالا نوبت به «ایران ایر» می‌رسد. علاوه بر لندن، میلان، پاریس، رم و لندن، این شرکت بطور منظم به فرانکفورت، هامبورگ، کلن/ بن و وین در اروپای غربی پرواز می‌کند.

مجله آلمانی «فوکوس» با اشاره به قرار گرفتن شرکت هواپیمایی «پویا ایر» متعلق به سپاه پاسداران و اصلی‌ترین هواپیمای ترابری آن که یک «ایلوشین-۷۶» روسی است، گزارش می‌دهد آمریکا به دنبال تحریم پروازهای ناوگان هواپیمایی جمهوری اسلامی (ایران ایر) است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (OFAC) هواپیمای «ایلوشین-۷۶» متعلق به شرکت هواپیمایی «پویا ایر» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحریم کرده است. این شرکت متهم به حمل و نقل تسلیحات نظامی از جمله پهپاد برای روسیه و تأمین تسلیحاتی برای گروه‌های تروریستی است.

هرچند پروازهای ایلوشین سپاه پاسداران در ماه‌های اخیر چندان زیاد نبود اما این پروازها همچنان در مسیر تهران (فرودگاه مهرآباد) به مسکو (فرودگاه ونوکوا) ادامه دارد.

ایلوشین شرکت «پویا ایر» با ثبت (EP-PUS) از ۲۵ آوریل (ششم اردیبهشت) به اتهام «گسترش تسلیحات و حمایت از تروریسم بین‌المللی» و همچنین دور زدن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در فهرست سیاه قرار آمریکا قرار گرفت. شرکت «پویا ایر» در واقع همان «قشم ایر» است که

بلکه می‌خواستند صرفاً یکی از پایگاه‌های نظامی را هدف قرار دهند.»

وی در ادامه افزود، «اگر آنها بخواهند جسارت کنند و به تأسیسات هسته‌ای ایران لطمه بزنند، سطح بازدارندگی ما متفاوت خواهد شد. ما تا به حال بازدارندگی را در سطح متعارف تجربه کردیم. اگر آنها بخواهند به توانایی‌های



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای هسته‌ای جمهوری اسلامی / خرداد ۱۴۰۲

هسته‌ای ایران ضربه بزنند، طبیعتاً می‌تواند موجب تغییر دکترین هسته‌ای ایران شود.»

مجری شبکه الجزیره در ادامه پرسید، «شاهد تغییر در دکترین بازدارندگی ایران و دکترین بازدارندگی اسرائیل هستیم. اگر اسرائیل تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد، شما دقیقاً چه خواهید کرد؟» وی پاسخ داد، «دو سال پیش در گفتگو با الجزیره اعلام کردم که ایران ظرفیت تولید مهب هسته‌ای دارد؛ امروز هم آن ظرفیت هست، ولی ما تصمیمی برای تولید مهب هسته‌ای نداریم. اما اگر موجودیت ایران تهدید شود، ناچاریم دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهیم. اخیراً مقامات نظامی هم اعلام کردند که اگر اسرائیل بخواهد به تأسیسات هسته‌ای حمله کند تجدید نظر در دکترین و سیاست‌های هسته‌ای ایران و عدول از ملاحظات اعلامی گذشته محتمل و قابل تصور است.»

این اظهارات خرازی پس از سفر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران مطرح شده است. گروسی در ماه‌های اخیر بارها هشدار داد که جمهوری اسلامی اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت سه سلاح اتمی در مدت چند هفته را در اختیار دارد.

تهدید به ساخت مهب اتم از سوی مقامات جمهوری اسلامی تازگی ندارد. محمود علوی وزیر پیشین اطلاعات جمهوری اسلامی بهمن ۹۹ در یک برنامه خبری در شبکه دو صداوسیما جمهوری اسلامی گفته بود «مقام معظم رهبری فتوا داده که سلاح هسته‌ای حرام است اما اگر گریه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارشان با وقتی که گریه آزاد است فرق کند!» وی همچنین هشدار داده بود، «اگر ایران را به آن سمت هل بدهند دیگر تقصیر ایران نیست.» گروسی پس از سفر اخیر به تهران گفته بود، «پیشنهاد‌های بسیار مهمی برای اعتمادسازی و گام‌های عملیاتی مطرح کردم.» اما هنوز مشخص نیست چه پیشنهاداتی از سوی او مطرح شده است.

ماراتن شهرداری تهران برای ساختن یک مسجد دیگر در پارک اینبار در «بوستان خوارزمی» به فاصله ۳۰۰ متری یک «مسجد جامع»!



حصارهای پارک لاله ضمن تایید اینکه در محدوده حصارها انبوهی از درختان قرار دارند، گفته است که «۳هزار متر از پارک لاله را با هدف عملیات ساخت و ساز حصارکشی کرده‌اند». او در ادامه اضافه کرد: «هیچ عقل سلیم و مدیریت خردمندانه‌ای در این نقطه از مرکز شهر تهران، که با تراکم مواجه است، چنین تصمیمی نمی‌گیرد».

پس از آن اما روز جمعه ۱۴ اردیبهشت، خبرگزاری مهر، برای پیگیری موضوع حصارکشی پارک لاله با روابط عمومی شهرداری منطقه ۶ تماس گرفت و به نقل از این مرکز نوشت: «هرگونه دخل و تصرف در بوستان‌ها بر عهده سازمان بوستان‌هاست و شهرداری مناطق فقط در نگهداشت بوستان‌ها دخیل‌اند».

خبرگزاری فارس با مدیرمسئولی داماد زاکانی هم مدعی شد که «به گفته مسئولان شهرداری، علت فنس کشی و این حریم‌سازی بر اساس نیاز پارک و بنا به درخواست مردم بعد از برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های متنوع ماه‌های قبل صورت گرفته و برای پروژه ایجاد فضای عمومی و آبنما برای زیباسازی بوستان لاله است و قرار نیست حتی یک درخت هم در آنجا قطع شود».

همزمان مهدی عباسی رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر تهران درباره حصارکشی پارک لاله و احتمال ساخت مجتمع فرهنگی و هنری در این پارک به وبسایت اکو ایران گفت: «ما مخالف ساخت مجموعه‌های فرهنگی و هنری نیستیم اما هر چیز در جای خودش. در جنوب بلوار کشاورز، اراضی توسعه دانشگاه تهران وجود دارد که چند صد متر با این نقطه فاصله دارد، می‌توان برای ساخت چنین مجموعه‌هایی با آنها تفاهم کرد».

چندی پیش اولین مورد حصارکشی در پارک‌های تهران در رسانه‌ها منتشر شد که مربوط به پارک قیصریه بود. جایی که شهرداری تهران و مالک آن از فرصت تعطیلات نوروز استفاده کردند تا بتوانند با قطع درختان این پارک، بخش زیادی از عملیات ساخت یک مسجد را با لجبازی با مردم و از بین بردن پارک قدیمی و محبوب تهران و درختان آن جلو ببرند.

در همین ارتباط روز سه‌شنبه ۲۸ فروردین علیرضا نادعلی سخنگوی شورای اسلامی شهر تهران در گفتگو با

حدود یک ماه پیش منابع خبری اعلام کردند که در ضلع جنوب پارک لاله (پارک فرح) متصل به جنب غربی ایستگاه آتش‌نشانی، محدوده بیش از ۳هزار مترمربعی با اکوسیستمی غنی مملو از درختان کهنسال و تنومند، حصارکشی شده است، همزمان، به صورت ضربتی کانکس‌هایی در آنجا مستقر شده و گفته می‌شود در روزهای آینده احداث ساختمانی در این محدوده آغاز خواهد شد.

پس از انتشار تصاویر این حصارکشی گسترده، کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن اشاره به سوابق شهرداری در ساخت مسجد در پارک قیصریه درباره سرنوشت درختان کهنسال پارک لاله ابراز نگرانی کردند.

همزمان گروهی از فعالان محیط زیست کارزاری به راه انداخته‌اند تا جلوی قطع درختان پارک لاله در محدوده کارگاه ساختمانی ایستگاه پارک لاله و ایستگاه آتش‌نشانی را متوقف کنند. در همین ارتباط ویدئویی در رسانه‌های اجتماعی فراگیر شد که نشان می‌داد شماری از شهروندان با تجمع در مقابل حصارهای پارک لاله به قطع درختان این پارک و هرگونه ساخت و ساز در آن اعتراض می‌کنند.

پیشتر گزارش شده بود که محدوده حصارکشی بخش بزرگی از محوطه قدیمی پارک است که درختان کهنسال دارد. بر مبنای این گزارش، شهرداری قصد دارد در این محدوده ساختمانی بسازد که در نهایت پس از مدت‌ها سکوت مدیران شهرداری، روز گذشته مهدی چمران ادعا کرد قرار است در محوطه پارک لاله یک فرهنگسرا ساخته شود!

اینهمه در حالیست که مسئولان سازمان بوستان‌ها تا کنون در این خصوص سکوت اختیار کرده‌اند و تنها یک مقام ارشد شهرداری که نامش فاش نشده، از احتمال لغو طرح ساخت و ساز و تعلیق احداث فرهنگسرا و سرویس بهداشتی در این محل خبر داده است.

این در حالیست که پیشتر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از احداث مرکز دائمی خانه جشنواره‌های فرهنگی هنری در ضلع جنوبی بوستان لاله خبر داده بود.

از سوی دیگر، مرتضی هادی جابری مقدم عضو هیات علمی دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران در ویدئویی از مقابل

● خبر ساختن مسجد در پارک خوارزمی مدت کوتاهی پس از خبر قطع درختان و برنامه‌های ساخت و ساز در پارک لاله (پارک فرح) منتشر شده است. پیش از این نیز بخشی از پارک قیصریه به قصد ساختن مسجد حصارکشی شده بود که با اعتراض شدید شهروندان روبرو شد.

● همچنین پیشتر کانال خبری «شهر ما» با انتشار تصاویری از عملیات شبانه تخریب فضای سبز پارک ستارخان در زیر باران خبر داده و نوشته بود: «تعداد قابل توجهی از درختان در ضلع شمال شرقی پارک ستارخان در حال قطع شدن است و با وجود خط‌کشی و نصب داربست، اعلام نشده که چه پروژه‌ای قرار است در آنجا اجرا شود».

«زاکانی قصد دارد با قطع و جابجایی درختان بوستان خوارزمی (واقع در ضلع شمال شرقی تقاطع بزرگراه‌های «همت» و «چمران» و سمت غربی بیمارستان «بقیه‌الله») در داخل پارک، مسجد بسازد».

کانال خبری «شهر ما» در تلگرام، روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت با اعلام این مطلب از ساختن یک مسجد دیگر در بوستان خوارزمی از سوی شهرداری تهران خبر داد و نوشت: «شهرداری می‌خواهد ۶۰۰ مترمربع از فضای پارک (خوارزمی) را که چندین درخت سبز و بزرگ در آن قرار دارد، برای این منظور تخریب کند».

بر اساس این گزارش «این موضوع در جلسه‌ای که به ریاست علیرضا زاکانی و با حضور تعدادی از مدیران وی و دو عضو شورای شهر برگزار شده، به تصویب رسیده و در مرحله اجراست. این در حالی است که در فاصله کمتر از ۳۰۰ متری این پارک، درست در سمت شرقی بیمارستان بقیه‌الله متعلق به سپاه، از سال‌ها قبل یک مسجد جامع بزرگ و باشکوه ساخته شده و هم‌اکنون فعال است».

کانال «شهر ما» با انتشار تصاویری محدوده درختان و فضای سبزی را که قرار است ریشه‌کن و تخریب شود و فاصله نزدیک این پارک تا مسجد جامع را مشخص کرده و نوشته است: «نکنه تلخ اینجاست که دستیار زاکانی حتی از غصبی بودن زمین مورد نظر برای ساخت مسجد هم ابایی ندارد و در نامه خود می‌نویسد اگر معارض و مالک پیدا شد، بعدا بهای زمین را می‌پردازیم!»

خبر ساختن مسجد در پارک خوارزمی مدت کوتاهی پس از خبر قطع درختان و برنامه‌های ساخت و ساز در پارک لاله (پارک فرح) منتشر شده است. پیش از این نیز بخشی از پارک قیصریه به قصد ساختن مسجد حصارکشی شده بود که با اعتراض شدید شهروندان روبرو شد.

در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت رئیس شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به ایجاد فرهنگسرا در پارک لاله در جمع خبرنگاران گفت: «بعد از جشن ماه رمضان احساس شد که فضاهایی برای چنین طرح‌هایی مورد نیاز است. این موضوع مطرح شد که درختی قطع نمی‌شود و ما نیز اجازه نخواهیم داد. باید منتظر باشیم طرح ارائه شود».

مهدی چمران با بیان اینکه در دوره سوم طرحی تصویب شد که در بوستان‌هایی با مساحت بیش از یک هکتار مسجد و کتابخانه احداث شود و ساختمان اداری منع شده است ادعا کرد: «طرح باید در شورا ارائه شود و هیئت مورد نظر طرح را مورد بررسی قرار دهد و اگر نیاز بود، احداث شود به شرطی که درختی قطع نشود».

نظم پهلوی، کشتی نجات ایران و غرب



چپگرایی نیازمند اتحادی جهانی و جبهه‌ای مشترک در سطح جهان است. در حقیقت برای مقابله با دو خطر موازی، یعنی سوسیالیسم اسلامیزه شده و فاشیسم که از یکدیگر تغذیه می‌کنند و در تقابل با هم مانند دو غول ترسناک روز به روز بزرگتر می‌شوند، خردمندان و دلسوزان کشورهای جهان نیازمند اتحادی یکپارچه در عین تعلق به مرزهای جغرافیایی، در جبهه‌ای هماهنگ هستند تا با شکل دادن آگاهی عمومی و رسانه‌ای، در مقابل پیوند نامبارک ارتجاع سرخ و سیاه بایستند.

متأسفانه به نظر می‌رسد هنوز جریان‌های منطقی راستگرا در غرب و به عبارتی راست میانه، متوجه عمق فاجعه‌ای که در انتظار کشورهايشان و در ادامه در انتظار جهان است، نیستند. تصویری که از یک نمونه اخیر، یعنی پیروزی اسلامگرایان تندرو در انتخابات شوراهای شهر در بریتانیا منتشر شد که یادآور اسپ‌سواری والی‌های منصوب داعش در شهرهایی چون رقه و موصل است، به خوبی گویای سرنوشت شومی است که در انتظار کشورهای گوناگون غربی است.

در این میان تنها بازگشت ثبات به خاورمیانه است که می‌تواند ترمزی بر سر راه پرت شدن جهان غرب به دره‌ی افراط‌گرایی اسلامی یا فاشیسم هیتلری باشد. امروز هر صاحب فکری که ایران و خاورمیانه را بشناسد، قطعاً این امر را تایید می‌کند که ثبات و آرامش خاورمیانه در گرو استقرار نظم سیاسی‌ای است که از ۱۹۷۹ در ایران برهم خورد و تکانه‌های آن کل خاورمیانه را به منطقه‌ای برای صدور تروریسم، افراط‌گرایی و مهاجرین بدل کرد. بنابراین بازگشت ایران به نظم نوین پهلوی، نه تنها شانس برای نجات ملت ایران، بلکه برگ برنده‌ای برای اندیشمندان و سیاستمدارانی در غرب است که متوجه خطراتی که کشورهايشان با سرعت هرچه تمام‌تر در حال حرکت به سمت آن هستند، می‌شوند و باید آنان را خوش‌شانس دانست که در چنین گردابی، از چنین کشتی محکمی برای نجات خویش برخوردارند که اگر به این کشتی سوار نشوند و خود را در توفان سهمگینی که امواج آن امروز در خیابان‌های لندن و دانشگاه‌های آمریکا تا خیابان‌های پاریس و برلین قابل مشاهده است، رها کنند، نهایت نادانی و خیانتی تاریخی به تاریخ تمدن و کشورهايشان خواهد بود.

*سیاوش پندار استاد علوم سیاسی

● در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که جهان غرب سرمست از فروپاشی آن بود، هسته‌های کمونیستی و سوسیالیستی در غرب روز به روز با دگرذیسی و تحول و با تاسیس و گسترش بنیادهای گوناگون به توسعه و ترویج شکل نوینی از چپگرایی مشغول شدند و با استفاده از منابع مالی و رسانه‌ای اشکال نوینی را از چپگرایی شکل دادند.

● این شرایط فرصتی طلایی برای جریان‌ات چپگرا در اروپا و بطور کلی جهان غرب بود تا یکبار دیگر اما اینبار در سطح جهانی شاهد پیوند نامیومون ارتجاع سرخ و سیاه باشیم. امروز بیش از هر زمان دیگری، ملی‌گرایی و مقابله با چپگرایی نیازمند اتحادی جهانی و جبهه‌ای مشترک در سطح جهان است.

● تنها بازگشت ثبات به خاورمیانه است که می‌تواند ترمزی بر سر راه پرت شدن جهان غرب به دره‌ی افراط‌گرایی اسلامی یا فاشیسم هیتلری باشد. امروز هر صاحب فکری که ایران و خاورمیانه را بشناسد، قطعاً این امر را تایید می‌کند که ثبات و آرامش خاورمیانه در گرو استقرار نظم سیاسی‌ای است که از ۱۹۷۹ در ایران برهم خورد و تکانه‌های آن کل خاورمیانه را به منطقه‌ای برای صدور تروریسم، افراط‌گرایی و مهاجرین بدل کرد.

سیاوش پندار - آن هنگام که پادشاه فقید، محمدرضاشاه پهلوی در بیش از شصت سال قبل سخن از ارتجاع سرخ و سیاه گفت، بسیاری در ایران و جهان، آن را به سرخه گرفتند و این دو را با یک تفسیر کودکانه در مغایرت و تضاد هم می‌دیدند و می‌پنداشتند. از جمله اینگونه افراد، تئوریسین‌های کاخ سفید بودند که در فکر ایجاد «هلال اسلامی» در مقابل نفوذ کمونیسم بودند. حال آنکه از همان زمان شکل‌گیری گروه‌هایی با اندیشه مارکسیسم اسلامی، نوک کوه یخی را نمایان می‌کرد که امروز پس از نیم قرن، کشتی غرب به شکلی ناگوار با آن برخورد کرده و ترک خورده است.

در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که جهان غرب سرمست از فروپاشی آن بود، هسته‌های کمونیستی و سوسیالیستی در غرب روز به روز با دگرذیسی و تحول و با تاسیس و گسترش بنیادهای گوناگون به توسعه و ترویج شکل نوینی از چپگرایی مشغول شدند و با استفاده از منابع مالی و رسانه‌ای اشکال نوینی را از چپگرایی شکل دادند. این دوران همزمان شد با آغاز بحران در خاورمیانه که با حملات یازده سپتامبر و حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق، اولین موج گسترده مهاجرین عرب و مسلمان به اروپا را رقم زد و پس از آن نیز بحران‌های روزافزون که سراسر خاورمیانه را فراگرفت، فضایی را ایجاد کرد که اروپا با بزرگترین موج مهاجرپذیری در تاریخ خود مواجه شد.

این شرایط فرصتی طلایی برای جریان‌ات چپگرا در اروپا و بطور کلی جهان غرب بود تا یکبار دیگر اما اینبار در سطح جهانی شاهد پیوند نامیومون ارتجاع سرخ و سیاه باشیم و اینگونه شد که آنچه شاهنشاه آرپامهر شصت سال قبل نسبت به شکل‌گیری نطفه‌اش هشدار داده بود، امروز به یک غول بی‌شاخ و دم بدل شده است که خیابان‌ها و دانشگاه‌های غربی را به مدارس دینی وهابی و طالبان شبیه کرده و بر سر مجسمه پدران بنیانگذار ایالات متحده، چفیه فلسطینی می‌اندازند و پرچم کشورهای غربی را به زیر می‌کشند.

امروز بیش از هر زمان دیگری، ملی‌گرایی و مقابله با

صداوسیماى جمهوری اسلامی اعلام کرد «بانی محترم نام «کوثر» را برای این مسجد انتخاب کرده است!»

پس از انتشار تصویری از حصارکشی بخشی از پارک قیطره، کارزاری برای حفظ این بوستان و جلوگیری از ساخت مسجد در آن به راه افتاد اما مسئولان به این کارزار ۱۵۰ هزار نفری توجهی نکردند و کار خود را پیش بردند.

اگرچه مسئولان شهرداری در ابتدا ساخت و ساز در این بوستان را تأیید کرده بودند، اما معترضان و گروهی از اهالی منطقه روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت با تجمع در این پارک، ابراز نارضایتی خود را نسبت به این اقدام نشان دادند.

همچنین پیشتر کانال خبری «شهر ما» در تلگرام با انتشار تصویری از عملیات شبانه تخریب فضای سبز پارک ستارخان در زیر باران نیز خبر داده و نوشته بود: «تعداد قابل توجهی از درختان در ضلع شمال شرقی پارک ستارخان در حال قطع شدن است و با وجود خط‌کشی و نصب داربست، اعلام نشده که چه پروژه‌ای قرار است در آنجا اجرا شود.»

این کانال افزوده بود «بعلاوه، پیمانکار شهرداری به محدوده حدوداً ۲۰۰ متری ابتدایی، مساحتی در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ مترمربع را هم به محوطه محصور برای عملیات عمرانی اضافه کرده است.»

کانال تلگرام «شهرما» چندی پیش اسنادی از تقسیم غنائم بین خودی‌ها در شهرداری تهران منتشر کرد که نشان می‌داد زاکانی سفره بزرگی برای بستگان و دوستانش پهن کرده است. در این گزارش آمده بود: «زاکانی و مدیرانش میلیاردها تومان از اموال شهرداری را به نام کمک به مسجد به نزدیکان خود اختصاص داده‌اند. در یک فقره از این خاصه‌خرجی‌ها، زاکانی مبلغ ۸ میلیارد تومان به مسجد پاتوق توکل‌زاده معاون فرهنگی شهرداری و رفقای او داده که دو میلیارد از آن بلافاصله پرداخت شده است. مسجد امام حسین واقع در تقاطع ستاری و مخبری که توکل‌زاده معاون فرهنگی زاکانی همه‌کاره آن است، محل جذب ده‌ها جوان انقلابی بوده که بدون هیچ سابقه‌ای در شهرداری و معاونت فرهنگی استخدام شده‌اند.» این گزارش همچنین افزوده بود که «توافق‌نامه پرداخت میلیاردها به مسجد رفقا به حدی عجولانه و سرسری تنظیم شده که در آن عدد پیش‌پرداخت یکبار به حروف سی میلیارد و یک بار به عدد ۲۰ میلیارد ریال درج شده است!»

قابل توجه اینکه «دنیای اقتصاد» در گزارش مفصلی که روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت منتشر کرده به مقررات منع ساخت و ساز در پارک‌های شهری پرداخته و نوشته است: «طرح تفصیلی تهران مصوب سال ۹۱، «کتابچه مشق شهرداری» برای هر نوع تصمیم‌گیری ساختمانی و صدور مجوز ساخت و ساز در اراضی عمومی و خصوصی پایتخت محسوب می‌شود بطوری که در صفحه ۲۰ این کتابچه، برای «زمین‌های واقع در پهنه حفاظت سبز (G) که پارک‌های شهری نیز جزو همین پهنه محسوب می‌شود»، احداث بنای مجاز در پارک‌ها را به «دفتر اداری پارک، نگهداری پارک، سرویس بهداشتی و خدمات پذیرایی و غذایی» محدود کرده است. در ادامه همین «خط قرمز» ترسیم شده برای شهرداری در پارک‌های شهری تهران، در یکی دیگر از صفحات طرح تفصیلی، «هر نوع ساخت و ساز در این چارچوب مجاز در پارک‌ها، منوط به تصویب طرح آن در کمیسیون ماده ۵ شده است.»

«دنیای اقتصاد» نتیجه می‌گیرد: «به این ترتیب، «نقطه کور» سریال ساختمانی در پارک‌های تهران که منتقدان آن را نمی‌بینند، «خط قرمز طرح تفصیلی» و صراحت لهجه این تکلیف‌نامه برای «منع و مجازها در پارک‌های شهری» است. از نگاه این کتابچه مشق شهرداری، «ساخت بنای فرهنگی یا هر نوع کاربری غیر از آنچه در پهنه (G) قید شده» ممنوع است و برای مجازها نیز «مصوبه کمیسیون ماده ۵» لازم است.»

ارائه آمارهای اقتصادی در جریان درگیری‌های جناحی حکومت ۶۰۰ هزار میلیارد تومان چاپ پول در دولت رئیسی؟!

سوابق چندان درخشانی در رابطه با مدیریت و عملکرد در حوزه‌های پولی و بانکی نداشت و این انتقادات بیان شده، بیشتر به دلیل دعوای سیاسی تا دغدغه اقتصادی مطرح شده است، اما باید پذیرفت که ضعف جدی در خصوص مدیریت حوزه‌های پولی و بانکی به مراتب بیشتر شده است.»

بهمین آماران همچنین تأکید کرده که «به نظر می‌رسد همتی برای بیان اعداد و ارقام خود، دلایل قابل تأمل داشته و برای تأیید آن سند و مدرک دارند. این تصور باعث می‌شود تا نگاهی جدی‌تر به مسئله چاپ پول در دولت سیزدهم و دلایل رخداد آن داشته باشیم.»

به گفته بهمین آماران، در ایران وجود هزینه‌های نابه‌جا بر گردن دولت و افزایش برخی از ردیف‌های بودجه‌ای که اصولاً نباید دولت برای آن‌ها خرج کند، باعث شده تا دست دولت همواره خالی بماند، اما تنها بارهای هزینه‌ای، دلیل این کمبود منبع مالی نبوده و ایران از چالش دیگری به نام ضعف مدیریتی هم رنج می‌برد.

به عقیده این اقتصاددان ضعف مدیریتی در اقتصاد، گاه به دلیل ناتوانی فردی مدیران و نصیحت‌ناپذیر بودن آن‌هاست و گاه قوانین و چارچوب‌های پولی و بانکی در ایران، دست و پای افراد را می‌بندد. به بیانی دیگر اگر حتی رئیس خزانه‌داری آمریکا که فردی قابل و توانمند در عرصه سیاست پولی و بانکی‌ست را در ایران به عنوان مدیر منصوب کنیم، به دلیل دستورالعمل‌ها، چارچوب‌ها و سیاست‌های نامناسب حاضر، قادر به حفظ ارزش ریال نیست. هادی حق‌شناس اقتصاددان نیز در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» به این اشاره کرده که چاپ پول در دولت رئیسی از جمله عوامل موثر بر رسیدن حجم نقدینگی به رقم بی‌سابقه ۸ میلیون میلیارد تومان است.

هادی حق‌شناس توضیح داده که «آثار این افزایش نقدینگی تورم ماندگار بالای ۴۰ درصد در اقتصاد ایران است. میانگین تورم در ۵ سال گذشته دو برابر میانگین قبل از سال ۹۷ است. به عبارت دیگر تا قبل از سال ۹۷ میانگین تورم زیر ۲۰ درصد بود. برآورد تحریم‌های جدید، شروع کار این دولت و چاپ پول پر قدرت، چند برابر شدن تورم کشور است.» او گفته در این شرایط، فقر در اقتصاد ایران عمق پیدا کرده، تعداد مستاجران افزایش و آسیب‌های اجتماعی گسترش یافته‌است. از سوی دیگر فاصله دهک‌های درآمدی رشد و میزان یارانه‌بگیران افزایش یافته‌است.

این اقتصاددان افزوده که «تورم آثار غیرمستقیمی مانند ازدواج‌های دیرهنگام، عمیق شدن مسائل اخلاقی و افزایش هزینه‌های درمان و آموزش را به همراه دارد. الان ۹۰۰ هزار نفر دانش آموز ترک تحصیل کرده و یا بازمانده از تحصیل در کشور ما وجود دارد. آثار ویرانگر چاپ پول خود را در قالب تورم و افزایش آسیب‌های اجتماعی خود را نشان می‌دهد.»

هادی حق‌شناس با اشاره به اصرار دولت به فرزندآوری گفته «با وجود اینکه دولت در سال گذشته مشوق‌های فرزندآوری زیادی در نظر گرفت، تعداد فرزندان متولد شده کمتر از سال قبل بود. وقتی مسئله از ریشه حل نشود مشوق‌ها نیز هیچ گونه اثر مثبتی ندارد. وقتی ما هزینه پیشگیری را نمی‌پردازیم باید چند برابر آن هزینه درمان را بپردازیم. نماد پول چاپ شده افزایش تورم است، اما این موضوع آثار زیادی را در اقتصاد ایران ماندگار کرده است.»



دولت سیزدهم که در مقام مقایسه عملکرد به آمار تورم بانک مرکزی در شهریور ۱۴۰۰ استناد می‌کردند به آمار بانک مرکزی درخصوص نرخ تورم سال ۱۴۰۲ استناد کرده‌ام نه به نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه اعلام شده توسط مرکز آمار. یک دانشجوی کارشناسی سال اول اقتصاد، تفاوت تورم نقطه‌به‌نقطه و تورم سالانه را به خوبی می‌داند، ولی شما یا نمی‌دانید یا می‌خواهید که ندانید. هر توجیهی که بیان کنید، دولت باید پاسخگوی کوچک شدن سفره مردم و کاهش ارزش ریال باشد.»

«چاپ پول» به عنوان در دسترس‌ترین راهکار برای جبران کسری بودجه از سوی همه دولت‌های جمهوری اسلامی، از جمله دولت حسن روحانی که عبدالناصر همتی ریاست بانک مرکزی در آن دوره را بر عهده داشت، صورت گرفته است. دسترسی عمومی به آمار مورد ادعای عبدالناصر همتی ادعا کردن وجود ندارد اما رقم پایه پولی در شهریور ۱۴۰۰ برابر ۵۱۸۹/۲ هزار میلیارد ریال اعلام شده است. همچنین در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۲ و در پایان شهریور، رقم پایه پولی به ۹۸۱۱/۳ هزار میلیارد ریال رسیده است که به معنای افزایش ۸۹ درصدی در طول دو سال است.

این ارقام نشان می‌دهد حتی اگر آمار ارائه شده از سوی عبدالناصر همتی درست نبوده و بزرگ‌نمایی شده باشد، اما رقم چاپ پول در دولت ابراهیم رئیسی رقمی قابل توجه و نه چندان فاصله‌دار با رقم مورد ادعای همتی بوده است. به ویژه آنکه چاپ پول اثر مستقیمی بر افزایش تورم دارد. هر چند ارائه آمارها به راهکاری برای زدوخورد میان جریان‌های رقیب جمهوری اسلامی است اما پرسش اینجاست که عبدالناصر همتی که در دو سال گذشته بیش از زمانی که رئیس بانک مرکزی بود اظهارنظر می‌کند، چرا هیچ اشاره‌ای به تباهکاری‌ها و آمارهای منفی به جا مانده از هشت سال دولت حسن روحانی نمی‌کند!

در همین رابطه بهمین آماران کارشناس اقتصادی در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» نسبت به اظهارات عبدالناصر همتی واکنش نشان داده و گفته «رئیس پیشین بانک مرکزی،

عبدالناصر همتی که کارنامه‌ای منفی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی در دولت روحانی بجا گذاشته طی روزهای گذشته ادعایی درباره رقم چاپ پول در دولت رئیسی مطرح کرده است: ۶۰۰ هزار میلیارد تومان!

بهمین آماران اقتصاددان: این انتقادات بیشتر به دلیل دعوای سیاسی تا دغدغه اقتصادی مطرح شده است.

«چاپ پول» به عنوان در دسترس‌ترین راهکار برای جبران کسری بودجه از سوی همه دولت‌های جمهوری اسلامی، از جمله دولت حسن روحانی که عبدالناصر همتی ریاست بانک مرکزی در آن دوره را بر عهده داشت، صورت گرفته است.

رئیس پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی مدعی شده طی دو سال و نیم گذشته دولت رئیسی ۶۰۰ هزار میلیارد تومان پول چاپ کرده و پایه پولی در ۳۰ ماه ۱۱۵ درصد افزایش یافته است.

عبدالناصر همتی رئیس کل پیشین بانک مرکزی در دولت حسن روحانی که کارنامه‌ای منفی در این بانک بجا گذاشته طی روزهای گذشته ادعایی درباره رقم چاپ پول در دولت رئیسی مطرح کرده است. این ادعا با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است. عبدالناصر همتی گفته «طی دو سال و نیم گذشته دولت ۶۰۰ هزار میلیارد تومان پول چاپ کرده است، یعنی پایه پولی در ۳۰ ماه ۱۱۵ درصد افزایش داشته است؛ در حالی که از زمان هوشختره تا شهریور ۱۴۰۰ جمع این رقم ۵۱۹ هزار میلیارد تومان بوده است.»

در شرایطی که آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی نشان از چاپ پول گسترده در طول فعالیت دولت رئیسی دارد اما عدد بالای اعلام شده از سوی عبدالناصر همتی با واکنش‌هایی روبرو شده است.

خبرگزاری «ایرنا» به عنوان یکی از رسانه‌های دولتی با «اشتباه» خواندن اظهارات عبدالناصر همتی اعلام کرده «دلیل اشتباه عبدالناصر همتی نسبت به روند رشد پایه پولی این پرسش را ایجاد می‌کند که چگونه وی چندین سال بر کرسی ریاست کلی بانک مرکزی نشسته بود و در حال حاضر به عنوان استاد اقتصاد دانشگاه تهران در حال تدریس است اما نسبت به بدیهیات اقتصاد پول و بانکداری مدرن اطلاع کافی ندارد؟»

این خبرگزاری نوشته اشتباه همتی، اعلام نرخ تورم ۵۰ درصدی است که از اساس اشتباه است. بر اساس آخرین آمارهای مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه نقطه از ۵۵ درصد در فروردین ۱۴۰۱ به ۳۰/۹ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر در این مدت زمانی نرخ تورم افت قابل ملاحظه بالغ بر ۲۵ واحد درصدی را تجربه کرده است. تورم سالانه نیز به کانال ۳۸ درصد رسیده است. بنابراین ارقام اعلامی همتی از اساس غلط است و بر پایه اعداد نادرست ادعای خود اقدام به تحلیل اشتباه کرده است. در ادامه گزارش «ایرنا» ادعا شده «رشد طبیعی پایه پولی هم‌زمان با استفاده از ابزار کنترل ترانزنامه شبکه بانکی» بوده و همچنین «رشد پایه پولی در مقطع کنونی به معنای چاپ پول نیست!»

عبدالناصر همتی در واکنش به گزارش «ایرنا» نوشته که «خبرگزاری رسمی دولت، بطور بسیار مبتدی مدعی شد که تحلیل اینجانب در مورد نرخ تورم اشتباه است. این خبرگزاری متوجه این موضوع هست که من نیز مانند رئیس‌جمهور

یک هفته ریزش بورس

خروج حداقل ۵۷۵ میلیارد تومان پول حقیقی طی چهار روز

هم بررسی‌های خود را آغاز کرده و اطلاعات تکمیلی را از ما گرفته است.»

سخنان رضا عیوضلو بیانگر توزیع رانت اطلاعاتی در بازار بورس است؛ همانچیزی که سال‌هاست مورد تأکید کارشناسان بورس است و معتقدند برخی «خودی‌ها» به بهره‌مندی از رانت اطلاعاتی سودهای کلان از بازار بورس به جیب می‌زنند و در این میان سرمایه سهامدارانی که شهروندان معمولی هستند نیز به باد می‌رود.

محمد خیری‌زاد معتقد است رانت مورد اشاره رضا عیوضلو که به تهیه فهرستی ۴۰ نفره منجر شده، تنها یک گوشه‌ای از درز اطلاعاتی بوده که از تصمیمات مشابه و مضری رخ داده است. او گفته «ممکن است بعضی‌ها به اصطلاح از آن استفاده کرده باشند. دو نکته در این میان هست؛ یکی اینکه اثبات شدن آنکه افرادی که در ۱۷ اردیبهشت اقدام به فروش کردند و به اصطلاح بهره بردند از سوی سازمان و نهادهایی که مسئول بودند هیچوقت اعلام نشده و شاید برای آنها مشخص نشده است. برای همین خیلی نمی‌شود روی آن پافشاری کرد.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز در گزارشی نوشته «در یک سال اخیر نیز روند بازار سهام به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت افرادی که به این بازار اعتماد نکرده‌اند، حکم برنده را به سمت دارایی‌های طلا محور برده‌اند، بهتر از بازار سهام موفق به کسب بازدهی شده‌اند.»

در حالی که فضای بازار بورس و مسیری که طی می‌کند مبهم است اما امین شجاعی کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» اعلام کرده بازار از خرداد مثبت خواهد شد: «آنالیز زمانی بازار سهام، از بازگشت ناگهانی سهامی به روند صعودی بلندمدت خود از خردادماه خبر می‌دهد.»

امین شجاعی توضیح داده که «آنچه بطور مشخصی واضح است، ارزنده بودن سهام شرکت‌ها به لحاظ ارزش دارایی آنهاست. در این موضوع شکی نیست، چون با محاسبات ساده‌ای مشخص می‌شود ارزش دارایی هر شرکت بورسی بر اساس قیمت سهام آنها، می‌تواند خیلی بیشتر از محدوده‌های قیمتی فعلی قرار گیرد.»

این کارشناس بازار سرمایه معتقد است رکود در بازارهای موازی به بورس نیز سرایت کرده است: «موضوع دیگر، رکود بازارهای موازی است. مادامی که گردش پول در بازارهای موازی جریان پیدا نکند، در بازار سرمایه نیز اتفاق نخواهد افتاد. با وجود اینکه قیمت‌های مسکن، خودرو و سایر بازارها اعلام می‌شود، اما حجم معاملات در بازارهای موازی هم کاهش پیدا کرده است. نبود گردش پول در بازارها، به تبع به بازار سرمایه نیز سرایت پیدا می‌کند.»

او همچنین گفته «عامل دیگر قرارگیری بورس در وضعیت فعلی، کمبود نقدینگی در کف جامعه است. هنگامی که شرایط تورمی بر اقتصاد حکم فرما می‌شود، به تبع، ارزش دارایی ریالی، کم و کمتر می‌شود و در نتیجه آن، قدرت خرید کف جامعه کاهش پیدا می‌کند. از همین رو، پول کمتری از سمت حقیقی‌ها وارد بازار می‌شود.»



گذشته طی کرد. او گفته «تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ بیشتر به عنوان یک سمبل بین اهالی بازار دارد خودش را نشان می‌دهد. از آن تاریخ تقریباً بیش از ۷۰ درصد نمادها بازدهی منفی داشته و متأسفانه از آن تاریخ به بعد هیچ تصمیم‌گیری در سیاست‌های کلان اقتصادی هم راستا با بازار سرمایه گرفته نشده است، یعنی نرخ حامل‌های انرژی رشد پیدا کرده بدون این که به اثراتش روی شرکت‌ها و سودآوری شرکت‌ها فکر کنند. نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، نرخ خوراک پالایشی‌ها و دیگر محدودیت‌هایی که روی دلار شرکت‌های صادرات محور گذاشتند. نرخ بهره بالا و... همه این تصمیمات از آن تاریخ به بعد گرفته شده که متأسفانه هیچ کدام در راستای حفظ منافع بازار سرمایه نبوده است. نتیجه این شرایط را روی تابلو به راحتی می‌توان دید.»

در آغاز هفته جاری رضا عیوضلو معاون نظارت بر بورس‌ها و ناشران و مدیر نظارت بر بورس با اشاره به سقوط بازار سهام در نیمه اردیبهشت‌ماه گذشته گفته بود «اولین کار بررسی معاملات اشخاصی بود که در لیست دارندگان اطلاعات نهانی بودند، که آیا این افراد بررسی شد، قصد ما این بود که افرادی که مظنون به معامله بر اساس اطلاعات نهانی بودند بررسی شوند.»

رضا عیوضلو افزود که «از بررسی‌های صورت‌گرفته، موضوع چشمگیری عاید نشد و ما گام بعدی را شروع کردیم که بررسی لیست افرادی بود که در تاریخ مذکور بیشترین فروش را داشتند که بالغ بر ۲۴۰۰ شخص حقیقی و حقوقی بودند که مجدداً آن‌ها هم فیلتر شدند و در نهایت به لیست ۵۰۰ نفره رسیدیم و الگوی معاملاتی افراد را بررسی کردیم، در نهایت به یک لیست ۴۰ نفره از افراد حقیقی و حقوقی رسیدیم که مشکوک به استفاده از اطلاعات نهانی در تاریخ ۱۸۱۷ اردیبهشت بود.»

معاون نظارت بر بورس‌ها و ناشران همچنین گفته «این لیست [۴۰ نفره] به مرجع قضایی ارسال شد و آن مرجع

● شاخص کل بورس ایران در هفته سوم اردیبهشت‌ماه ۲/۰۲ درصد ریزش کرد و در سطح دو میلیون و ۲۱۹ هزار و ۹۲ واحد ایستاد.

● شاخص هم‌وزن نیز که هفته گذشته روندی مثبت را طی کرده بود در هفته جاری منفی شد و ۱۲ هزار و ۹۰۰ واحد ریزش کرد.

● وبسایت «اقتصاد ۲۴»: در یک سال اخیر نیز روند بازار سهام به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت افرادی که به این بازار اعتماد نکرده‌اند، حکم برنده را داشته‌اند.

در طول هفته‌ای که گذشت بازار بورس در حالی یک روند منفی را پشت سر گذاشت که شاخص بازار سرمایه هر روز با ریزش روبرو بود. طی چهار روز گذشته دست‌کم ۵۷۵ میلیارد تومان پول حقیقی نیز از بازار بورس خارج شد.

شاخص کل بورس ایران در هفته سوم اردیبهشت‌ماه ۲/۰۲ درصد ریزش کرد و در سطح دو میلیون و ۲۱۹ هزار و ۹۲ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز که هفته گذشته روندی مثبت را طی کرده بود در هفته جاری منفی شد.

شاخص هم‌وزن ۱۲ هزار و ۹۰۰ واحد ریزش کرد و با کاهش ۱/۷ درصدی در سطح ۷۳۷ هزار و ۹۴۴ واحد قرار گرفت.

تراز پول حقیقی نیز منفی شد و بازار بخشی از سرمایه حقیقی خود را از دست داد. در پایان معاملات روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت مشخص شد طی چهار روز کاری هفته سوم اردیبهشت، دست‌کم ۵۷۵ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شده است.

سال ۱۴۰۳ از ابتدا تا پایان هفته سوم اردیبهشت سال خوبی برای بازار بورس ایران نبوده است. بسیاری از روزهای سال جدید نمادها قرمز بودند و خروج پول حقیقی از بازار در جریان بود.

محمد خیری‌زاد کارشناس بازار سرمایه در توضیح شرایط بازار سرمایه طی هفته‌های گذشته گفته که «بعد از اسفندماه آنهم در مقطع کوتاهی که بازار یک مقدار مثبت و رو به صعود بود، به دلایل مختلفی منفی شد. یک بخشی ناشی از جنگ با اسرائیل و تنش‌های ژئوپولیتیکی بود، اما بعد همچنان بازار به خاطر اینکه پارامترهای منفی بازار حذف نشده و از بین نرفته و بهبود پیدا نکرده است همچنان منفی است. پارامترهایی مثل نرخ بهره ۳۰ درصد که الان در اقتصاد کاملاً جا افتاده است؛ یکی هم بحث عدم رشد دلار نیما. هر دو مورد باعث شده که بازار رشد پیدا نکند و یک روند منفی فرسایشی به خودش بگیرد.»

بیش از سه سال است که شاخص بورس دچار صعود و سقوط‌های شدید می‌شود و بسیاری از تحلیلگران دخالت مستقیم دولت در بازار سرمایه را عامل بروز چنین بی‌ثباتی ارزیابی می‌کنند.

درست یک سال پیش در ۱۷ اردیبهشت بازار سرمایه سقوط کرد و شاخص کل بورس با بیش از ۹۰ هزار واحد ریزش، در کانال دو میلیون و ۴۰۰ هزار واحد ریزش داشت. محمد خیری‌زاد نیز معتقد است بازار بورس در اردیبهشت امسال همان مسیری را طی می‌کند که اردیبهشت سال

حکم مهم دادگاه ایالتی آلمان در ارتباط با فعالیت‌های سیاسی ایرانیان پناهجو

● اهمیت حکم دادگاه عالی امور پناهندگی در آن است که دادگاه‌های بدوی ملزم به تبعیت از احکام آن بوده و نمی‌توانند حکمی که برخلاف حکم دادگاه عالی باشد صادر کنند. در آلمان ۱۶ ایالت وجود دارد و احکام دادگاه عالی ایالتی نه تنها در سطح ایالت، بلکه در سطح فدرال تأثیرگذار است.

حنیف حیدرئزاد- دادگاه عالی اداری ایالت «نوردراین وستفالن» در غرب آلمان در رسیدگی به درخواست پناهندگی یک پناهجوی ایرانی در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۲۴ حکمی در تأیید قبولی پناهندگی این پناهجوی ایرانی صادر و موقعیت پناهندگی مطابق کنوانسیون ژنو را برای او مورد تأیید قرار داد. (شماره پرونده: A 1605/20.A ۶)

در آلمان دادگاه عالی امور اداری ایالتی بالاترین مرجع قضائی برای رسیدگی به شکایت در امور پناهجویی است. یعنی اگر درخواست پناهندگی یک پناهجو از سوی اداره امور مهاجرت و پناهندگی (بامف) (Bun-desamt für Migration und Asyl-BAMF) رد شود، پناهجو می‌تواند ابتدا به دادگاه اداری (gericht-VG) شکایت کند. اگر شکایت در این مرحله رد شود، پناهجو می‌تواند به دادگاه عالی اداری در ایالتی که در آن ساکن است درخواست تجدید نظر بدهد (در ایالت نوردراین وستفالن: Oberverwaltungsgericht (NRW)).

اهمیت حکم دادگاه عالی امور پناهندگی در آن است که دادگاه‌های بدوی ملزم به تبعیت از احکام آن بوده و نمی‌توانند حکمی که برخلاف حکم دادگاه عالی باشد صادر کنند. در آلمان ۱۶ ایالت وجود دارد و احکام دادگاه عالی ایالتی نه تنها در سطح ایالت، بلکه در سطح فدرال تأثیرگذار است.

این حکم دادگاه عالی اداری ایالت نوردراین وستفالن از دو نظر اهمیت دارد:

یک: به لحاظ امور پناهندگی
دو: به لحاظ سیاسی

یک: اهمیت حکم دادگاه به لحاظ امور پناهندگی

این پناهجوی ایرانی در سال ۲۰۱۵ وارد آلمان شده بود، در سال ۲۰۱۶ با او مصاحبه‌ی درخواست پناهندگی انجام شده بود، در سال ۲۰۱۷ اداره امور پناهندگی (بامف) درخواست پناهندگی او را رد کرده بود، دادگاه اداری در مرحله اولیه شکایت او را در ماه مه ۲۰۲۰ رد کرده بود، درخواست تجدید نظر به دادگاه عالی اداری در ماه ژوئن ۲۰۲۰ به این دادگاه ارسال و سرانجام این دادگاه در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۲۴ حکم خود را صادر کرد.

در بررسی این پرونده، ابتدا دادگاه عالی امور اداری تأکید می‌کند سکونت طولانی مدت در آلمان یا فعالیت‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های رادیو تلویزیونی یا شرکت در تجمعات و تظاهرات، به خودی خود و به تنهایی دلیلی محسوب نمی‌شود که یک پناهجو قبولی پناهندگی دریافت کند.

حکم دادگاه عالی ایالت نوردراین وستفالن تصریح می‌کند نظر به داده‌های تازه در مورد وضعیت فعلی در



ضد رژیم ایرانیان در آلمان نتیجه‌گیری می‌کند: «با توجه به محدودیت نیروهای اطلاعاتی- امنیتی حکومت از یکسو و افزایش اعتراضات مردمی از سوی دیگر، می‌توان فرض کرد که سرویس‌های امنیتی [رژیم] ایران عموماً منابع محدود خود را در جایی که بزرگترین تهدید را برای رژیم اسلامی حس می‌کنند، بطور مشخص بر روی افرادی که تأثیرگذاری بیشتری بر افکار عمومی در ایران یا بر روی ایرانیان در خارج دارند، متمرکز می‌کند».

در این حکم همچنین آمده است: «علاوه بر امکان تأثیرگذاری بر افکار عمومی، کارکرد یک فرد در دیاسپورای ایرانی از این نظر که تا کجا در تشکیل تجمعات یا تظاهرات نقش تعیین‌کننده دارد، در ارزیابی اینکه آیا فردی است که از نظر مقامات ایرانی به عنوان «شخص کلیدی» محسوب می‌شود یا نه، تعیین‌کننده می‌باشد. رهبران، سازمان‌دهندگان و سخنرانان بیشتر زیر نظر قرار می‌گیرند، در حالی که برای مثال، شرکت‌کنندگان عادی در تظاهرات، نیازی به ترس از نظارت بر فعالیت‌های خود و «تحریم»‌های مرتبط ندارند». دادگاه همچنین نتیجه‌گیری می‌کند: «افرادی که طبق گفته‌های بالا [در خارج از ایران] دست به فعالیت‌های سیاسی تبعیدی زده‌اند و بنابراین برای مقامات ایرانی به عنوان مخالفان رژیم شناخته شده‌اند، در صورت بازگشت به ایران در معرض خطر سرکوب قرار داشته... و می‌تواند ارباب، آزار و خشونت فراقانونی توسط مقامات و حامیان رژیم در انتظار آنها باشد».

دادگاه سپس در حکم خود توضیح می‌دهد چه شرایطی یا شاخص‌هایی باید وجود داشته باشد تا فعالیت سیاسی ضد رژیم ایران از سوی یک پناهجو چنان اهمیت تعیین‌کننده‌ای پیدا کند، که موجب قبولی او شود و از جمله به این موارد اشاره می‌شود:

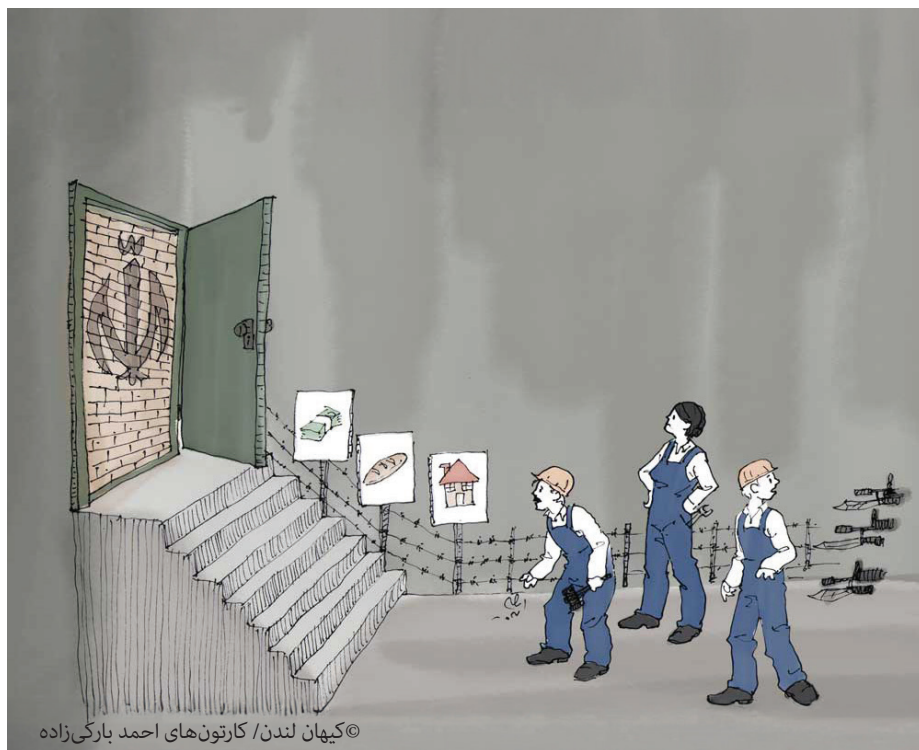
- در صورتی که فعالیت آن فرد «جنبه علنی» داشته به نحوی که منجر به شناخته شدن [نام و چهره] او شود،
- این فعالیت‌ها باید به نحوی باشد که او را «از انبوه فعالین، معترضان و تظاهرکنندگان متمایز کند» و او را

ایران باید در ارزیابی میزان خطر آزار و شکنجه به دلیل فعالیت‌های سیاسی در تبعید، موارد زیر در نظر گرفته شود: «دولت ایران گروه‌ها و افراد مخالف را در خارج از کشور رصد می‌کند و از ابزارهای اطلاعاتی از جمله جاسوسی سایبری استفاده می‌کند. بر اساس گزارش ۲۰۲۲ اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی در وزارت کشور، از دیدگاه حاکمان ایران، مبارزه با گروه‌ها و افراد مخالف در داخل و خارج از کشور، محور فعالیت‌های اطلاعاتی ایران است زیرا این فعالیت‌ها تهدیدی برای ادامه حیات رژیم به شمار می‌روند. مقامات ایرانی- یعنی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- از ابزارهای تروریستی دولتی برای ارباب و خنثی کردن چهره‌های مخالف در خارج از کشور و همچنین مجازات «خائنان» یا «خائنانی که به دشمن می‌پیوندند» استفاده می‌کنند. آنها از روش‌های مختلفی همچون تهدید از طریق رسانه‌های اجتماعی تا استفاده از خشونت فیزیکی تا آدم‌ربایی‌های پیچیده و حرفه‌ای برای انتقال اهداف بلندپایه به ایران و ترتیب دادن محاکمه‌های نمایشی و اعدام آنها استفاده می‌کنند».

حکم دادگاه تأکید می‌کند: «تمرکز اصلی سرویس‌های اطلاعاتی ایرانی بر حفاظت از نظام اسلامی است. بنابراین هدف آنها شناسایی هرگونه فعالیتی است که می‌تواند کنترل و اتوریته آن نظام را به خطر انداخته یا تضعیف کند. با این حال، هیچ مدرکی برای توجیه این فرض وجود ندارد که [رژیم] ایران قادر به نظارت بی‌وقفه (کامل) بر همه فعالیت‌های سیاسی تبعیدیان در سراسر جهان است. اگرچه نظارت بر مخالفان در نتیجه ناآرامی‌های پس از مرگ ژینا مهسا امینی در سپتامبر ۲۰۲۲ افزایش یافت، در عین حال همزمان، تعداد فعالیت‌های خارج کشور و نیز فعالیت‌ها در خود ایران که رژیم معتقد است بطور بالقوه لازم است تا نظارت شوند، به میزان قابل توجهی افزایش یافته است».

بر همین اساس دادگاه در ارتباط با فعالیت‌های سیاسی

وضعیت کارگران ایران



دادگاه عالی اداری ایالت نوردراین وستفالن آلمان در حکم خود یکی از مهمترین موضوعاتی را که مخالفان حکومت ایران پیوسته عنوان می‌کنند اینگونه تأیید می‌کند: «اقدامات متقابل دولت به ویژه در برابر هرگونه فعالیتی که به عنوان حمله به نظام سیاسی تلقی شده یا اصول اسلامی را زیر سوال می‌برد، جدی و گسترده است. تعقیب قضایی اغلب خودسرانه و گزینشی است، حتی در مورد انتقادهای ساده. به ویژه در مرحله تحقیقات پس از دستگیری، با مظنونان بدرفتاری می‌شود تا اعتراف کنند. مقامات حکومتی، زندانیان از جمله کودکان و نوجوانان را در معرض خشونت جنسی و سایر اشکال شکنجه (شکنجه روحی و جسمی، سلول انفرادی به عنوان نوعی مجازات، بدرفتاری) قرار می‌دهند.»

مواردی که این دادگاه عالی ایالتی به این صراحت بر آنها تأکید کرده تا میزان خشونت و سرکوبگری حکومت در ایران را روشن کند، مواردی نیستند که به همین صراحت از سوی سیاستمداران آلمان چه در قوه مقننه یا در قوه اجراییه (دولت) به آن اشاره شود. از آنجا که این اطلاعات اینک به شکل حکم یک دادگاه انتشار پیدا کرده است، می‌توان در ارتباط با سیاستمداران با استناد به همین داده‌ها، از آنها خواست تا با صراحت بیشتری علیه رژیم حاکم بر ایران موضع گرفته و اقدامات عملی را به کار بگیرند.

بی‌تردید به زیر کشیدن حکومت اسلامی حاکم بر ایران وظیفه مردم ایران است، در عین حال باید تلاش کرد در عرصه جهانی، مردم، رسانه‌ها، دولت‌ها و نهادهایی که می‌توانند قاطع‌تر علیه این رژیم کاری انجام دهند را به اقدامات جدی‌تر فرا خواند و اسناد و مدارکی را در مقابل آنان قرار داد که راه توجیه‌گری و فرار را بر آنها ببندد.

طولانی‌ترین و خشن‌ترین سلسله اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی از زمان تأسیس این حکومت شد. تظاهرات اولیه به رهبری زنان و دختران در سراسر کشور برگزار شد و حمایت گسترده‌ای را در میان جوانان، دانشجویان و طیفی از شخصیت‌های عمومی صرف نظر از قومیت، مذهب، سن و جنسیت جلب کرد. حکومت ایران که تحت فشار قابل توجهی قرار گرفته بود، با سرکوب گسترده به اعتراضات پاسخ داد. در برخی مواقع حدود ۲۰۰۰۰ نفر زندانی شدند، تظاهرکنندگان زیادی کشته شدند، اما اعضای نیروهای امنیتی نیز جان خود را از دست دادند. تعداد نامعلومی از افراد، از جمله برخی از روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر، دانشجویان، هنرمندان، دانشگاهیان، وکلا، پرسنل پزشکی که از شرکت‌کنندگان در تظاهرات و حتی خردسالان حمایت می‌کردند، به «تبلیغات»، «تبانی برای ارتکاب جنایت و اقدام علیه امنیت ملی» متهم شدند. یا به عنوان «محارب علیه خدا» و «افساد فی الارض» محکوم می‌شوند، این جرائم در دادگاه‌های انقلاب ایران با مجازات‌های سنگین مواجه می‌شوند.»

در جای دیگر این حکم آمده است: «تا تابستان ۲۰۲۳، اعتراضات (خیابانی) سرانجام فروکش کرد. جمهوری اسلامی کارکرد خود را حفظ کرده است، اما رژیم می‌داند که مشروعیت آن از بین رفته است. ناراضی‌های ناشی از اعتراضات همچنان ادامه دارد. با توجه به سرکوب مداوم نیروهای امنیتی، اعتراضات (خودجوش) همچنان می‌تواند رخ دهد که نیروهای امنیتی با خشونت‌های نامتناسب و دستگیری‌های خودسرانه به آن پاسخ می‌دهند... حتی خارج از تظاهرات، بخش‌هایی از جمعیت ایران به دلیل وابستگی‌های قومی، مذهبی، فعالیت‌های سیاسی، هنری یا فکری یا به دلیل گرایش جنسی، در معرض سرکوب شدید بوده و هست.»

به عنوان «یک مخالف جدی و خطرناک» بشناساند، - مشخص باشد که نقش او در جمع فعالین، معترضان یا تظاهرکنندگان، «نقشی کلیدی» است و فعالیت‌های او جنبه «تاثیرگذار» بر ایرانیان داخل یا خارج از ایران داشته باشد. چنین فعالیت‌هایی اگر از نظر محتوا، روندی را ایجاد کرده یا بحثی را به راه انداخته باشد، بیشتر توجه رژیم را به خود جلب می‌کند.

دادگاه در حکم خود آورده است: چنین فعالیت‌هایی حتی اگر فرض شود که پناهجو ایران را بدون تعقیب و آزار ترک کرده و دلایل جدیدی که ارائه داده ارتباط مستقیمی با دلایل اولیه هنگام درخواست پناهندگی‌اش نداشته باشد، باز هم باید مورد بررسی قرار گیرد.

توصیه: پناهجویانی که در آلمان فعالیت‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی دارند اگر هنوز اداره امور پناهندگی در مورد درخواست پناهندگی آنها تصمیم نگرفته، یا اگر جواب رد گرفته و در مرحله شکایت به دادگاه قرار دارند، یا اگر درخواست پناهندگی مجدد داده‌اند (Asyl (Folgeantrag)، یا اگر در مرحله درخواست تجدید نظر (Zulassung der Brufung) قرار دارند، در همه این موارد اگر مطمئن هستند شرایط لازم را که در این حکم به آن اشاره شد دارند، می‌توانند این حکم را به وکیل خود ارائه دهند تا از آن برای تنظیم دلایل شکایت یا تقویت درخواست پناهندگی استفاده کند.

دوم: اهمیت حکم دادگاه از نظر سیاسی

حکم دادگاه عالی اداری ایالت نوردراین وست فالن اگرچه در مورد موضوع پناهندگی صادر شده است، اما در استدلال‌های متعددی که مطرح کرده، وضعیت سیاسی حکومت، روش‌های سرکوب، شدت و گستردگی سرکوب توسط نهادهای مختلف حکومتی در ایران را مورد بررسی قرار داده است. در این ارتباط به منابع مختلفی از جمله گزارش وزارت خارجه آلمان، گزارش‌های ادارات دولتی یا وزارتخانه‌هایی از کشورهای اتریش، هلند و استرالیا ارجاع داده شده است. همچنین از گواهی یا گزارش‌های تخصصی سازمان‌های حقوق بشری مختلفی همچون سازمان عفو بین‌الملل یا سازمان کمک به پناهجویان سوئیس و... استفاده شده است.

برای فعالین سیاسی ضد رژیم ایران در آلمان و کشورهای آلمانی‌زبان این حکم بسیار مهم است زیرا جدا از ادعا یا گفته فعالین ضد حکومتی، اینجا دیگر یک دادگاه عالی در آلمان است که اتهامات اعلام شده علیه حکومت جمهوری اسلامی را به شکل یک حکم تأیید می‌کند. بدین ترتیب می‌توان از محتوای این حکم در فعالیت‌های سیاسی در ارتباط با مردم کشورهای مختلف، رسانه‌ها یا سیاستمداران آلمانی یا دیگر کشورها استفاده کرد، از آن نقل قول آورد یا به آن استناد نمود.

دادگاه عالی اداری ایالتی در حکم خود تأکید می‌کند: در سال‌های اخیر، ایران تقریباً هر روز شاهد تظاهرات‌های کوچک و همچنین موج‌های متعدد اعتراضات گسترده بوده است که اغلب آنها مضمونی ضد دولتی و ضد رژیم داشته‌اند. دولت جمهوری اسلامی ایران از نظر سیاست داخلی و سیاست خارجی و اقتصادی تحت فشار شدید قرار گرفته و بر حفظ نظام به هر طریق متمرکز است. این حکومت با همه ابزار و راه‌های موجود با مخالفت و اعتراض مردم مبارزه می‌کند.

در بخش دیگری از این حکم آمده است: «مرگ ژینا مهسا امینی ۲۲ ساله در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در بازداشت پلیس اخلاقی تهران، ظاهراً به دلیل حجاب نامناسب، موجب

بازگشت بنزین پتروشیمی به چرخه سوخت با وجود آلاینده‌های شدید و خطر برای سلامت شهروندان

کارآمد باشد، اما کارت سوخت آزاد، این اتفاق را خنثی کرد. حال برخی اخبار حاکی از آن است که دولت قصد دارد کارت سوخت آزاد را از جایگاه‌ها حذف کند. این خبر نشان می‌دهد نه مصرف سوخت و نه مسئله قاچاق بنزین تا به امروز مدیریت نشده است. در عین حال دولت نیز هنوز اعلام نکرده هدف اصلی از حذف این کارت‌ها چیست و با چه منظوری این تغییر را اعمال خواهد کرد.

او همچنین گفته مصرف بنزین افراد و خانوارها برحسب نوع استفاده، کیفیت خودرو و شهری که در آن زندگی می‌کنند، متغیر است. به عنوان مثال خانواده‌ای که در کلان‌شهرها زندگی می‌کند، بالطبع میزان مصرف بنزین بالاتری دارد. با حذف کارت سوخت جایگاه‌ها، افراد مجبورند پس از اتمام سهمیه بنزین خود، از حمل و نقل عمومی استفاده کنند که متأسفانه این بخش کشور با مشکلات و چالش‌های زیادی درگیر است. سیستم حمل و نقل عمومی کشور حتی در کلان‌شهرها نیز هنوز توسعه نیافته و نوسازی نشده است. در چنین شرایطی اگر مردم را بیشتر به سمت حمل و نقل عمومی روانه کنیم، تنها مشکلات و نارضایتی‌ها بیشتر خواهد شد.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز معتقد است «دولت در مورد بنزین تاکنون با احتیاط پیش رفته است، ولی حدس می‌زنم امسال در هر حال نیز بنزین را گران خواهند کرد و بهانه اکنون این است که چون قیمت آن ارزان است مصرف زیاد است و آلودگی بیشتر می‌شود، اما اصل دلیل همان است که دولت پول ندارد و حدس می‌زنم امسال ناچار خواهد شد این افزایش قیمت را عملیاتی کند.»

او نیاز دولت به درآمد را یکی از انگیزه‌های افزایش قیمت بنزین ارزیابی کرده و می‌گوید: «دولت به این دلیل که نتوانسته است پول یا درآمندی را پس از اعمال تحریم‌های سال ۱۳۹۷ جایگزین درآمد نفتی در کشور کند، پس از همان سال تا به امروز در پی منابع جدید درآمندی است و می‌بیند که در سال جاری نیز بیش از ۵۰ درصد، مالیات‌ها را افزایش داده‌اند و الباقی خدمات دولتی را نیز به صورت چراغ خاموش افزایش داده‌اند و حقیقت این است که دولت پول ندارد و در حالی که باید هزینه‌هایش را کم می‌کرد و به جای کم کردن این هزینه‌ها به دنبال منابع جدید درآمندی می‌گردد.» به عقیده این اقتصاددان «به همان دلایل که امسال دولت با بحران درآمد و بودجه مواجه بوده، پس قیمت همه خدمات از اینترنت تا آب و برق و دیگر موارد را افزایش داده است. اما همچنان دولت در مورد بنزین تاکنون با احتیاط پیش رفته است، ولی حدس می‌زنم امسال در هر حال نیز بنزین را گران خواهند کرد و بهانه اکنون این است که چون قیمت آن ارزان است مصرف زیاد است و آلودگی بیشتر می‌شود، اما اصل دلیل همان است که دولت پول ندارد و حدس می‌زنم امسال ناچار خواهد شد این افزایش قیمت را عملیاتی کند.»

مرتضی افقه تأکید کرده در صورت افزایش قیمت بنزین «در نهایت هیچ یارانه نقدی نمی‌تواند تورم حاصل از آن را جبران کند، در شرایطی که کل یارانه پرداختی دولت قادر به تأمین هزینه یک هفته یک خانوار نیست، موج تورم، یارانه جدید را نیز بی‌اثر خواهد کرد.»



جدی‌است و دولتمردان معتقدند بخشی از بنزین مصرفی قاچاق می‌شود و افزایش مصرف با افزایش قیمت قابل کنترل خواهد بود و در صورت کاهش مصرف بخشی از ناترازی جبران می‌شود. در ماه‌های گذشته نیز دولت اقداماتی از جمله حذف کارت سوخت جایگاه‌ها و محدود شدن افراد به استفاده بنزین در محدوده سهمیه خود انجام داد که برخی این اقدامات را مقدمه افزایش قیمت بنزین ارزیابی کردند. برخی نیز معتقدند افزایش قیمت کالاهای استراتژیک از نان تا بنزین، با توجه به شرایط اقتصادی خانوارها، می‌تواند سبب بروز اعتراضاتی گسترده شود.

محمود خاقانی کارشناس انرژی هشدار داده که یمت بنزین شاخص تورم را ۴ رقمی می‌کند: «گران شدن بنزین مستلزم بازنگری در بودجه ۱۴۰۳ است. چاپ پول باعث افزایش تورم شده و مالیات آن از مردم گرفته می‌شود. مالیات بر افزایش سرمایه از مالیات‌های جدیدی است که بر دارایی‌هایی که قیمت آن‌ها به دلیل تورم بالا رفته است گرفته می‌شود. افزایش قیمت بنزین و گران شدن هزینه‌های حمل و نقل ممکن است تورم را چهار رقمی کند.»

آلبرت بغزبان کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» با اشاره به حذف کارت سوخت جایگاه‌ها گفته «پیش از پرداختن به تبعات حذف سوخت آزاد، باید ابتدا به مسئله ایجاد کارت سوخت و سهمیه‌بندی اشاره کرد. دولت به منظور کاهش مصرف سوخت و جلوگیری از قاچاق بنزین، کارت سوخت و سهمیه‌بندی را آغاز کرد. پیش از این، بنزین به صورت آزاد، در مرزهای ایران به قیمت گزافی فروخته می‌شد و سود آن به دست دلالان می‌رسید. در راستای جلوگیری، مدیریت و کاهش این اتفاق، دولت سوخت را برای افراد سهمیه‌بندی کرد، اما در کنار آن مفهومی به نام بنزین آزاد و کارت جایگاه‌ها شکل گرفت که اتفاقی بی‌معنی بود.» آلبرت بغزبان افزود «قرار بود به منظور مدیریت مصرف بنزین مردم و مسئله قاچاق سوخت، سهمیه‌بندی بنزین

بنزین پتروشیمی از نظر استاندارد اصلاً بنزین به شمار نمی‌رود و به دلیل داشتن ترکیبات بنزن و تلوئین که در آن بسیار بالاتر از حد استاندارد است، تهدیدی جدی برای محیط زیست و جان انسان‌ها ارزیابی می‌شود.

آلبرت بغزبان اقتصاددان با اشاره به توسعه نیافتگی سیستم حمل و نقل عمومی گفته اگر با محدود کردن سهمیه یا افزایش قیمت بنزین مردم را بیشتر به سمت حمل و نقل عمومی روانه کنیم، تنها مشکلات و نارضایتی‌ها بیشتر خواهد شد.

ناترازی بنزین سبب شده دولت قراردادی با ارزش دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار با پتروشیمی‌ها برای تولید بنزین در سال جدید امضا کند. ورود بنزین پتروشیمی به چرخه سوخت در حالیست که این سوخت آلاینده‌های شدید و خطرناکی دارد. کارشناسان معتقدند دولت برای حل بحران انرژی در نهایت ناچار است به گزینه «افزایش قیمت بنزین» توجه کند.

حمیدرضا حاجی بابایی رئیس کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی خبر داده که «به منظور تأمین منابع هدمفندی یارانه و جبران کسری انرژی، دولت با پتروشیمی‌ها برای تأمین بنزین کشور در سال جاری قرارداد دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری منعقد کرده است.»

تولید بنزین پتروشیمی با وجود آلاینده‌های شدید و خطرناک از زمان دولت محمود احمدی‌نژاد با عنوان «طرح ضربتی افزایش تولید بنزین» وارد محوره‌های تولید انرژی جمهوری اسلامی شد. در آن زمان شش مجتمع پتروشیمی سازند اراک، جم، برزویه (نوری)، امیرکبیر، واحد آروماتیک بندر «امام» و بوعلی‌سینا با ظرفیت تولید روزانه ۱۵ میلیون تا ۱۷ میلیون لیتر بنزین و ۹ میلیون لیتر گازوئیل مسئولیت تولید بنزین پتروشیمی را به عهده گرفتند.

این در حالیست که بر اساس نظر کارشناسان بنزین پتروشیمی از نظر استاندارد اصلاً بنزین به شمار نمی‌رود و از نظر آلاینده‌ها و به دلیل داشتن ترکیبات بنزن و تلوئین که در آن بسیار بالاتر از حد استاندارد است، تهدیدی جدی برای محیط زیست و جان انسان‌ها ارزیابی می‌شود.

حمید حسینی رئیس هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، در اینباره گفته «ما هیچوقت بنزین پتروشیمی نداشته‌ایم؛ برخی شرکت‌های پتروپالایشی نظیر نوری، بوعلی، سازند و اصفهان ظرفیت تولید فرآورده‌هایی شبیه بنزین را دارند و یا اینکه نفتایی تولید می‌کنند که قابلیت استفاده در تولید بنزین را دارند.» اینهمه در حالیست که ناترازی بنزین با ورود بنزین پتروشیمی به چرخه سوخت کشور قابل جبران نیست. واردات بنزین راهکار دیگری است که به نظر نمی‌رسد دولت منابع ارزی لازم برای تأمین ناترازی بنزین از راه واردات را داشته باشد. ناترازی بنزین و تولید کمتر از مصرف در سال‌های گذشته سبب هشدار کارشناسان شده و در شرایط متوسط که مصرف بنزین در ایران روزانه حدود ۱۱۵ میلیون لیتر است، تولید در نهایت به ۱۱۲ الی ۱۱۳ میلیون لیتر در روز می‌رسد. کارشناسان معتقدند با تداوم روند فعلی، ایران در ۱۰ سال آینده نیازمند واردات روزانه ۱۱۰ میلیون لیتر بنزین و معادل سالانه ۲۵ میلیارد دلار از این محصول خواهد بود. مسئله افزایش قیمت بنزین نیز همچنان یکی از گزینه‌های

ثبت ۸۶ درصدی بیکاری زنان جوان در لرستان و ۴۳ درصد مردان جوان در کرمانشاه

به خود اختصاص داده است. این رقم نشان می‌دهد که در استان کرمانشاه از هر ۱۰ فرد جویای کار تقریباً دو نفر موفق به پیدا کردن یک کار شده‌اند.

استان‌های هرمزگان و کرمان نیز دیگر استان‌هایی هستند که در رده دوم و سوم بالاترین درصد نرخ بیکاری جمعیت جوان در زمستان ۱۴۰۲ قرار گرفته‌اند. به بیان دقیق‌تر، در دوره یادشده استان هرمزگان با افزایش ۶/۹ درصدی نسبت به زمستان ۱۴۰۱ مواجه شده و نرخ بیکاری آن به ۳۹/۹ درصد رسیده است.

روزنامه «اعتماد» در این ارتباط نوشته است: در این فهرست پس از کرمانشاه، استان‌های کردستان، اردبیل، لرستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گلستان، خراسان شمالی، هرمزگان و کرمان با نرخ بیکاری بیشتر از ۱۰ درصد قرار گرفته‌اند.

با اینهمه خبرگزاری ایسنا بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۲ مدعی کاهش نرخ بیکاری در کشور شده و نوشته بود: «نرخ بیکاری کشور در سال گذشته به ۸/۱ درصد رسیده، نرخ بیکاری بانوان ۲ درصد کاهش داشته و نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان ۱/۲ درصد کمتر شده است.»

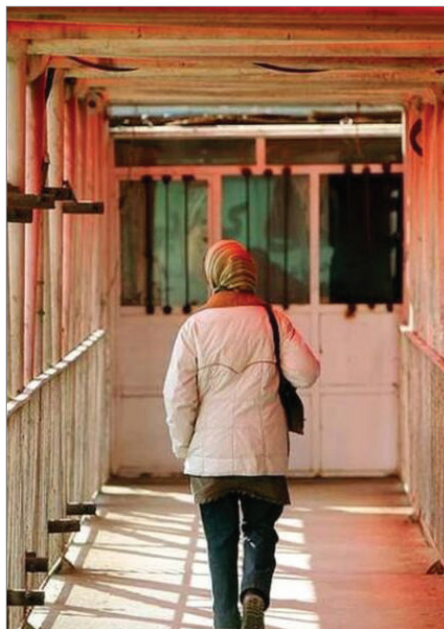
در ادامه این گزارش با اشاره به اینکه خالص اشتغال ایجادی در سال گذشته ۷۸۰ هزار فرصت شغلی بوده که نشانگر بهبود فضای کسب و کار است آمده بود: «طبق آخرین گزارش مرکز آمار ایران در تابستان ۱۴۰۲ نرخ مشارکت اقتصادی ۰/۶ درصد افزایش پیدا کرده است.» اطلاعات غلطی که دولت ابراهیم رئیسی درباره کاهش نرخ بیکاری ارائه می‌دهد البته هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و فقط یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی یعنی اشتغال و بیکاری را لاپوشانی می‌کند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در این ارتباط نوشت: «بر اساس آمار ارائه‌شده، بیش از ۴۰ درصد افراد بیکار کشور دارای تحصیلات عالی دانشگاهی هستند. حال تنها حدود ۱۱ درصد از نرخ مشارکت اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند و این یعنی حدود ۸۹ درصد از زنان بالای ۱۵ سال ایران بیکار هستند. در شرایط اقتصادی که چنین ارقامی را از بازار کار شاهد هستیم، چطور امکان دارد نرخ بیکاری به صورت محسوس کاهش یافته باشد؟»

اعلام نرخ بیکاری متفاوت و به ظاهر کمتر، نمی‌تواند حلال بحران‌های اقتصادی کشور همچون بیکاری فراگیر و کاهش نرخ مشارکت اقتصادی باشد. حسین مصمصامی اقتصاددان در اسفند گذشته با اشاره به «افزایش مالیات‌ستانی در لایحه بودجه» گفته بود سال آینده رکود افزایش پیدا کرده و بیکاری گسترش پیدا می‌کند و در نتیجه اعتراضات مردم هم افزایش می‌یابد.

در سال ۱۴۰۳ به دلیل افزایشی بودن تورم و ناکافی بودن درآمدها، شمار خانوارهای فرو رفته به زیر خط فقر افزایش خواهد یافت و شاخص فلاکت در ایران با افزایش چشمگیری روبرو می‌شود.

کارشناسان مدت‌هاست نسبت به شیوه سیاست‌گذاری اقتصادی دولت رئیسی نقد دارند اما مقامات دولت همچنان اصرار می‌کنند که سیاست‌های اقتصادی دولت جواب داده، شرایط بهبود، و تورم هم کاهش یافته است.



در این برهه زمانی کمتر از ۶۵ درصد برآورد شده است. در ۱۷ استان نرخ بیکاری زنان جوان کمتر از میانگین این نرخ در سطح کشور بوده است.

استان «قزوین» با ثبت نرخ بیکاری ۱۱ درصدی کمترین مقدار این رقم را در گروه زنان جوان به دست آورده است. زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله قزوینی با ثبت نرخ بیکاری ۱۱ درصدی، کمترین میزان از نرخ بیکاری زنان جوان را در میان استان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. البته این نرخ در بازه زمانی مشابه در سال قبل سطوح بالاتری داشته است.

استان فارس با نرخ بیکاری ۶۳ و ۱ دهم درصدی جایگاه دوم و استان گلستان نیز با ثبت این رقم در سطح ۶۳ درصد بر پله سوم این رتبه‌بندی قرار گرفته است.

«استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، بوشهر و سیستان و بلوچستان دیگر استان‌هایی هستند که از هر ۱۰۰ بانوی جوان حاضر به مشارکت در بازار کار در آنها، کمتر از ۲۰ نفر موفق به یافتن شغل نشده و بیکار مانده‌اند.

جدیدترین داده‌های منتشر شده توسط مرکز آمار نشان می‌دهد در زمستان سال گذشته ۲۲ و ۵ دهم درصد از افراد جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاضر به مشارکت در بازار کار بوده‌اند اما موفق به پیدا کردن شغل نشده‌اند. برخی از این جوانان را زنان و شماری را مردان تشکیل داده‌اند.

بررسی‌ها حاکی از آن است که نرخ بیکاری در میان زنان جوان بیشتر از مردان حاضر در این رده سنی بوده است. به بیان دیگر در میان جمعیت فعال زن ۱۵ تا ۲۴ ساله، ۳۶ و ۴ دهم درصد بیکار مانده‌اند. این در حالیست که از میان مردان فعال، تنها ۱۹ و ۵ دهم درصد نتوانسته‌اند برای خود شغلی دست و پا کنند. بنابراین موفقیت زنان جوان جویای کار در پیدا کردن شغل نسبت به مردان حاضر در این رده سنی، کمتر بوده است.

بیکاری ۴۳ درصدی جوانان در کرمانشاه

از سوی دیگر استان کرمانشاه با ثبت نرخ بیکاری ۴۳ درصدی بالاترین میزان این رقم را در زمستان سال گذشته

وبسایت «آکو ایران» نوشته است: «آمار منتشرشده توسط مرکز آمار حاکی از آن است که در پاییز امسال ۳۶ و ۴ دهم درصد از زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله جویای کار موفق به پیدا کردن شغل نشده‌اند. البته این نرخ مربوط به بیکاری زنان جوان کل کشور است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که این نرخ در میان زنان جوان در برخی استان‌ها بیشتر بوده است.»

استان لرستان با ثبت نرخ بیکاری ۸۶ و ۲ دهم درصدی صدرنشین بیشترین نرخ بیکاری زنان جوان در زمستان ۱۴۰۲ بوده است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد این رقم در لرستان نسبت به زمستان ۱۴۰۱، ۲۱۸ درصدی داشته که رقم بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شود.

استان کرمانشاه با ثبت نرخ بیکاری ۴۳ درصدی بالاترین میزان این رقم را در زمستان سال گذشته به خود اختصاص داده است. این رقم نشان می‌دهد که در استان کرمانشاه از هر ۱۰ فرد جویای کار تقریباً دو نفر موفق به پیدا کردن یک کار شده‌اند.

در زمستان ۱۴۰۲ نرخ بیکاری در ۱۵ استان کشور بیشتر از میانگین کل کشور بوده است. آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار بیانگر آن است که نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله کل کشور در زمستان ۱۴۰۲ نسبت به بازه زمانی مشابه در سال قبل بیشتر شده است. این نرخ در لرستان با رشد ۲۱۸ درصدی مواجه شده و به ۸۶ و ۲ دهم درصد رسیده است. از سوی دیگر استان کرمانشاه با ثبت نرخ بیکاری ۴۳ درصدی جوانان بالاترین میزان این رقم را در زمستان سال گذشته به خود اختصاص داده است.

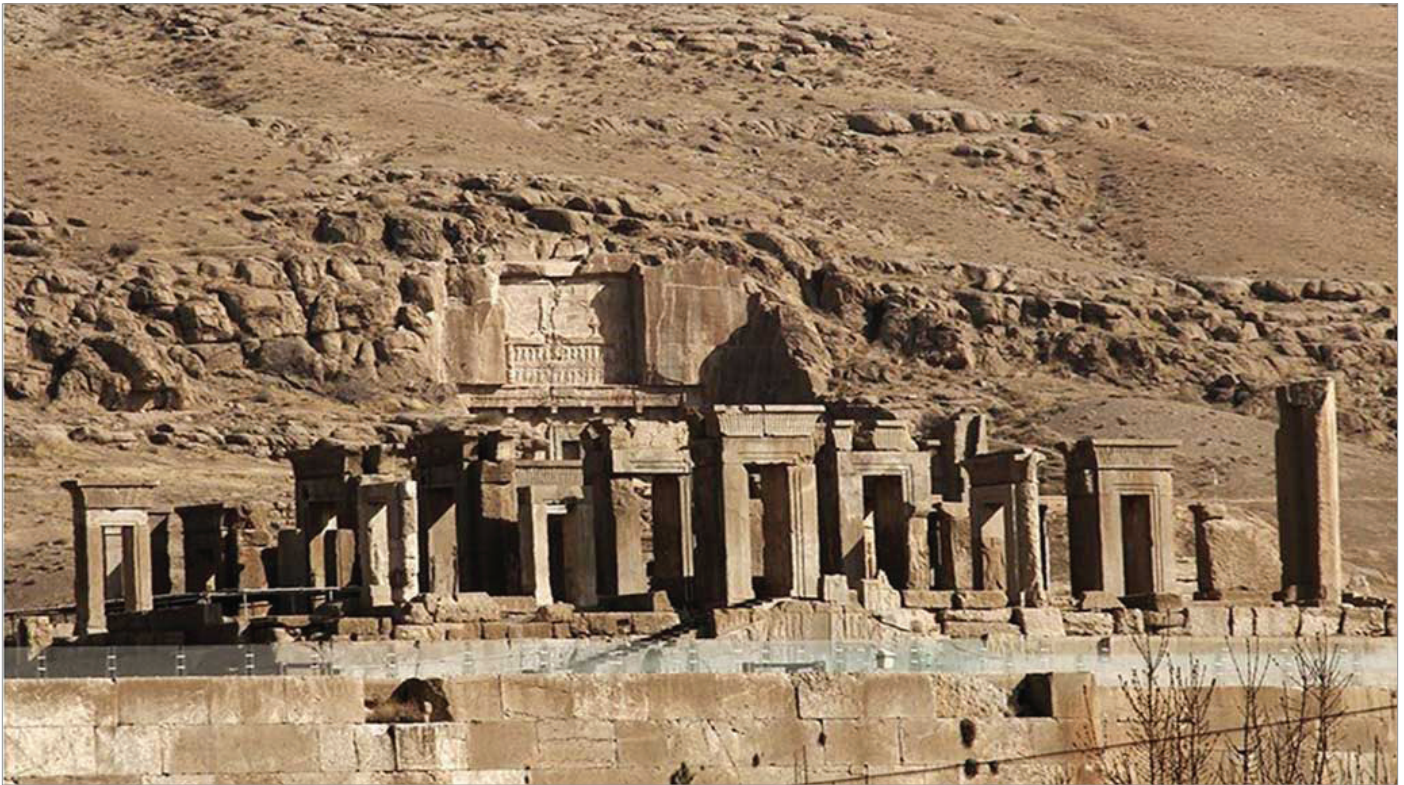
وبسایت «آکویران» با اعلام این مطلب نوشته است: «آمار منتشرشده توسط مرکز آمار حاکی از آن است که در پاییز امسال ۳۶ و ۴ دهم درصد از زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله جویای کار موفق به پیدا کردن شغل نشده‌اند. البته این نرخ مربوط به بیکاری زنان جوان کل کشور است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که این نرخ در میان زنان جوان در برخی استان‌ها بیشتر بوده است.»

بر اساس این گزارش، استان لرستان با ثبت نرخ بیکاری ۸۶ و ۲ دهم درصدی صدرنشین بیشترین نرخ بیکاری زنان جوان در زمستان ۱۴۰۲ بوده است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد این رقم در لرستان نسبت به زمستان ۱۴۰۱، ۲۱۸ درصدی داشته که رقم بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شود.

نگاهی به جدیدترین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در زمستان ۱۴۰۲ از هر ۱۰۰ بانوی ۱۵ تا ۲۴ ساله لرستانی، بالغ بر ۸۶ نفر بیکار مانده‌اند. این در حالیست که در زمستان ۱۴۰۱ نرخ بیکاری زنان جوان لرستانی ۲۷ درصد بوده است. اما با گذشت یکسال بیکاری این گروه از افراد در این استان بطور عجیبی بیشتر شده و رشد ۲۱۸ درصدی به ثبت رسانده است. بدین ترتیب لرستان در رده نخست بالاترین سطح از بیکاری زنان جوان ایرانی قرار گرفته است.

از سوی دیگر نرخ بیکاری بانوان جوان در سایر استان‌ها

احتمال تخریب تخت جمشید، نقش رستم و میدان نقش جهان بر اثر فرونشست زمین



بهم پیوسته ندارند، با کوچکترین انزجاج دچار ترک خوردگی می‌شوند.»

به گفته علی بیت‌الهی در استان اصفهان مسئله دیگری به جز حفر چاه روند گسترش فرونشست را تشدید کرده است: «پس از اینکه در دولت احمدی‌نژاد حوزه آبریز استانی شد، آب زاینده رود با برداشت‌های آب در بالادست قطع شد. در مقطعی آب زاینده رود در بازه زمانی ۶ ماهه قطع می‌شد اما در حال حاضر بطور کلی قطع شده و هر از چند گاهی برای کشت بهاره و پاییزه برای چند روز جریان آب را باز می‌کنند.»

او گفته «در همین محدوده‌ای که با کمبود منابع آبی مواجه هستند آب را با لوله‌ای به یزد منتقل می‌کنند و جالب‌تر اینکه می‌خواهند آب دریا را با شیرین‌کن به یزد و دوباره از یزد به اصفهان منتقل کنند که بطور قطع، نتیجه این برنامه‌ها و اقدامات گسترش پهنه‌های فرونشستی و کمبود آب در هر دو استان است.»

رضا اسلامی کارشناس زمین‌شناسی تکنونیک هفته گذشته خبر داد که «ما ۴۵ برابر نرخ جهانی در اصفهان فرونشست داریم. خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ به وسیله جی‌پی. اس‌های دو فرکانس ۲۴ ایستگاه در اصفهان نشان داد که نرخ فرونشست در شمال غرب تا شمال شرق اصفهان سرعت بیشتری پیدا کرده و ۱۵۸ میلی‌متر را نشان داد.»

روزنامه «شرق» چاپ تهران نیز در گزارشی با عنوان «اصفهان در اضطرار» نوشته از ابتدای سال تاکنون بیش از ۱۰ مورد آسیب‌دیدگی خطوط آب و فاضلاب در کلان‌شهر اصفهان خبر از گسترش فرونشست زمین می‌دهد.

این گزارش تأکید کرده بود که فرونشست در

با حفر چاهی به عمق ۱۲۰ متری هم به آب نمی‌رسند و در طول این سال‌ها با برداشت‌های بی‌رویه آب وضعیت فرونشست در این منطقه بحرانی شده است.»

علی بیت‌الهی افزوده «در حاشیه این پهنه فرونشستی خط‌ساز استان فارس دو آثار تاریخی ارزشمند و منحصر‌بفرد نقش رستم و تخت جمشید واقع شده که متأسفانه در بازدیدها شکاف‌های فرونشستی در محوطه تخت جمشید کاملاً مشخص و واضح است و مهمتر اینکه در حال توسعه است. این شکاف‌ها به مجرای نفوذ آب تبدیل می‌شوند و تونل‌های زیرسطحی را ایجاد می‌کنند و در نهایت به فروریزش سطحی زمین منجر می‌شوند.»

او در ادامه گفته «در نقش رستم هم دقیقاً در مجاورت و نزدیکی صخره‌های سنگی و نقش نگارهای سنگی ارزشمند، شکاف عمیق و عجیب طولی با عمق چشمی ۶ متر و با عرض نیم متری وجود دارد که این نشان می‌دهد این زون [ناحیه] بسیار خطرناک است.»

در حالی که کارشناس برداشت آب از طریق حفر چاه را به عنوان یکی از عوامل سرعت بخشیدن به گسترش فرونشست معرفی می‌کنند، علی بیت‌الهی گفته «در حاشیه همین محدوده اثر تاریخی، مزارعی وجود دارند که هنوز هم با استخراج آب از طریق حفر چاه آبیاری می‌شوند.»

استان اصفهان به عنوان بحرانی‌ترین استان در زمینه فرونشست شناخته می‌شود و آثار تاریخی این استان نیز در معرض خطر قرار دارند. علی بیت‌الهی در اینباره گفته که «نرخ فرونشست در میدان نقش جهان به حدود ۵ سانتیمتر در سال رسیده اما موضوع مهم این است که از آنجایی این آثار تاریخی خشتی و بنایی هستند و مصالح ساختمانی

● در بازدیدها شکاف‌های فرونشست زمین در محوطه تخت جمشید کاملاً مشخص است. این شکاف‌ها به مجرای نفوذ آب تبدیل می‌شوند و تونل‌های زیرسطحی را ایجاد می‌کنند و در نهایت به ریزش سطحی زمین منجر می‌شوند.

● در نقش رستم و در مجاورت و نزدیکی صخره‌های سنگی و نقش‌نگارهای سنگی ارزشمند، شکاف عمیق و عجیب طولی با عمق چشمی ۶ متر و با عرض نیم متر به وجود آمده است.

● نرخ فرونشست زمین در میدان نقش جهان اصفهان به حدود ۵ سانتی‌متر در سال رسیده آنهم در حالی که این آثار تاریخی خشتی و بنایی هستند و مصالح ساختمانی بهم پیوسته ندارند و با کوچکترین لرزه و تکان ترک خورده و شکاف بر می‌دارند.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی با ارائه آمار جدیدی از فرونشست زمین در کشور گفته در مردوشت که آثار تاریخی تخت جمشید و نقش رستم در آن قرار دارند، نرخ فرونشست به ۱۷ سانتی‌متر در سال می‌رسد که رکورددار فرونشست در استان فارس است. علی بیت‌الهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی گفته در استان فارس بیشترین نرخ فرونشست زمین در محدوده مردوشت بوده و نرخ آن در این منطقه به ۱۷ سانتیمتر در سال می‌رسد که آثار تاریخی تخت جمشید و نقش رستم در این محدوده قرار دارد.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی توضیح داده «در حالی که ۵۰ سال گذشته در مردوشت با حفر چاه ۳۰ متری به آب می‌رسیدند امروز

در داروخانه‌ها و رعایت هنجارها در سهمیه دارویی داروخانه‌ها نقش دارد.

حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت حجاب در داروخانه‌ها گفت، «سازمان غذا و دارو از نخستین مجموعه‌هایی بود که به موضوع رعایت پوشش ورود کرد و به همین دلیل اصول رعایت پوشش در داروخانه را ابلاغ کرد.»

این مقام مسئول توضیح داد، «اصول مربوط به پوشش در داروخانه‌ها ابلاغ شده اما ناهنجاری‌هایی در این زمینه گزارش می‌شود، موضوع رعایت هنجارها جزو مواردی است که مانند سهمیه داروخانه‌ها نقش دارد.»

محمدی تهدید کرد، «اگر یک داروخانه نسبت به رعایت هنجارها اقدام نکند، در وهله نخست تذکر داده می‌شود و اگر تذکر تأثیری نداشته باشد موارد بازدارنده در خصوص داروخانه متخلف اجرا می‌شود. اگر موارد بازدارنده نیز مثر نباشد متخلفان به مراجع قانونی معرفی می‌شوند.»

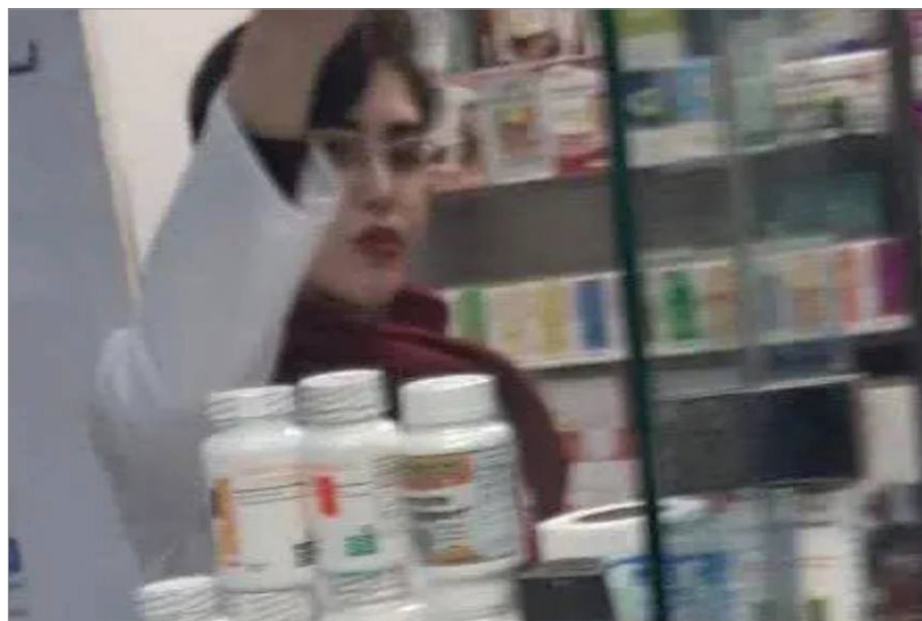
برای نخستین بار است که یک مقام مسئول علنی داروخانه‌ها را با اهرم «سهمیه دارو» مجبور به رعایت حجاب اجباری می‌کند. این اقدام در عمل دفاع از حجاب اجباری به قیمت گروگانگیری سلامت مردم است.

تعیین سهمیه دارویی داروخانه‌ها بر اساس وضعیت حجاب مرحله جدیدی از سرکوب علیه زنان و دخترانی است

گروگانگیری سلامت مردم برای تحمیل «حجاب اجباری»؛ تعیین سهمیه دارویی داروخانه‌ها بر اساس وضعیت حجاب!

● حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت حجاب در داروخانه‌ها گفت، «سازمان غذا و دارو از نخستین مجموعه‌هایی بود که به موضوع رعایت پوشش ورود کرد و به همین دلیل اصول رعایت پوشش در داروخانه را ابلاغ کرد.»

● این مقام مسئول توضیح داد، «اصول مربوط به پوشش



مدیرعامل خیرگزاری میزان وابسته به قوه قضاییه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ از پلمب یک داروخانه در تهرانپارس تهران به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری توسط صاحب آن خبر داد

که زیر بار حجاب اجباری نمی‌روند. پیش از این مدیرعامل خیرگزاری میزان وابسته به قوه قضاییه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ از پلمب یک داروخانه در تهرانپارس (شرق تهران) به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری توسط صاحب آن خبر داده بود.

«حق سلامت» از اسناد بنیادی حقوق بشر و بین‌المللی است. در تمام دنیا اولویت وزارت بهداشت و شبکه درمان و سلامت کشورها ارائه خدمات به تمام اقشار جامعه بدون هیچ تبعیض و تفکیک است. این مأموریت بر اساس اصول انسانی تنظیم شده اما جمهوری اسلامی برای تحمیل ایدئولوژی خود و سرکوب زنان این را نیز زیر پا گذاشته است.

در داروخانه‌ها ابلاغ شده اما ناهنجاری‌هایی در این زمینه گزارش می‌شود، موضوع رعایت هنجارها جزو مواردی است که مانند سهمیه داروخانه‌ها نقش دارد.»

● برای نخستین بار است که یک مقام مسئول علنی داروخانه‌ها را با اهرم «سهمیه دارو» مجبور به رعایت حجاب اجباری می‌کند. این اقدام در عمل دفاع از حجاب اجباری به قیمت گروگانگیری سلامت مردم است.

● تعیین سهمیه دارویی داروخانه‌ها بر اساس وضعیت حجاب مرحله جدیدی از سرکوب علیه زنان و دخترانی است که زیر بار حجاب اجباری نمی‌روند.

به گفته رئیس سازمان غذا و دارو «وضعیت حجاب»

→ اصفهان کامکان با نرخ بیشینه حدود ۱۵ سانتی‌متر در سال در حال پیشروی است. چنانچه جریان دائمی زاینده‌رود با کنترل بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی برقرار شود، می‌توان در بازه زمانی ۱۵ ساله شاهد مهار فرونشست در اصفهان بود.

منصور شیشه‌فروش، مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان در گفتگو با «شرق» گفته که «از ۳۵ دشت مطالعاتی در پنج حوضه آبریز در استان اصفهان، ۲۹ محدوده ممنوعه است. بیشترین افت تجمعی کاهش سطح آب‌های زیرزمینی منتهی به مهر ۱۴۰۱ مربوط به دشت مهاباد شمالی، دامنه اصفهان-برخورار است. این در حالی است که میانگین افت درازمدت سالانه سطح آب‌های زیرزمینی در استان اصفهان ۳۷ سانتی‌متر ثبت شده است که نشان می‌دهد استان اصفهان با کسری ۱۳ هزار میلیارد مترمکعبی در مخازن آب‌های زیرزمینی مواجه است. پس جریان دائمی زاینده‌رود به‌عنوان شاهرگ اصفهان می‌تواند به کنترل پدیده فرونشست در اصفهان کمک کند.»

در پی بارش‌های هفته نخست اردیبهشت‌ماه جاری نیز یک فرونشست بزرگ با طول هشت متر و عرض چهار متر در یکی از خیابان‌های اصفهان سبب شکستگی لوله آب و بلعیده شده یک درخت شد.

محمدرضا ابراهیمی مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان از تعطیلی ۴۲ مدرسه در این استان به دلیل فرونشست خبر داده است.

مجید عبداللّهی معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور دی‌ماه گذشته به خیرگزاری «ایلنا» گفته بود: «۴۴ مورد از ده‌ها مدرسه‌ای که در اصفهان تحت تأثیر پدیده فرونشست قرار گرفتند آسیب دیدند، ۱۴ مدرسه پایش و تعدادی از آنها تخلیه شدند.»

به گفته مجید عبداللّهی «بحث پایش به این صورت است که ما روی ساخت و ساز مدرسه بررسی انجام می‌دهیم و اگر بنایی مسئله داشته باشد، حتما نسبت به تعطیلی آن اقدام خواهد شد. در اصفهان جایجایی دانش‌آموزان و رفتن آنها به مدارس دیگر سختی‌هایی را ایجاد کرد، ولی تلاش کردیم جایجایی و جایگزینی مدارس و دانش‌آموزان همزمان انجام شود.»

پیش از این نیز احمدرضا لاهیجان زاده مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان با بیان اینکه خطر فرونشست زمین در اصفهان بسیار جدی است، هشدار داده بود: «در صورت تداوم روند کنونی تا سال ۱۴۱۰ فرونشست این خطه به ۵۰ سانتیمتر می‌رسد.»

وی توضیح داده بود: «فرونشست کلانشهر اصفهان در اوایل دهه ۸۰ و بین سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۳ که رودخانه قطع و وصل می‌شد اما مدت وصل آن بیشتر بود در حد ۲ تا سه سانتیمتر بود اکنون این فرونشست در همین پهنه از شمال رودخانه زاینده‌رود و میدان امام، شاهین شهر و دولت آباد در مقطعی به ۱۵ سانتیمتر در سال رسیده است.»

لاهیجان‌زاده با بیان اینکه خطر فرونشست اصفهان بسیار جدی است، گفته بود: «بسیاری از موضوعات، برای مثال حتی اگر یک تالاب چندین سال خشک باشد اما آب را به آن برسانیم دوباره پس از چند سال این اکوسیستم می‌تواند خود را احیا کند اما تنها موضوعی که قابل برگشت نیست فرونشست است و این شرایط زمانی که اتفاق افتد به هیچ وجه حتی اگر سال‌ها زاینده رود هم جریان یابد نمی‌تواند جریان فشرده‌گی خاک را داشته باشد و مخزن بسیار بزرگی چون سفره‌های آب زیرزمینی اصفهان را از دست خواهیم داد.»

کارزار شهروندان تهران برای برکناری علیرضا زاکانی؛ شهردار خوب کجاست؟!

سختگوی شورای اسلامی شهر تهران در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرد «بانی محترم نام «کوثر» را برای این مسجد انتخاب کرده است!»

پس از انتشار تصاویری از حصارکشی بخشی از پارک قیطریه، کارزاری برای حفظ این بوستان و جلوگیری از ساخت مسجد در آن به راه افتاد اما مسئولان به این کارزار که به امضای بیش از ۱۴۰ هزار شهروند رسید توجه نکردند و بلافاصله خبر قطع درختان و برنامه‌های ساخت و ساز در پارک لاله (پارک فرح) منتشر شد. پس از مدت کوتاهی نیز خبر ساختن مسجد در پارک خوارزمی منتشر شد.

یک ماه پیش منابع خبری اعلام کردند که در ضلع جنوب پارک لاله (پارک فرح) متصل به جنب غربی ایستگاه آتش‌نشانی، محدوده بیش از ۳ هزار مترمربعی با اکوئسیستمی غنی مملو از درختان کهنسال و تنومند، حصارکشی شده است، همزمان، به صورت ضربتی کانکس‌هایی در آنجا مستقر شده و گفته می‌شود در روزهای آینده احداث ساختمانی در این محدوده آغاز خواهد شد.

پس از انتشار تصاویر این حصارکشی گسترده، کاربران شبکه‌های اجتماعی ضمن اشاره به سوابق شهرداری در ساخت مسجد در پارک قیطریه درباره سرنوشت درختان کهنسال پارک لاله ابراز نگرانی کردند.

مرتضی هادی جابری مقدم عضو هیات علمی دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران در ویدئویی از مقابل حصارهای پارک لاله ضمن تأیید اینکه در محدوده حصارها انبوهی از درختان قرار دارند، گفته است که «۳ هزار متر از پارک لاله را با هدف عملیات ساخت و ساز حصارکشی کرده‌اند». او در ادامه اضافه کرد: «هیچ عقل سلیم و مدیریت خردمندانه‌ای در این نقطه از مرکز شهر تهران، که با تراکم مواجه است، چنین تصمیمی نمی‌گیرد.»

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران ۱۶ اردیبهشت با اشاره به ایجاد فرهنگسرا در پارک لاله در جمع خبرنگاران گفت: «بعد از جشن ماه رمضان احساس شد که فضاهایی برای چنین طرح‌هایی مورد نیاز است. این موضوع مطرح شد که درختی قطع نمی‌شود و ما نیز اجازه خواهیم نداد. باید منتظر باشیم طرح ارائه شود.»

اما درست در همان روز کانال خبری «شهر ما» با اعلام خبر قصد شهرداری برای ساختن مسجد در بوستان خوارزمی نوشت: «شهرداری می‌خواهد ۶۰۰ مترمربع از فضای پارک (خوارزمی) را که چندین درخت سبز و بزرگ در آن قرار دارد، برای این منظور تخریب کند.»

بر اساس این گزارش «این موضوع در جلسه‌ای که به ریاست علیرضا زاکانی و با حضور تعدادی از مدیران وی و دو عضو شورای شهر برگزار شده، به تصویب رسیده و در مرحله اجراست. این در حالی است که در فاصله کمتر از ۳۰۰ متری این پارک، درست در سمت شرقی بیمارستان بقیه‌الله متعلق به سپاه، از سال‌ها قبل یک مسجد جامع بزرگ و باشکوه ساخته شده و هم‌اکنون فعال است.»

کانال «شهر ما» با انتشار تصاویری محدوده درختان و فضای سبزی را که قرار است ریشه‌کن و تخریب شود و فاصله نزدیک این پارک تا مسجد جامع را مشخص کرده و نوشته است: «نکته تلخ اینجاست که دستیار زاکانی حتی از غصبی بودن زمین مورد نظر برای ساخت مسجد هم ابایی ندارد و در نامه خود می‌نویسد اگر معارض و مالک پیدا شد، بعدا بهای زمین را می‌پردازیم!»



علیرضا زاکانی

مال طیب و حلال و بدون شبهه است و در زمین غصبی و با نیت بهره‌برداری سیاسی و تجاری و گنج‌یابی نمی‌توان مسجد ساخت» آمده که «تغییر کاربری پارک و فضای سبز به مسجد به نوعی غصب است و مورد رضایت شهروندان نیست و مسجدی که بنای آن از ابتدا مبتنی بر قطع درختان و غصب زمین متعلق به عموم شهروندان و آسیب رساندن به فضای سبز و تخریب محیط زیست و بر خلاف میل و رضایت اهالی و شهروندان و با زور و قلدری و کاربرد قوه قهریه باشد به نوعی مسجد ضرار است که بنایش مخالف دین است. مسجدسازی کار مردم است نه دولت‌ها و شهرداری‌ها.»

همچنین آمده که «آقای شهردار اگر توانایی دارد پارک‌های جدیدی بسازد و در آنها مسجد هم بسازد و مساجد خوب هم بسازد! اما در پارکی که وقفی است و برای کاربری فضای سبز وقف شده نمی‌توان مسجد خوب ساخت.»

در پایان متن این کارزار تأکید شده علیرضا زاکانی «به تجربه ثابت کرده که مرد این میدان نیست و از عهده این مسئولیت سنگین بر نمی‌آید». و خطاب به اعضای شورای اسلامی شهر نوشته شده که «مملکت قحط‌الرجال نیست و با وجود افراد صالح و شایسته گذاشتن افراد ناتوان در مسئولیت‌های بزرگ به مثابه خیانت در امانت و ایراد خسارت به کشور و مردم و باعث مدیونگی و خسران دنیا و آخرت است.»

خبر ساختن مسجد در پارک قیطریه در هفته‌های گذشته خرساز شد. شهرداری تهران از فرصت تعطیلات نوروز استفاده کردند تا بتوانند با قطع درختان این پارک، بخش زیادی از عملیات ساخت یک مسجد را با لجبازی با مردم و از بین بردن پارک قدیمی و محبوب تهران و درختان آن جلو ببرند.

در همین ارتباط روز سه‌شنبه ۲۸ فروردین علیرضا نادعلی

تا زمان تنظیم و انتشار این گزارش، کارزار درخواست برکناری زاکانی به امضای بیش از ۴۲ هزار شهروند رسیده و جمع‌آوری امضا برای این کارزار تا ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ ادامه خواهد یافت.

این کارزار هشتگ «شهردار خوب کجاست» را نیز به عنوان هشتگ رسمی خود معرفی کرده است.

پس از انتشار تصاویری از حصارکشی بخشی از پارک قیطریه، خبر قطع درختان و برنامه‌های ساخت و ساز در پارک لاله (پارک فرح) منتشر و پس از مدت کوتاهی نیز خبر ساختن مسجد در پارک خوارزمی منتشر شد.

با توجه به بی‌اعتنایی علیرضا زاکانی به کارزار مردم تهران در مخالفت با ساخت مسجد در پارک قیطریه و با توجه به تداوم پارک‌خواری شهرداری تهران، کارزار جدیدی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران درخواست برکناری زاکانی را مطرح کرده است.

تا زمان تنظیم و انتشار این گزارش، درخواست برکناری علیرضا زاکانی شهردار تهران در کارزاری به امضای بیش از ۴۲ هزار شهروند رسیده و جمع‌آوری امضا برای این کارزار تا ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ ادامه خواهد یافت. این کارزار هشتگ «شهردار خوب کجاست؟» را نیز به عنوان هشتگ رسمی خود معرفی کرده است.

کارزار برکناری شهردار با اشاره به اینکه امضاهای یک کارزار از سوی شهروندان در مخالفت با ساخت مسجد در پارک قیطریه توسط شهردار تهران از مرز یکصد و چهل هزار امضا گذشته، از اعضای شورای اسلامی شهر تهران خواسته با توجه به بی‌اعتنایی زاکانی به خواست شهروندان او را از سمت شهرداری برکنار کنند.

در متن این کارزار آمده «شهروندان تهرانی محق به داشتن شهرداری هستند که توانایی ساختن پارک‌های جدید و افزایش سرانه فضای سبز را داشته باشد. آنهم در کلانشهری که در بیشتر روزهای سال از هوای آلوده و مباران شیمیایی ناشی از بنزین غیراستاندارد پتروشیمی و خودروهای فرسوده و بی‌کیفیت داخلی رنج می‌برد و هر ساله هزاران نفر بر اثر بیماری‌های تنفسی و قلبی جان می‌دهند و تعداد زیادی از مخصوصاً از جامعه زنان کشور بر اثر بی‌تحریکی ناشی از کمبود و نبود فضای سبز کافی و پیست دوچرخه‌سواری دچار انواع بیماری‌های جسمی و روحی و اضافه وزن و افسردگی می‌شوند.»

در ادامه آمده «در حالی که مسئولین شهری و کشوری هیچ عزم و تدبیری برای حل این معضلات بزرگ زیست محیطی و خسارت‌های مادی و جانی ندارند و شهردار تهران بجای توسعه فضای سبز پارک‌ها میل وافری به تراکم‌فروشی و پارک‌خواری و تغییر کاربری فضای سبز پارک‌های موجود به مسجد و هتل و برج و رستوران و شهرسازی و فضاهای اداری و تجاری و کسب درآمد از پارک‌ها دارد.»

شهروندان خطاب به علیرضا زاکانی نوشتند «زبان حال مردم تهران خطاب به ایشان این است که ما را به خیر تو امید نیست شرمسار! اگر نمی‌توانی پارک‌های جدیدی برای رفاه مردم بسازی و سرانه ناچیز فضای سبز را توسعه دهی، لاقال دست از سر پارک‌های موجود بردار و به فضای سبز آنها دست‌درازی و درختان را قطع نکن!»

در بخشی از این متن با اشاره به اینکه «مسجدسازی کار مؤمنان و افراد متقی و دارای نیت پاک و خالص و با

طی سه سال گذشته زمین زیر پای ۱۸۶ مدرسه در اصفهان خالی شد

آموزان آن مدرسه در مدرسه‌ای نزدیک و در همان منطقه در شیفت عصر مشغول تحصیل هستند تا مدرسه‌ای برای آنها در نظر گرفته شده به صورت کامل ساخته شود و در اختیار آنان قرار گیرد.»

در همین ارتباط رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس ایران در مرداد ۱۴۰۲ به خبرگزاری ایسنا گفته بود که شماری از مدارس در تهران و اصفهان به دلیل «فرونشست زمین» و احتمال ریزش ساختمان پرخطر تشخیص داده شده و تخلیه شدند. استاندار اصفهان در اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز از تخلیه یکصد مدرسه در این استان به دلیل نشست زمین خبر داده بود. معلوم نیست با خبرهای جدید درباره تخلیه مدارس، آن مدارس قبلی و جابجایی دانش‌آموزان به کجا رسیده است! ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

در مرداد ۱۴۰۲ رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از شناسایی ۵۴۰ ملک مازاد در آموزش و پرورش و تخلیه چندین مدرسه به دلیل فرونشست زمین خبر داده بود. حمیدرضا خان محمدی با بیان اینکه در تهران هم موارد محدودی گزارش شد که خیلی کمتر از اصفهان بود به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «تا امروز ۵۴۰ ملک مازاد در آموزش و پرورش شناسایی شده‌اند و ۳۴۱ ملک در فرایند ارزش‌افزایی قرار گرفته است. در دشت‌های اصفهان و یزد موارد بیشتری گزارش شده است.»

اینهمه در حالیست که وحید مهدویان معاون شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان با اشاره به پدیده فرونشست شهر اصفهان در بهمن ماه گذشته ادعا کرده بود که فرونشست در شهر اصفهان به مرحله بحرانی نرسیده است.

به گفته وحید مهدویان، «فرونشست زمین در بسیاری از کلانشهرهای کشور از جمله اصفهان وجود دارد. البته هنوز فرونشست در شهر اصفهان به مرحله بحرانی نرسیده است و هنوز می‌توان به صورت علمی و با همکاری دستگاه‌های ذیربط استانی و حمایت سازمان‌های ملی از پیشرفت این پدیده در سطح شهر اصفهان جلوگیری کرد.»

در واکنش به انتشار سخنان معاون شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان با بیان اینکه خطر فرونشست زمین در اصفهان بسیار جدی است، هشدار داده بود: «در صورت تداوم روند کنونی تا سال ۱۴۱۰ فرونشست این خطه به ۵۰ سانتیمتر می‌رسد.» وی توضیح داده بود: «فرونشست کلانشهر اصفهان در اوایل دهه ۸۰ و بین سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۳ که رودخانه قطع و وصل می‌شد اما مدت وصل آن بیشتر بود در حد ۲ تا سه سانتیمتر بود اکنون این فرونشست در همین پهنه از شمال رودخانه زاینده‌رود و میدان امام، شاهین شهر و دولت آباد در مقاطعی به ۱۵ سانتیمتر در سال رسیده است.»

لایحه‌ان زاده با بیان اینکه خطر فرونشست اصفهان بسیار جدی است، گفته بود: «بسیاری از موضوعات، برای مثال حتی اگر یک تالاب چندین سال خشک باشد اما آب را به آن برسانیم دوباره پس از چند سال این اکوسیستم می‌تواند خود را احیا کند اما تنها موضوعی که قابل برگشت نیست فرونشست است و این شرایط زمانی که اتفاق افتد به هیچ وجه حتی اگر سال‌ها زاینده رود هم جریان یابد نمی‌تواند جبران فشرده‌گی خاک را داشته باشد و مخزن بسیار بزرگی چون سفره‌های آب زیرزمینی اصفهان را از دست خواهیم داد.»



فرونشست زمین/ دیوار ساختمان یک مدرسه در اصفهان

تاسیسات زیربنایی همچون لوله‌های آب و فاضلاب، پست‌های برق، قطار شهری و... از پدیده فرونشست تأثیر پذیرفته‌اند و استثنایی وجود ندارد. فقط فرونشست در برخی جاها خودش را بیشتر نشان داده و در بعضی جاها کمتر که اتفاقاً این تفاوت نرخ، آسیب بیشتری را به سازه‌هایی که طول یا وسع بیشتری دارند، می‌زند.»

به گفته علی بیت‌اللهی مدیر بخش زلزله مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی تمام بافت فرسوده، ۳۸۵ مسجد، ۳۲۰ مدرسه و سازه‌های مسکونی و ابنیه و آثار تاریخی و بطور کلی ۲ میلیون و ۷۰۰ نفر در شهر اصفهان متأثر از فرونشست هستند. اگر چه سازمان نوسازی مدارس اعلام کرده است که در حال تدوین برنامه‌های بلندمدت برای بازسازی این تعداد مدارس فرسوده در این استان است اما سرعت پیشروی فرونشست زمین در شهر تاریخی اصفهان، گوی سبقت را از برنامه‌های مدون مسئولان ربوده و احتمال ریزش فضاهای آموزشی در برخی مناطق اصفهان بر اثر این پدیده حالا باعث شده برخی مدارس بطور کلی تخریب و برخی دیگر نیز بازسازی و بهسازی شوند.

در همین ارتباط رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس در شهریورماه گذشته به خبرگزاری مهر گفته بود: «۱۵ هزار کلاس درس جدید در کنار صد هزار کلاس درسی که قرار است مرمت و بهسازی شوند میزبانان جدید دانش‌آموزان خواهند بود. خیران کمک‌های خود را هم بیشتر کرده‌اند با این وجود تهدید فرونشست زمین همچنان مدارس کشور را تهدید می‌کند.»

به گفته این مقام مسئول: با بروز فرونشست مدارس دچار آسیب جدی می‌شوند این معضل را باید دستگاه‌های دیگر حل کنند: «ما عمدتاً مدارس را تخلیه می‌کنیم. هر مدرسه‌ای که دچار فرونشست شده و خطر تخریب در آن وجود داشته است به صورت کامل تخلیه شده و دانش

مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان با اشاره به اینکه ۱۵۰ مدرسه در استان تحت تأثیر این پدیده مخرب قرار گرفته‌اند، گفت: «با اقدامات فنی و مهندسی، بخش عمده‌ای از این مدارس همچنان فعال هستند اما ۴۲ مدرسه به دلیل ناامنی و خطر ریزش، از چرخه آموزش خارج شده‌اند.»
 استاندار اصفهان در اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز از تخلیه یکصد مدرسه در این استان به دلیل نشست زمین خبر داده بود. معلوم نیست با خبرهای جدید درباره تخلیه مدارس، آن مدارس قبلی و جابجایی دانش‌آموزان به کجا رسیده است!

زمین زیر پای ۴۲ مدرسه دیگر در اصفهان خالی شد. در زمستان سال گذشته نیز معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از تهدید ۲۸۵ مدرسه در اصفهان تحت تأثیر تراژدی فرونشست زمین خبر داده بود. آن زمان شکاف‌هایی عمیق بر دیوارهای حیاط و آسفالت زمین ۴۴ مدرسه در اصفهان ایجاد شده بود بطوری که ۱۴ مدرسه «پایش» و تعدادی از آنها تخلیه شدند. در اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز یکصد مدرسه در این استان به دلیل نشست زمین تخلیه شده بود.

خبرگزاری «تسنیم» به نقل از مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان از تعطیلی ۴۲ مدرسه در این استان به دلیل فرونشست خبر داد.

محمدرضا ابراهیمی با اشاره به اینکه ۱۵۰ مدرسه در استان تحت تأثیر این پدیده مخرب قرار گرفته‌اند، گفت: «با اقدامات فنی و مهندسی، بخش عمده‌ای از این مدارس همچنان فعال هستند اما ۴۲ مدرسه به دلیل ناامنی و خطر ریزش، از چرخه آموزش خارج شده‌اند.»

وی در مورد کمبود فضای آموزشی در استان، به ویژه در شهرستان‌های بزرگ، توضیح داد: «تعطیلی این مدارس معضل کمبود فضا را تشدید می‌کند و باید برای حل این مشکل و جایگزینی مدارس نامن، تدابیر لازم اندیشیده شود.»

فرونشست زمین ۲۵۸ مدرسه را در استان اصفهان تهدید می‌کند

در همین ارتباط معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در دی ماه گذشته به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «۴۴ مورد از ده‌ها مدرسه‌ای که در اصفهان تحت تأثیر پدیده فرونشست قرار گرفتند آسیب دیدند، ۱۴ مدرسه پایش و تعدادی از آنها تخلیه شدند.»

به گفته مجید عبداللهی «بحث پایش به این صورت است که ما روی ساخت و ساز مدرسه بررسی انجام می‌دهیم و اگر بنایی مسئله داشته باشد، حتماً نسبت به تعطیلی آن اقدام خواهد شد. در اصفهان جابجایی دانش‌آموزان و رفتن آنها به مدارس دیگر سختی‌هایی را ایجاد کرد، ولی تلاش کردیم جابجایی و جایگزینی مدارس و دانش‌آموزان همزمان انجام شود.» وی توضیح داده بود که استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان دارای بیشترین جمعیت در معرض خطر فرونشست زمین هستند و ارزیابی‌ها نشان می‌دهند وضعیت کلانشهر اصفهان در مقایسه با سایر شهرهای کشور بحرانی‌تر است. روزنامه هم‌میهن نیز ۹ دی ماه ۱۴۰۲ در گزارشی میدانی از رد فرونشست‌های متعدد و عمیق بر سازه‌های مسکونی اصفهان خبر داده بود.

در این گزارش به نقل از بهرام نادى عضو کارگروه تخصصی فرونشست استان اصفهان آمده بود: «تمام سازه‌های شهر اصفهان اعم از بیمارستان، اماکن تاریخی، مدارس، همچنین

مرگ و معلولیت بیماران به دلیل کمبود و گرانی دارو جان باختن ۱۱۰۰ بیمار تالاسمی طی شش سال



و میر بیماران خاص دیگر منتشر نشود یا به دست ما نرسد که به دنبال آن، وزارت بهداشت نیز دیگر این آمارها را در اختیار ما نگذاشت.»

کمبود دارو همچنین موجب بروز مشکلات جسمی از جمله معلولیت هم می‌شود. احمد قویدل مشاور مدیرعامل کانون هموفیلی ایران نیز با تأکید بر اینکه هیچگونه تدبیری در سازمان غذا و دارو وجود ندارد» گفته «تحمیل بحران‌های دارویی سال ۱۴۰۲ به بیماران و ادامه این روند در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد ظرفیت‌های مدیریتی این سازمان برای ادامه چنین موضوع مهمی در سطح کشوری کافی نیست.» احمد قویدل تأکید کرده «ایجاد وقفه در دسترسی به دارو درباره بیماران هموفیلی، منجر به خونریزی و تخریب مفصل شده و بیمار نیمه‌معلول می‌شود. تعداد مبتلایان هموفیلی کم است و نادیده گرفتن آنها نهایت ضعف و ناکارآمدی مسئولان را نشان می‌دهد. تنها اقدامی که در حق این بیماران انجام می‌دهند تامین دارو است که آنهم به درستی اتفاق می‌افتد.»

مشاور مدیرعامل کانون هموفیلی ایران معتقد است خانواده‌ها علاوه بر رنج بیماری و چالش نگهداری و مراقبت، باید نگران نبود و کمبود دارو هم باشند، «این در حالی است که مراجع نظارتی مانند کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی و حتی وزیر بهداشت نیز گاهی در اظهارات خود نسبت به عملکرد سازمان و کمبودهای دارویی تأکید دارند. با اینهمه ظاهراً اراده‌ای برای تغییر روند و اصلاح مدیریتی وجود ندارد.»

دکتر علی جعفریان رئیس تیم پیوند کبد بیمارستان «امام خمینی» تهران نیز نسبت به نبود داروهای بیماران پیوند کبد هشدار داده است.

دکتر علی جعفریان گفته تأمین نشدن منابع ارزی موجب شده تا هر چند وقت، یک یا چند داروی بیماران پیوند کبد کمیاب شود. او گفته حتی داروی ایرانی که قبلاً در کشور تولید می‌شد، اکنون به دلیل نبود مواد اولیه با مشکل تولید مواجه شده است.

تالاسمی در ایران زندگی می‌کنند که از این تعداد تنها در طول ۶ سال گذشته، ۱۱۰۰ نفر به دلیل کمبود داروهای خارجی، جان خود را از دست داده‌اند. این در حالیست که اگر داروهای بیماران تالاسمی به صورت پایدار تأمین باشد این بیماران عمری طبیعی خواهند داشت.

یونس عرب رئیس انجمن تالاسمی ایران درباره شرایط این بیماران گفته «یک بیمار تالاسمی اگر درمان مناسب و پایداری داشته باشد و دارورسانی به او دچار مشکل و وقفه نشود، می‌تواند یک عمر طبیعی داشته باشد. در تمام دنیا همینطور است.»

در ایران اما در دسترس نبودن مداوم دارو سبب تهدید جان این بیماران شده است. یونس عرب در اینباره گفته «اساسی‌ترین داروی این بیماران، تزریق مداوم خون و مصرف داروهای آهن‌زدا است. اگر هر یک از اینها دچار مشکل شود، ممکن است جان این بیماران به خطر بیفتد و طبیعی است که عمر طولانی هم نکنند. البته ما بیماران تالاسمی بالای ۶۰ سال هم داریم، اما تعداد زیادی بیمار هم داریم که زیر ۱۸ سالگی می‌میرند.»

رئیس انجمن تالاسمی ایران با بیان اینکه «۳۵ تا ۴۰ درصد از بیماران تالاسمی برای زنده ماندن، راهی به غیر از مصرف داروی خارجی ندارند» گفته «داروهای تولید داخل، آهن را در بدن این بیماران پایین می‌آورد. دلیل بزرگ‌ترش این است که داروهای ایرانی عوارض می‌دهند. سال گذشته فقط ۱۲ درصد واردات دارو داشتیم و امسال هم که هنوز وارداتی اتفاق نیفتاده است.»

این آمارها در حالی منتشر شده که فاطمه هاشمی رئیس بنیاد خیریه امور بیماری‌های خاص اعلام کرده طی دو سال گذشته وزارت بهداشت آمار مرگ و میر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص را منتشر نکرده است.

فاطمه هاشمی گفته «ما در گذشته آمارهای مرگ و میر بیماران را از واحدهای مختلف می‌گرفتیم، اما از چندین سال قبل، بخشنامه‌ای صادر شد با این مضمون که آمار مرگ

● رئیس انجمن تالاسمی ایران با بیان اینکه «۳۵ تا ۴۰ درصد از بیماران تالاسمی برای زنده ماندن راهی به غیر از مصرف داروی خارجی ندارند» گفته کمبود دارو سبب مرگ زودهنگام این بیماران می‌شود.

● ایجاد وقفه در دسترسی به دارو درباره بیماران هموفیلی، منجر به خونریزی و تخریب مفصل شده و بیمار نیمه‌معلول می‌شود.

● رئیس بنیاد خیریه امور بیماری‌های خاص اعلام کرده طی دو سال گذشته وزارت بهداشت آمار مرگ و میر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص را منتشر نکرده است.

در شرایطی که نهادهای مسئول دغدغه رعایت حجاب اسلامی در داروخانه‌ها را دارند، گزارش‌ها از افزایش آمار نقص عضو و مرگ بیماران به دلیل عدم دسترسی به دارو خبر می‌دهند. رئیس انجمن تالاسمی ایران گفته در طی شش سال گذشته ۱۱۰۰ بیمار تالاسمی به دلیل نبود دارو جان خود را از دست داده‌اند.

۱۸ اردیبهشت‌ماه در تقویم ایرانی به عنوان «روز بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج» نامگذاری شده اما امسال بیش از سال‌های گذشته مشکلاتی چون عدم گرانی و نایاب بودن دارو جان این بیماران را تهدید می‌کند.

کمبود و گرانی دارو مدت‌هاست هشدار کارشناسان را در پی داشته و اکنون آمارهای تک‌اندهنده‌ای از وضعیت بیماران مبتلا به بیماران خاص منتشر شده است. هزینه‌های چند ده میلیون تومانی برای تأمین داروی ماهانه و کمبود و نایاب شدن برخی داروهای بیماری‌های خاص سبب افزایش آمار مرگ و میر بیماران شده است.

آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۷ تا کنون ۱۱۰۰ بیمار تالاسمی به دلیل نبود دارو جان خود را از دست داده‌اند. رئیس انجمن تالاسمی ایران سال گذشته درباره کبود شدید داروی این بیماران هشدار داده و گفته بود با روند کنونی ممکن است آمار مرگ این بیماران در آینده تصاعدی شود. وبسایت «همشهری آنلاین» گزارش داده که ۲۳ هزار بیمار

دستمزد آموزگاران در ایران یک هفتم ارزش دستمزد آموزگاران دبستان در ترکیه

هزار میلیارد تومان، و بودجه سازمان زندان‌های کشور نیز با افزایش ۵۵/۵ درصدی به ۹ هزار و ۲۷۳ میلیارد تومان رسید. از دیگر بخش‌های بی‌خاصیت حکومتی که سال گذشته با افزایش بودجه روبرو شدند می‌توان به مرکز خدمات حوزه علمیه قم اشاره کرد که حدود شش هزار میلیارد تومان بودجه دریافت کرد. شورای عالی حوزه‌های علمیه قم حدود سه هزار میلیارد تومان و وزارت ارشاد هم حدود پنج هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه گرفت. حتی بودجه سازمان تبلیغات اسلامی نیز با افزایش ۵۳ درصدی بودجه روبرو شد و رقمی معادل دو هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان دریافت کرد. «پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی به موضوع بودجه آموزش و پرورش در مقایسه با بودجه حوزه علمیه پرداخت و نوشت بررسی اسناد بودجه در ۱۳ سال گذشته نشان می‌دهد، نرخ رشد بودجه حوزه‌های علمیه یک و نیم برابر نرخ رشد اعتبارات پرداخت حقوق و دستمزد معلمان و کارکنان آموزش و پرورش است. این گزارش افزوده بود که بررسی قوانین بودجه سالانه کشور در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۳ حکایت از آن دارد که در این مدت بودجه چهار ردیف اصلی مرتبط با حوزه‌های



تجمع اعتراضی آموزگاران - مهر ۱۴۰۰

علمیه در ایران، افزایش ۲۵ برابری یافته در حالی که بر اساس محاسبات پایگاه داده‌های باز ایران، ارزش ردیف بودجه حقوق معلمان در این مدت کمتر از ۱۶ برابر رشد داشته است. بر اساس این گزارش در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۳ مجموع اعتبارات چهار ردیف «شورای عالی حوزه‌های علمیه»، «حوزه‌های علمیه خواران»، «حوزه‌های علمیه خراسان» و «مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» در بودجه امسال بیش از ۱۵ هزار و ۴۰۶ میلیارد تومان بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۱ مجموع بودجه این ردیف‌ها، یک بیست و پنجم، یعنی کمتر از ۶۲۹ میلیارد تومان بود. در همین مدت اعتبارات ردیف «آموزش و پرورش استان‌ها» با رشد تقریباً ۱۶ برابری از کمتر از ۱۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۱ به نزدیک ۲۱۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. نکته قابل توجه دیگر در گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» اینست که طبق آمارهای رسمی جمعیت تحت پوشش آموزش عمومی در ایران بیش از ۱۶ میلیون نفر است، در حالی که جمعیت تعداد روحانیون سراسر کشور، طبق برآوردهای رسمی بین ۹۰ تا ۱۳۰ هزار نفر است.

● در حال حاضر رقم حداقل دستمزد آموزگاران در ایران ۱۰ میلیون تومان برابر با ۱۵۹ دلار است. در ترکیه اما رقم حقوق معلمان دبستان ماهانه حدود ۴۰ هزار لیر و برابر با ۱۲۲۳ دلار است. همزمان با روز معلم در ایران «پایگاه داده‌های باز ایران» به رقم دستمزد آموزگاران ایرانی پرداخته و نوشته ارزش حداقل دستمزد معلمان ایرانی یک هفتم ارزش دستمزد معلمان دبستان در ترکیه است.

بر اساس گزارشی که «پایگاه داده‌های باز ایران» منتشر کرده با اینکه در سال ۲۰۲۳ میلادی ترکیه و ایران جزو ۱۰ کشور نخست دنیا با بالاترین نرخ تورم بوده‌اند اما رقم دستمزدها در ترکیه متناسب با نرخ تورم افزایش یافته و در ایران ارزش واقعی دستمزدها با کاهش روبرو بوده است. «پایگاه داده‌های باز ایران» با بررسی رقم دستمزد آموزگاران در ایران نوشته حداقل حقوق معلمان ایرانی در سال ۱۴۰۳ خورشیدی ۱۰ میلیون تومان است. این رقم با احتساب متوسط متوسط نرخ دلار بازار آزاد در آخر فروردین ایران ۶۳ هزار تومان، برابر با حدود ۱۵۹ دلار آمریکا است. در ترکیه اما رقم حقوق معلمان دبستان ماهانه حدود ۴۰ هزار لیر و برابر با ۱۲۲۳ دلار است.

همچنین داده‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان می‌دهد دستمزد سالانه معلمان دبستان در بدو شروع کار را در برخی کشورهای عضو این سازمان بین ۱۴ تا ۷۰ هزار دلار در سال در نوسان است. در حالیکه ارزش یک سال حداقل حقوق معلم در ایران کمتر از ۲ هزار دلار است.

اگر حداقل حقوق ماهانه ۱۰ میلیون تومانی را در ۱۲ ماه ضرب کنیم و فرض کنیم که قیمت دلار تا آخر سال ثابت و در حدود ۶۳ هزار تومان باقی بماند، ارزش یک سال حداقل دستمزد معلم ایرانی، بیشتر از ۱۹۰۸ دلار خواهد شد.

«پایگاه داده‌های باز ایران» افزوده که اتحادیه‌های معلمان در ایران سال‌هاست به دنبال تحقق مطالبات صنفی از جمله افزایش دستمزد معلمان هستند. پس از بیش از دو دهه مطالبه‌ای اجرای قانون رتبه‌بندی که منجر به افزایش حقوق معلمان رسمی می‌شود، در سال ۱۴۰۱ دولت مدعی شد این قانون را اجرا کرده است. با این حال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تا امروز به شیوه اجرای این قانون معترض بوده است. با این وجود بر اساس گزارش‌ها برخی فعالین صنفی معلمان از رتبه‌بندی محروم شده‌اند.

همچنین جمهوری اسلامی با استخدام غیررسمی آموزگاران با عناوینی چون «حق التدریس» و «قراردادی» از پرداخت حقوق و مزایا به آنها بر اساس مصوبات آموزش و پرورش نیز خودداری کرده و ارقامی پایین‌تر به این آموزگاران پرداخت می‌کند. اینهمه در حالیست که ساختار آموزشی ایران با کمبود شدید آموزگار نیز روبروست و برآوردها از ۴۰۰ هزار کمبود آموزگار حکایت دارد. عدم پرداخت حقوق عادلانه و استخدام آموزگار جدید به بهانه «نبود منابع کافی» توجیه می‌شود اما نگاهی به بودجه‌پاشی برای نهادهای حکومتی نشان از بی‌اعتنایی حکومت به موضوع «آموزش و پرورش» دارد.

برای نمونه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ بودجه سپاه پاسداران نسبت به سال پیشتر ۲۸ درصد افزایش یافت و به نزدیک ۱۲۰ هزار میلیارد تومان رسید. بودجه سازمان صداوسیما هم ۴۲ درصد افزایش یافت و به هفت هزار و ۵۳۱ میلیارد تومان رسید. بودجه وزارت اطلاعات ۵۲ درصد افزایش داشت و به ۲۰

به گفته این پزشک متخصص یکی از داروهای مهم و کاربردی در بخش پیوند «فیبریونژن» است که طی چند ماه گذشته نایاب شده و این مسئله به قیمت جان بیمار تمام می‌شود، چون اگر یک بیمار کبدی مشکل انعقادی داشته باشد و داروی «فیبریونژن» در اختیار نداشته باشیم، خطر مرگ خواهد داشت.

دکتر علی جعفریان گفته برخی بیماران داروی مورد نیاز را از کشورهای همسایه با هزینه گزاف تهیه می‌کنند، بطور نمونه بیماری بوده است که خانواده او توانستند داروی «فیبریونژن» را از کشور ترکیه با قیمت ۶۰ میلیون تومان تهیه کند. او تأکید کرده «همه‌ی بیماران از شرایط یکسانی برخوردار نیستند و توانایی مالی کافی برای خرید این دارو را از کشورهای دیگر ندارند، در این شرایط جان بیمار به خطر می‌افتد.»

رئیس تیم پیوند کبد بیمارستان «خمینی» از نبود تجهیزات پزشکی مورد نیاز عمل پیوند کبد هم خبر داده و گفته «یک دستگاه «اکارتور» داریم که برای باز کردن قفسه سینه جهت انجام پیوند کاربرد دارد و چندین سال پیش با قیمت یکصد بیست هزار دلار برای بیمارستان خریداری کردیم. این وسیله تا پنج سال پیش با همین قیمت در ایران موجود بود، ولی الان هرچه پیگیر آن هستیم پیدا نمی‌شود.»

او همچنین گفته «اگر دستگاه «ام.آر.آی.» بیمارستان خراب شود با این تعرفه‌ها و مبالغ دریافتی، امکان تعمیر دشوار و خرید مجدد یا جایگزینی مقدور نخواهد بود. این دستگاه بعد از پنج شش سال استفاده، خراب خواهد شد و باید جایگزین شود.»

بی‌توجهی به وضعیت سلامت سبب شده آمار ابتلا به برخی بیماری‌ها مانند دیابت در ایران رو به افزایش باشد و عوارض ناشی از آن از جمله نابینایی نیز نرخ قابل توجهی داشته باشد.

اسدالله رجب رئیس انجمن دیابت ایران گفته «در کشور ما چون کیفیت کنترل دیابت خوب نیست، در نتیجه آمار بالای قطع عضو و نابینایی را داریم. در بسیاری از کشورها نابینایی به علت دیابت به کمتر از یک درصد رسیده است.» رئیس انجمن دیابت ایران با تأکید بر اینکه «هرچه کیفیت کنترل بهتر باشد و بیماری زودتر تشخیص داده شود، می‌توان از عوارض ناشی از آن پیشگیری کرد» گفته «در بسیاری از بیمارستان‌های کشور همچنان شاهد قطع عضو بر اثر دیابت هستیم. در صورتی که در کشورهای زیادی بخصوص کشورهای اروپایی آمار قطع عضو خیلی پایین است.»

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد وزارت بهداشت بجای پرداختن به وظایفی که بر عهده دارد، پرداختن به موضوع «حجاب» را در اولویت قرار داده است!

حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت حجاب در داروخانه‌ها گفت، «سازمان غذا و دارو از نخستین مجموعه‌هایی بود که به موضوع رعایت پوشش ورود کرد و به همین دلیل اصول رعایت پوشش در داروخانه را ابلاغ کرد.»

این مقام مسئول توضیح داد، «اصول مربوط به پوشش در داروخانه‌ها ابلاغ شده اما ناهنجاری‌هایی در این زمینه گزارش می‌شود، موضوع رعایت هنجارها جزو مواردی است که مانند سهمیه داروخانه‌ها نقش دارد.»

محمدی تهدید کرد، «اگر یک داروخانه نسبت به رعایت هنجارها اقدام نکند، در وهله نخست تذکر داده می‌شود و اگر تذکر تأثیری نداشته باشد موارد بازدارنده در خصوص داروخانه متخلف اجرا می‌شود. اگر موارد بازدارنده نیز مثر نمی‌باشد متخلفان به مراجع قانونی معرفی می‌شوند.»

بحران مهاجران افغانستانی در ایران وزیر کشور جمهوری اسلامی: دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم



منطقه جوادیه به آن اعتراض دارند و حتی برخی مدیران مدارس خواستار راه اندازی مدارس جداگانه برای دانش آموزان افغانستانی شده‌اند.

جمهوری اسلامی بطور مستقیم مسئول مشکلاتی است که موج سیل آسای ورود مهاجران افغانستانی در کشور ایجاد کرده است. سال‌هاست میلیون‌ها مهاجر افغانستانی به صورت رسمی و غیررسمی به ایران وارد می‌شوند و هیچ اقدام مشخصی برای کنترل مرزهای ایران با افغانستان صورت نگرفته است. بخشی از مهاجران افغانستانی ایران را مسیر عبور و راه رسیدن به اروپا می‌دانند و پس از مدتی ایران را ترک می‌کنند اما بخش زیادی از آنان بدون وجود ساختاری سازمانیافته از سوی دولت، در ایران ساکن و مشغول کار و زندگی می‌شوند. جمهوری اسلامی نه تنها کنترلی بر مرزها و ورود مهاجران انجام نداده بلکه حتی برآوردی از ظرفیت بخش‌های مختلف کشور برای پذیرش این مهاجران و یا بررسی آثار منفی و یا احیاناً مثبت حضور نیروی کار افغانستانی در کشور، و همچنین چگونگی روند تحصیل و آموزش فرزندان پرتعداد خانوارهای مهاجر نداشته است. فاجعه آنجاست که حتی سامانه‌ای کارآمد برای ثبت داده‌های مربوط به مهاجران قانونی و غیرقانونی هم وجود ندارد و با توجه به اظهارات ضد و نقیض مسئولان حتی مشخص نیست چه تعداد افغانستانی مهاجر در ایران حضور دارند!

در آنسو اما جمهوری اسلامی تلاش کرده همزمان با «واردات» سازمانیافته اتباع آن کشور به عنوان طرفدار جمهوری اسلامی از سوی دیگر، سبب بروز بحران‌های جدی از جمله در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. جمهوری اسلامی بجای سازماندهی مهاجران تلاش کرده از آن مهاجرانی نیز که از شرایط نابسامان سرزمین‌شان به ایران پناه آورده‌اند برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود استفاده کند. اینهمه جدا از «لشکر فاطمیون» است که حکومت از آنها در جنگ

سوریه استفاده می‌کرده است. حالا با تشدید شرایط بحرانی، وزیر کشور گفته دیگر توان پذیرش اتباع خارجی وجود ندارد و استاندار تهران نیز از طرحی برای بازگرداندن آنها خبر داده است. کارشناسان ماه‌هاست درباره ورود بی‌ضابطه اتباع افغانستانی به ایران و رها شدن موضوعاتی چون اسکان و اشتغال آنها از سوی حکومت هشدار می‌دهند. در هفته‌های گذشته برخی اثرات نامطلوب ورود و اسکان و اشتغال میلیون‌ها مهاجر قانونی و غیرقانونی به کشور نمایان شده است. برخی محله‌ها به ویژه در کلانشهرها با تغییر یافت جمعیتی روبرو شده و جمعیت مهاجران افغانستانی بیش از اتباع ایرانی است. داود بیگی نژاد نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران با بیان اینکه درخواست اجاره مسکن از سوی افغان‌ها افزایش یافته، گفته که محل سکونت افغان‌ها در تهران عمدتاً اغلب در منطقه ۲۰ و همچنین انتهای منطقه ۱۹ بوده و در برخی مناطق از جمله حاشیه شهر جمعیت افغان‌ها بیشتر از جمعیت ایرانی‌ها است.

این در حالیست که به گفته داود بیگی نژاد هر نوع قرارداد با اتباع خارجی که غیرقانونی به کشور وارد شده‌اند و مدارک اقامتی در ایران ندارند ممنوع است و «درباره اتباع خارجی که اجازه اقامت دارند، دفتر املاک باید پس از انعقاد قرارداد مدارک و دلایل اجازه اقامت را به اداره اماکن ارائه دهند.» او همچنین گفته در برخی مناطق به دلیل تقاضای بالای افغانستانی‌های ابرای اجاره‌خانه، نرخ اجاره بهای نیز افزایش یافته است. ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز با اعلام نگرانی ساکنان محله «جوادیه» از حضور پرشمار اتباع افغانستانی گفته «۶۰ درصد از ساکنان این محلات را اتباع تشکیل می‌دهند. ۱۰ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان مدارس این محله نیز از اتباع هستند.» او همچنین گفته سکونت ده‌ها تن از اتباع افغانستانی در یک واحد مسکونی از جمله مسائلی است که ساکنان

● سردار پاسدار احمد وحیدی که چند ماه پیش حتی نمی‌دانست چند مهاجر افغانستانی در ایران هستند، اکنون گفته «دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم!»

● ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته ۶۰ درصد از ساکنان محله «جوادیه» را مهاجران افغانستانی تشکیل می‌دهند و ۱۰ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان مدارس این محله نیز از مهاجران هستند.

● جمهوری اسلامی نه تنها کنترلی بر مرزها و ورود مهاجران انجام نداده بلکه حتی برآوردی از ظرفیت بخش‌های مختلف کشور برای پذیرش این مهاجران و یا بررسی آثار منفی و یا احیاناً مثبت حضور نیروی کار افغانستانی در کشور، و همچنین چگونگی روند تحصیل و آموزش فرزندان پرتعداد خانوارهای مهاجر نداشته است.

● سامانه‌ای کارآمدی نیز برای ثبت داده‌های مربوط به مهاجران قانونی و غیرقانونی وجود ندارد و با توجه به اظهارات ضد و نقیض مسئولان حتی مشخص نیست چه تعداد افغانستانی مهاجر در ایران حضور دارند!

● حضور قابل توجه افغانستانی‌ها در تجمعات و تظاهرات حکومتی و انتشار تصاویری از حضور افغانستانی‌ها در میان نیروهای سرکوب حکومت نشان‌دهنده بهره‌برداری جمهوری اسلامی از مهاجران به سود اهداف ایدئولوژیک است.

ورود بی‌رویه مهاجران افغانستانی به ایران از یکسو و «واردات» سازمانیافته اتباع آن کشور به عنوان طرفدار جمهوری اسلامی از سوی دیگر، سبب بروز بحران‌های جدی از جمله در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. جمهوری اسلامی بجای سازماندهی مهاجران تلاش کرده از آن مهاجرانی نیز که از شرایط نابسامان سرزمین‌شان به ایران پناه آورده‌اند برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود استفاده کند. اینهمه جدا از «لشکر فاطمیون» است که حکومت از آنها در جنگ

→ مهاجران به سود خود است.

خبرگزاری فارس در ۲۹ بهمن ۱۴۰۱ تعداد مهاجران افغان در ایران را طبق اخبار منتشرشده ۸ میلیون نفر اعلام کرده که هرروز ۱۰ هزار نفر به تعداد آنها اضافه می‌شود. بر این اساس، با ورود روزانه ۱۰ هزار نفر از افغانستان به ایران در طی ۷ ماه گذشته از اعلام این خبر تا آخر تابستان ۱۴۰۲ آمار اتباع افغانستان به بالای ۱۰ میلیون نفر رسیده است.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی اما تیرماه گذشته گفته بود آمار دقیقی از افغانستانی‌های ساکن ایران در دست نیست و برآورد رقیمی معادل ۵ میلیون نفر را کرده بود! برخی آمارها از تحصیل ۷۰۰ هزار دانش‌آموز افغانی در مدارس ایران حکایت دارد و رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نیز هم‌راه سال گذشته شمار دانش‌آموزان افغانستانی را ۶۰۰ هزار نفر اعلام کرد.

آمار زایمان زنان افغانستانی در ایران نیز قابل توجه است: روزنامه «جمهوری اسلامی» شهریور سال گذشته گزارش داد که از ۳۰۰ زایمان و تولد شهر کوارد در نزدیکی شیراز طی یک ماه، فقط ۳ مورد زایمان ایرانی بوده و ۲۹۷ مورد آن مربوط به اتباع افغانستان بوده است. در اوایل شهریور گذشته نیز یکی از پرستاران بیمارستان «فرقانی» قم گفته بود از ۲۸ زایمانی که در طی ۲۴ ساعت در آن بیمارستان رخ داده ۱۹ مورد مربوط به اتباع افغان بوده است. هم‌زمان گزارش شد که ۳۰ تا ۳۵ درصد زایمان بیمارستان‌های قم مربوط به اتباع افغانستانی است.

در نبود آمارهای رسمی و قابل اتکا، برخی اظهارنظرها از فاجعه خاموشی زیر پوست جامعه ایران با حضور سازمانیافته مهاجران افغانستانی خبر می‌دهند. برای نمونه استانداری تهران اعلام کرده که تعداد اتباع غیرمجاز جمع‌آوری شده از تفرجگاه‌های استان در نوروز امسال نسبت به سال قبل سه برابر شده است. اکنون بحران حضور میلیون‌ها مهاجر به کشوری که جمعیت خودش در انواع بحران‌ها از بیکاری و فقر تا نبود زیرساخت و امکانات رنج می‌برد آنقدر برجسته شده که مسئولان حکومتی نیز ناچار به واکنش شده‌اند.

سردار پاسدار احمد وحیدی که چند ماه پیش حتی نمی‌دانست چند مهاجر افغانستانی در ایران هستند، اکنون گفته «دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم!» وزیر کشور جمهوری اسلامی روز گذشته اعلام کرد که «ما واقعا ظرفیت میزبانی بیش از این نداریم و کشورمان اشباع شده است و بیش از این نباید وارد کشور شوند و اعلام کردیم که قادر به پذیرش بیشتر نیستیم.»

سردار پاسدار احمد وحیدی بدون اشاره به تعداد مهاجران افغانستانی در ایران گفته «تعدادی از اتباع نیز که داخل کشورند باید بستر برای بازگشت آنها فراهم شود و کسانی که غیرمجازند نیز به هیچ وجه مورد قبول ما نیستند.» او همچنین با اشاره به پر شدن فرصت‌های شغلی توسط اتباع افغانستانی گفته «هر مجموعه‌ای که این افراد را غیرمجاز به کار گرفته دارای تخلف است و نباید در کشور ما صنایع، ادارات و... این افراد را به کار بگیرند.»

او مدعی برنامه‌ای برای بازگرداندن مهاجرانی شد که به صورت قانونی در کشور هستند و گفته «اتباع مجاز نیز محدود به زمان هستند و باید در زمان مقرر به کشور خود بازگشته و برای اصلاح کشورشان کمک کنند؛ موضوع اتباع نباید در کشورمان وضعیتی سازمان‌نیافته و بی‌سامان داشته باشد و احیاناً در برخی شهرها مردم نگران شوند لذا باید برنامه برای بازگشت این افراد آماده شود.»

بازگشت مهاجران افغانستانی از سوی علی‌رضا فخاری استاندار تهران نیز مورد توجه قرار گرفته است. او با اشاره به حضور ۵۰ درصدی اتباع خارجی کشور در این استان گفته «در تلاش هستیم که اتباع غیرمجاز دستگیر و از کشور خارج شوند.»

«میس پرشیا» برای نخستین بار در رقابت‌های جهانی دختر شایسته جهان در مکزیک



● از آنجا که در ایران در حال حاضر امکان برگزاری رقابت ملی برای انتخاب بانوی شایسته ایران وجود ندارد، «میس پرشیا» به عنوان اولین نماینده ایرانی‌ها و پارسی‌زبان‌ها در کشوری جز کشور مبدأ برگزار می‌شود و همه زنان ایرانی بالاتر از ۱۸ سال که دارای توانایی‌های فردی و اجتماعی و همچنین ظاهر مناسب باشند می‌توانند در آن شرکت کنند.

● «میس یونیورس» یکی از قدیمی‌ترین رقابت‌های جهانی برای برگزیدن دختر شایسته جهان است که از سال ۱۹۵۲ آغاز به کار کرده است. در این رقابت‌ها هر کشوری یک نماینده را انتخاب و به رقابت جهانی که هر سال در یک کشور برگزار می‌شود اعزام می‌کند و در مراسمی به انتخاب داوران «میس یونیورس» برگزیده و معرفی می‌شود. ● گلشن بختیاری مالک «میس پرشیا» فعالیت خود را در این زمینه از سال‌ها قبل آغاز کرده است. او در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ داور رقابت ملی و منطقه‌ای میس یونیورس در ایتالیا بوده است و تجربه حضور در رقابت‌های مختلف و کسب عنوان‌های بین‌المللی را نیز در کارنامه خود دارد.

برگزارکنندگان «میس پرشیا» با انتشار اطلاعاتی در این زمینه خبر داده بودند که امسال برای نخستین بار یک نماینده از ایرانی‌ها و پارسی‌زبان‌ها در رقابت‌های جهانی «میس یونیورس» یا «دختر شایسته جهان» که در نوامبر ۲۰۲۴ در مکزیک برگزار می‌شود شرکت خواهد کرد.

«میس یونیورس» یکی از قدیمی‌ترین رقابت‌های جهانی برای برگزیدن دختر شایسته جهان است که از سال ۱۹۵۲ آغاز به کار کرده است. در این رقابت‌ها هر کشوری یک نماینده را انتخاب و به رقابت جهانی که هر سال در یک کشور برگزار می‌شود اعزام می‌کند و در مراسمی به انتخاب داوران «میس یونیورس» برگزیده و معرفی می‌شود.

مالک پیشین «میس یونیورس» دانالد ترامپ چهل و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا و نامزد ریاست جمهوری امسال (۲۰۲۴) این کشور بود. «میس یونیورس» در سال ۲۰۲۲ به مالکیت جاکا فونگ جاکرا جوتاتیپ کارآفرین و چهره سرشناس اجتماعی و اقتصادی تایلندی درآمد. با مالکیت جدید «میس یونیورس» تغییرات بسیاری کرد و معیارهای آن از تمرکز بر زیبایی ظاهری به تأثیرگذاری در امور اجتماعی و همچنین شخصیت و نقش زنان در جامعه تغییر کرد و عرصه برای انتخاب زنان شایسته بدون محدودیت سنی و با گرایش‌های مختلف باز شد.

ملکه فعلی «میس یونیورس» شنیس پالاسیوس از کشور نیکاراگوئه است که هم‌اکنون در فعالیت‌های بشردوستانه «میس یونیورس» فعالیت می‌کند و به عنوان یک چهره مشهور بین‌المللی با شرکت‌های بزرگ تولیدات بهداشتی و زیبایی نیز همکاری دارد.

شرکت «میس پرشیا» در رقابت‌های ۲۰۲۴

تقاضای شرکت نماینده‌ای از ایران از طرف گلشن بختیاری از چند سال قبل به «میس یونیورس» ارسال شده بود که سرانجام سال گذشته با این تقاضا موافقت شد و امتیاز رسمی آن به او تعلق گرفت. از آنجا که در ایران در حال حاضر امکان برگزاری رقابت ملی برای انتخاب بانوی شایسته ایران وجود ندارد، «میس پرشیا» به عنوان اولین نماینده ایرانی‌ها و پارسی‌زبان‌ها در کشوری جز کشور مبدأ برگزار می‌شود و همه زنان ایرانی بالاتر از ۱۸ سال که دارای توانایی‌های فردی و اجتماعی و همچنین ظاهر مناسب باشند می‌توانند در آن شرکت کنند. «میس یونیورس» برگزیده و معرفی می‌شود. ● گلشن بختیاری مالک «میس پرشیا» فعالیت خود را در این زمینه از سال‌ها قبل آغاز کرده است. او در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ داور رقابت ملی و منطقه‌ای میس یونیورس در ایتالیا بوده است و تجربه حضور در رقابت‌های مختلف و کسب عنوان‌های بین‌المللی را نیز در کارنامه خود دارد. ● گلشن بختیاری مالک «میس پرشیا» فعالیت خود را در این زمینه از سال‌ها قبل آغاز کرده است. او در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ داور رقابت ملی و منطقه‌ای میس یونیورس در ایتالیا بوده است و تجربه حضور در رقابت‌های مختلف و کسب عنوان‌های بین‌المللی را نیز در کارنامه خود دارد.

انتخاب «میس پرشیا»

ثبت نام نامزدهای «میس پرشیا» از ۱۴۰۲ آغاز شده و به زودی نامزدهای نهایی انتخاب و معرفی می‌شوند. پس از آن بین نامزدهای نهایی که دارای شایستگی‌های فردی و اجتماعی و همچنین ظاهر مناسب برای نمایندگی ایران و پارسی‌زبان‌ها باشند ی نفر با رأی داوران انتخاب و به «میس یونیورس» معرفی می‌شود. مراسم انتخاب «میس پرشیا» در هتل «پلازا» ی رم در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۴ برگزار می‌شود.

افزایش ۱۱/۳ درصدی کشته شدن کارگران در محیط کار؛ ۲۱۱۵ قربانی در سال ۱۴۰۲



فوت ۳۴۰ کارگر در حوادث ساختمانی سال ۱۴۰۲
اعلام این آمار در حالیست که روز ۱۲ اردیبهشت خبرگزاری «تسنیم» به نقل از معاون امور کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به کاهش ۹ و نیم درصدی حوادث ناشی از کار در کشور و فوت ۳۴۰ کارگر در حوادث ساختمانی سال ۱۴۰۲ مدعی شد: «این آمار هرچند نسبت به مدت مشابه سال قبل آن، ۲۲ نفر کاهش داشته است اما نیاز است که تشکلهای کارگری و کارفرمایی برای بیمه، ایمنی و آموزش کارگران اهتمام ویژهتری داشته باشند.»
به گفته علیحسین رعیتی فرد، حوادث ناشی از کار در سال ۱۴۰۲، بیش از ۹/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد که بطور میانگین در دو سال گذشته حدود ۷/۵ درصد کاهش یافته است!

در همین ارتباط دی ماه سال گذشته رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی پرحادثه‌ترین و زیان‌آورترین شغل را متعلق به کارگران ساختمانی دانسته و به خبرگزاری ایلنا درباره دلایل آن گفته بود: «مشکلاتی مثل دیسک شدید و آرتروز و فشار بر اندام و استخوان‌ها که خارج از وصف است و عملاً کارگر ساختمانی را در سن ۵۰ سالگی زمینگیر می‌کند.»

در این میان، ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی بلامتکلیف‌اند و هیچ کارگر جدیدی بیمه نمی‌شود. به گفته رییس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کارگران ساختمانی تنها ۶ درصد شاغلین کشور را تشکیل می‌دهند، اما حدود ۵۰ درصد حوادث کار متعلق به همین کارگران است.

اکبر شوکت در دی ۱۴۰۲ با اشاره به این توضیحات در طول ۳ سال پیش از آن توضیح داده بود: «بیمه حدود ۳۰۰ هزار کارگر ساختمانی قطع شده و در حال حاضر حدود ۵۰۰ هزار کارگر در صف انتظار بیمه هستند.»

به گفته وی، اخیراً شاهد کار جدیدی از سوی برخی طرفداران بسازبفروش‌ها ارائه شده تا منابع قانون موجود برای بیمه کارگران هم‌پایش‌نهادی تحت عنوان «استفشاریه» نصف شود. رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی تأکید کرده بود: «کارگران ساختمان مثل سه سال گذشته ←

در سال ۱۴۰۲ در حوادث ناشی از کار، ۲۱۱۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات یک هزار و ۹۰۰ نفر بود، ۱۱/۳ درصد افزایش داشته است.»

علی ضیایی افزود: «از کل تلفات حوادث محیط کار در سال گذشته ۲۰۹۴ نفر مرد و ۲۱ نفر زن بوده‌اند، این در حالی است که تعداد مردان فوت شده در حوادث محیط‌های کاری در سال ۱۴۰۱ یک هزار و ۸۷۰ نفر مرد و تعداد ۳۰ نفر زن بوده است.»

به گفته وی، در این مدت استان‌های تهران با ۴۱۴ نفر، اصفهان با ۱۷۲ نفر، «خراسان رضوی» با ۱۴۷ نفر و مازندران با ۱۳۸ فوتی بیشترین آمار و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با سه نفر، ایلام با ۹ نفر و زنجان با ۱۰ فوتی کمترین آمار تلفات حوادث محیط‌های کار را داشته‌اند.

از سوی دیگر خبرگزاری ایلنا ۳ اردیبهشت به نقل از مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران آمار مصدومان و متوفیان ناشی از حوادث کار در سال ۱۴۰۲ را اعلام کرده و نوشته بود: «بر اساس آمارهای به‌دست آمده در سال گذشته ۴۱۴ نفر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند که با توجه به اینکه این آمار در سال ۱۴۰۱، ۴۰۰ نفر بوده است، آمار متوفیان ناشی از حوادث کار در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱، ۳/۵ درصد افزایش داشته است.»

به گفته مهدی فروزش از این تعداد کارگر قربانی حوادث کار در استان تهران سه زن و ۴۱۱ مرد بوده‌اند.

وی درباره آمار مصدومان ناشی از حوادث کار استان تهران در سال ۱۴۰۲ گفت: «در سال گذشته در مجموع ۳۰۲۸ نفر در استان تهران دچار حوادث ناشی از کار شده‌اند که نسبت به سال ۱۴۰۱ رشد ۲/۲۲ درصدی داشته است.»

فروزش ادامه داد: «بر اساس آمارهای به‌دست آمده در سال گذشته ۲۳۹ زن و ۲ هزار و ۷۹۹ مرد در حوادث ناشی از حوادث کار دچار مصدومیت شده‌اند، این در حالی است که در سال ۱۴۰۱ در مجموع ۲۹۴۳ نفر در حوادث ناشی از کار دچار حادثه شده‌اند که از این تعداد ۲۱۱ نفر زن و ۲۷۳۲ نفر مرد بوده‌اند.»

● رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور: «در مجموع در سال ۱۴۰۲ در حوادث ناشی از کار، ۲۱۱۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات یک هزار و ۹۰۰ نفر بود، ۱۱/۳ درصد افزایش داشته است... از کل تلفات حوادث محیط کار در سال گذشته ۲۰۹۴ نفر مرد و ۲۱ نفر زن بوده‌اند.»

● مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران درباره آمار مصدومان ناشی از حوادث کار استان تهران در سال ۱۴۰۲ گفت: «در سال گذشته در مجموع ۳۰۲۸ نفر در استان تهران دچار حوادث ناشی از کار شده‌اند که نسبت به سال ۱۴۰۱ رشد ۲/۲۲ درصدی داشته است.»

● معاون امور کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اما ظاهراً با استناد به آمار دولتی این وزارتخانه و اشاره به کاهش حوادث ناشی از کار در کشور و فوت ۳۴۰ کارگر در حوادث ساختمانی سال ۱۴۰۲ مدعی شد: «حوادث ناشی از کار در سال ۱۴۰۲، بیش از ۹/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد که بطور میانگین در دو سال گذشته حدود ۷/۵ درصد کاهش یافته است!»

● این در حالیست که رئیس انجمن بهداشت حرفه‌ای ایران با اشاره به افزایش آمار مرگ و میر کارگران به دلیل حوادث و بیماری‌های ناشی از کار «۶۳ درصد از آسیب‌های شغلی منجر به مرگ» را مربوط به مشاغل «ساخت و ساز»، «جنگلداری»، «کشاورزی» و «ماهگیری» دانسته است.

به گفته رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور، آمار مصدومان حوادث محیط‌های کار در سال ۱۴۰۲ نسب به سال پیش از آن افزایش داشته است بطوری که بیش از ۲۷ هزار نفر هنگام کار مصدوم شده‌اند. در این سال، ۲۱۱۵ تن در حوادث محیط‌های کاری جان خود را از دست دادند که از این تعداد ۹۸۳ کارگر قربانی سقوط از بلندی شدند.

رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور درباره آمار کشته‌شدگان ناشی از حوادث محیط‌های کار در سال ۱۴۰۲ به خبرگزاری «ایلنا» گفت: «در مجموع

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران: «پروژه یکدست‌سازی» مردم با اعمال زور و فشار از بالا شکست خورده است



نافرمانی مدنی دختران جوان با پوشش آزاد

پروژه یکدست‌سازی همه جا شکست خورده است و در بخشی از این مصاحبه عنوان کرد، «یکدست‌سازی» پروژه‌ای است که حکومت‌های ایدئولوژیک دنبال کرده‌اند. این پروژه با اینکه حکومت‌های ایدئولوژیک با تمام قوا، زور و فشار از بالا تلاش کرده‌اند آن را پیش ببرند اما همه جا شکست خورده است.

معیدفر ادامه داد، «از آنجا که این اعمال زور برای تحقق یک سلیقه خاص، پشتوانه اجتماعی ندارد حتی در میان کسانی که خودشان با آن هنجارها و ارزش‌های حاکمیت هم‌صدایی دارند. یعنی در خیابان‌ها و در بیشتر مواقع، کسانی که سبک پوشش متفاوتی دارند مورد اعتراض مذهبی‌ها هم قرار نمی‌گیرند و یک نوع همزیستی مسالمت‌آمیز بین آنها ایجاد شده است. ما این همزیستی را در بسیاری از کشورهای اسلامی می‌بینیم. یعنی امروز اساس بر پذیرش ارزش‌های متقابل هست و ما وارد دنیایی شده‌ایم که این تفاوت پذیرفته شده است.»

این جامعه‌شناس عنوان کرد، «خود من هر روز در مترو و شهر رفت و آمد دارم و می‌بینم که چگونه گروه‌های مختلف مردم به همدیگر احترام می‌گذارند. وقتی که در جامعه زمینه اعتراض به سبک زندگی گروه دیگر وجود ندارد، حاکمیت مجبور است به زور آن را دنبال کند. طبیعتاً چون وجدان عمومی پشت سرش نیست، حتماً شکست خواهد خورد. البته خسارت‌های خیلی سنگینی هم به جامعه وارد خواهد کرد.» وی در بخش دیگری از این مصاحبه مداخله‌های حکومت در زندگی مردم را عامل «دین‌گریزی» دانست و گفت، «این دخالت‌ها، ثلمه‌ای [شکاف و روزن] به دین وارد کرده که حالا حالاها آثار منفی آن را خواهیم داشت.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳ در خطبه‌های نماز «عید فطر» از مسئولان نظام و آمران به معروف خواست با بی‌حجابی مقابله کنند. از روز ۲۵ فروردین نیروی انتظامی با همکاری سپاه و بسیج و شهرداری‌ها «طرح نور» را که بطور مشخص افزایش سرکوب علیه زنان و دختران به بهانه حجاب را دنبال می‌کند، آغاز کردند.

همزمان با افزایش سرکوب‌ها علیه زنان به بهانه حجاب، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران می‌گوید که جامعه «هر روز از سبک زندگی که حکومت می‌خواهد اعمال کند، فاصله بیشتری می‌گیرد و هر روز فاصله و شکاف‌های عمیق‌تری بین ارزش‌ها و هنجارهای حاکمیت با مردم می‌بینیم.»

همزمان با افزایش سرکوب‌ها علیه زنان به بهانه حجاب، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران می‌گوید که جامعه «هر روز از سبک زندگی که حکومت می‌خواهد اعمال کند، فاصله بیشتری می‌گیرد و هر روز فاصله و شکاف‌های عمیق‌تری بین ارزش‌ها و هنجارهای حاکمیت با مردم می‌بینیم.»

وی اعتراضات سال ۱۴۰۲ را نتیجه شکاف عمیق میان مردم و حکومت دانست اما گفت، «به نظر می‌رسد که یک نوع فراموشی در بخش‌هایی از حاکمیت وجود دارد. به این حرف‌ها گوش داده نمی‌شود.»

سعید معیدفر در مصاحبه با وبسایت «جماران»، وبسایتی که وابسته به خانواده خمینی است، گفت، طی ۴۵ سال گذشته «افراد حاضر در اعتراضات، مدتی سبک زندگی خودشان را نشان دادند و امروز نهایتاً تصمیمی که دوباره حاکمیت گرفته این است که اوضاع را به شرایط قبل از نیمه دوم ۱۴۰۱ برگرداند. اما این امر به نظر می‌رسد که امکان‌پذیر نیست چرا که به لحاظ جامعه‌شناختی می‌گوییم یک هنجار یا قاعده زمانی می‌تواند شایع و محقق شود که از یک پشتوانه قوی وجدان جمعی یا حمایت مردم برخوردار باشد.»

وی توضیح داد، «طی قرن‌ها و سده‌های متعدد مردم زندگی می‌کردند و هنجارها و سبک زندگی، پوشش، آرایش و آداب و رسوم خودشان را داشتند. مردم بطور عموم یک چیزی را پذیرفته بودند و بین خودشان قرارداد عرفی بود و نهایتاً چون آن عرف از یک پشتوانه قوی اجتماعی برخوردار بود و مردم مبتنی بر هنجارهای خودشان از آن عرف حمایت می‌کردند، و اساساً نیاز به اعمال زور از بالا نداشت.»

همچنان در بلا تکلیفی بسر می‌برند و استرس و اضطراب قطع شدن بیمه سه سال است همراهشان است.» به گفته شوکت «متأسفانه زور بساز بفروش ما در صنف ما آنقدر زیاد است که به راحتی حق و حقوق کارگر ساختمانی را که جزو مشاغل سخت و زیان‌آور است نادیده می‌گیرند. باوجود آنکه تنها ۶ درصد شاغلین کشور را تشکیل می‌دهیم ولی ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار متعلق به کارگران بخش ساختمان است.»

روزنامه «کار و کارگر» چاپ تهران نیز در شماره روز یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ با بیان اینکه ۷۶ درصد از قربانیان حوادث کار در سال ۱۴۰۱ بیمه تامین اجتماعی نداشتند نوشت: «سازمان تامین اجتماعی اعلام کرده که در سال گذشته ۴۵۵ مورد از حوادث شغلی، منجر به فوت کارگر شده است. این در حالیست که طبق آمار پزشکی قانونی، تعداد ۱۹۰۰ کارگر نیز در سال ۱۴۰۱، جان خود را بر اثر حوادث شغلی از دست داده‌اند. این آمار بدین معناست که ۷۶ درصد از کارگرانی که در حوادث شغلی، جان خود را از دست داده‌اند، از داشتن بیمه تامین اجتماعی محروم بوده‌اند.»

در ادامه این گزارش با اشاره به تفاوت بسیار زیاد آمار سازمان تامین اجتماعی از حوادث کار با آمار سازمان پزشکی قانونی آمده بود: «تعداد مصدومین ناشی از حوادث کار در آمار پزشکی قانونی ۶/۷ برابر و تعداد متوفیان ناشی از حوادث کار ۴/۱۸ برابر آمار سازمان تامین اجتماعی است که نشان می‌دهد بخش اعظمی از حوادث کار برای کارگرانی اتفاق افتاده است که از بیمه تامین اجتماعی محروم بوده‌اند.»

از سوی دیگر، مزد ناکافی نیز از دلایل اصلی تشدیدکننده حوادث شغلی است! خبرگزاری ایلنا در ۱۵ اردیبهشت به نقل از یک متخصص ایمنی کار نوشت: «نیروی کار باید با دلخوش کار کند تا بتواند با حفظ انگیزه تمامی دقت خود را در دست اجرا شدن فرآیندهای کار به کار ببندد و اگر چنین نباشد، باید هر لحظه منتظر حادثه‌ای باشیم که یا جان نیروی کار یا سرمایه را به مخاطره بیندازد.»

مرگ ماهانه ۱۸۰ کارگر در ایران به دلیل حادثه در محیط کار

در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲ «سقوط از ارتفاع» با ۴۹۸ نفر، «اصابت جسم سخت» با ۲۴۶ نفر اصلی‌ترین دلایل جان باختن کارگران در محل کار بوده است.

برخی کارگران به دلیل حادثه در محل کار نمی‌میرند اما به مرور در اثر فشار ناشی از بار روی بدن و فیزیک استخوان و اندام، یا استنشاق مواد مختلف، به مرور دچار بیماری شدید و مرگ زودرس می‌شوند.

اما کدام بیماری‌ها سلامت کارگران را تهدید می‌کند است؟ در این ارتباط رئیس انجمن بهداشت حرفه‌ای ایران با اشاره به افزایش آمار مرگ و میر کارگران به دلیل حوادث و بیماری‌های ناشی از کار گفته است: «بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان و بیماری‌های تنفسی جزء مواردی است که سلامت کارگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بطوری که سه چهارم مرگ‌های ناشی از کار مربوط به این بیماری‌هاست.»

دکتر حسن اصیلیان مهابادی ۱۱ اردیبهشت امسال با بیان اینکه «ساخت و ساز»، «جنگل‌داری»، «کشاورزی» و «ماهگیری» جزو پرخطرترین مشاغل هستند در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» ۶۳ درصد از آسیب‌های شغلی منجر به مرگ را مربوط به مشاغل «ساخت و ساز»، «جنگل‌داری»، «کشاورزی» و «ماهگیری» دانسته است.

وضعیت نگران کننده تغییرات اقلیمی در ایران با پروژه‌های انتقال آب بین استان‌ها



خشکی زاینده‌رود

سد تاریخی وجود دارد. نمی‌شود که ۳۰۰ سد داشته باشیم، اما در سطح خانگی اصلا به دنبال استحصال آب نباشیم!» این پژوهشگر ارشد مطالعات آب و توسعه پایدار به تغییر الگوی بارندگی اشاره کرده و گفته «تغییر الگوی بارندگی ما وضعیت سقوط در قعر یک چاه کم‌آب را نشان می‌دهد. تنها بارش کم نشده بلکه الگوی بارندگی نیز بطور کامل معناداری تغییر پیدا کرده است. از بارندگی‌هایی که به صورت پیوسته با حجم کمتر در فاصله زمانی کمتر اتفاق می‌افتاد، یکباره با شرایطی مواجه شده‌ایم که در برخی مناطق چندین ماه و یا حتی چندین سال بی‌بارشی داریم و یکباره بارش سیل‌آسا اتفاق می‌افتد که این مخاطره طبیعی بحث سیل و خشکسالی را به همراه می‌آورد.»

«بیان منفی آبخوان‌ها» از دید این پژوهشگر یک هشدار بزرگ بوده که مورد توجه قرار نگرفته است: «در سیستان مظلوم شاهد هستیم امروز زلزله می‌آید و فردا سیل! هنوز سیل نرفته امواج گرمایی وارد می‌شوند. ما در ادبیات، از آن با عنوان مخاطرات اولیه و خسارت‌ها اولیه و ثانویه یاد می‌کنیم. وقتی با سیل مواجه هستیم تا مردم با شرایط می‌خواهند سازگار شوند یکباره مسئله دیگری پیش می‌آید. اکثریت دشت‌های ما ممنوعه هستند و با روند روزافزون آن هم مواجه هستیم. بیان منفی آبخوان‌ها که منابعی استراتژیک بودند امروز برای ما هشدار بزرگی است و آنها به لحاظ کمی و کیفی در ۵۰ و ۶۰ سال اخیر بسیار تهدید شده‌اند.»

محمدرضا فرزانه وضعیت آینده ایران در رابطه با تغییرات اقلیمی را بسیار نگران‌کننده ارزیابی کرده و معتقد است که «تنها استراتژی متناسب با کشور ما، استراتژی تالاب است که جنبه سازگاری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش خسارت‌های مخاطرات طبیعی را دارد.»

او توضیح داده که «در کشورمان ۲۲۶ تالاب داریم که متأسفانه بسیاری از آنها در حال خشک شدن هستند. ←

او همچنین با تأکید بر اینکه «استراتژی توسعه صنعتی نداریم» گفته «آمایش سرزمین به تعادل‌سازی انسان، فعالیت و فضا می‌پردازد و سعی می‌کند توسعه متوازی در جغرافیای کشور صورت گیرد. در کشورهایی مانند کشورهای اروپایی که فضاهای همگن‌تری دارند، شاید این کار ساده‌تر صورت گیرد، اما درباره کشوری مانند ایران که فضای ناهمگنی دارد، حتما باید با آمایش سرزمین، همگن سازی انجام شود و سعی کنیم همه کشور به یک میزان توسعه یابد. توسعه امری نیست که بتواند خود به خود توازن منطقه‌ای ایجاد کند.»

به گفته محسن علوی منش «عدم توسعه یک منطقه، برای مناطق توسعه یافته هم ایجاد مشکل می‌کند. مهاجرت مسائلی مانند حاشیه‌نشینی، تمرکز بالا، افزایش ترافیک و قیمت مسکن را ایجاد می‌کند. بنابراین اگر می‌خواهیم استراتژی توسعه صنعتی داشته باشیم، نیازمند آمایش سرزمین هستیم و در آمایش سرزمین هم باید استراتژی توسعه صنعتی داشت.»

محمدرضا فرزانه پژوهشگر ارشد مطالعات آب و توسعه پایدار نیز در این نشست به سیاست‌های نادرستی که به هدر رفتن منابع آبی کشور شده اشاره کرده و گفته «ما در عرض ۶۰ یا ۷۰ سال گذشته این منابع را به راحتی با تغییر نظام بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی از دست دادیم. در نتیجه اکثر دشت‌های ما اکنون ممنوعه هستند و بیان منابع آب زیرزمینی ما منفی است. فرونشست اتفاق افتاده، حجم منابع آب زیرزمینی را از دست داده‌ایم و هیچگونه بازگشتی درباره آنها وجود ندارد.»

بر اساس توضیحات محمدرضا فرزانه «در بهره‌برداری از منابع آب سطحی نیز بهره‌برداری ناپایدار را دنبال می‌کنیم. گذشتگان ما متوجه شده بودند که ابتدا باید در سطح خانگی استحصال آب را داشته باشند بعد در سطح محلی. برای نمونه در جزیره قشم اگر ۳۰۰ آب‌انبار داریم، تنها دو

● مدیر گروه توسعه و برنامه‌ریزی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفته در برنامه چهارم، حکم آمد که باید اسناد آمایش ملی و استانی را بنویسید، انجام نشد و در اسفند ماه ۱۴۰۰ اسندهای ملی و استانی آمایش سرزمین به تصویب رسید که ناقص است.

● محمدرضا فرزانه پژوهشگر ارشد مطالعات آب و توسعه پایدار: تنها استراتژی متناسب با کشور ما، استراتژی تالاب است که جنبه سازگاری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش خسارت‌های مخاطرات طبیعی را دارد.

● محمدرضا فرزانه: ما در عرض ۶۰ یا ۷۰ سال گذشته منابع آب را با تغییر نظام بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی از دست دادیم در نتیجه اکثر دشت‌های ما اکنون ممنوعه هستند و بیان منابع آب زیرزمینی ما منفی و فرونشست اتفاق افتاده است.

پژوهشگران با هشدار نسبت به اثرات مخرب تغییرات اقلیمی در ایران طی سال‌های گذشته معتقدند سیاست‌های ناکارآمد و غیرکارشناسی جمهوری اسلامی از جمله برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای تشدیدکننده بحران‌های آب و هوایی هستند.

کارشناسان با اشاره وضعیت نگران‌کننده تغییر اقلیم در ایران، «راندان آب‌باری و بهره‌وری آب کشاورزی»، «تغییر الگوی بارندگی»، «بیان منفی آبخوان‌ها» و از همه مهمتر «پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای» را از جمله عوامل تشدیدکننده مشکلات تغییر اقلیم در ایران ارزیابی می‌کنند.

محسن علوی‌منش مدیر گروه توسعه و برنامه‌ریزی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در نشست با عنوان «آب، محیط زیست، آمایش سرزمین و توسعه پایدار» گفته «در برنامه چهارم، حکم آمد که باید اسناد آمایش ملی و استانی را بنویسید، انجام نشد» و «در اسفند ماه ۱۴۰۰ و در اواخر دولت قبل، اسندهای ملی و استانی آمایش [آماده ساختن] سرزمین به تصویب رسید که متأسفانه ناقص است.»

تیم پناهندگان المپیک با چهارده ورزشکار ایرانی در بازی‌های تابستانی پاریس شرکت می‌کند



پارالمپیک جمهوری اسلامی هر دو از نیروهای سپاه پاسداران و سپاه قدس هستند. من از این در تعجبم که سازمان‌های حقوق بشر با مشاهده نقض فاحش منشور المپیک در ورزش ایران اقدامات کارسازی انجام نمی‌دهند!

مجید فلاح در بخش دیگری از این گفتگو مقایسه‌ای دارد با ورزش ایران در زمان محمدرضا شاه فقید و از آن به عنوان نوستالژی یاد می‌کند و می‌افزاید: «در آنچه بر سر از جمله ورزش ایران آمده، همه ما مسئولیم، چه آنهایی که در پنجاه و هفت به خیابان‌ها آمدند و خمینی‌گویان خواهان برچیده شدن نظام شاهنشاهی شدند، چه آنهایی که در حمایت از محمدرضا شاه فقید خانه‌نشینی را برگزیدند و چه آن معدود کسانی که همچنان دل در گرو این نظام دارند. ورزش ایران در آن دوره، علاوه بر اینکه موجب بالندگی ایران و ایرانی بود در مسیر درستی از پیشرفت و ترقی حرکت می‌کرد. میزبانی بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران و به دنبال آن نامزدی میزبانی جام جهانی ۱۹۹۰ فوتبال دو شاخص مهم برای ارزیابی ورزش در دوره شاهنشاهی هستند؛ ضمن اینکه ایران میزبان بسیاری از مسابقات جهانی، آسیایی و ارتش‌ها نیز شده بود و زنان ورزشکار ایرانی نیز در تیم‌های ملی حضور داشتند.»

در ادامه‌ی این گفتگو، او از ورزشکارانی نام می‌برد که هزینه دادند؛ از مدال‌های رنگارنگ مهسا موگویی در تکواندو یاد می‌کند، به مجیدرضا رهنورد و نوید افکاری اشاره می‌کند که رژیم با چه اتهامات واهی جان عزیزشان را گرفت. از وفای امین بزرگر به رفیق شفیق نوید می‌گوید که برای رفاقت با وی جان‌اش را هم داد.

مجید فلاح در پایان اضافه می‌کند: «من از همه ایرانیان حاضر در تیم پناهندگان المپیک دعوت می‌کنم حال که به ساحل امن رسیده‌اید در پاریس سفیران واقعی ملت رنج‌دیده ایران باشید، فراموش نکنید که پدر دادخواه محمدمهدی کرمی و خانواده نوید افکاری همچنان در زندان هستند؛ امیر رضا نصر آزادانی به حبس درازمدت محکوم شده و خالد پیرزاده زیر فشار طاقت‌فرسای شکنجه و انفرادی قرار دارد. از شما می‌خواهم صدای خفه‌شده ورزشی باشید که چهل و پنج سال استبداد مذهبی را تحمل می‌کند و کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش نسبت به آن کم‌تفاوت هستند.»

● چهارده ورزشکار ایرانی در رشته‌های مختلف با پرچم پناهندگان در بازی‌های پاریس ۲۰۲۴ حضور خواهند داشت.

● مجید فلاح قهرمان کیک بوکسینگ و موی تای جهان و دبیرکل «انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران»: «سیطره سازمان حراست و سپاه پاسداران بر ورزش ایران نیز بر کسی پوشیده نیست. رییس کمیته ملی المپیک و پارالمپیک جمهوری اسلامی هر دو از نیروهای سپاه پاسداران و سپاه قدس هستند. من از این در تعجبم که سازمان‌های حقوق بشر با مشاهده نقض فاحش منشور المپیک در ورزش ایران اقدامات کارسازی انجام نمی‌دهند!»

سی و شش ورزشکار از یازده کشور جهان در دوازده رشته مختلف ورزشی در بازی‌های تابستانی پاریس، تیم پناهندگان المپیک را همراهی خواهند کرد.

امیر رضانژاد حسن جانی، سمن سلطانی و سعید فضل‌الله در رشته قایقرانی، دینا پوریونس لنگرودی، هادی تیران ولی پور و کسری مهدی‌پور نژاد هر سه در رشته تکواندو، درسا باوری وفا در رشته بدمیتون، ایمان مهدوی و جمال ولی زاده در رشته کشتی، محبوبه بربری و محمد رشونژاد در رشته جودو، امید احمدی صفا در رشته بوکس، یکتا جمالی در وزنه‌برداری و امیر انصاری در رشته دوچرخه‌سواری چهارده ورزشکار ایرانی هستند که با پرچم پناهندگان در بازی‌های پاریس ۲۰۲۴ حضور خواهند داشت.

مجید فلاح قهرمان کیک بوکسینگ و موی تای جهان و دبیرکل «انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران» ضمن ابراز خرسندی از اینکه توماس باخ رییس کمیته بین‌المللی المپیک فرصتی را برای ورزشکاران پناهنده فراهم آورده که بتوانند در بازی‌های المپیک شرکت داشته باشند در گفتگویی با کیهان لندن از ضرورت توجه سازمان‌های حقوق بشری به ورزش ایران صحبت کرده است. وی می‌گوید: «تفکیک جنسیتی در ورزش ایران نهادینه شده است، زنان در بسیاری از رشته‌های ورزشی حق ورزش کردن ندارند ضمن اینکه مردان نیز مجاز نیستند در ورزش زنان اعم از مربی یا تماشاگر حاضر باشند؛ اسرائیل‌ستیزی به هویت ورزشی در این نظام بدل شده و ورزشکاران بهایی و کلیمی در محرومیت بسر می‌برند. از طرفی سیطره سازمان حراست و سپاه پاسداران بر ورزش ایران نیز بر کسی پوشیده نیست. رییس کمیته ملی المپیک و

بنابراین جا دارد درباره اهمیت تالاب بیشتر گفتگو و مطالعه کنیم و ببینیم ما در حال از دست دادن چه نعمت بزرگی هستیم. اگر تالاب‌ها خشک شوند ما نمی‌توانیم هیچ چیز دیگری را جایگزین آن کنیم. تنها استراتژی متناسب با کشور ما، استراتژی تالاب است که جنبه سازگاری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش خسارت‌های مخاطرات طبیعی دارد.»

همانطور که این دو پژوهشگر عنوان کرده‌اند کمبود و هدررفت منابع آب زیرزمینی در چند دهه گذشته به دلیل سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی تشدید شده و به مرحله بحران رسیده است. آثار خالی شدن سفره‌های زیرزمینی آب در ایران با بروز و گسترش پدیده‌هایی چون فرونشست زمین نمایان شده است.

علی بیت‌الهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی گفته در استان فارس بیشترین نرخ فرونشست زمین در محدوده مرودشت بوده و نرخ آن در این منطقه به ۱۷ سانتیمتر در سال می‌رسد که آثار تاریخی تخت جمشید و نقش رستم در این محدوده قرار دارد.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی توضیح داده «در حالی که ۵۰ سال گذشته در مرودشت با حفر چاه ۳۰ متری به آب می‌رسیدند امروز با حفر چاهی به عمق ۱۲۰ متری هم به آب نمی‌رسند و در طول این سال‌ها با برداشت‌های بی‌رویه آب وضعیت فرونشست در این منطقه بحرانی شده است.»

علی بیت‌الهی افزوده «در حاشیه این پهنه فرونشستی خطرناک استان فارس دو آثار تاریخی ارزشمند و منحصر به فرد نقش رستم و تخت جمشید واقع شده که متأسفانه در بازدیدها شکاف‌های فرونشستی در محوطه تخت جمشید کاملاً مشخص و واضح است و مهمتر اینکه در حال توسعه است. این شکاف‌ها به مجرای نفوذ آب تبدیل می‌شوند و تونل‌های زیرسطحی را ایجاد می‌کنند و در نهایت به فروریزش سطحی زمین منجر می‌شوند.»

او در ادامه گفته «در نقش رستم هم دقیقاً در مجاورت و نزدیکی صخره‌های سنگی و نقش نگارهای سنگی ارزشمند، شکاف عمیق و عجیب طولی با عمق چشمی ۶ متر و با عرض نیم متری وجود دارد که این نشان می‌دهد این زون [ناحیه] بسیار خطرناک است.»

استان اصفهان به عنوان بحرانی‌ترین استان در زمینه فرونشست زمین شناخته می‌شود و آثار تاریخی این استان نیز در معرض خطر قرار دارند. علی بیت‌الهی در اینباره گفته که «نرخ فرونشست در میدان نقش جهان به حدود ۵ سانتی‌متر در سال رسیده اما موضوع مهم این است که از آنجایی این آثار تاریخی خشتی و بنایی هستند و مصالح ساختمانی بهم پیوسته ندارند، با کوچکترین انزجاج دچار ترک‌خوردگی می‌شوند.»

به گفته علی بیت‌الهی در استان اصفهان مسئله دیگری بجز حفر چاه روند گسترش فرونشست را تشدید کرده است: «پس از اینکه در دولت احمدی‌نژاد حوزه آبریز استانی شد، آب زاینده رود با برداشت‌های آب در بالادست قطع شد. در مقطعی آب زاینده رود در بازه زمانی ۶ ماهه قطع می‌شد اما در حال حاضر بطور کلی قطع شده و هر از چند گاهی برای کشت بهاره و پاییزه برای چند روز جریان آب را باز می‌کنند.» او گفته «در همین محدوده‌ای که با کمبود منابع آبی مواجه هستند آب را با لوله به یزد منتقل می‌کنند و جالب‌تر اینکه می‌خواهند آب دریا را با شیرین‌کن به یزد و دوباره از یزد به اصفهان منتقل کنند که بطور قطع، نتیجه این برنامه‌ها و اقدامات گسترش پهنه‌های فرونشستی و کمبود آب در هر دو استان است.»

ارائه آمارهای اقتصادی در جریان درگیری‌های جناحی حکومت؛

۶۰۰ هزار میلیارد تومان چاپ پول در دولت رئیسی؟!

عبدالناصر همتی که کارنامه‌ای منفی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی در دولت روحانی بجا گذاشته طی روزهای گذشته ادعایی درباره رقم چاپ پول در دولت رئیسی مطرح کرده است: ۶۰۰ هزار میلیارد تومان!

بهمین آرمان اقتصاددانان: این انتقادات بیشتر به دلیل دعوای سیاسی تا دغدغه اقتصادی مطرح شده است.

«چاپ پول» به عنوان در دسترس‌ترین راهکار برای جبران کسری بودجه از سوی همه دولت‌های جمهوری اسلامی، از جمله دولت حسن روحانی که عبدالناصر همتی ریاست بانک مرکزی در آن دوره را بر عهده داشت، صورت گرفته است.

هزینه ۲۰۰ میلیارد تومانی برای

«تشریفات شروع مجلس دوازدهم»!

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران گزارش داده «در یکی از این ردیف‌های بودجه، مجلس شورای اسلامی قرار دارد که مبلغ ۲۰۰ میلیارد تومان بابت «هزینه‌های شروع دوره جدید مجلس» قرار است پرداخت شود.»

دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار است اوایل خردادماه امسال افتتاح شود.

نتایج یک پیمایش حکومتی؛

نارضایتی گسترده زنان، جوانان و

تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی از وضعیت

سیاسی ایران

۶۲/۳ درصد از زنان شرکت‌کننده در این پژوهش معتقد هستند که وضعیت سیاسی کشور در ۵ سال گذشته بدتر شده است.

بیشترین نارضایتی از وضعیت سیاسی ایران در بین



نتایج یک پیمایش حکومتی؛

نارضایتی گسترده زنان، جوانان و

تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی از

وضعیت سیاسی ایران

شکایت و مجازات علیه افکندن نور بر تاریکی

در خبرها آمده به درخواست غلامعباس ترکی معاون دادستان کل کشور و در اقدامی عجیب، پرونده‌ای قضایی به اتهام «توهین به جایگاه معلم» برای عوامل سریال «افعی تهران» تشکیل شده است. ادعای «شأن و جایگاه معلم» از سوی دادستانی جمهوری اسلامی در حالیتی که هاشم خواستار، جواد لعل‌محمدی، محمدحسین سپهری، رسول بداقی، عزیز قاسم‌زاده، اصغر امیرزادگان، طاهر اصغرپور، ناهید شیرپیشه، محمد صادقی، حجت‌الله رافعی، امان جلالی‌نژاد همگی تنها بخش کوچکی از معلمین زندانی محبوس در زندان‌های جمهوری اسلامی هستند که به جرم حق و داد و آزادی‌خواهی بازداشت، محبوس، شکنجه و از حقوق انسانی و حرفه‌ای خود محروم شده‌اند.

شأن معلم چگونه مخدوش می‌شود؟ با حضور به عنوان کاراکتر منفی و بازتاب یک واقعیت در یک روایت یا پشت میله‌های زندان با حکمی که مهر اخراج نیز بر آن خورده است؟!

وضعیت نگران‌کننده تغییرات اقلیمی در ایران با پروژه‌های انتقال آب بین استان‌ها

مدیر گروه توسعه و برنامه‌ریزی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفته در برنامه چهارم، حکم آمد که باید اسناد آمایش ملی و استانی را بنویسید، انجام نشد در اسفند ماه ۱۴۰۰ سندهای ملی و استانی آمایش سرزمین به تصویب رسید که ناقص است. محمدرضا فرزانه پژوهشگر ارشد مطالعات آب و توسعه پایدار: تنها استراتژی متناسب با کشور ما، استراتژی تالاب است که جنبه سازگاری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش خسارت‌های مخاطرات طبیعی را دارد. محمدرضا فرزانه: ما در عرض ۶۰ یا ۷۰ سال گذشته منابع آب را با تغییر نظام بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی از دست دادیم در نتیجه اکثر دشت‌های ما اکنون ممنوعه هستند و بیابان منابع آب زیرزمینی ما منفی و فرونشست اتفاق افتاده است.



«بچه‌های اکباتان» کجا هستند؟

به گزارش صفحه ایکس شهرک اکباتان چهار زندانی انقلاب ملی به نام‌های #میلاد_آرمون، #نوید_نجانران، #مهدی_حسینی و #مهدی_ایمانی موسوم به «بچه‌های اکباتان» از اوایل هفته گذشته توسط اطلاعات سپاه از زندان قزل‌حصار تحویل گرفته شده و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند و همچنان هیچ خبری از وضعیت آنها نیست.

خسرو بشارت و کامران شیخه در خطر اجرای حکم اعدام؛ نگاهی به دو پرونده با صدور حکم اعدام برای ۱۶ زندانی

تنها در سال ۱۴۰۲ دست‌کم هفتصد و شصت و هفت شهروند در ایران اعدام شدند. این آمار شامل بیست و یک زن و دو کودک-مجرم نیز هست. زندانیان اعدام شده سیاسی، عقیدتی و امنیتی نیز شامل در این آمار هستند. خطر اجرای حکم اعدام خسرو بشارت و کامران شیخه، با توجه به اینکه اخیراً حکم انور خضری، دیگر هم‌پرونده ای آنها اجرا شده، بسیار محتمل است. امری که تلاش جدی نهادهای حقوق بشری برای توقف حکم اعدام آنها و تمامی زندانیان در خطر اجرای حکم را می‌طلبد.

افزایش ۱۱/۳ درصدی کشته شدن کارگران در محیط کار؛ ۲۱۱۵ قربانی در سال ۱۴۰۲

رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور: «در مجموع در سال ۱۴۰۲ در حوادث ناشی از کار، ۲۱۱۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات یک هزار و ۹۰۰ نفر بود، ۱۱/۳ درصد افزایش داشته است... از کل تلفات حوادث محیط کار در سال گذشته ۲۰۹۴ نفر مرد و ۲۱ نفر زن بوده‌اند». مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران درباره آمار مصدومان ناشی از حوادث کار استان تهران در سال ۱۴۰۲ گفت: «در سال گذشته در مجموع ۳۰۳۸ نفر در استان تهران دچار حوادث ناشی از کار شده‌اند که نسبت به سال ۱۴۰۱ رشد ۳/۲۲ درصدی داشته است.»

معاون امور کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اما ظاهراً با استناد به آمار دولتی این وزارتخانه و اشاره به کاهش حوادث ناشی از کار در کشور و فوت ۳۴۰ کارگر در حوادث ساختمانی سال ۱۴۰۲ مدعی شد: «حوادث ناشی از کار در سال ۱۴۰۲، بیش از ۹/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد



افزایش ۱۱/۳ درصدی

کشته شدن کارگران در محیط کار؛

۲۱۱۵ قربانی در سال ۱۴۰۲

افراد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال است و ۶۴/۲ درصد شرکت‌کنندگان با تحصیلات دانشگاهی معتقدند وضعیت سیاسی کشور در پنج سال گذشته بدتر شده است.

اکثر شرکت‌کنندگان وضعیت سیاسی در پنج سال آینده را بدتر از اکنون پیش‌بینی کرده‌اند. همچنین زنان با ۵۶ درصد بیش از مردان با ۵۵/۱ درصد معتقد به بدتر شدن وضعیت سیاسی کشور در پنج سال آینده هستند.

که بطور میانگین در دو سال گذشته حدود ۷/۵ درصد کاهش یافته است!»

این در حالیست که رئیس انجمن بهداشت حرفه‌ای ایران با اشاره به افزایش آمار مرگ و میر کارگران به دلیل حوادث و بیماری‌های ناشی از کار «۶۳ درصد از آسیب‌های شغلی منجر به مرگ» را مربوط به مشاغل «ساخت و ساز»، «جنگل‌داری»، «کشاورزی» و «ماه‌گیری» دانسته است.

بازگشت بنزین پتروشیمی به چرخه‌ی سوخت با وجود آلاینده‌ی شدید و خطر برای سلامت شهروندان

بنزین پتروشیمی از نظر استاندارد اصلاً بنزین به شمار نمی‌رود و به دلیل داشتن ترکیبات بنزن و تلوئین که در آن بسیار بالاتر از حد استاندارد است، تهدیدی جدی برای محیط زیست و جان انسان‌ها ارزیابی می‌شود. مرتضی افقه اقتصاددان معتقد است دولت به هر بهانه‌ای قیمت بنزین را گران کند، علت اصلی آن اینست که درآمد ندارد و با افزایش قیمت‌ها از آب و گاز و بنزین، و افزایش مالیات به دنبال افزایش درآمد است. آلبرت بغزبان اقتصاددان با اشاره به توسعه‌نیافتگی سیستم حمل و نقل عمومی گفته اگر با محدود کردن سهمیه یا افزایش قیمت بنزین مردم را بیشتر به سمت حمل و نقل عمومی روانه کنیم، تنها مشکلات و نارضایتی‌ها بیشتر خواهد شد.

امیر تتلو در زندان توبه کرده و در مدح «امیرالمومنین» شعر سروده!

الهام رحیمی فرکیل امیرحسین مقصدولو (تتلو) در مصاحبه با روزنامه «جام جم» (وابسته به صداسیما جمهوری اسلامی) که روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت منتشر شد، گفت موکلش «اظهار ندامت و توبه» کرده و برای اثبات توبه‌اش در زندان شعری «در مدح امیرالمومنین» سروده است! بعد از دو مین جلسه دادگاه امیر تتلو، ظاهراً آهنگ‌های سیاسی او از یوتیوب حذف شده است. فریده واثق مادر امیر تتلو در جدیدترین پست اینستاگرامی‌اش نوشت: «به جون خودش رفتم چادر خریدم... به چادر مشکی حریر گل‌کلی برجسته مخملی، زنگ‌زده می‌گه، چادر و حجاب...!»

معاملات مسکن با دلار و رمزارز؛

«دلارزدایی» جمهوری اسلامی از اقتصاد به کجا رسید؟

مهدی کرباسیان عضو هیات رئیسه اتحادیه مشاوران املاک



معاملات مسکن با دلار و رمزارز؛
 «دلارزدایی» جمهوری اسلامی
 از اقتصاد به کجا رسید؟

گفته برخی فروشندگان آپارتمان از خریداران تقاضای دلار، ارز دیجیتال، طلا و... می‌کنند. در اسفندماه پارسال قرارداد گام دوم توسعه میدان نفتی «آذر» بین شرکت ملی نفت ایران و «شرکت مهندسی و توسعه سروک‌آذر» امضا شد. مقامات جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته و در شرایط تحریم تصور می‌کردند توان مقابله با ارزش و قدرت «دلار» را در اقتصاد جهانی دارند و به این شکل خواهند توانست با آمریکا مقابله کنند!

به بهانه «بدحجابی»؛ حراست دانشگاه علوم پزشکی مانع حضور برخی پزشکان زن به کنگره جراحان ایران شد

روزنامه «اعتماد» گزارش داده که مأموران حراست دانشگاه علوم پزشکی به بهانه «بدحجابی» برای شماری از پزشکان زن و دیگر زنان دعوت شده به کنگره چهل و پنجم جامعه جراحان مزاحمت ایجاد کرده و از ورود آنها به نشست کنگره جلوگیری کردند.

بر اساس این گزارش مأموران حراست دانشگاه علوم پزشکی ایران با همراهی «یک خانم محجبه» در اتاق کوچکی که محل ورود دانشجویان و مراجعان است، از ورود پزشکان زن و زنان فعال در تولید تجهیزات پزشکی به بهانه «بدحجابی» و «کوتاهی قد مانتو یا شلوار»، یا «تنگ بودن مانتو» جلوگیری کرده و ورود مهمانان کنگره را مشروط به تعویض و تغییر لباس کردند. این رویه سبب شد برخی از زنان نتوانند در کنگره جراحان ایران شرکت کنند.

یکی از بانوان شرکت‌کننده ناچار شده برای خرید مانتویی که مورد تأیید مأمور حراست باشد، یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان پول بدهد تا اجازه ورود به کنگره بگیرد. کنگره چهل و پنجم جامعه جراحان روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت در مرکز همایش‌های رازی در محوطه دانشگاه علوم پزشکی برگزار شد.

مرگ و معلولیت بیماران به دلیل کمبود و گرانی دارو؛ جان باختن ۱۱۰۰ بیمار تالاسمی طی شش سال

رئیس انجمن تالاسمی ایران با بیان اینکه «۳۵ تا ۴۰ درصد از بیماران تالاسمی برای زنده ماندن راهی به غیر از مصرف داروی خارجی ندارند» گفته کمبود دارو سبب مرگ



مرگ و معلولیت بیماران
 به دلیل کمبود و گرانی دارو؛
 جان باختن ۱۱۰۰ بیمار تالاسمی
 طی شش سال

زود هنگام این بیماران می‌شود. ایجاد وقفه در دسترسی به دارو درباره بیماران هموفیلی، منجر به خونریزی و تخریب مفصل شده و بیمار نیمه‌معلول می‌شود.

رئیس بنیاد خیریه امور بیماری‌های خاص اعلام کرده طی دو سال گذشته وزارت بهداشت آمار مرگ و میر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص را منتشر نکرده است.

رئیس مجمع نمایندگان طلاب: حدود الهی را در مورد پزشکان حرمت شکن اجرا کنید!

جلال رضوی مهر رئیس مجمع نمایندگان طلاب با اشاره به مسمومیت ۲۹ پزشک در شیراز به علت مصرف مشروبات الکلی تقلبی گفت: «پیگیری قانونی این موضوع یک وظیفه شرعی است که جلوی تکرار این قبیل حوادث حرمت شکنانه را گرفته و اجرای حدود در رابطه با رعایت مسائل شرعی برای آحاد جامعه موجب عدم تعطیلی حکم الهی خواهد شد و امیدواریم با عاملین و مسببین برخورد شود.» طبق قانون مجازات اسلامی مجازات نوشیدن مشروبات الکلی ۸۰ ضربه شلاق با مجازات‌های تکمیلی در سه بار اول است و برای بار چهارم، جزای آن اعدام است!

در یک نمونه که توجهات جهانی را نیز به خود جلب کرد، در تیرماه ۱۳۹۹ یک شهروند در زندان مرکزی مشهد به همین «جرم» اعدام شد! حالا یک طلبه خواستار آن شده که پزشکان مملکت که یک کار عادی در یک جامعه عادی انجام داده‌اند، یعنی نوشیدن مشروب، شلاق بخورند و اگر به تکرار مشروب نوشیده باشند، اعدام شوند!

آنهم در حالی که مقصر مسموم شدن و حتا جان باختن این پزشکان نیز همین طلبه‌های مفتخور و بی‌کار و مراجع آنها و نظام جمهوری اسلامی هستند که در خورد و خوراک همه فضولی کرده و زندگی را بر مردم ایران جهنم کرده‌اند.

رویا ذاکری در بیمارستان رازی؛

در چنگال سرکوب و بی‌خبری

رویا ذاکری «دختر تبریز» که به خاطر شجاعت در مخالفت با حجاب اجباری در اعتراضات سال ۱۴۰۱ بازداشت شده بود، اکنون در شرایطی نگران‌کننده در بیمارستان اعصاب و روان رازی تبریز بسر می‌برد. از ۱۱ فروردین‌ماه هیچ خبری از وضعیت او در دست نیست و خانواده و نزدیکانش از تماس با او محروم شده‌اند. این محرومیت از ارتباط، نگرانی‌ها را



رویا ذاکری در بیمارستان رازی؛
 در چنگال سرکوب و بی‌خبری

در مورد سلامتی او دوچندان کرده است. سینا یوسفی وکیل حقوق بشر در حساب ایکس خود نوشت «رویا ذاکری که دوران حبس خود را در زندان مرکزی تبریز سپری می‌کرد، از ۱۱ فروردین با تصمیم مقامات امنیتی به بیمارستان اعصاب و روان رازی منتقل شده است و به خاطر تحت نظر قرار گرفتن در بخش بوعلی امکان باخبر شدن از وضعیت ایشان عملاً ناممکن شده است.»



عکس هفته | تنها زن تماشاچی مسابقه پرسپولیس- نساجی!

یک زن دوستدار فوتبال و هوادار تیم پرسپولیس مسابقه پرسپولیس و نساجی را که دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ در «قائم‌شهر» (شاهی) استان مازندران برگزار شد تماشا می‌کند.